

# کتاب تصنیف کمالی حیدر آبادی

۷۳۷۹

نمبر دجله

آخر کتاب ۳۲۱

تاریخ دجله

کفر الانساب

نام کتاب

متفرقات

فصل کتاب

نمبر کتاب فن مذکور

۱۲۳

2054

۵ ۱۰ ۱۲	واحد منبر
۱۱	فن منبر
۱۲	کتاب منبر

فَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي دَاوُدَ

بِسُلْطَانِهِمُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَزَّ وَجَلَّ



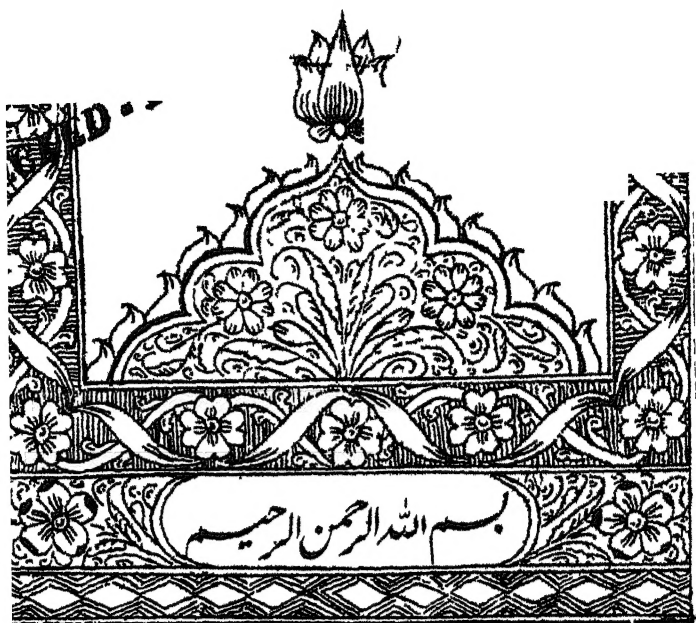
بِاهْتِمَامِ مَلَانِ الْوَلَدِينَ بْنِ حَبِيبِ الْاَخَانِ هَيْتَمِ مَطْبَعِ حَيْدَرِي وَصَفَرِي الْاَخِ بَنْدَرِ بَلُخِي

مَطْبَعِ صَفَرِي طَبْعِ شَدُ





الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصُرًا  
 وَالطَّرَافَ وَالسَّلَامَ عَلَى رَسُولِهِ سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا  
 وَمَوْلَانَا مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى خَيْرِ الْوَرَى سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ  
 مَنْعُوهَ حَقِيقَةَ الْحَمْدِ رِيَّةَ وَبَرَكَةِ الْكَبَرِيِّ وَعَلَى آلِهِ  
 وَأَهْلِ بَيْتِهِ سِرِّ غَيْبَةِ أَمَّةِ الْهُدَى وَعَلَى أَصْحَابِهِ  
 مَوْصُوفِ بِغَيْبَةِ مُحَمَّدٍ يَدْرَجَاتِ الْعِلْمِ سَلَامٌ تَسْلِيمًا  
 كَثِيرًا كَثِيرًا



سپاس بقیاس حضرت رب الناس اوست موسس اساس عالم ایجاد  
 و تکوین مبنای خلقت لبشر از ما و طین انسان را نسبت شرافت از خلقت دیگر  
 بپایه اعتبار رسانیده و شرف را به سبب سیادت از خلقت عصمت و حیا  
 پیرایه افتخار پوشانیده درود نامعدود و هدیه بارگاه حضرت رسالت نبینا  
 محمد المصطفی بنو پناه قبول باد که ذات پاک کرم اولاد حضرت آدم زینب  
 بخش خلقت و عالم تحفه سلام و تحیات زینب بحسب بعباد و بر صحاب  
 علی القاب امجد الامجاد الی یوم التناوباد **هـ** حبیبنا شرف انبیاء  
 که عرش مجیش لوح و تمکانه زبان تابود در دمان جاگیر دشنامی محمد بود و لایق

اما بعد گناش عتبه فیض تبر حضرت رسول القلین سید عطا حسین اشتر  
 عبد الرزاق کترین مشایخین آفاق ولد حضرت سید المشایخین سید السالکین  
 سید سلطان احمد قادری المنعمی الحسنی بن عمده المشایخین سید الوالدین  
 حضرت سید شاه علام حسین حشمتی المنعمی باقری نسب خفی المذنبین سید  
 سید متقی فی الجحان لوصول ذات الرحمان بر ضمیر عطفوت تنویر ناظرین کتاب  
 هذا نور یاد چه ذکر این خاکساز مهتدا و ایام حنین آرزو شست اگر انساب بزرگان  
 دین متین و پیران طریقه راه یقین یابد منسلک سلسله مبین سازد نصیب بهین بهضم حنین  
 آخر کار آند دولت را سلسله جنبانی کرده بهم رسانند بهر یکجا کتاب هذا منسلک گردانند  
 مطابق آنکه من جَدَّ قَوْجَدَ یعنی جوینده یافت ستاره این سعادت در  
 عین سفر حج بر پیشانی ام تافت باید شنید در شهر مدینه حین قیام کتابی دید  
 بحر الانساب و نیز در معاینه در آمد مقام گلشن آیا و کتاب  
 احساب الانساب و نیز خاوند ذکر اولاد و وارثه امام علیه السلام در  
 ثانی نسب لیا و متقدمین عالمی مقام که امام فلان می پیوند و نیز نجانه این فقیر  
 بود کتابی نسب نامه تالیف حضرت عم الاعظم و شریف مولوی سید شاه  
 وحید الدین احمد مبصره ساختند حسب الارشاه کلمات ارشاد تکرر برآمد  
 از زبان فیض ترجان والد ماجدشان سید شاه علام حسین  
 قدس سره و نیز در این کتاب نسب نامه اکثر مشایخین متقدمین و علمت غائے

از تحریر جدید چنین نیز کتابی یافت منظوم نسب نامه بزرگان دین عمده المشایخ  
که از تالیف شاه مخدوم بخش متخلص وافی فردوسی البهاری و بعد  
این کتاب در سفر یافت و نیز اینکه از وقت تالیف عم الا عظم فرزند فرزندان  
انها شده اند درج کتاب انهم را بر تلبیا مبضه ساخت و موسوم به کثر الانساب  
پرواغت درین کتاب تفریق تفصیل بچنین عنوان گردید اول مقدمه الکتاب  
بعده دو باب ضمیمه به ذکر نسب پیشینان بعده ذکر نسب خود زان بعده ذکر نسب  
سادات که بکدام امام پیوند و بعده سه فصل در نسب یونخ یعنی حضرات  
اصحاب ثلاثه سلمی و دو یک خاتمه و یک تتمه واضح باد این کتاب است برین  
یک مقدمه دو باب چند کینیت سه فصل اصل اصول مقدمه الکتاب  
بذکر نسب سالت مآب ذکر نسب حضرت نبینا محمد صلی الله علیه و سلم  
رسالت مآب حضرت اسد الله الغالب العلینا سیدنا علی بن ابی طالب بذکر  
ذریه خواجه عبد المطلب عینی جلای سرور ال غالب در دو باب  
ذکر حضرت حنین عینی در یکی و ذکر حضرت امام حسن مجتبی محمد اولاد  
و در دیگری ذکر حضرت امام حسین شهمید که بلا معاد لاد علیهما السلام  
حسب تفصیل ذیل ذکر جمیل و بجای تحقیق مصاهرت بدین ترتیب فرین یافت

### مقدمه الکتاب کثر الانساب

واضح باد بر هر کس فرو بشیر مسلم و مسلمیه واجب است داشتن چهار کرسی آنحضرت

نبینا محمد علیه السلام بروت ایمان نیز هر کس چهار کرسی خود و نستان بستر حکام  
 تقویت مصابرت مستحب است جنت نسبت شرف حال چون کتاب  
 نسب نامہ دست نموده آنکس علی انحضرت در تحریر مقصود مسکین بے تسکین فسانی  
 نسب نامہ انحضرت ختامه صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم کہ  
 یعنی سیدنا و مولانا محمد مصطفیٰ فرشی الهاشمی المطلبی ابن سیدنا عالیجاه  
 عبداللہ ابن عالی نسب خواجه عبدالطلب ابن سردار ہاشم ابن  
 عبدالمناف دیاب چار کرسی انحضرت است ہمین قدر کہ تحریر خست  
 بالانسابین کہ عبدالمناف ابن قصی لکلاب کمد ز طور شد تا عدنان نسب  
 عالیجناب و بالا از حضرت اسمعیل ابراہیم تا آدم است صورت اختلاف انحضرت  
 با عدنان کرده اند بیان بدانید عبدالمناف را چہاں سپری کی نوفل جد چہار  
 حضرت حمیر صحابی نبی و ثانی مطلب جد ہستم حضرت امام شافعی رحمہ اللہ  
 ثانی ہاشم و عبد شمس شدند ہر دو توأم بنشانتہا پیوستہ از شمس سر جدا  
 در اولاد ہر دو شمس ماندند ہر دو ہا آخر تم شد بر جناب سید الشہداء عبد شمس  
 اجداد امیر المومنین عثمان رضی اللہ عنہ و نیز اجداد حکم پدروان وجد  
 معاویہ ابن ابوسفیان ازین قبل جدا و کل نبی امیر و ہاشم پدرد جد انحضرت  
 و پدرد جد حیدر کرار یعنی جد جملہ نو عبد المطلب و نسب حضرت شیخین و اصحاب  
 من بقیہ از عشرہ مبشرہ ازین درجہ بالاست کہ می بینوند یعنی از قصہ بن

کلاب چنانچه نسب حضرت صداقت مآب از حضرت سید البشر رسالت مآب  
 پیوند بدرجه هفتم از مره بن کعب انجناب بنی تمیمند و نسب حضرت عدالت مآب  
 از آنحضرت صلی الله علیه و سلم بدرجه ششم می پیوند و از کعب انجناب بنی  
 عدوی اند مشهور و تفریق نسب خلیفه سیوم صاحب جیادرجه چهارم از آنحضرت  
 که تحریر سابق نمود و نسب الی حسب یعنوب المومنین لقب حضرت ابوالحسن  
 علی مرتضی اقرّب الاقرب یعنی بیک اسطه از آنحضرت می پیوند و بمصدق  
 حدیث بنی یاد خیر است انا و علیّا من نور و احکام یعنی فرمود آنحضرت  
 نور من نور علی احد است باید دانست نسب مادری آنحضرت صلی الله علیه  
 و آله و سلم بدیطور است جای غور است که بی بی آمنه خاتون بنت هب  
 بن زهره بن کلاب بدانند کلاب را دو پسری که قضی و دوی زهره هر دو  
 نام پسران خود نهادند عبد المناف پس هر دو عبد المناف اجداد جدی و مادری  
 آنحضرت شدند و حضرت سعد ابن ابی وقاص عمید الرکمن بن عوف  
 هر دو صحابه از عشره مبشره از اولاد زهره بن کلاب اند و دختر کلانی و هب  
 ابن عبد المناف بی بی ماله یکی از زوجة خواجه عبد المطلب الدیه بی بی صفیه  
 و حضرت سید الشهدا امیر حمزه رضی الله عنهما باید شنید اگر چه عم بنی حضرت  
 عباس آوردند ایمان بر بنیم نرفت بنی بودند و از امیر حمزه حد خصوصیت  
 برادر خالاتی برادر ضاعی بمنزلت اعلم ام المومنین حضرت خدیجه الکبری

بنت خویله بن اسد بن عبد الغری بن قسی بن کلاب اند مذکور الصدر و غیره  
 ابن هشام و ختمه دختر ششم والده حضرت عقیق فاروق هر دو برادر هشام  
 و ششم بن مغیره ابن حارث ابن عبد الغری ابن قسی بن کلاب اند و ابو جمل  
 از اعمام آنحضرت نیست غلط مشهور باعث مذکور ازین قریبت برادر نبی عام  
 حضرت ام المؤمنین صدیقه است پس ریحال خسراده شد عم نشد تصحیحاً بدین وجه  
 کرد است اکثر آنرا ابن عبد المطلب بجای برادر ابی اسد بشمارند غیر باید و است  
 خواجه عبد المطلب اده فرزندان مختلف الا بطان ششم بن عبد المناف را  
 سپرازان جمله دو ولد نامی یک **خواجه عبد المطلب** جدا آنحضرت سر است  
 و جد حضرت علی شریعت بودند و بمی **اسد** این ششم جد اداری حضرت  
 حمید کر اجنا آنحضرت حضرت مرتضی علی از جانبین نسب ششمی دارند از نجبا  
 تفصیل در بیت خواجه عبد المطلب نگاشته می آید بدینید سپر اولین خواجه عبد المطلب  
**حارث** از یکا بطن کنیت شان **ابو الحارث** بدین وجه ضرار  
 از یکا بطن عبد الغری سپر سوم از یکا بطن چهارم ابواب پنجم  
 مقوم هر یک از این مختلف بوده اند ششم خواجه عبد الله و اجد  
 حضرت محمد رسول الله هفتم به سیر از اجداد حضرت امام تاج فقه جد مخدم  
 شرف الدین هشتم خواجه امیر طالع حضرت مرتضی علی اسد الله غالب  
 و پنج خواهر ایشان برادران ثلثه از یکا بطن ماوراء و می عا که در مفا

و امیمه بیره خواهران ایشان بدانید ولد زبیر بودند ابو فر داما و حضرت  
 ابو دودا الفزاری که حدیث مخدوم کجی منیری اند مرار فیض الوار حضرت  
 امام تاج فقه در مکه مشرفه موجود است متصل باب عمره از ذریت انجناب  
 تاج فقه اکثر اند اولیا و کبار خصوصاً در نجوار حضرت بهار مخدوم الملک مخدوم شاه  
 شرف الدین قدس الله سره ابن مخدوم کجی منیری ابن مخدوم اسرار  
 ابن حضرت امام محمد تاج فقه ابن ابو بکر امام ابن امام ابو الفتح ابن امام  
 ابو القاسم ابن امام ابو الصّائیم ابن امام ابو الدهل ابن امام ابو الیث ابن امام  
 ابو سمره ابن امام ابو الذین ابن امام ابو مسعود ابن امام ابو در ابن زبیر ابن خلیفه  
 عبد المطلب بن هاشم بن عبد المذات که از اجداد آنحضرت اند علیه السلام  
 واضح باد از یک روجه سیدنا عباس بن عبد المطلب غم خیر الناس شریف  
 عباسی خلفا و عباسی ابنان حضرت عباس مشهور است اند فیصل ابن عباس  
 عبد الله ابن عباس فقه از طین سابقین مومنه بی بی الفاضل استند مادر  
 خلفا و عباسیه از ذریت انجناب خلیفه حضرت مخدوم الملک مخدوم شاه  
 امون اند مرار واقع در موضع تشیحو لو پر خرد الوان علاقه بهار فیض انما  
 مرار در بنی نسب نامه منو سید حضرت مخدوم شاه امون ابن مولانا شیخ ابراهیم  
 ابن شیخ عبد الرحیم بن شیخ عبد الرحمان ابن شیخ عبد الغفر ابن شیخ اسرار  
 ابن شیخ عبد الله چولوی ابن شیخ عبد الواحد حقانی ابن شیخ ابو القاسم



ابن شیح ابوسعود صفحانی ابن شیح ابونحیب بن امام ابوالولیس ابن امام ابوسعید  
 ابن امام ابواللیث ابن امام ابویسحاق ابن امام ابو زید بن امام عبداللہ ابن  
 حضرت عباس ابن خواجہ عبدالطلب جد نبی صلی اللہ علیہ وسلم حضرت امیر  
 حمزہ ابو عمارہ الیکلسی عمرہ و نام دختر قاطمہ بنت حمزہ و دیگر برادران نام یازدہ  
 الاکسی موزین کز دیت ایشان تحریر نمود الا خواہر عیسا حضرت امیر حمزہ بی بی  
 صفیہ بنت عبدالمطلب منہ سابقہ مادر حضرت زبیر ابن عوام بن خویلد حضرت  
 زبیر داماد حضرت صدیق اکبر از بطن بی بی اہماستہ سپہ عبداللہ ابن نبیر عروہ  
 ابن زبیر مصعب ابن زبیر عروہ محدث شدند و حضرت مصعب ابن زبیر زوج  
 بی بی سیکینہ دختر حضرت امام حسین علیہ السلام ندیشہ نواز عات نبی ایمان  
 آوردند بی بی صفیہ بی بی عاتکہ و دو عم ایمان آوردند حضرت عباس و حضرت  
 امیر حمزہ آنحضرت چہار عم را دیدند از جملة اعمام ایمان آوردند و ابواب کافر شد  
 ابیطالب بین مذنبین اندوخت از وراج نبی آنحضرت بنیامحمد المصطفی  
 صلی اللہ علیہ آلو سلم اولین حضرت ام المومنین بی بی حدیجہ الکبری  
 بنت خویلد کہ از بطن پاک ایشان کل اولاد نبی علیہ السلام غیر سیدنا ابراہیم کہ  
 از بطن ماری قبطیہ شد ندی عالم ضاعت تشریف بردند بسوی جنت عقیان نامند  
 ثانی ام المومنین محترمہ بی بی عاتکہ صدیقہ رضی اللہ عنہا بنت حضرت  
 صدیق اکبر رضی اللہ عنہ اولاد نشد از ایشان ثالثہ ام المومنین بی بی حفصہ

بنت حضرت عمر رضی اللہ عنہ ابی ام المومنین حضرت زینب بنت جحش و دختر  
 عمه نبی بودند فامس اسم المومنین **سود** بنت رمعه بن قیس ساوس ام المومنین  
 زینب بنت خرمه لقب ام المساکین بن حارث سالیحه ام المومنین ام سلمه  
 بنت ابی اسیم که بنت عاتکه عمه نبی بودند فامس اسم المومنین ام حبیبه و دختر  
 ابوسفیان خواهر امیر معاویه تا سمع ام المومنین حضرت میمنه بنت الحارث عاشر  
 ام المومنین صفیه بنت حی ابن اخطب انبریت حضرت هارون نبی علیه السلام  
 بودند یا زوهم بی بی جویره بنت الحارث ابن سعد و زوده بی بی مارقیه  
 بی بی شیرین سیده شده و در چارده کرکی مطلقه شدند و ذکر فرزندان  
 آنحضرت سیدنا محمد علیه الصلوه و السلام که از بطن ام المومنین  
 خدیجه الکبری بوجو آمدند و در عالم شهید بنید و پس چار دختر از  
 بطن خدیجه پاک شمره سیر لاک شدند و لد اول سیدنا قاسم پور پیغمبر العمر  
 بست هفت سالگی آنحضرت تولد یافتند بعمر سته ساله حلت کردند و الله و انما هم  
 رجوعون ثانی ولد سیدنا عجب الله که بعد عیش بنی بعمر چهل سالگی آنحضرت  
 آمدند بوجو و لقب طیب و طاهر بودند از جنایا برقیالی و رایام ضاعت بخلد  
 برین شتافتند بعد حلت ایشان سوره کوشه شدند و ل حبت ارتفاع ملال  
 و گوینده ابتر شد و ولد نبت کلانی حضرت رسول ربانی بی بی زینب بنت بعمر  
 سنی سالگی آنحضرت تولد شدند و از خوانه زاده ام المومنین خدیجه الکبری

الی العاص کتخا شدند از لطن آن بی بی دو اولاد شد یک پسر و یک دختر نام پسر  
 شد علی که بعالم شباب نوجوان قضا نمود و نام دختر بی بی امامت زینب  
 که حسب وصیت بعد طاعت جناب سیده فاطمه مهر این زوجیت جناب حضرت علی  
 مرتضی کرم الله وجهه درآمدند از لطن این عقیقه یک پسر شد محمد مجاور وسط بن علی  
 همراه برادران در میدان کر بلا براه شهادت جان بحق نمودند تسلیم فرمایند  
 بی بی زینب بیجا اقیام باقی دختر ثانی محبوب ربانی بی بی رقیه که بعد از سه سالگی  
 عمر لیث انحضرت متولد شدند بود و نکاح حضرت عثمان عجمی رضی الله عنه  
 درآمدند عبد الله اکبر از لطن پاک ایشان بوجود آمدند سه ساله کردند از بیجان  
 انتقال بعد انتقال حضرت رقیه دختر ثالث انحضرت بی بی کلبثوم که بعضی  
 و شمش سالگی انحضرت تولد شدند در عقد و نکاح حضرت عثمان ذی النورین  
 درآمدند از لطن این بی بی عجمه الصخر بوجود آمدند در طفولیت رحیل ملک بقا  
 شدند عقاب مانند قبل از نکاح حضرت باحیا در صغر سنی هر دو در نکاح هر دو  
 برادر عیدیه و عقیقه ابنان ابولهب بودند که بعد نکاح انحضرت به حسب مشرف شدند  
 ابولهب پسران کافر شدند و میان کفر و اسلام نکاح بطل خلع واقع شد بنمود  
 هر دو خواهران بیلوغیت نرسیده بودند بعد چند سال یکی بعد دیگری  
 در عقد و نکاح حضرت باحیا عثمان ذی النورین داخل شدند عقاب  
 مانند نسل حضرت رسول مقبول از حضرت تبول در خبر است که فرمود انحضرت

بشیر و نذیر آینه محمود نسل نبوی در لپشت بر نبی و نسب محمد در لپشت علی واضح باد  
چون بسال دوم هجرت کردند عقد نکاح واقع شد از جناب سیده النساء بتول  
فاطمه الزهرا رضی الله عنها با حضرت اسد الله الغالب علی ابن ابیطالب  
در شان پاکد منی فرمود انحضرت آینه محمود الفاطمة بصفتیه منی یعنی فاطمه  
پاره جگر من است الحصول چون قرآن السعدین شد از حضرت علی بی بتول سربانی

## یافتند ابیات

بابنت نبی چو یافت تزویج

چون گشت بحق و تران سعیدین

دو لعل ازین صدق برآیند

سر آینه کرمی ظهور رسید آیت

هر مرتبه علی عطا شد

از چرخ نهم چنین ندا شد

مسرور علی ازین صدا شد

مَرَّحَ الْبَنِيَّ يَلْتَقِيَانِ از لطن پاک بنت سر لولاک دو فرزند بوجو آمدند  
یکه بعد دیگری مبعوضه و پذیریت نبی شد صورت سودناری شدند جو و  
از رشک گل مقصود مطابق کلام بانی تَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ  
باید دانست مراد از لؤلؤ یعنی مروارید نسبت انحضرت امام حسن مجتبی که مروارید  
سفید رنگ است نیز الماس بنین جبهه شهادت انحضرت است و مقصود از مرجان  
سرخ رنگ شمه شهادت جناب انحضرت امام حسین علیه السلام است الحق  
بدانید بعد تولد ان نیرین حضرت محمد مصطفی پسروم نیر جناب انحضرت  
علی مرتضی تولد یافتند بایام ضاعت سدنا محسن بسوی جنت شتافتند

هر دو فرزند بجای فرزند حضرت رسول مقبول تا حیات معین زنده ماندند  
 اولاد شد ز نسیب دخت کلانی حضرت علی مقبول را بی که از ضرب عجمه القدر  
 ابن جعفر طیار برادر عمراد منسوب زنده و گوهر لطن آن بی بی نیز متولد شد  
 محمد عیون محمد جعفر نوجوان جام شهادت نوشیده در کربلا گرفتند  
 لاه خدا و ایلار اعقاب ایشان مانند دختر ثانی حضرت شیر خدای بی کلثوم  
 در عقد نکاح حضرت امیر المومنین عمر فاروق درآمدند از لطن این بی بی فرزند  
 زید نام تولد شدند و رایط مفلوحت چنان بحق کردند سیم دختر سیم جانتبول  
 بی بی رقیه به عمر و ساگی حلت ساختند ازینها عقاب نماند خبر حضرت  
 حسین فرزند رسول مقبول واضح با نقل مشهور این عام خاص مذکور  
 مراد از ذریت سیادت از بی فاطمه است و اولاد ماضی علی چرا که  
 لقب سیادت به پنج است پنج ای نکته سخ که آنحضرت چنین فرمود حدیث  
 اَنَا سَيِّدُ الْبَشَرِ وَ سَيِّدُ الْاَنْبِيَاءِ وَ سَيِّدُ الْمُرْسَلِينَ يَا عَلِيَّ أَنْتَ سَيِّدُ الْاَعْرَابِ  
 وَ سَيِّدُ الْاَوْلِيَاءِ وَ الْفَاطِمَةُ سَيِّدَةُ النِّسَاءِ الْعَالَمِينَ وَ الْحَسَنُ  
 وَ الْحُسَيْنُ سَيِّدُ شَبَابِ فَضْلِ النِّجْمِهِ اَزین حکایت و روایت  
 رسید به ثبوت پنج سیادت بدانند اولاد حسین معمور به پنج سیادت هستند  
 الا سید علوی را یک سیادت است ابوی در بیان اولاد علی  
 از لطن غیر بتول از اینجا ذکر سیادت علویت واضح باد از لطن پاک

سیده شش فرزند سید و سده ختر و آمدند بوجو باقی از ابطان دیگر زوج با  
معروف است که سبت چهار اولاد شده پس باقی دختران جای ذکر به تفصیل  
خواندگاشت بدانید از سه فرزند نسب علوی اولاد ماند باقی در وایت است  
که حضرت مخدوم نصیر الدین چران و دهلوی را نسبت فرزند بی حضرت عباس  
بن علی که علمدار بودند بهشت مورالاد کتب نیافتمی نگاشت و از فرزند علی  
محمد حنیف ابن حیدر کرار اولاد است مشهور چنانچه سید محمود غازی  
ابن سید محمود ابن سید عبداللہ ابن سید محمد اللہ ابن سید عبدالکریم ابن امیر حمید  
ابن سید محمد حنیف ابن حضرت مولا علی کریم السلام و نسب مادری سید  
سالار غازی ابناء ملوک است سلطان محمود غازی خال ایشان بودند  
و نسب جدی حضرت خواجہ محمد الیوی رحمۃ اللہ علیہ کہ خلیفہ حضرت امام  
ابو یوسف بھلانی اندیز می پیوند بدینطور است خواجہ احمد لبوی  
ابن سلطان خواجہ ابراہیم ابن سلطان خواجہ امیر محمود ابن سلطان خواجہ  
عبدالفتاح ابن سلطان خواجہ عمر ترکستانی ابن سلطان خواجہ عثمان  
ابن سلطان خواجہ امیر حسین ابن سلطان خواجہ موسیٰ ابن سلطان خواجہ  
اسماعیل ابن سلطان خواجہ موسیٰ ابن سلطان خواجہ یارون ابن سلطان  
خواجہ اسحاق ابن خواجہ عبدالرحمن ابن خواجہ عبدالرحیم ابن خواجہ عبدالقہار  
ابن امیر عبدالفتاح ابن حضرت محمد حنیف ابن حضرت علی حیدر کرار وزیر

منقول است نسب حضرت مرزا مظفر جان جاناں سرہند مجدیہ سبب لشت  
 واسطہ فرزند ی بحضرت امیر محمد حنیف میرسد و نسب میرزای جانب ماوری  
 بامیر تیمور میرسد نسب نامہ حافظ محمد یعقوب باز حضرت عمر ابن علی  
 حیدر کرار میرسد بدینطور کہ حافظ محمد یعقوب ابن حافظ عبد اللطیف  
 ابن حافظ محمد یوسف ابن امیر سید عبد الجلیل ابن مولانا سید عبد الفتاح  
 ابن امیر ادریس ابن امیر لونس ابن امیر عبد الجبار ابن امیر ابو بکر ابن امیر  
 عمر ابن قاضی سید ابو الفتح لاہوری ابن سید حاجی علی ابن امیر محمد ذکریا  
 فقیہ ابن مولانا محمد یحییٰ زہد ابن میر سید زہد ابن مولانا سید عابد ابن حافظ  
 سید منصور ابن قاضی سید عالم ابن مولانا محمد اکرم ابن حافظ سید احمد ابن  
 حافظ سید محمد ابن امیر سلیمان ابن امیر عبد اللہ ابن سید امان اللہ ابن سید  
 علی ابن سید احمد ابن سید محمد اکبر ابن سید ناعم ابن حضرت علی  
 کرم اللہ وجہہ واضح باد اکثر سیادت علوی نسب در ستار بہر امصار و دیار چون  
 نسب نامہ نیافت متعذر شد از تحریر و نگاشت ذکر در بیت حضرت  
 عقیل ابن ابیطالب ذکر در بیت حضرت جعفر طیار میکنم الا اول  
 بی بی ام ہانی بنت ابی طالب کہ از آنحضرت بسیار محبت و عقیدت داشتند  
 علاوہ نسب عمر ادگی منقول بودند چنان کہ در خانہ برکت نشانہ ایشان  
 واقع مہراج نبی بسوی آسمان ذی اولاد شدہ کیفیت ذکر بیت دریافت نشد

الاذریف حضرت عقیل کلانی فرزند مسلم بن عقیل که در کوفه بر تیره شهادت  
خون جسمی شان شد بطور سبیل و بر وفزند ایشان محمد ابراهیم بیوجه  
شدند براه حق قتیل و کل ذریف شان در کربلا همراه سید الشهدا بر تیره  
شهادت جان بحق کردند تسلیم حضرت جعفر طیار راسه از لطف بی بی  
اسماء بنت عمیس یکی عبدالمدا بن جعفر که از حضرت زینب

و دختر علی رضی کریم الله وجهه کنه شدند و فرزند از لطف پاک آمدند بوجود  
محمد عیون محمد جعفر هر دو وصف کر بلا شدند شهید قاتل شان مطیع  
یزید اولاد باقی نماند الا بهر دو اولاد برادر باقیست محمد عیون ابنان  
جعفر طیار اگر خود را جعفری و زینبی گویند زیبا نیست چه که ذریف حضرت  
زینب را اعتقاد نماند واضح بود یک از اولاد بهر دو برزگوار امیر عطاء الله  
نامی بمنزلت گرامی وارد بدین دیار شدند و در بارشاهی و سوخت بجز سائید  
مغزو و ممتاز گشته فرایین و بهیات حصول کرده یافته از چندی بسرنبدی  
سکونت قصبه چلواری ضلع پٹنم کردند اختیار چنانچه اکثر مشایخین  
این دیار نسبت نسب خود با امیر عطاء الله مدوح می پیوندند و آنچه که  
باستماع آمده این خاکسار از زبان فیض ترجان جد بزرگوار خود و اولادین  
عمده المشایخین جناب حضرت سید شاه علام حسین قدس سره دانا پوری  
درین صفحه نگار و آنچه که در زنبیل خود دارد می آرد یعنی صاحبان کن



چهل شمع خلع جو پور یکی از رؤسا و مشاهیر مولوی علی کبیر و برادران  
 و خواهر زادگان شان جعفری نسب دارند چنانچه ازین خاکسار هنگام عمده  
 روزگار سرکاری ناپایدار خلع غازی پور ملاقات شد از مولوی محمد طهور  
 صدر الصد و خلع غازی پور و نیز حسین سنج ملاقات شد از برادر کلانی شان  
 اندر حسین رئیس مولوی عید الشکور عند التذکره کرد بیان فریت  
 خود بامیر عطاء الله جعفری نسب چنانکه جناب حضرت جد ماحد فرموده بودند  
 وزیر بلاومت خود بشهر الہ آباد از آنحضرت بیان میکردند و نیز مولوی  
 مدوح وقت مراجعت سنج پیرا آمدند این فقیر حقیقتاً بے آورده  
 بودند در ذکر آل امیر عطاء الله بودم و در ذکر مشایخان پہلواری  
 کہ خود را بفریت امیر عطاء الله نامند یعنی شاه طو الله رحمۃ الله علیہ  
 والد ماجد شاه مجیب الله کہ والد ماجد و پیر مرشد حضرت شاه نعمت الله  
 قادری پہلواری رحمۃ الله علیہ بودند و نیز مولانا عمار الدین قلندر  
 قادری کہ پیر مرشد جناب حضرت شاه مجیب الله قادری بودند و  
 نیز از فریت امیر مدوح مولوی شاه وحید الحق و اما شاه مجیب الله  
 علیہ الرحمۃ کیفیت فریت ایشان خوب میدانند و رحمۃ کتاب خواهد نوشت

تفصیل در امر کہ فرزندان ایشان بسیارند

باب اول ذکر اولاد حضرت ماحسن محبتی علیہ السلام بر دو بیت

{ نسبت اول در ذریع  
 حضرت امام حسن علیہ السلام }

واضح باد از تحریر مورخین سابقین این دو حاج حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام و قرب  
بینجاه شش وجه آمده اند و شمار چهره آنحضرت بود نکثیر النکاح بعد شریعی کمی  
بعد دیگری چهار زن موفق شدند و میکروند طلاق کثرت نکاح بود و تمنای  
ارشا و آنحضرت صلی الله علیه و سلم و آنحضرت شهر بانو بودند رضی الله عنهما  
و در کتب تواریخ کل سها و وجه آنجناب نیافت که می نگاشت الا سها و چند جای یا  
می نگار و بداند و وجه اولین خوله بنت منظور بن حید را از اولاد هاشم بن  
عبد المنیاف هاشمی نسب از طبن این روحه یک فرزند رتبه بلند جناب حضرت  
امام حسن مثنی رضی الله عنه و از طبن بی بی صفوره بنت سعد بن زید بن  
خطاب یعنی از اولاد برادر حضرت عمر خطاب رضی الله عنه یک دختر بی بی عائشه  
شماره کنیا ام عجمه زینب فاطمه ثانی نام نهشته اند مورخین ابن بی بی و وجه حضرت  
علی ثانی امام زین العابدین ابن امام حسین علیه السلام که دختری امام  
حسن مثنی از دخت عم بزرگوار حضرت امام حسین علیه السلام کردند نام  
نامی این بی بی فاطمه صغری از طبن عقیقه تولد شد سیدنا عجمه الله  
المحصنه حضرت امام حسن مجتبی و نواسه حضرت امام حسین شهید کربلا که از  
اجداد و امجاد حضرت خونت ثقلین سید عجمه القادر جیلانی رضی الله عنهم

و فرزند بی بی ام عبد الله عايشه ثانی حضرت امام محمد باقر بن حضرت  
 امام زین العابدین نواسه سید الشهدا امام حسن مجتبی رضی الله عنه فریات  
 این حضرت ملقب بیاوات حسنی و حسینه و حسنه الحسنه اند کیفیت ذکر نسبت بیشتر  
 نگاشته خواهد شد و در اینجا تفصیل از رواج حضرت امام حسن علیه السلام می آید یعنی  
 باید شنید بی بی ام البشیر دختر مسعود الصاری از لطن این بی بی متولد شدند  
 سیدنا قاسم بستند و از زوجه رابعه بی بی ماهره تولد شدند سیدنا  
 عبد الله بن امام حسن مجتبی و از لطن و وجه خامسه بی بی زاهده سیدنا  
 ابوبکر بن حسن تولد یافتند و از لطن و وجه سادسه بی بی ام ولد سیدنا عمر  
 بن حسن پدید شدند و از لطن و وجه سابعه بی بی سعدا تولد شدند سیدنا  
 محمد بن حسن مجتبی از لطن بی بی انیسسه ثامنه و از لطن بی بی طاهره  
 چند دختران بوجود آمدند و نیز بودند چند زوجه بی بی فاضله بی بی محموده  
 بی بی نفیسه بی بی خدیجه و بی بی عابده و دختران متولد شده باشند  
 کل چارده از رواج آمد بشمار الا واحده جعده بنت شعث که همایم نام بود  
 کانه زهم نوشیده شهادت یافتند اما الله و اما الیه اجعون و کفر فرزندان  
 حضرت امام حسن متشنی در کتاب امامیه مایه و همچنین نگاشته اند و دختران  
 بست تحریر میکنند الا اهل سنتن موخرین معتمدین همیشه نوشته اند که در تحریر  
 و آید باید است سیدنا ابوبکر سیدنا ابراهیم و فرزند سیدنا عمر

سید جعفر و ابن سیدنا محمد و داند یکی سید ابراهیم و وی بی سید ادریس و فرزند سیدنا  
 عبد الله سید یونس و سید سلیمان کیفیت ذریت حضرت قاسم در یافت نشد  
 باید شنید اولاد سید ابراهیم الی سید نوح و سید یحیی سید داود اند و  
 فرزندان سید جعفر بن عمر زید ششید و اولاد سیدنا محمد سید موسی  
 و سید یحیی و سید جعفر و سید ابو بکر و ذند و اولاد سید عبد الله سید یونس  
 و سید معیل و سید حاق ذریات ایشان وقت دوره امارت بنی امیه  
 و خلفاء عباسیه خروج کردند بعضی از صولت آنها فرزند بعضی شدند ششید  
 شمره نسبت و م با الی ل ذکر اولاد حضرت امام حسن مثنی جدا  
 حضرت عوث الثقلیین باید دانست بحضرت امام حسن مثنی پنج فرزند  
 شدند از آنجمله اولین سیدنا عبد الله محض ثانی سیدنا ابراهیم ثالث سیدنا  
 عمر رابع سیدنا حسن مشلت خامس سیدنا صغیر این همه از طبنجی فاطمه  
 صغری بنت حضرت امام حسین علیه السلام از طبنجیه و میمه سیدنا داود  
 و سید جعفر و سید صغیر عمر گویند اولاد حسن مشلت باقی ننمادند دیگران باقی  
 شمره سیدوم سیدنا عبد الله المحض رابع پنجم سیدنا از طبنجی بی بی رقیه دختر  
 حضرت امام زین العابدین علیه السلام سه فرزند سیدنا موسی ابجور و سید  
 محمد و سید ابراهیم و از طبنجیه جاریه سید ادریس و سید یحیی ذریت ایشان علاوه  
 از ذریت حضرت موسی ابجور که تفصیلاً نرنگاشته خواهد شد اولاد سید محمد

شمیمه بنی فرزند کلانی ایشان سید قاسم ثانی سید ابراهیم سید موسی سید عبد الله  
 بلکه بعضی اهل مذہب باطله و نواصب و خوارج سید محمد ابن سید عبد الله المحض  
 را مہدی موعود و انتہی چہرہ کہ نام پدر عبد الله و نام مادر آمنہ بود منصوب و الفی از  
 خلفاء و عباسیہ بود اول شیعہ محمد بن محبوب بن موسی و بعدہ شیعہ کرد و حال ذریت  
 سید اور پس سید ابراهیم سید یحیی کہ کسی کتاب فیتہ نشد کہ می نوشت شجرہ چہام  
 نسبت و مہم باب اول سید ناموسی کہ بسبب بگ سیاہ والدہ ایشان  
 چون گفتند معنی چون سیاہ رنگت کہ خدای ایشان یعنی سید موسی ایچون از دختر  
 نخستہ دختر امام محمد باقر علیہ السلام شد نام آن بی بی رقیۃ ثانیہ و فرزند  
 از لطن این بی بی شد نہ متولد یک سید ابراهیم کہ عقاب ایشان نمائند ثانی  
 سید عبد الله ثانی کہ لقب بود نہ شیخ صالح کہ خدای ایشان از بی بی  
 مالہ دختر حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام شد از لطن این بی بی پنج  
 فرزند تولد گشتند سید اکبر سید موسی ثانی کہ بودند از اجلہ حضرت غوث الثقلین  
 ثانی سید سلیمان ثالث سید احمد رابع سید یحیی خامس سید ابوصالح  
 ذریات ایشان جانب بخارا و ترکستان بسیار اند شجرہ پنجم  
 نسبت و مہم باب دوم مذکور موسی ثانی کنیت ایشان ابو عمر کہ از دختر امام موسی  
 کاظم علیہ السلام کہ خدا شد نہ نام بی بی طیبہ از لطن این بی بی بوجود آمدند  
 ہفت سپہویار و ہا پس از عارہ برومیہ حضرت موسی ثانی در دو ہجری از شیعہ

از ششمین منزله شدند شهید قاتل حضرت مطیع نیز پیدا و لاد ایشان از همه پسران شد  
 آخر عقاب نماند جز حضرت شد داود و دختره ششم نسبت دوم باب اول  
 خلف الرشید سید موسی ثانی سید نادا و او و محمد لقب از اجداد حضرت غوث الثقلین  
 بودند نام خوان شان یافت نشد که خدای حضرت شد داود از دختر خجسته اختر  
 حضرت امام علی موسی ضا شدند نام آن بی بی بنیه بود و یک فرزند کیفیت  
 دیگر دریافت نشد دختر هفتم نسبت دوم باب اول در ذکر سیدنا  
 محمد کنیت ابو القاسم معروف رومی که خدای ایشان شد از دختر یک از منجی عالم  
 سید حمزه نام سیده دختر شان بی بی مبارکه که از لطن این بی بی سیدنا  
 یحیی زاید تولد شدند و وجه سید یحیی بی بی عصمت بودند دختره ششم  
 سیدنا یحیی را از لطن بی بی رضیه دو فرزند یکی سید عبد الله که عقاب نماند  
 دومی عبد الله شدند دختره هفتم که خدای سید عبد الله ثالث از دختر  
 اخوان شد از بی بی رحمت گردیدند فرزند شدند از انجمله اولادیک باقی ماند  
 دختره دهم نسبت دوم باب اول واضح باد سیدنا ابوصالح کنیت موسی نام  
 جنگ دوست خدای لقب کردند ابو الاولیا سید الاصفیا بسیار عابد و زاهد شیخ  
 کاملین سید العارفین و وجه حضرت بی بی امم الخیر فاطمه ثانی دختر حضرت  
 سید ابو عبد الله صومعی که این حضرت در قریه جیلان زاویه بنا کرده لعبادت  
 الهی بودند مشغول کیفیت کرامات جد ماری حضرت غوث الثقلین بسیار است

به بسط و طول احاصل از بطن این غفیفه دو فرزند یکی سید ابوالاحسان فی معرربانی  
ثانی حضرت غوث اقلید قطب بانی محبوب سجانی سید عبدالقادر حبیبانی صاحب سلسله  
مغربی موجب طریقه قادریه که از نام پال حضرت نسوب است عقیدت انجناب بکر بس  
مطلوب است نام خواهران حضرت غوث پاک بود بی بی جلیله بی بی رقیه همدرد  
پاک بی بی بصیر بی بی جمیل و فرزند انجناب بودند یازده رتبه بلند ذریه هر یک  
پسران شریف الاولاد سته فرزندان در نخواستار رسیده اند از شاخ شجره دریا و شجره  
اولین سیدنا سیف الدین عبد الوهاب ثانی سیدنا عبد الرزاق  
شهره آفاق ثالث سیدنا عبد الغفری سجاد نشین بعد از فرزندانشان  
هستند یمن بزرگوار الاولاد رسیده اند در نخواستار و مصار باید شنید از سیدنا  
عبد الهادی خامس سیدنا عبد الجبار سادس سیدنا شرف الدین  
سابع سیدنا یحیی که حضور اند حسب رشتا و والد ماجد خود و شعب جلالی یار  
مغرب نجفی اند متظلمات حضرت عیسی علیه السلام ششم سیدنا  
موسی تاسع سیدنا ابوالاسحاق عاشق سیدنا ابراهیم احد عشر سیدنا  
عبد الجلیل الوافد و نسب مشایخین اینچنین یافت آسمان این نسب بزرگوار  
الاحین اقامت مدینه طیبه مکه مشرف از بزرگی دریافت شد که بجز حضرت یحیی  
که حضور اند و دیگر برادران ذوی اولاد اند و الله اعلم حاصل نسبیه مشایخین اینچنین  
ازین سه فرزند منی میشود از دیگران نه یعنی زراقیه اند و بابیه اند و غیر این

بجل نسب نامگان بزرگوار خواهد نوشت الارزافیه کثیر اند و نسب نامه جانب مادی حضرت  
 غوث الثقلین جعفری نسب اند و نیز نسب سب مادی چنانحضرت خواجہ بزرگ  
 [ ] نیز جعفری اند و نسب مادی حضرت شیخ الشیوخ تیر جعفر [ ]

شجره نسب حضرت قطب الدین بنیاول جوینوری برادر ارشدان سید فضل الله  
 واضح باد سید قطب الدین بنیاول جوینوری و سید نصیر الدین والد سید فضل الله  
 عرف سید گوسائین هر دو برادر اعیانی از فرزندان میر سید حسن قادری ولد  
 میر سید علی قادری ابن میر سید امیر الدین ابن میر سید قیام الدین ابن میر سید  
 صدر الدین ابن میر سید رکن الدین ولد میر سید نظام الدین ابن میر سید قطب الدین  
 ابن میر سید احمد قادری ابن میر سید یوسف قادری ابن میر سید عیسی قادری  
 ولد میر سید جعفر قادری ابن میر سید قاسم قادری ولد میر سید عبد الله قادری  
 ولد حضرت سیدنا عبد الرزاق ولد حضرت غوث الثقلین سید عبد القادر جلالی  
 رضی الله عنه ثمره آن بایستند حضرت سید فضل الله عرف سید گوسائین  
 قدس سره برادرزاده و داماد و مرید و شتر شد و تلمیذ و خلیف حضرت سید قطب الدین  
 بنیاول جوینوری اند فرزندان فاضل الانوار سید فضل الله و برهاسپ و نیز اولاد  
 شان و فریق اند نزد بپن کمر الاند و بپن مایه بیشتر اند و فرزندان شان شنبست  
 و اولاد حضرت سید قطب الدین بنیاول جوینوری موضح کمره ماکپو علاقه شهر  
 آله آباد اند و قطب سید مشهور اند سنت جماعت نزد بپن اند از انجمله خا سید شاه



منظر علی ساکن کثره بودند والد ماجد سید مظفر کریم آلہ ابادی شجرہ شمس  
 قادری حضرت سید محمد قادری مجبوری معروف است استانہ امجرہ  
 باید نیست حضرت سید محمد قادری ابن سید شاہ شمس الدین محمد در لیش از دیار  
 مغرب شہر دہلی نمونہ معمر یدان و خادمان در ستانہ امجرہ گنہ اول حسب  
 بشارت جد بزرگوار سکونت الموضع کردند خستیار مزار فیض استارست درین بار  
 حالا طور نسب منو لیسد اینجا کسار باید شنید سید محمد قادری ابن سید الدین  
 محمد در لیش قادری ابن سید شاہ عالم قادری ملقب بشاہ کلان کلان ابن سید  
 شاہ عبد الرحیم قادری ابن سید شاہ عبد الفتاح قادری ابن سید شاہ عبد الوہاب  
 قادری ابن سید شاہ عبد الرحمن قادری ابن سید شاہ عبد اللطیف قادری  
 ابن سید شاہ عبد الحی قادری ابن سید شاہ عبد الحلیل قادری ابن سید شاہ  
 ابو القاسم ملقب بشاہ عبد الرحیم قادری ابن سید شاہ عبد الرزاق قادری  
 خلف ثانی حضرت محبوب جانی سید عبد القادر جیلانی رضی اللہ عنہ  
 ذکر ذریعہ این حضرات جامی مصاہرت ایشان فی فضل خود نوشت بسند  
 دو فرزند تربلند سید محمد قادری یکی سید جلال الدین قادری ثانی سید  
 معین الدین قادری حالا جانشین اینجا از اولاد سید معین الدین هستند  
 چنانچہ سید شاہ اطیب اللہ قادری رحمۃ اللہ علیہ خلف الرشید شان  
 سید شاہ عبد الرشید عرف شاہ حمفی علیہ الرحمۃ بودند دو برادر دیگر

سید شاه امیر الله عرف پدوی و برادران عمر و اشیان سید شاه عبدالرزق  
 عرف کهوئی سید عبدالکریم السید عبد الحلیل تفصیل این جای کرده خواهد شد  
 ثمره دوم شجره نسب قادری حضرت میر سید علی قادری دهلوی پسران  
 فرمادیه باید دانست بن میر سید علی قادری پیر اجازت طریقه قادریه خجاست  
 مرزا شاه فرمادیه سره ابوعلی اندیس بدانید میر سید علی قادری ابن  
 میر سید یوسف ملقب خاکی ابن میر سید ابو محمد قادری ابن میر سید اسماعیل قادری  
 ابن میر سید محمد قادری ابن سید قاسم قادری ابن میر سید عبدالباسط قادری  
 ابن میر سید احمد قادری ابن میر سید محمد قادری ابن میر سید حسن قادری  
 ابن میر سید علی قادری ابن میر سید محمد قادری ابن سید احمد قادری ابن میر  
 سید یحیی قادری ابن میر سید احمد قادری ابن میر سید حسن ابو نصر قادری ابن  
 حضرت سیدنا عبد الرزاق خلفا رشید ثانی حضرت محبوب بجانی سید  
 عبد القادر جیلانی رضی الله عنه اولاد مجاد ابن بزرگوار بنور در شهر  
 دہلی موجودند ثمره سوم شجره نسب قادری حضرت میر سید عبدالرسول  
 قادری سالک دانا پور واضح باد میر سید عبدالرسول بن میر سید علی قادری  
 از دیار ملتان از هندوستان گشته بدینجا رسیده اقامت پذیر گشتند  
 چون شرافت و نجابت از حسین نشان بود و هویدا در دانا پور سادات صنوی  
 مصابرت واقع شد یعنی از دختر خجستان دختر میر سید عماد الدین ابن میر سید

عبد الفتاح عرف قاضی سید بڑے کد خدائے نذوی اولاد گشتند بایستند  
 میر سید عبدالرسول بن میر سید علی قادری ابن میر سید عبد الحلیل ابن میر سید  
 محمد خلیل بن میر سید محمد جمیل بن میر سید بدر عالم بن میر سید ظفر عالم ابن میر سید  
 مظهر عالم ابن میر سید احمد قادری ابن میر سید دریس قادری ابن میر سید

بابو الفتح قادری ابن میر سید حسن قادری

ابن میر سید علی قادری ابن میر سید صدر عالم قادری ابن میر سید عبد الرحیم قادری  
 ابن میر سید ابوالقاسم قادری ابن میر سید محمد باشم قادری ابن میر سید سیدنا  
 عبد الرزاق خلف الرشید ثانی حضرت محبوب جانی سید عبد القادر جیلانی  
 شجرہ چہارم شجرہ نسب رزاقیہ مذکور نسب میر سید محمد محمدی  
 مشہود بادین میر سید محمد مہدی یکی از سیادت عظام عالم مقام زرارکین  
 سلطنت شہر دہلی شاہ جهان آباد در عهد محمد شاہ بادشاہ بودند  
 امیر الامرا مخاطب بخطاب عمدۃ الدولہ اوقات خود بسبب امات ظاہرے  
 بکروفر میباشند ابن بزرگ پدر بزرگوار والدہ ماجدہ قادری این فقیر حقیر بودند  
 حالا سلسلہ نسب بیان میکنم میر سید محمد مہدی ابن میر سید عسکری ابن میر  
 سید حسن قادری ابن میر سید علی قادری ابن میر سید یوسف قادری ابن میر سید  
 ابو محمد قادری ابن میر سید اسماعیل قادری ابن میر سید محمد قادری ابن میر سید  
 قاسم قادری ابن میر سید عبد الباسط قادری ابن میر سید احمد قادری

ابن میر سید محمد قادری ابن میر سید حسن قادری ابن میر سید علی  
 قادری ابن میر سید محمد قادری ابن میر سید احمد قادری ابن میر سید  
 یحیی قادری ابن میر سید احمد قادری ابن میر سید حسن ابو نصر قادری ابن  
 حضرت سیدنا عجل الزرق خلف الرشید محبوب بجانی حضرت سیدنا عبد القادر جیلانی <sup>رحمۃ اللہ علیہ</sup>

### شجرہ نسب قادریہ حضرت سید قمیص قلوری

باید شنید حضرت قمیص قادری ابن سیدنا ابو الحیات ابن میر سید علی  
 قادری ابن میر سید سلیمان ابن میر سید ذکریا ابن میر سید یحیی ابن میر سید احمد  
 قادری ابن میر سید ابو المنصور فتح ابن میر سید محمد جیلانی ابن میر سید ابو نصر بابا  
 ابن میر سید سیدنا عبد الزرق خلف الرشید ثانی حضرت محبوب بجانی سید  
 عبد القادر جیلانی بواسطه نسب فرزند می در حبیب یازدهم میر سید بیعت و تربیت  
 از بنی اعوام و برادر است خاکسار شرف از زیارت فرار شده است بمقام معروف  
 پیران شاه دوره حضرت سید شاه قادری قمیص ساخت کرده اند بسیار از غریبه  
 تا مشرق سیاحت کرده آخر بمقام خضر اباد توطن کرده اند ختمیاری و متاثر  
 انجامی معروف بطور حلقه کشی است از انجا مسافر دیار مشرقی شدند و مریدان و  
 یاران بسیار چنانچه انتقال بحیطه ننگال کردند حسب وصیت مریدان از انجا اجازه  
 بردوش گرفته روانه دیار غربی شدند و برد بخانه حسب وصیت بمقام خضر اباد  
 ناپوره دفن کردند نقل کنند وقت بدون اجازه سید پاک خند روز و رقبه بهمار

مانند چنانچه جای معروف است و در بهار بمقام قلعه ستانه شان خدام  
 مریدان بجای تکیه پاک مجاور شدند و دیات نذر ستانه است عمرل اعراض  
 پیران بجای آنندان خاکسار و را به دلازمانه دیده بود و در پیش آستانه شاه سلیمان  
 بعد شاه تبار الله شدند حالا شاه شوال اند بتوکل خدمت واد  
 و صا در بجای آنندان پیشینان خود سبقت برده اند بمجاصل قلیل صورت کثیر  
 می نمایند و یکی از فرزندان حضرت شاه قادی از آنجا طلب صورت داده بودند  
 کفاف بهر ایشان معین شده بود و موضع سنا در پیوره پیر کنه تربت این خاکسار  
 ملاقات بود از جمله فرزندان شاه امام شاه صورت و سیرت بهتر داشتند  
 و برادران شان را نیز دیده بود و غلام شاه حسین شاه چون نسب زرقیه بود  
 این کیفیت دانسته می نمود و این بزرگ نیز بر این پهلوانی هستند پیران شجره تبرکه

### شجره ششم نسب زرقیه قادریه سید علی قادری

سید ابوالحسن بن ابی شاه بر دو برادر فرزند میر سید حسن قادری صحیح نسب  
 در نیو از عرصه دراز قیام پذیر شدند و قبل از این قامت والد ایشان بود  
 در شهر آباد که صورت مصابرت گوید و نسب مادری والده ایشان  
 به نسبت ابوالعلایه است یعنی سید شاه غلام علی جد مادری مادر ایشان بود  
 و پنج واسطه نسبت برزندی از میر سید محمد فضل که داماد حضرت میر سید  
 نور الله ابن میر سید فضل الله ابن حضرت سید شاه ابوالفضل قدس سره بودند

نسبت جدی ایشان نسبت قادریه منو لیسید حالا هر دو بر او رقضا کردند سید  
 اولاد حسین ابن میر سید حسن قادری ابن میر سید علی قادری ابن میر سید  
 عبد الحلیل قادری ابن میر سید عبد الرحمن قادری ابن میر سید سلیمان قادری  
 ابن میر سید هاشم قادری ابن میر سید شهاب الدین قادری ابن میر سید شرف الدین  
 قاسم ابن میر سید محی الدین بختیاری ابن میر سید نور الدین حسن قادری ابن میر  
 علاء الدین ابن میر سید شمس الدین محمد قادری ابن سید سیف الدین بختیاری  
 قادری ابن سید ظهیر الدین احمد قادری ابن میر سید محمد اصغر ابن سید ابوالفتح  
 قاضی اقتضات ابن سید ناعبد الرزاق قدس سره خلف الرشید ثانی  
 حضرت پیر و متکی قطب بانی سید عبد القادر حیلانی رضی الله عنه

### شجره هفتم شجره نسب رزاقیه قادریه حسین جموی

واضح باد سید حسین جموی پیر مرشد حضرت شاه قاسم سلیمانی اندک فرزانش  
 واقع بقلعه چپار گده از کتاب معتبر یافته نسب نامه اینحضرت تحریر نمود  
 بدین طور است سید حسین جموی ابن سید محی الدین قادری ابن سید  
 محمد قادری ابن سید محی الدین بختیاری ابن سید محمد قادری ابن  
 سید علی قادری ابن سید احمد قادری ابن سید نصیر الدین قادری  
 ابن سید جمال الدین قادری ابن سید کمال الدین قادری ابن سید  
 عبد الرزاق خلف الرشید ثانی حضرت سید عبد القادر حیلانی رضی الله عنه

نخستین شجره نسب زراقیه قادریه

سید امیر علی شاه و سید مظفر علی شاه اکبر آبادی ابن سید منور علی شاه  
برادر ثانی سید حیدر علی شاه ابنان سید محمد علی شاه متخلص صغری ابن سید  
احمد علی معروف به مولوی احمدی ابن شاه رکن الاسلام ابن سید موسی ابن سید  
معین شاه ابن سید تیم شاه ابن سید محمدی شاه بچند واسطه و نسب حضرت  
سیدنا عبد الرزاق میرند و نیز بسبب زوج عمه شان حکیم سید نور الدین ابن  
حکیم صدر الدین ابن سید بدر الدین بحضرت سیدنا عبد الرزاق میرند  
چونکه اسامی نسبتی یافت که نگاشت نیز در اکبر آباد بزرگی بودند نسب زراقیه

نهمین شجره نسب اقیه قادریه نسب سید حسن

سید حسن عرف پیر حیدر ابن سید فیض الله ابن سید شاه محمد تقیم ابن سید  
تیمم ابن سید اسد الله ابن سید شاه برکت الله ابن سید شاه رحمة الله ابن  
سید شاه نعمت الله ابن سید شاه محمد فصیح ابن سید یحیی ابن سید محمود  
ابن سید مسعود ابن سید امان الله ابن سید برهان الدین ابن سید ذکی الدین  
ابن سید ابونصر ابن سیدنا عبد الرزاق متخلف الرشید ثانی حضرت محبوب سبحانی

سید عبد القادر جیلانی رضى الله عنه

شجره اول نسبت نسب قادریه و ما بیه

نسب نامه سید شاه مظفر حسین قادری بلوی

سید شاه مظفر حسین قادری دهلوی ابن سید شاه غیاث الدین احمد کبیر ملتانی  
 ابن سید شاه محمود او ملتانی ابن سید موسیٰ قادری برادر سید یحییٰ قادری  
 ملتانی ابن سید شاه حامد ملتانی ابن سید شاه عبد الزاق ثانی ملتانی ابن سید  
 شاه عبد القادر ثانی ملتانی ابن سید شاه محمد قادری ملتانی ابن سید الدین  
 قادری ملتانی ابن سید شاه میر قادری ابن میر سید علی قادری ابن میر سید سعید  
 قادری ابن میر سید احمد قادری ابن میر سید صفی الدین صوفی ابن میر سید الدین  
 سید ناصحید الوهاب خلف الرشید کلانی محبوب بجان حضرت سید عبد القادر <sup>حلی</sup>

شجره دوم شجره نسب اول بابیه قادریه  
 و نسب نامہ سید و حجه الشہ قادری ملکی

واضح باد مولوی سید جہ اللہ ساکن میران بکلیہ لکھنؤ ابن میر سید احمد علی ابن شیدہ  
 امیر اللہ کہ چار برادر بودند عیانی یکی نامی بمیرت گرامی شیدہ باب اللہ عارف  
 باللہ دومی سید شاه عیاد اللہ سیومی سید شاه نور اللہ چارمی شیدہ امیر اللہ  
 مذکور بالا پنجم سید شاه تئیم اللہ الازر کاملین بکلیں معروف بودند شاه باب اللہ  
 و تیر سید احمد علی بن شاه امیر اللہ رافزند و یکی سید نور علی والد سید حسن و  
 ثانی خود مولوی و حجه اللہ ابن سید احمد علی پسر مولوی سید جہ اللہ را یکی سید  
 ابو الحسن اما دشاہ خسام حیدر کہ رادوی مولوی محمد اشرف یک پسر الشیان سیومی  
 مولوی شیدہ حید ثمرت باید شنید سید شاه باب اللہ ابن شیدہ نعمت اللہ قادری



ابن سید شاه محمد باقر ابن سید محمود قادری ابن میر سید علی قادری ابن میر  
سید جلال الدین قادری ابن میر سید شاه محمد فیروز ابن سید عثمان قادری  
ابن شمس الدین قادری ابن سید نور الدین قادری ابن سید شاه ضیاء الدین  
قادری ابن میر سید فی الدین قادری ابن میر سید احمد قادری ابن حضرت  
سید صفی الدین هونی قادری ابن حضرت سید ناسیف الدین عبد الوهاب  
خلف الرشید کلانی حضرت محبوب جانی قطب بانی پیران پیر دستگیر

سید عبد القادر جیلانی رضی اللہ تعالیٰ عنہ  
نثره سیدوم شجره نسب دوم و بابیه قادریه نسب شاه عبد الکریم  
باید شیند سید شاه عبد الکریم و سید عبد الرحیم یانپوری قادری نسب بدو  
برادر فرزند سید شاه امیر اللہ ابن سید شاه رحمت اللہ ابن سید شاه مغر الدین  
قادری ابن سید شاه عبد الهادی ابن سید شاه ابو شهباز ابن سید  
مختار ابن سید شاه عبد الشکور ابن سید شاه عطاء اللہ بغدادی که از  
بغداد القیسه آورده مسکن در قنات پوره قبول کردند فرار در اینجا است فیض آنها  
و همیشه در اسطوره بالا نسب است اولاد ایشان در اینجا را بسیار خصوصاً  
سید شاه تراب علی ابن سید داود علی از فرزندین شان اند برادر سید

داود علی معروف اند سید شاه محمد تقی  
نثره چهارم شجره نسب دوم و بابیه قادریه

باید دانست از خلفاء حضرت مخدوم سید نصیر الدین چراغ دہلی چهار خلفا زمام  
 معروف بودند سید محمد کی سید محمد گیسو زار بنده و از فرار در گلگیر شریف است  
 ابن سید صدر الدین زیدی نسب و بی سید محمد گیسو زار ابن سید جلال الدین  
 کالپی باقری نسب از اجداد ابن خاکسار سید سید محمد ابن عبد اللہ  
 جعفری نسب اند چارمی سید محمد ابن سید احمد ملتانی مؤلف کتاب بحر المعانی  
 قادری و بابیہ نسب اند سید محمد ابن سید احمد ملتانی ابن سید بیابانی ابن  
 سید احمد ابن سید الدین صوفی ابن سید ناسیف الدین عبد الوہاب

خلف الرشید کلانی حضرت سید عبد القادر جیلانی

شجرہ نسب قادریہ غزنیہ نسب نامہ شجرہ عبد المنان قادری دہلوی  
 سید شاہ عبد المنان قادری ابن سید شاہ رکن الدین محمد سرور از مقلد و  
 ابن سید عبد اللہ ملتانی ابن سید شاہ عبد الغزیز ملتانی ابن سید عبد اللہ  
 بیابانی ابن سید شاہ علی ہمدانی ابن سید شاہ حسن قادری بغدادی ابن  
 سید شاہ احمد قادری ابن سید شاہ عبد اللطیف قادری ابن سید شاہ محمد قادری  
 شہید ایمان قادری ابن سید زکریا قادری بغدادی ابن سید شاہ عبد الفتاح قادری  
 بغدادی ابن سید شاہ عبد الغزیز عالم ربانی خلف الرشید ثالث حضرت سید  
 عبد القادر جیلانی واضح باد شجرہ مظفر حسین قادری راجون شریف  
 از پنجاہ گذشت سید اولاد قطع کرده در خانقاہ دہلی سجاده نشین بودند یک شب

بعالم رویا جدا حضرت پیر و گیسوید عبدالقادر جیلانی فرمودند منظر در نصیب تو فرزند  
 نیست الا در نصیب پارسا خواهی بود یک فرزند دست و خواهر را بجای دختر میخوانی عقد  
 نکاح او از سید محمد میر فرزند که اولاد من است انجام کن الحال شاه مظفر حسین قادری  
 عقد نکاح بی بی پارسا از سید محمد میر فرزند کرد بعد مدت نه ماه فرزند تو تولید شد  
 شاه عبدالمنان شاه مظفر حسین قادری بعد خود ایستاد را بجای خود

کردند جانشین خواهر زاده را منترند خوانند

باب دوم در ذکر فرزندان حضرت امام حسین علیه السلام مع ذکر ذریه حضرت  
 زوای که نسبت فرزند می سیادت بکدام امام میرسد بر پشت نسبت  
 باید دانست جناب حضرت سید الشهدا امام حسین علیه السلام امام سیوم اندا حضرت فرزند  
 جناب حضرت علی مرتضیٰ نواسه پیغمبر خدا محمد مصطفیٰ صلی الله علیه و آله وسلم  
 اولاد این حضرت عین گنجینه سیادت است از بی بی فاطمه متول کل سیادات  
 حسن و حسین و اصل اصول پیدا در عقد نکاح جناب حضرت امام حسین علیه السلام  
 از و از حمزه آمدند و از لطن هر یک زوجه یک فرزند متولد شدند زوجه اولین  
 جناب معصی القاب بی بی شهر باو دختر خجسته ختر نیز در جردین شهر یار که بود  
 بادشاه سلطنت عجم از اولاد نوشیروان پادشاه عادل باید دانست از چهار زوجه  
 بهر تبه فضل و بصورت را حمل بودند از لطن ایشان متولد شدند امام زمانه سید جردین  
 ثانی امام حسین علیه السلام از لطن بی بی ام سحافی در و تبار

دختر حضرت طلحه صحابه یکی از عشره مبشره متولد شد ندبی بی فاطمه صغری  
 دختر حضرت امام حسین علیه السلام وجه حضرت امام حسن مثنی ابن جناب حضرت  
 امام حسن علیه السلام سیادت حسنی افسینی از لطن این بی بی بوجود اندر وجه  
 ثالثی بی ام لعل و نیز ام لیل میگویند از لطن ایشان تولد یافتند حضرت  
 علی اکبر ششیمه پیغمبر اعقاب ایشان نناند و واقع کر بلا همراه عم بزرگوار و الدنا  
 شهید شدند و وجه را عبری بی ریاب بنت قیس بن عد اقبلیه نبی کلید بودند  
 محبوب ترین وجه بودند از لطن ایشان دختر پیدا شدند بی سکیینه محبوب ترین  
 دختر جناب سید الشهدا و بیت بیعت بیعت ایشان محبت ایشان ترجمه آن نیست  
 اوس حیکه کو دوستی ای حسین علیه السلام جس گنجینه سکیینه اور رباب +  
 حین شهادت سید الشهدا العجیزه که بودند و ایت انتقال ایشان در الوقت  
 غلط است از مصعب ابن زبیر کتختند چون لشکران عبدالملک بشه  
 کو قه آوردند ناحت مصعب ابن زبیر اگر دند شهید نظم شدید در الوقت سکیینه  
 بر آوردند فریادی کوفیان ناشاد اکیوقت درین میدان کردی مر ایتیم بی پدر  
 اینوقت کر دیدم را بی شوهر و ایت است حضرت زبیر را بودند سه فرزند  
 عبداللہ ابن زبیر عروه ابن زبیر مصعب ابن زبیر بر سه برادر بجای تجات  
 دعا بر چاه زمزم سرست مطلب میخواستند امارت مکه خواستند حضرت عبداللہ  
 بعد واقع شهادت سید الشهدا تسلط بامارت مکه معظمه شدند عروه دعا کردند

که محدث شوند انجمنان گردید و مصعب خواستند زوجیت حضرت سکینه انهم مطلب شد  
 زوجه خامسه بی امم الاصفهانی و والده حضرت علی صفه شید شیر خوار شهید  
 شد از تر مطیع نیزید انالیثه و انالیثه را حیون قاتلان صورت زبون  
 نسبت اول باب هم ذکر اولاد حضرت علی ثانی السید حیدرین

امام زین العابدین علیه السلام بر سره اوار ذکر اولاد

واضح باد که خدای حضرت علی سید الساجدین امام چهارم زین العابدین علیه السلام  
 از صبیحه عم الا عظم بی بی ام عبد الله کنیت بی بی عایشه ثانی بی بی فاطمه  
 ثانی هم ام بود یعنی دختر حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام گردید و اولاد  
 شدند بایستیند چهار فرزند حضرت سید الساجدین از لطن آن بی بی متولد  
 شدند و از لطن زوجه دیگر نیز غیر ایشان اولین فرزند امام زمانه حضرت امام  
 محمد باقر علیه السلام که در حق امام فرمود ان حضرت محمد بنیا علیه الصلوٰه و السلام  
 ائمه محمد بن علی ابن حسین ابن علی هو ابی یبقر فی علم الدین اسی جاب  
 نوبه بی بی فرزندی را که نامش بود محمد بن علی ابن حسین علی که فرزند من است  
 تبقر و یبقر بود او را در علم دین من ثانی امام عبد الله با هر صنی الله عنه و ثانی  
 امام ابو الحسن زید شهید رابع حسین صفه در کتاب بحر الانساب چنین  
 مذکور بود ایت اهل سنن فرقه مذهب امامیه چنین می نگارند فرزند حضرت  
 امام زین العابدین از دیگر منکوحه پیدا شدند چنین نام سید عمر اشرف

وسید عبد الرحمان وسید سلیمان وسید علی اشرف چهار فرزند اگر  
روایت است صحیح پس عقاب ایشان ننماند ذکر اولاد امام زمانه در نسبت هم  
خواهد نگاشت که آنها منسوب بسیاوات باقری اند و اینها منسوب بالقاب اجداد  
خود و در الفاظ ذکر هر سه بزرگوار اولاد میکنند بامیری در یدری و حسینی  
الوار اول نسبت اول بابی و هم ذکر امام عبد الله بامیر و اولاد و اولاد

### امام امیر تقی الدین کرمانی

از فرزندان سید تقی الدین کرمانی سیدنا امیر سید شاه ابو العلاء قدس سره  
باید شنید بدین نسبت محبوب جل و علا امیر سید ابو العلاء ابن امیر سید  
قدس سره ابن امیر سید عبد السلام ابن امیر سید عبد الملک ابن امیر سید عبد الباقی  
ابن امیر سید تقی الدین کرمانی ابن امیر سید شهاب الدین محمود ابن امیر سید  
عماد الدین ابن امیر سید علی ابن امیر سید نظام الدین ابن امیر سید شرف الدین  
ابن امیر سید اغر الدین ابن امیر سید اشرف الدین ابن امیر سید محبتی ابن امیر سید  
جیلانی ابن امیر سید یحیی ابن امیر سید باوشاه ابن امیر سید حسن ابن امیر سید  
محمد ابن امیر سید علی ابن امیر سید عبد الله ابن امیر سید حسین ابن امیر سید مهمل  
ابن امیر سید محمد ابن امیر عبد الله بامیر ابن حضرت سید الساجدین امام  
زین العابدین علیه السلام ابن جناب حضرت سید شهدا امام حسین  
علیه السلام ابن حضرت علی ابن ابیطالب باید نسبت امیر سید عبد السلام

جدا محمد امیر سید ابو العلاء را چهار فرزند از آنجمله یکی امیر سید ابو نصر والد امیر سید  
 علی رضا و دو دختر نیز بودند امیر سید ابو نصر را دو پسر امیر سید ابو الصفا  
 فرزند ایشان امیر سید عبدالباقی والد امیر سید شاه عبدالماجد سیومی  
 حضرت امیر سید عبد الله یک دختر و دو پسر یکی امیر سید عبد المنعم و دیگری  
 امیر سید عبد الباسط و خواهر ایشان بی بی مدیحہ زوجه سیدنا ابو العلاء  
 چارمی امیر سید ابو الوفا والد ماجد سیدنا ابو العلاء و یک خواهر حضرت زوجه امیر  
 سید عبدالباقی و والده امیر سید شاه عبدالماجد لبثت حضرت سیدنا ابو العلاء  
 را دو فرزند یکی امیر سید نور العلاء والد ماجد امیر سید تاج العلاء و دیگری  
 امیر سید فیض الله و فضل العلاء نیز نام بود خلف ایشان امیر سید نور الله  
 که خدای هر دو فرزند سیدنا از بنات اعمام یا احوال شد و صبیبه و آنحضرت سیدنا  
 یکی بی بی زینب زوجه خواجه عبد الرحمن ابن خواجه سلیمان که از اولاد  
 حضرت خواجه بهاء الدین نقشبند قدس سره بودند کیفیت فریت ایشان  
 دریافت نشد ثانی صبیحه حضرت سیدنا بی بی رقیه زوجه خواجه محمد عرف  
 خواجه فولاد ابن خواجه محمد سجاد داماد ثانی حضرت سیدنا انجناب نیز از اولاد  
 حضرت خواجه نقشبند قدس سره بودند و نیز از حضرت خواجه محمد فولاد در احاطه  
 مزار سیدنا موجود و در شهر اکبر آباد کرامات از ایشان عیان از مزار بسیار

کیفیت اولاد ایشان معلوم نشد

## شجره نسب مادری از جانب خواجه عبید الله احرار

در اینجا ذکر نسب حضرت خواجه ناصر الدین عبید الله احرار قدس سره میکند  
 حضرت خواجه احرار ولد خواجه محمود و ابن خواجه شهاب الدین شاشی  
 ابن خواجه محمد عود خواجه نامی از اولاد عبد الله انصار بایده شیند حضرت خواجه  
 عبید الله احرار عم میر سید تقی الدین کرمانی بیک زمان متفق در شهر قم  
 بودند با خود با سبب بجا بخت شرفت جانبین صورت مصاهرت واقع شد  
 یعنی که خدای امیر سید عبد الله و امیر سید عبد الاول و امیر سید عبد الباسط سه  
 فرزند حضرت امیر تقی الدین کرمانی از دختران هر سه خواجه عبید الله احرار  
 گردید و نسبت نامانی سیدنا ابو العلاء از نسب خواجه ترتیباً واقع شد بدین طور  
 امیر سید عبد الملک نبیره امیر سید تقی الدین نواسه حضرت خواجه احرار و امیر  
 عبد السلام ابن امیر عبد الملک نواسه خواجه عبد الله عرف خواجه ابی جحک  
 احرار بودند و امیر سید ابو الوفا ابن امیر عبد السلام نواسه خواجه ابو الفیض نبیره  
 حضرت خواجه احرار و حضرت سیدنا ابو العلاء ابن حضرت امیر ابو الوفا نواسه  
 حضرت خواجه محمد فیض عرف خواجه محمد فیض ابن خواجه ابو الفیض ابن جحک  
 ابن حضرت خواجه احرار بشنونام والده حضرت سیدنا بی بی عارفه دختر خواجه  
 محمد فیض واضح باد خواجه ابو الفیض از یک مادر سه برادر بودند یکی خواجه ابو الفیض  
 دومی خواجه عبد الشهید سیومی خواجه عبد العلیم ابیان خواجه ابی جحک و از زوجات



دختر امیر تقی الدین نیز پسری که خواجه عبدالحق دویخی خواجه نظام الدین عبدالمالک  
 سیومی خواجه خاند محمد بود و خواجه ابوالفیض سید برادر از دختر خواجه نظام محمد  
 که از اولاد صاحب هدایت بود و هر یک شدند ذی اولاد و حضرت خواجگار  
 از هر دو زوج و دو دختر نیز بودند کیفیت ذریت دیگر فرزندان حضرت سیدنا  
 دریافت نشد الا بی محمد و مه صدیه حضرت امیر نورالدین که از میر محمد فضل  
 ابن سید محمد اجل بن امیر سید علی رضا کتخا شدند کیفیت ذریت ایشان  
 ترتیباً نیافت الا میداند که سید شاه غلام علی ابن سید امام علی بیست  
 واسطه فرزند میر سید محمد فضل بودند و نشی علی حسین مصطفی لویزی نیست  
 فرزندیت خود از حضرت میر سید محمد فضل بیان می کردند و ابن بنت البنت  
 سید شاه غلام علی سید اولاد حسین سید بنی شاه ابن سید حسن قادی  
 بودند یعنی نواسه سید بن علی داماد سید شاه غلام علی که زیارت آنحضرت  
 کرده است این فقیر حقیر الا در شهر کبر آباد از اولاد امیر سید تاج العلام ابن  
 امیر سید نور العلام از بیشتر زمان قیام اینجا کسار بود و سید اکرم الدین که  
 شریان اینجا کیفیت مقبولی شان بحضرت سیدنا بیان میکند از زوج و بستان  
 کسار اولاد نشد الا از بطن خادمه یک دختر بودند و لقب سیدانی صاحب ۴  
 انوار و دم نسبت اول باب و دم در ذکر اولاد حضرت اکبر  
 رند شهر بیان هر چهار شجره است شجره اول در ذکر سید محمد میر طریا

باید دانست حضرت سید زین العابدین عرف سید محمد پیتر طریا عظیم آبادی  
 که انچه معروفست نسب فرزندان شان نیز آنجنابین طوریست آنچه که نیست  
 نگاشت بندگان سید نظام الدین ابن میر سید معشاد پیتر طریا ابن میر سید حمزه  
 پیتر طریا ابن میر سید رکن الدین پیتر طریا ابن میر سید زین العابدین عرف سید  
 محمد پیتر طریا واسطه ابن میر سید احمد دهلوی واسطه ابن میر سید حسن دهلوی  
 واسطه ابن میر سید قاسم واسطه ابن میر سید حامد واسطه ابن میر سید محمد  
 جعفر زیدی نسب ابن میر سید مختار ابن میر سید احمد ابن میر سید طاهر ابن میر  
 سید ابوبکر ابن میر سید احمد ابن میر سید حسن ابن میر سید اسمعیل ابن میر  
 علی ابن میر سید حسن فارس مدنی ابن میر سید یحیی ثانی ابن میر سید حسین  
 ابن میر سید احمد ابن میر سید یحیی شبیه نبی محدث زمانه ابن میر سید حسین  
 زیدی ابن حضرت امام ابو الحسن زید شهید ابن حضرت سید الساجد  
 امام زین العابدین علیه السلام ابن حضرت امام حسین علیه السلام  
 شجره دوم انوار دوم نسب اول باب دوم ذکر نسب سید محمد سرور دی  
 واضح باد من الا حضرت سید محمد سرور دی بموضع رهوی علاقه حضرت بهاء  
 است سید محمد سرور دی ابن میر سید احمد دهلوی ابن میر سید یحیی دهلوی  
 ابن میر سید مصطفی پیشوری ابن میر سید حسن ابن میر سید یوسف ابن  
 میر سید حسین طوسی ابن میر سید عمر ابن میر سید احمد ابن میر سید عبداللہ طوسی

ابن میر سید اسد اللہ ابن میر سید علی ابن میر سید محسن ابن میر سید رحمتہ اللہ ابن  
 میر سید حسین زادہ ابن میر سید اسماعیل ابن میر سید علی ابن سید حسین الفارس ابن میر  
 یحیی ثانی ابن میر سید حسین ابن میر سید احمد ابن سید یحیی شہید رسول مقبول ابن  
 میر سید حسین ندان حضرت امام ابو الحسن ند شہید بن حضرت امام زین العابدین ابن امام حسین <sup>علیہ السلام</sup>  
 شجرہ سوم انوار دوم نسبت اول باب دوم در بیان نسب نامہ عمی حضرت سید شاہ عقی  
 حضرت سید شاہ یحیی علی رحمۃ اللہ علیہ ابن میر سید مظفر علی ابن میر سید حسن ابن میر  
 سید وجہ الدین عرف سید بولن ابن میر سید حسن زید ابن حضرت مولانا شہید شاہ  
 قطب الدین مصطفی پوری تاریکہ ابن میر سید قاسم ابن میر سید علم ابن میر سید سعید ابن میر  
 سید علاء الدین ابن میر سید محمد ناصر النسوی ابن میر سید فیض اللہ ابن میر سید  
 معز الدین ابن میر سید علی شیر جاجنیری ابن میر سید ابو الفتح ابراہیم ابن میر  
 سید ابو الفوارس محمد فراس ابن میر سید ابو الفرج وسطی ابن میر سید محمد داؤد  
 ابن میر سید محمد ابن میر سید عیسیٰ ابن میر سید ابو الحسن بلقب نجیب ابن میر سید محمد اکبر زید  
 ابن سید محمد منصور داعی عادلان ابن سید عمر علی ابن سید یحیی شہید رسول مقبول  
 ابن سید حسین زید ابن حضرت امام ابو الحسن بلقب مد شہید ابن حضرت  
 سید الشاہدین حضرت علی ثانی امام زین العابدین ابن حضرت امام حسین <sup>علیہ السلام</sup>  
 شجرہ چہارم انوار دوم نسبت اول باب دوم در ذکر نسب حضرت محمد گیسو  
 حضرت میر سید محمد گیسو زاد بندہ نواز ابن میر سید علی شیر جاجنیری ابن میر سید احمد

جاجیری ابن میر سید بد الدین مکر میر حاج ابن میر سید علی مسعود مکر ابن  
 میر سید ابو الفتح ابراهیم ابن میر سید ابو الفرح ابن سید ابو الفوارس محمد فراس  
 ابن سید ابو الفرح واسطی ابن میر سید داود ابن میر سید محمد جاجنیری  
 ابن سید عیسیٰ ابن سید داود بزرگ والی کوفه ابن سید حسن ابن سید حسین  
 ملقب به ضید ابن میر سید ابو الحسن فراس ابن میر سید محمد اکبر منصور داغی غدان  
 ابن میر سید محمد منصور ابن میر سید عمر علی غدان ابن میر سید اشرف الدین  
 یحییٰ محدث تشبیه رسول مقبول علیه السلام ابن سید حسن زیدی ابن حضرت امام  
 ابو الحسن زید شهید ابن حضرت سید الساجدین علی اوسط امامین العابدین علیهم السلام  
 انوار سیوم نسبت اول باب و م در ذکر اولاد حضرت علی  
 علی صغرا ابن امام زین العابدین علیه السلام و ذکر نسب  
 حضرت آدم صوفی و حضرت مولانا مظفر بلخی هر دو شجره که  
 واضح باد مخدوم آدم صوفی و مولانا مظفر بلخی ابن مخدوم شمس بلخی از اولاد  
 یک جد اند بچند واسطه جد واحد اند از اولاد حضرت امام علی صغری و از حضرت  
 امام سید الساجدین زین العابدین علیه السلام نسبت سادات اند و حضرت  
 سلطان ابراهیم او هم بنسب مادری اما ملوک اند و نسب جدی فاروقی نسب  
 اند از غلطی کاتبان تحریف نسبت سیادات است الا نسب مادری اجداد مولانا  
 مظفر بلخی از سلطان ابراهیم او هم بنسب جدی و سیب و تخت سلطنت میرزا

اجداد مادری رسیده شجره اول نسبت مخدوم شمس بلخی را بدین  
 مخدوم شاه شمس الدین بلخی بن سید شاه علی بن سید شاه سراج الدین  
 ابن میر سید محمود بن سید ابراهیم بن سید محمد بن سید یعقوب ابن سید احمد  
 ابن سید محمد اسحاق ابن میر سید غزنوی ابن میر سید محمد ابن سید قاسم ابن حضرت  
 امام علی صغر ابن حضرت امام زین العابدین علیه السلام شجره ثانیه  
 نسب حضرت آدم صوفی حضرت مخدوم سید آدم صوفی ابن سید  
 شاه ابراهیم ثانی ابن سید جلال الدین ابن سید شاه حسین ابن محمود  
 ابن سید ابراهیم ابن سید محمد ابن سید محمود ابن سید یعقوب ابن سید احمد  
 ابن سید محمد اسحاق ابن میر سید غزنوی ابن میر سید محمد ابن میر سید قاسم ابن  
 حضرت امام علی صغر ابن حضرت سید الساجدین امام زین العابدین  
 علیه السلام شجره پیوند نسب مادری از جانب حضرت ابراهیم ادهم بدینطور است  
 باید شنید میر سید محمود ابن میر سید یعقوب نو اسد سلطان محمود ابن سلطان  
 ابراهیم نسب جدی حضرت سلطان ابراهیم بدینطور یعنی حضرت سلطان  
 ابراهیم ابن سلطان ابو الفتح ادهم ابن سلطان ابوناصر هاشم ابن عبداللہ  
 اسلم ابن عبید اللہ ابن حضرت عاصم بن امیر المومنین حضرت عمر خطاب  
 رضی اللہ عنہ شجره نسب مکی از خلفای این فقیر سید امین الدین  
 ابن محمد لیسین ابن سید محمود ابن سید داؤد ابن سید جعفر ابن سید اکبر

ابن سیداجمل ابن سید فضل ابن سید طاہر ابن سید مظاہر ابن سید حجتہ اللہ  
 ابن سید نعمت اللہ ابن سید عبد اللہ ابن سید عبد اللہ ابن سید لطف اللہ  
 ابن سید وجہ اللہ ابن سید فضل اللہ ابن سید درویش ابن سید ابراہیم ابن  
 سید عمر ابن سید جعفر ابن سید محمد ابن سید محمود ابن سید یعقوب ابن سید  
 ابن سید اسحاق ابن سید عمر زید ابن سید محمد ابن سید قاسم ابن حضرت  
 امام علی صغیر ابن حضرت سید الساجدین امام زین العابدین علیہ السلام  
 شجرہ نسب نامہ کی از مریدان تنقیح بدین نسبت میر سید محمد یوسف  
 ابن سید محمد یعقوب ابن سید محمد ناصر ابن سید منیر ابن سید محمد حسین  
 ابن سید درویش ابن سید ابراہیم ابن سید اسحاق ابن سید محمد معین ابن  
 سید زین الدین ابن سید فخر الدین ابن سید زہد ابن سید عابد ابن سید  
 مجاہد ابن سید دلش ابن سید اسماعیل ابن سید یحییٰ ابن سید فکر ایابن  
 سید حیدر ابن سید صفدر ابن سید محی الدین ابن سید یسین ابن سید  
 یعقوب ابن سید احمد ابن سید اسحاق ابن سید عمر زید ابن سید محمد  
 ابن سید قاسم ابن حضرت امام علی صغیر رضی اللہ عنہ ابن حضرت  
 سید الساجدین علی ثانی امام زین العابدین علیہ السلام رضی اللہ  
 نسب و وصم باب دوم در بیان اولاد حضرت امام

محمد باقر علیہ السلام بر دو شاخہ

النور باد که خدای حضرت امام محمد باقر علیه السلام از بی بی فروه دختر  
 نخستین اختر حضرت قاسم بن محمد بن محمد بن حضرت صدیق اکبر رضی الله عنه  
 گردید حضرت امام محمد باقر مخاطب انداز حضرت رسول صلی الله علیه وسلم بدین  
 خطاب اسم محمد بن علی ابن حسین ابن علی هوایی بمقری فی علم الدین  
 اسم محمد لقب باقر شد بدین خطاب اصح باد از لطن پاک بی بی فروه فرزند  
 شدند چهار یکی امام زمانه حضرت امام جعفر صادق علیه السلام امام زمانه  
 که فرموده اند شده مخاطب بر فاض قول لا تسبوا علی ابی بکر انا  
 ولد بنی مرتین هر دو ولد بنی نسبت صوری و معنوی چرا که از حضرت  
 قاسم جد مادی فیض یافتند بدانند که خدای حضرت قاسم بن محمد از حضرت  
 اسماء بنت عبد الرحمن ابن حضرت صدیق اکبر رضی الله عنهم  
 ثانی ولد حضرت امام محمد باقر علیه السلام امام عبد الله لقب  
 کتب الکریم سیومی حضرت اسمعیل چارمی سید ابراهیم باید شنید  
 نسب نامه کسی اولاد سید ابراهیم نیافت منتست با نجاب و ذکر حضرت امام  
 جعفر صادق و ذریه شان در نسب سیوم جدا گانه تحریر خواهد شد  
 اول فکر اولاد حضرت اسمعیل نمیکند که جدا علی جنا حضرت سید خواجه  
 ابو البرکات قدس سره اند بدین منط تحریر است باید دانست در کتاب مص  
 ان حضرت مکتوب نسب نامه دیده است بخوبی این فقیر نسبت لبتی واسطه میرسد

حالا این کتاب است مفقود آنچه که باستماع مجلسه آنحضرت یاد است مینویسد بزرگ  
بودند عمیق المشائخین خواججه حسن که انجناب را بست و دو هفته نوب بود از  
حضرت امام محمد باقر علیه السلام آن بزرگ از علاقه ولایت تیراه و هرات  
وارد شهر میند وستان گردیدند مجرد و اربطور سیاحت قبل در مقام  
و هلی بدار السلطنت رسید ملاقات از هر یکی مشایخین کرده متوجه دیار شرقی  
شدند موضعیت قریب شهر متحصرا مشهور موضع دیوشانه که جای مسجد  
بود هنوز در اینجا چند روز تشریف داشتند اینجا می بهر سکونت بنجا طر شریف  
پسند افتاد مردمان ساکنان اینجا قوم هنوز معتقد شدند و نیز از زمزم را بل اسلام  
شیوخ النصارى که مسکن آنها اینجا بود کرد بسیار الحاح و زاری بهر مقامات  
انجا هر گاه آنها باعث اقامت حضرت شدند لای آنها بنظر تشریف تحسن  
افتاد طرح اقامت پذیرفتند شیوخ انجا معتقدین اکثر مرید شدند بعد چند  
سال اصرار کردند بهر متا بل شدن آنحضرت به بسیار که در قبول شد از انجمله  
یکه از مریدان راسخ الاعتقاد دختر خود در نکاح آنحضرت بزوجیت داد بعد  
چندی الله تعالی از ان بی بی عقیقه اولاد بخشید بسبب اقامت و عدم کفایت  
خاص در شیخ زادگان نوبت مصاهرت افتاد از زبان مبارک پیوستگی  
خود حضرت سید شاه غلام حسین جد بزرگوار خود استماع است  
که چنان حضرت خواجه ابوالبرکات قدس سره بیان میکردند احوال بزرگان خود



از انجناب سید خواجه حسن ابن خواجه ابوالحسن ابن خواجه علی ابن خواجه احمد  
 که بواسطه نسبت و سه نسبت نسب از حضرت امام اسمعیل ابن محمد باقر علیه السلام  
 می پیوندند بدانند سید شاه خواجه ابوالبرکات قدس سره  
 ابن حضرت خواجه محمد شجاع ابن خواجه زرق الله که هفت و هشت  
 واسطه نسب فرزندی بحضرت خواجه حسن قدس سره ساکن دیوثان است  
 هزار خواجه بسیار فیض آثار زیارت نموده است این خاکسار چند بار چنین  
 کیفیت آنحضرت مینویسد ضروری الاقامه چاک مرشدان مرشد و از پیران  
 احوال اند حضرت قطب العاشقین سید شاه خواجه ابوالبرکات قدس سره  
 بعد تحصیل علم ضروری چند می نوکری سرکار نواب و راجه آن دیار بودند بعد  
 قلعداری هرگاه طلب براه باطنی شد ترک کرده در شهر عظیم آباد رسیده  
 بعد حصول بیعت از تربیت و صحبت جناب حضرت شاه رکن الدین  
 متخلص عشق قدس سره ابوالعلامی مشرف بخلافت شده رخصت شدند  
 هرگاه صاحبزاده حضرت عشق قدس سره شاه احمد حسین عرف چچو  
 حضرت عریضه نوشته محرک تشریف آوری آنحضرت شدند بیعت حصول  
 بیعت آنحضرت تشریف آوردند خود صاحبزاده مشرف به بیعت و تربیت  
 معنوی شدند و نیز خواجه زادگان اکثر مجبور شدند به اقامت آن مشبه  
 آنحضرت پذیرا گردند و اهل و عیال و از انجا طلب داشته صورت اقامت

این شهر گردید هرگاه راجه دولت رام گویا رنجید رحیم میر سید علی شاه  
 سبب تشریف بری انجا خواست انحضرت کردند انکار فقیر را چکان از راجه مقام  
 گویا چون حضرت صاحبزاده خورد خواجه ابو الحسین قاصد شدند بسوی  
 گویا راجه چندان سر و تشریف بردند چونکه بودند فرزندان چشم و چراغ در  
 مفارقت بر خورار شدند بمقار خود نیز مع تبعه و لحقه تشریف بردند جانب  
 گویا در زمانه راجه مذکور بارت گذشت چند سال بعد برگشتگی زمانه  
 چون بیجا بانی لانی ان راجه از انجا جای تیرت معبد خود پدید آمده افتاد  
 شهر اله آباد کردند خستیار انحضرت نیز مع تبعه و لحقه فرزندان و انجا  
 تشریف آوردند از گویا و اقامت پذیر گشتند در انجا مدت حیات  
 تشریف خود چنانچه در ان شهر سال یک هزار و دوهصد و پنجاه و شش هجری سبت  
 هشتم شهر رمضان المبارک کردند انتقال نعش پاک سه ماه در ان شهرین  
 بطور سبزه کردند تدفین بعده از انجا آورده در شهر عظیم آباد پائین میر شدند  
 یافتند تدفین عمر تشریف به نو دوهفت رسیده بود ذکر اولاد انحضرت  
 راسته دختر و دو پسر اولاد دختر کلانی میر احمد علی و میر برهان الدین  
 بودند و دختر ثانی از میر در اصل ساکن شهر نارس که خدا شده ذی اولاد  
 شدند و دختر سیوم انحضرت والدۀ میر محمد علی و خواهران ایشان بودند  
 و فرزند کلانی خواجه ابو النجیم رحمۀ الله علیه تنه دختر و دو فرزند ایشان یکی دختر

از میر محمد علی که خدا باقی جامی دیگر و فرزند گلانی خواجه ابو محمد ثانی خواجه  
 ابوالاحمد فرزند دارند و خواجه حضرت خواجه ابوالحسنین فرزند ثانی انحضرت  
 ایشان را دو فرزند و یک دختر صاحبزاده قضا کردند الا فرزند گلانی خواجه  
 علی حسین عرف میر نواب که خدای ایشان از دختر گلانی خواجه سلطان خان  
 گردید یک پسر و یک دختر گذشته خور سال کردند انتقال بسال بکیناز و صد و نود  
 و پنج هجری ثانی صاحبزاده خود انحضرت را هم عال خواجه علی حسن عرف  
 خواجه نواب میر یک دختر و دو فرزند ایشان اند دختر از خواجه وحید جان این خواجه  
 میر بخان که خدا شد و پسر گلانی خواجه حسن نواب نام ثانی را نسیم خواجه  
 نواب حسن است هنوز که خدای برود و برادران نشده و بجای تقریر تعیین یافت  
 شجره نسبت دوم باب اول در ذکر امام عجل الله و اولاد ایشان  
 ابن امام محمد باقر علیه السلام - بیان نسب اولاد انحضرت و شجره  
 بیاید نیست سیدنا امام عجل الله را دو فرزند که از برود و نسبیت پدید است  
 یکی میر سید ماسم و دیگری سید حبیب الله ذریت برود و برادر بسادات باقری  
 نسب اند ذکر اولاد فرزند گلانی چونکه تطویل است و آن نسبت خاص است  
 بنده مسکین فی الا ذکر ذریت فرزند ثانی میکند شجره اول بیان نسبت  
 از جانب بابا امیناید بطور تحریر سید حبیب الله خلف المرشید سید برکت الله پسر  
 شان سید شهاب الدین نور الانوار ابن سید نجم الدین ولد محمد صوفی صادق

پسر ایشان سید شهاب الدین لال ولد سید احمد آبی ولد سید محمد معروف ابن  
 میر سید جنید ولد سید عثمان ثانی ابن سید عبد الوهاب ولد سید عثمان  
 شیر سوار پسر ایشان سید محمد یوسف برقع پوش ابن سید عبد القاسم  
 الحصولین بزرگوار از مدینه طیبہ حرکت کرده نسل بعد نسل سفر کردند و یار  
 و امصار ہرات و بخارا و لاہور آخر در دہلی رسیدہ چندی اینجا اقامت  
 گزین شدند چہر اکہ جای تخت سلطنت بود و اجماع درویشان و مشائخین  
 حصول ملاقات انا مرا را را کین نموده بطور سوخت در بار شاہی منصب  
 قضا کردند اختیار از اینجا رحلت گزین شدہ بسبب اقامت صغیر قضا  
 اینجا در موضع جوینورا قامت پذیر گشتند تا چند نشیت فرزندان اینجا  
 اقامت گزین شدند بعدہ خلف ایشان میر سید محمد ابن مفتی  
 عبد الرحیم ولد سید عبد الرحمان پسر ایشان سید عاشق علی ولدہ  
 سید محمد فرید فرزندان سید ابراہیم از اینجا مراجعت کردند بسوی  
 دیار شرقی قریب بہار موضع سرالوان برگزیدہ ارول طرح اقامت  
 انداختہ معاہل و عیال خود در اینجا موضع مسکن ساختند از اینجا کہ در  
 دربار شاہی بود سوخت کمال بدریہ امر را کین چند موضع دیہات  
 بحصول فرمان شاہی بہرہ دمعاش یافتند و جای سکونت را بنام جد  
 بزرگوار موسوم فرید پور کردند بالاشد از صد سال کہ سکونت این بزرگوار

است دران و یار هر یک که از اینجا کردند سفر اختیار بسبب حصول عهده  
 ذی اقتدار لاریانند و فریاد نمازی اقبال الفضل الی کمال القصد سید ابراهیم بن سید محمد فرید و  
 شان سید محمد داود و دشان سید محمد یحیی بن سید نجم الدین بن سید محمد علی و سید عبدالکریم بن سید  
 عبدالقدوس بن سید محمد حسن بن سید محمد یوسف و لده مولانا سید محمد  
 اسحاق که در اخلاق بسیط شمره آفاق از ایشان شد ذریت اولاد بسیار  
 حالاً منوید باید شنید سید محمد اسحاق را و فرزند یکی سید کرم علی  
 دومی سید مبارک علی پسر سید کرم علی سید فیض علی و دپسر ایشان یکی  
 سید صغیر علی و دپسر ایشان سید اسمعیل علی و محمد بهرام سید اسمعیل علی  
 را و دپسر و دختر یک زوجه خواجه محمد حسن فی اولاد هستند و یکی زوجه  
 میر محمد قاسم ساکن کمر ایشان نیز ذی اولاد است پسر و دختر و نام پسران  
 یک سید علی احمد و یکی سید منور علی فی اولاد هستند همه حالاً باید شنید  
 سید فیض علی را پسر دوم سید صابر علی و لد ایشان قاضی سید تبارک حسین  
 که از دختر قاضی نادر علی که خدا شدند پسر ایشان قاضی مولوی محمد نور حسین  
 جامع کمال است در بنیاد منصب بر علای اندیک پسر ایشان مولوی انوار احمد  
 ذی اولاد است ترقی بدایع با و باید دانست قاضی نادر علی که خدا از خواهر  
 میر حسام حیدر ساکن کهر او نیز میر حسام حیدر از خواهر قاضی نادر علی صاحب  
 قاضی صاحب مرحوم را و دپسر یک قاضی امیر حیدر که بسیار مردم معقول و

و خوبصورت و خوش مزاج و تحصیل علمی عربی فارسی حصول دویمی قاضی  
 وزیر حیدر انیم ذمی لیاقت و ذی علم از ایشان ملاقات است کلائی را  
 ندیدم اوصاف شنیدم هر دو برادر هر دو خواهر میر محمد قاسم ساکن گهرا  
 ابن میر حسام حیدر که خدا شدند اولاد نشد باید دانست سید مبارک علی  
 ابن سید محمد اسحاق پنج فرزند رتبه بلند هر یک عالیقدر و ولتمند پس کلائی  
 سید برکت علی یک دختر ایشان و سه پسر دختر زوجه میر امانت علی  
 که پس عمر فلف بودند یک دختر از آن دختر شد اولاد رفت از جهان و پس کلائی را  
 نام سید امجد علی که از دختر قاضی سید اولاد علی ساکن سائین که خدا شدند  
 سید امجد علی چند دختر آن فرزند یک دختر محمد ظریف یک دختر از مولوی خیرات علی  
 منسوب اولاد و یک دختر از مولوی محمد فرید الدین پسر منشی سید اولاد علی که خدا  
 اولاد نشد حال دیگران معلوم نیست و پس ثانی مولوی سید امان علی  
 و پس سید مولوی سید فضل علی هر دو برادر عجمه جلیل سرکاری عجمه  
 و پچی بودند ممتاز و پس از سید امان علی را دو پسر دو دختر یک حافظ سید  
 احمد رضا و بی سید محمد یحیی که از دختر قاضی محمد بخش ابن قاضی مولوی  
 عبد العلی که خدا شد ذمی اولاد است دو خواهر آن یک زوجه مولوی عبدالحق  
 ابن مولوی واعظ الحق و یک دختر زوجه مولوی فخر الدین و شاد می اولین  
 حافظ احمد رضا از دختر عمر و یک دختر شاد می از ان عقیقه اولاد و فرزند

و مولوی سید فضل علی را نیز دو پسر و دو دختر یک زوجه حافظ سید احمد رضا  
 مذکور به بالا و دوم زوجه محمد ظفر الحق نو سید احمد علی مرحوم و پسر کلانی  
 مولوی سید فخر الدین که از دختر مولوی سید امان علی که خدا ثانی سید  
 محمد یوسف که از دختر شیخ محمد یوسف ابن مولوی حامد رسول که خدا از محلی  
 اند و شادی حافظ سید احمد رضا بموضع مفتی گنج از خواهرزادی میر  
 شاد حسین گردید الله تعالی ذی اولاد کند و اسما و ای باشد خرم و شاد  
 باید شنید پسر ثانی سید مبارک علی سید عظیم علی پنج پسر ایشان یکی مولوی  
 مظفر علی دومی مولوی نیاز علی سیومی میر صاحب علی چارمی میر محمد علی  
 پنجمی سید احمد علی پسر سیوم سید مبارک علی مولوی اشرف علی فرزند  
 رتبه بلند ایشان مولوی اظفر علی ذی اولاد اند پسر چارمی سید مبارک علی  
 میر مراد علی ایشان اشش فرزند ذی اقبال رتبه بلند یک از ان  
 مولوی وارث علی لیاقت ظاهر باطنی پُرود و بی مولوی شیر علی  
 دختر ان ایشان از هر یک جای قرابت که خدا و از نکو و دو پسر شد بد پسر  
 سیومی میر مراد علی مولوی مهر علی چارمی سید جهان علی پنجمی مولوی نظر علی  
 ششم مولوی قادر علی که از خواهر مولوی فضل حسین مولوی قد حسین فرزند  
 شیخ نادر علی که خدا شد نزدیک دختر و یک پسر مولوی محمد نصیر ابائی پنجمی پسر سید  
 مبارک علی میر اسد علی لا اولاد کنند از نجهان بی بنیان بی مانع چنان

از آنجا که این صاحبان نسب سیادت واحد با قری بودند بمجد کیفیت  
 ایشان تبصیر نگاشت و ترتیب نسب سلسله بدینطور بخیر تحریر می آرد  
 هر یک ازین خود را به نسب بدینطور شمارد مولوی نورالحسین ابن قاضی تبارک  
 ابن سید صابر علی ابن سید فیض علی ابن سید کرم علی ابن سید محمد اسحاق  
 ابن سید محمد یوسف ابن سید محمد محسن ابن سید عبدالقدوس ابن سید  
 عبدالکریم ابن سید محمد علی ابن سید نجم الدین ابن سید محمد محیی ابن سید  
 محمد اودا ابن سید محمد ابراهیم ابن سید محمد فرید ابن سید عاشق علی ابن سید  
 عبدالرحمن ابن سید عبدالرحیم مفتی ابن سید محمد ابن سید محمد یوسف  
 برقعہ پوش ابن سید عثمان شیرسوار ابن سید عبدالوہاب ابن سید عثمان  
 ابن میر سید جنید ابن میر سید محمد معروف ابن سید احمد آلی ابن سید  
 شہاب الدین لالی ابن محمد صوفی صادق ابن سید نجم الدین ابن سید  
 شہاب الدین نور الانوار ابن سید برکت اللہ ابن سید حبیب اللہ ابن  
 امام عبداللہ کتب الکرم ملقب ابن حضرت امام محمد باقر علیہ السلام  
 ابن حضرت امام زین العابدین علیہ السلام انوار سیوم نسبت دوم  
 باب دوم در ذکر اولاد سید محمد ہاشم ابن امام عبداللہ  
 ابن حضرت امام محمد باقر علیہ السلام باید دانست حضرت  
 امام عبداللہ را دو لپہر ذکر اولاد لپہر ثانی تحریر شد با نور دوم حالا ذکر



فرزندان حضرت میر سید ناشم لپکرانی امام عبداللہ مینو سید بالاجمال  
 و بالتفصیل در شجرہ ثانی کہ ہست ذکر طولانی و کیفیت اخوان عجم زاد سید  
 عطا حسین عبدالزاق ابن حضرت میر سید سلطان احمد ابن حضرت  
 سید شاہ غلام حسین باقری ابن سید شاہ ولی اللہ ابن حضرت سید  
 شاہ محمد حسین ابن میر سید محمد ناصر ابن میر سید حسین ابن میر سید اولیا  
 ابن میر سید صدر جہان ابن میر سید قطب الدین ابن میر سید تھی الدین  
 عرف سید بوڈھی کہ از کالپی تشریف آوردند بجای پور مسکن ساختند  
 ابن میر سید جلال الدین ابن میر سید محمد کالپی ابن میر سید جمال الدین کالپی  
 ابن میر سید علاء الدین کالپوی ابن میر سید تاج الدین بلوی ابن میر سید جمیل بلوی  
 ابن میر سید محمد اسحاق لاہوری ابن میر سید داؤد لاہوری ابن میر سید  
 محمد یعقوب لاہوری ابن میر سید یوسف طوسی ابن میر سید عبداللہ  
 طوسی ابن میر سید حسن طوسی ابن میر سید ابوالقاسم طوسی ابن میر سید  
 ابرہیم بدقرشی ابن میر سید جمیل مدنی ابن میر سید حسین مدنی ابن میر سید  
 عبدالنار مدنی ابن میر سید جعفر مدنی ابن میر سید محمد حسن مدنی ابن میر  
 سید ناشم بن امام عبداللہ کتب الکرام ابن حضرت امام محمد باقر  
 علیہ السلام رضی اللہ عنہ نقل الکتاب احتساب الانساب حضرت  
 میر سید ارشد کالپی ابن میر سید جمال الدین کالپی

که در کتاب سامیان زوجه های بزرگان ذکر مصابت نیزست مکتوب  
 بود فهو المراد میناید بیان باید دانست نام والده ماجده آنحضرت صلی الله  
 علیه وسلم سیدنا محمد بی بی آمنه دختر وهب ابن عبد مناف که معروف  
 است اسم والده ماجد عبد الله بن عبد المطلب وجه اولین آنحضرت صلی الله  
 علیه وسلم که ذمی ولد شد نام المؤمنین خدیجه الکبری دختر خلیل فاطمه  
 بنت اسد نام والده حضرت جد کرار علی مرتضی ابن ابیطالب زوجه  
 پاک سیدنا علی اسد الله الغالب بی قبول فاطمه الزهرا بنت حضرت  
 محمد رسول مقبول بکذا نام والده ماجده حضرت سید الشهدا امام حسین  
 علیه السلام حضرت بی بی قبول بنت رسول نام والده حضرت علی امام  
 زین العابدین ابن حضرت امام حسین بی بی شهربانو کنت  
 ام عبد الله واسم والده حضرت امام محمد باقر علیه السلام بی بی ام عبد الله  
 و عایشه ثانی و فاطمه ثانی بنت حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام  
 و نام والده حضرت امام عبد الله ابن امام محمد باقر علیه السلام بی بی فزوه  
 بنت حضرت قاسم بن محمد ابن صدیق اکبر نام والده میر سید ماشم  
 بی بی زلیخا بنت فقیه سید عقیل علوی نسب بود زوجه میر سید ماشم  
 بی بی زینب بنت سید احمد والده میر سید محسن بودند زوجه میر سید محسن  
 بی بی رضیه بنت سید حسن ابن سید علی که والده سید جعفر بودند زوجه سید

محمد جعفر بی بی آمنه دختر سید محمد عتیق صدیقی که والده میر سید علی رضا  
 بودند زوجه ایشان بی بی حنفیه بنت سید علی بن سید محمد که والده میر  
 سید حسین بودند زوجه ایشان بی بی بنیه دختر سید عبد الزراق ابن سید  
 عبد الکرم که والده سید ابراهیم بودند زوجه ایشان بی بی ناطقه بنت سید  
 جعفر ابن سید محمد که والده سید اسمعیل بودند زوجه ایشان بی بی  
 حنفیه والده میر سید ابوالقاسم بی بی رضیه دختر فقیه عبد الله قریشی  
 نسب والده میر سید حسن زوجه میر حسن بی بی رقیه دختر سید طاهر ابن میر  
 سید حسین ابن بزرگوار از مدینه طیب آمده بفرسکونت کردند اختیار در آنجا  
 از بطن این بی بی اولاد شدند که میر سید الله تختدانی ایشان در شهر  
 گردید از بی بی خدیجه دختر سید محمد صدیق ابن سید علی ابن سید عمر ابن  
 احمد فرزند رتبه بلند ایشان میر سید محمد یوسف زوجه ایشان بی بی  
 رحمت بنت سید کمال الدین از بطن ابن عقیقه میر سید یعقوب بوجود  
 آمدند از شهر طوس شهر لاهور آمده آقامت کردند اختیار تختدانی  
 ایشان از بی بی شفقہ دختر سید احمد رضوی در آنجا شدند زنده رتبه بلند  
 ایشان میر سید داود زوجه ایشان بی بی سلیمه دختر سید محمد آفاق  
 فرزند ایشان میر سید محمد اسحاق زوجه ایشان بی بی مہار که دختر میر  
 سید ابن عبد الواحد فرزند ایشان میر سید محمد اسمعیل قادر

زوجه ایشان بی بی کلثوم از مقام لاهور آمده بشهر دہلی اقامت کردند  
 اختیار فرزند رتبه بلندشان میر سید تاج الدین کتخانی ایشان  
 از بی بی عایشه دختر سید عبد اللطیف بن سید عبد اللہ ابن سید الجم  
 ابن سید عبد الشکور گردید نسب علوی از انجا در دارالخیر احمر حاضر شد  
 در خدمت حضرت خواجہ بزرگ خواجہ معین الدین چشتی قدس المتعالی  
 شرف بیعت حصول کردند و تربیت و تعلیم باطنیہ مشرف شدہ فیض یافتہ  
 شرف خلافت یافتند و مساجد پیر دستگیر در دہلی طرح بود باش  
 ساختند و در صحبت جناب حضرت خواجہ قطب الدین بختیار کاکی  
 قدس سرہ در انجا ماندند باید شنید میر سید تاج الدین را یک فرزند  
 میر سید علاء الدین و یک دختر مسماة بی بی رحما از مولانا عبید اللہ  
 ابن سید عبد اللہ کتخانی شد ند از لطن بی بی مذکورہ دو پسر یک سید  
 دو بی سید عبد العظیم و یک دختر بی بی زینب سید علاء الدین را حصول  
 شرف بیعت بطریقہ عالیہ چشتیہ و تربیت و ارشاد و خلافت از حضرت  
 شیخ الاسلام و المسلمین حضرت بابا فرید الدین گنج شکر بوده بمقام  
 تالسی حاضر شدہ از انجا معاودت کردہ در شہر کالی پی بمصب  
 ولایت انجا اقامت پردختند بمحلہ محمود پورہ در عہد سلطنت آن دیار  
 محمود شاہ بادشاہ کہ خدای ایشان از مسماة عصمت النساء دختر

میر سید امجد ابن میر سید محمد دہلوی شدہ بود و فرزند رتبہ بلیت  
 از بطن ابن بی بی متولد شدند کی سید جمال الدین دوی سید  
 کمال الدین میر سید جمال الدین در دہلی رفتہ مرید حضرت سلطان  
 المشائخین سید نظام الدین اولیا شدند تربیت باطنیہ یافتہ  
 مشرف بخلافت شدہ مراجعت بسوی شہر کالپی کردند واضح باد  
 شادی میر سید جمال الدین از بی بی زینب دختر عمہ گردید و کئی ای  
 سید کمال الدین کہ مرید و مرشد پدر بزرگوار خود بودند از دختر سید عالم علی  
 گردید نام آن بی بی معلوم نشد الا شدہ دختر از دختر سید عالم علی شدہ نہ  
 ہر یک ہر یک برادران عمرا د کہ خدا شدہ نہ باید دانست میر سید جمال الدین  
 راستہ فرزند رتبہ بلندی کی میر سید محمد کالپی دوی سید احمد  
 سیومی میر سید ارشد کالپی این ہر دو برادر مرید و خلیفہ برادر  
 کلانی خود و بیعت و تربیت باطنیہ و خلافت میر سید محمد کالپی را از حضرت  
 مخدوم سید نصیر الدین چراغ دہلی قدس سرہ حصول و ایشانرا بعد  
 اخذ بیعت و تربیت وقت خلافت ملقب بسید محمد گیسو دراز  
 ساختند بایشینہ بحضرت مخدوم نصیر الدین چراغ دہلوی چار خلیفہ  
 بودند بنام سید محمد کی جد اعلیٰ این خاکسار کہ نہ کور شد دوی میر سید  
 محمد گیسو از مخاطب بندہ نواز زیدی نسبت فالض الانوار شان

بسوی دکن بمقام گلبرگ شریف سیومی میرسید محمد مؤلف کتاب  
 بحر المعانی از فرزندان سید عبدالقادر جیلانی چارمی میرسید محمد  
 بهمانی برفع اشتباه انقدر تصریح تحریر نمود تا باز نام از ره مقصود  
 باید داشت و نیز میرسید محمد کالپی مرید و خلیفه سید جمال ولیاد تنیر  
 مستر شد و خلیفه حضرت سید تاسید شاه ابو العلاء قدس سره  
 که در عهد عالمگیر بادشاه بودند ساکن شهر کالپی محل را محجوره حالا  
 فرزندان شان بعبور و رای جمعی میبایستند ان را نام علی پور چوره  
 ساخته اند یعنی فرزندان سید شاه ابوسعید عرف خیرات علی سید شاه  
 نور احمد و سید شاه طویر احمد و سید شاه سلطان احمد از مشایخ کج ملین  
 وقت مراجعت سفر حج ملاقات هست بخوبی ازین خاکسار الغرض آن  
 سید محمد کالپی از اجداد این فقیر هستند مسکن حضرات اجداد بنبرگوار  
 بمحل محمود پوره هست مسجد و خانقاه حالا غیر آباد عمارت است در آنجا کس  
 از فرزندان نمائند در زمانیم خدام آنجا بودند در امضای مدت بالا از سیال  
 اینهم نیست معلوم که وجود آنها باقیست نامعدوم نور باد که خدای میرسید  
 محمد کالپی از دختر عم میرسید کمال الدین گردید از مسأه بی بی عزت  
 و که خدای میرسید احمد از بی بی حرمت و که خدای میرسید ارشد  
 کالپی از بی بی عصمت هر سه خواهران اعیانی دختران میرسید کمال الدین

ابن میر سید علاء الدین بدانید هر سه برادر شدند ذی اولاد حسب الامر  
 دو پسر میر سید احمد را یکی میر سید حسن و دیگری میر سید حسین هر دو ذی ولد  
 شدند و میر سید ارشد را یکی پسر میر سید محمود و یک دختر بی بی حمید  
 نام اولاد ایشان در آنجا ماندند و سید محمد کالپی را نیز دو پسر شدند  
 یکی سید جلال الدین و دیگری سید نهال الدین که خدای ایشان از  
 دختران عم گردید یا حال دریافت نشد مفصل حال لایسید نهال الدین و دو  
 پسر شدند یکی سید معین الدین و دیگری سید رشید الدین و یک دختر نام  
 بی بی خدیجه مدعو پچول بی بی و سید جلال الدین را نیز دو پسر و یک دختر  
 از بطن بی بی اسما و دختر میر سید ارشد کالپی فرزند کلا فی میر سید  
 تقی الدین عرف سید بوژو طهی جد علی ابن خاکسار و ثانی میر سید  
 عبدالحی یک پسر ایشان میر سید عبد المجید یک خواهر ایشان بی بی  
 لغمت النساء دختر سید عبدالحی و زوج میر سید قطب الدین ابن میر  
 سید تقی الدین سید تقی الدین عرف سید بوژو بی راسته فرزند از بطن  
 بی بی خدیجه عرف بی بی پچول یکی سید قطب الدین مذکور الصد  
 و دیگری سید حامد عرف سید چاند سیومی سید علی ذکر اینها بجل خود  
 نوشته خواهد شد انقدر از تالیف کتاب میر سید ارشد کالپی تحریر نمود  
 و بآنی از بیاض جناب حضرت سید شاه محمد سمین که جد الحجازین فقیر حق





احم فرمود بی بی ام قاطعه نوشته اند پس بدانید از هر یک که فرزند جاست  
اولاد بسیار درین فرق و اہل سن بسیار و نیز فرقه امامیہ نیز جعفری نسب دارند  
ذکر امام زمانہ در نسب چہام خواہد نوشت تفصیل الا اول نسب نسب درمی اولیا و کیا کہ  
از فرزندان حضرت شد مینویسد خصوصاً نسب نامہ درمی حضرت غوث الثقلین محبوب بیانی رضی اللہ

### شجرہ اول در ذکر نسب مادری حضرت غوث الثقلین

واضح باد جد مادری حضرت محبوب پاک رضی اللہ عنہ سید ابو عبد اللہ صومی  
جیلانی ابن سید ابو الجمال ابن سید ابو محمد جیلانی ابن سید احمد طاہر  
ابن سید عبد اللہ ابن میر سید کمال الدین ابن میر سید علی ابن میر سید علاء الدین

### ابن حضرت امام جعفر صادق رضی اللہ عنہ

شجرہ دوم در ذکر نسب مادری حضرت خواجہ معین الدین  
خواجہ ابو محمد ضیاء الدین جد مادری حضرت خواجہ بزرگ ابن حضرت  
سید عماد الملک ابن سید عبد اللہ ابن میر سید علی ابن سید ابو القاسم  
ابن سید ابراہیم ابن سید حسین ابن سید یحییٰ ابن سید محمد زکریا  
ابن سید اسمعیل ابن حضرت امام جعفر صادق رضی اللہ عنہ  
باید شنید والدہ حضرت غوث الثقلین والدہ حضرت خواجہ بزرگ  
بر و خواہر خالاتی پس بدان نام جدہ مادری حضرت غوث الثقلین  
بی بی عارفہ نام جدہ مادری حضرت خواجہ بزرگ بی بی معصومہ

ہر دو خواہرا عیانی ذخران حضرت میر سید علی ابن میر سید احمد ابن  
میر سید عبد الرحیم ابن میر سید کمال الدین ابن میر سید جمال الدین  
ابن میر سید نور الدین عمر ابن میر سید مجد الدین ماطر ابن حضرت سید

عباس ابن حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام

شجرہ سیوم نسب نامہ مادری حضرت شہاب الدین سرورد  
بایدانست جد مادری حضرت شیخ الشیوخ شہاب الدین سروردی قدس سرہ  
سید نجم الدین عبد الاحد ابن سید رشید الدین ابن سید فضل اللہ  
ابن سید عبید اللہ ابن سید عبد اللہ ابن سید اسد اللہ ابن سید  
محمد طاهر ابن سید احمد ماطر ابن سید حیدر ابن سید محمد رفیع القدر  
شرف سید رفیع الدین ابن سید ماطر ابن سید مظفر ابن میر سید  
اسحاق ابن حضرت امام سید جعفر صادق رضی اللہ عنہ علیہ السلام  
شجرہ چہارم در بیان نسب نامہ حضرت علی احمد صابری قدس سرہ  
مخدوم سید علاء الدین علی احمد صابر ابن سید علی کلان ابن سید احمد  
حقانی ابن سید سمیع الدین ابن سید محمد رفیع الدین ابن سید محمود مقبول ربانی  
ابن سید مرنانی ابن سید محمد کلانی ابن سید حسین بیابانی ابن سید احمد ابن سید حسن ابن  
سید عمر ابن سید اغا الدین ابن سید علی ثانی ابن سید محمد بن حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام  
نسب مادری پنجاب شیخ فادلی شیخ خواہر زادہ حضرت بابا فزالدین شکر گنج اندام الدہ حضرت سید احمد صابری

حلیہ منت بی بی جمیلہ والدہ حضرت بابا فرید روایت ثنائی نام والدہ

انجنا بلی بی عصمت بنت مخدوم جمال الدین

شجرہ نیچہ در بیان نسب امہ حضرت مخی و دم شہاب الدین

حضرت مخدوم سید اشعاب الدین ابن سلطان سید شاہ محمد تاج الدین کاشغری

ابن سلطان سید ناصر الدین ابن سلطان سید یوسف ابن سلطان سید حمزہ

ابن سلطان سید حسین ابن سلطان سید قاسم ابن سلطان سید موسیٰ

ابن سلطان سید حمزہ ابن سلطان سید داؤد ابن سلطان سید کن الدین

ابن حضرت سید قطب الدین ابن حضرت سید محمد اسحاق ابن حضرت امام

جعفر صادق رضی اللہ عنہ نام زوجہ پیر گلجوت بی بی نور دختر سید جمال الدین

چار دختران حضرت یوسف بی بی رضیہ عرفی بواستہ جمعیہ عرفی بی

جمیلہ بی جمال بی بدیعہ زوجہ حضرت سلیمان لنگر مین والدہ بی بی کمال اللہ

اکثر نام آن بی بی نیز بی بی کمال گویند جای حیرت کہ نام مادر و دختر و

اچکہ کہ سند یافتہ تحریر مخدوم بی جمال زوجہ مخدوم شاہ حمید الدین ابن

مخدوم سید آدم صوفی این بی بی والدہ مخدوم شاہ تیم اللہ سفید بار بودند

بی بی جمیلہ زوجہ مخدوم سید موسیٰ بھانی ابن مخدوم سید شاہ مبارک ابن

بی بی والدہ حضرت مخدوم سید احمد چرم پوش اندو بی بی رضیہ و حضرت

مخدوم شاہ احمد محسنی انیسری ابن مخدوم شاہ اسماعیل نبیرہ حضرت امام

محمد تاج فقیہ والدہ حضرت مخدوم الملک شاہ شرف الدین  
قدس سرہ و اسم والدہ حضرت مخدوم شہاب الدین پیر حکمت بے

راحت النساء و دختر سید لطف اللہ

شجرہ ششم در بیان نسب نامہ حضرت فرید الدین عطار نیشاپوری  
حضرت سید فرید الدین عطار ابن سید اسماعیل ابن خواجہ محمد یار فی ابن سید نجم الدین  
وصل حق ابن سید نصیر الدین ابن سید نور اللہ ابن سید ابوبکر علی ابن سید  
عبید اللہ ابن سید عبد اللہ ابن سید اسماعیل ابن حضرت جعفر صادق علیہ السلام  
سید محمد غوث گویاری ابن سید خیر الدین ابن خواجہ عبد اللطیف  
ابن خواجہ معین ابن خواجہ خطب الدین آتش نیشاپوری ابن خواجہ بایزید

بار باری ابن حضرت خواجہ فرید الدین عطار قدس سرہ

نثر اول در نسب ماوری حضرت بابا فرید الدین گنج  
والدہ ماجدہ حضرت بابا فرید گنج شکر بے بی جمیلہ بنت سید وجہ الدین خجندی  
ابن سید عماد الدین ابن سید کمال الدین ابن سید جمال الدین ابن سید احمد  
بدر الدین ابن سید حسن ابن سید علی ابن سید حامد ابن سید محمود ابن سید  
ابن سید عارف ابن سید اسماعیل ابن حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام  
شجرہ ہفتم در بیان نسب نامہ حضرت مخدوم بدر الدین عالم  
حضرت مخدوم بدر الدین بدر عالم ابن سید ظہیر الدین صدر عالم ابن سید منیر الدین

ابن سید لونس ابن سید ادیس ابن سید عمر زید ابن سید حیدر اطر ابن  
 سید محمد مظفر ابن سید شهاب الدین ابن سید نور الدین ابن سید ذکی الدین  
 ابن سید خواجہ بقاء اللہ ابن سید خواجہ عطاء اللہ ابن سید عبد الحجاز ابن  
 سید ثناء اللہ ابن سید محمد شریف ابن سید عبد اللطیف ابن سید حسن اطر  
 ابن سید محمد اسحاق ابن حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام  
 شجرہ ہشتم در بیان نسب نامہ سلطان سید شرف جہا نگیر ابن  
 حضرت سید سلطان اشرف جہا نگیر ابن سید شاہ ابراہیم ابن سید شاہ  
 عماد الدین نور بخش ابن سید ظہیر الدین ابن سید تاج الدین بہلول ابن سید  
 ابن سید محمد مہندی ابن سید کمال الدین ابن مبارک الدین ابن سید جمال الدین  
 ابن سید عبد اللہ ابن سید حسین ابن سید احمد ابن سید حمزہ ابن سید علی  
 ابن سید موسیٰ ابن سید اسمعیل ابن سید ابو الحسن محمد ابن سید اسمعیل

ابن حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام

تھرم دوم نسب نامہ سید امین الدین بیجا پوری یکی از خلفاء سید محمد کیسوی  
 سید امین الدین بیجا پوری ابن سید بدر الدین ابن سید شفیع الدین  
 بیجا پوری ابن سید عبید اللہ ابن سید عبد اللہ ابن سید عبد الفتاح  
 ابن سید فیج الدین محدث ابن سید ذکر یاسید بانی ابن سید احمد کاشانی  
 ابن سید حسن ابن سید حسین ابن سید محسن ابن سید سلیمان ابن سید داؤد

ابن سید محیی ابن سید یوسف ابن سید ارشد با خدا ابن سید احمد همدانی  
ابن سید محمد اسحاق ابن حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

شجره نهم در بیان نسب امیر سید علی همدانی

امیر کبیر سید علی همدانی ابن سید محمود همدانی ابن سید احمد همدانی ابن سید  
امام الدین همدانی ابن سید نور الدین همدانی ابن سید نصیر الدین همدانی  
ابن سید ظفر الدین همدانی ابن سید طاهر همدانی ابن سید جلال الدین همدانی  
ابن سید جمال الدین همدانی ابن سید ابی یوسف عرف قاضی القضاات همدانی  
ابن سید یعقوب همدانی ابن سید محیی همدانی ابن سید قیام الدین همدانی ابن  
سید قاسم همدانی ابن سید بُرّان الدین همدانی ابن سید امام محمد دیباج

ابن حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

شجره سیدوم نسب امام سید لایت علی میر سید از حضرت سید علی همدانی  
سید شاه و لایت علی ابن سید کریم بخش ابن سید میر علی ابن سید شاه  
حسن علی ابن سید محمد فضل ابن سید رفیع الدین ابن سید شاه ولی ابن  
سید عظیم ابن سید نصیر الدین ابن سید راجع محمد ابن سید عبد اللہ ابن  
سید اشرف ابن حضرت سید اسحاق ابن سید صدر الدین ابن سید بلال الدین  
ابن سید شمس الدین سیاه پوش ابن سید علاء الدین همدانی ابن سید محمد

همدانی ابن سید علی همدانی

## شجره چهارم نسب مامری قاضی محمد اجمل دام لطف

قاضی سید محمد اجمل خال لا عظم ایشان شاه محمد واعظ عرف سید شاه ابدان شریف  
 ابن سید شاه پیر علی ابن سید شاه میر علی ابن سید شاه حسن علی ابن سید  
 محمد فضل ابن سید رفیع الدین ابن سید شاه ولی ابن سید شاه عظم ابن  
 سید نصیر الدین ابن سید رافع محمد ابن سید عبد الله ابن سید اشرف ابن حضرت  
 سید سماق ابن سید صدر الدین ابن سید بدر الدین ابن سید شمس الدین سیاه پوش  
 ابن سید علاء الدین بهدانی ابن سید محمد بهدانی ابن امیر کبیر سید علی  
 بهدانی جامع کتاب اوراد و تحفیه **جعفری** نسب مذکور به بالا جعفری نسب  
 اکثر مشایخین انجوار اند چونکه نسب نامہ علی الترتیب سلسلہ نیافت نگاشت  
 خصوصاً اہل شیعہ خود را اکثر بدین نسب نامہ یکی ازان در قرابت و مصاہرت  
 این خاکسار میر رمضان علی و نیز سید رضا علی ابن میر لویس علی درین نسب اند  
 و نیز از فرزندان آنحضرت امام صادق علیہ السلام نیز ذکی حسین ابن داوود  
 سید لطیف حسین اند و مریدی سید ابو الحسن ابن میر بہادر علی ابن ہر دو  
 ہجرت ہستند حکیم سید عابد حسین ابن داوود سید لطیف حسین ابن میر نصر اللہ  
 ابن میر وارث علی ابن میر حسین ابن سید لطف اللہ ابن سید احمد عرف چولہای  
 ابن سید شاہ غلام عطا ابن حضرت سید کمال الدین ابن حضرت سید جمال الدین  
 ابن سید شاہ غلام شرف ابن حضرت سید شاہ دعاء اللہ ابن حضرت سید شاہ

عطاء اللہ ابن حضرت سید شاہ وجہ اللہ ابن سید شاہ نظام الدین ابن  
 سید شاہ ہدایت اللہ ابن سید شاہ محمد حسین ابن سید شاہ رحیم داد ابن سید  
 شاہ کریم داد ابن حضرت سید محمد فرید ابن سید محمد اسماعیل ابن نبیرہ حضرت  
 سید محمد اسحاق ابن حضرت امام جعفر صادق رضی اللہ عنہ کہ دو نام  
 نماز واضح باد دارد غمہ سید لطف حسین پانچ پسر یکے سید اکبر حسین و پسر  
 ایشان سید محمد باقر و عباس علی پسر دوم حکیم سید عابد حسین ایشان را  
 دو پسر یکے سید جعفر حسین ثانی ابو الحسن سیومی سید اوسط حسین  
 پدر سید سلطان چارمی عسکری حسین پدر محمد تقی پنجمی سید ذکی حسین فی ثانی  
 اند و میرزا حسین بنی عم ایشان پسر ایشان سید عطا حسین سید منظر حسین  
 و غیرہ انقدر دانست نگاشت نسبت چهارم باب و دم در نوکر اولاد  
 حضرت امام موسی کاظم علیہ السلام و نسبت نسبت ابی اللہ زما  
 خصوصاً حضرت خواجہ معین الدین چشتی قدس سرہ شجرہ و ثمرہ  
 واضح باد مؤرخین مذہب امامیہ فرزندان امام حضرت موسی کاظم رضی اللہ عنہ  
 شصت و نہ فرزندانہ اند تحریر یعنی سنی ہفت پسر و بیست و نہ دختر از سیزدہ  
 فرزند اولاد جاری در باقی عقاب نمائند بقیم من نقل از عقیدت ناگزیر  
 الا انچکہ در کتاب است بحر الانساب و حساب الانساب بنویسد انفقیر  
 حقیر عقدت پذیرا سامی فرزندان انحضرت نیست حضرت علی موسی رضا



اما حمزہ زمانہ کلانی و حضرت اور لیس ثانی و سیدنا ابراہیم و سیدنا موسیٰ ثانی  
 و سیدنا عبد اللہ و سیدنا عبید اللہ و سیدنا یونس و سیدنا علی ثانی و سیدنا  
 اسماعیل و سیدنا یحییٰ خیر انچک در نسب نامہ اولیاء الدیانتہ میں نسبت نگار اول  
 شجرہ اول نسب چارم در نسب حضرت خواجہ بزرگ معین الدین چشتی قدس سرہ  
 حضرت خواجہ معین الدین چشتی سنجر ایجمیری ابن حضرت خواجہ غیاث الدین  
 سنجر ایبن خواجہ نجم الدین طاهر ابن خواجہ عبد الغفریز مطہر ابن خواجہ سید موسیٰ  
 مصفا ابن سید ادیس لہ حضرت نام موسیٰ کاظم علیہ السلام ابن حضرت امام جعفر صادق

### شجرہ اول بر بزرگ اولاد حضرت خواجہ قدس سرہ

آوردہ اند بعد تکمیل فقر کمال حضرت خواجہ بزرگ بکبر سنی متاہل شدند اولاد  
 حسب بشارت و اشارت آنحضرت نبینا محمد صلی اللہ علیہ وسلم نو دسالگی عقد و  
 نکاح کردند از دختر خجستہ اختر سید و جہہ الدین مشہدی صوفی زو جہ ثانی  
 بی بی آمنہ اللہ دختر راجہ اند یار نام دختر سید و جہہ الدین بی عصمت النسیا  
 ستہ پسر یک دختر در آن عمہ شریف حضرت خواجہ در نیالہ بوجود آمدند میگویند  
 بی بی حافظ جمال دختر آنحضرت از طبق بی بی آمنہ اللہ متولد شدند و با شیخ  
 رضی الدین ابن سلطان التارکین شیخ حمید الدین ناگوسی سوا لکہ  
 اجل خلفاء حضرت خواجہ بودند گتخدا شدند و فرمودند حضرت خواجہ بزرگ  
 اولاد حمید الدین معین اولاد معین است و فرزند کلانی خواجہ ابو سعید حلیت کوفہ

قبل از ایام جوانی ثانی خواجه حسام الدین که حضرت خواجه ولایت ایشان بمقام  
 سائیه هر داده بودند حضور مانند تاحیات خطاب یافتند حسام الدین پیوسته  
 با خر عمر با ابدالان پیوسته سیوم فرزند حضرت خواجه فخر الدین  
 ذبی اولاد شدند خواجه فخر الدین را دو فرزند یکی خواجه کن الدین کلائی  
 خلف ایشان خواجه زرین الدین آینده کیفیت اولاد ایشان معلوم نشد  
 الا فرزند ثانی خواجه حسام الدین ابن خواجه فخر الدین که نام فرزند خود  
 بنام برادر خود نهادند خواجه حسام الدین را نیز دو فرزند یکی خواجه معین الدین  
 خور و کلائی که بعد ابا و اجداد در اجمیر شریف زیب سجاده گشتند و نام فرزند  
 ایشان خواجه بنین الدین ثانی بود ثانی خواجه قیام الدین ملقب بر بال خلف  
 ایشان خواجه نجم الدین پس ایشان خواجه احمد کمال ولد ایشان خواجه  
 شهاب الدین فرزند ایشان خواجه بایزید ثانی مقبول ربانی حضرت ایشان  
 عمر خود در سیاحت تمام گذرانیدند در امصار و دیار بعد مدت مدید تشریف  
 آوردند در اجمیر شریف در آنوقت خدام فشناختند و انکار از فرزند ی  
 خواجه باینرید کردند آخر به شهادت خواجه حسام الدین ناگوری که اولاد  
 سلطان التارکین بودند بادشاه وقت عطا نمود خدمت دیوانی تفویض  
 نمود خواجه حسام الدین عرف خواجه حسین ناگوری زیب سجاده انحضرت  
 ایشان را کردند و دختر خود در عقد نکاح ایشان دادند اولاد جاری شد

باید شنید شمره دوم فرزند خواجه بایزید ثانی خواجه شهاب الدین  
 بود فرزند ایشان خواجه محمد طاهر پسر ایشان خواجه غیاث الدین پسر ایشان  
 خواجه معین الدین ثالث پسر ایشان خواجه ابو النخیر مطهر این بزرگ شدند کثیر الاولاد  
 بهشت پسر ایشان متولد شدند یکی خواجه علیم الدین کلانی دوم خواجه معین الدین  
 ثانی سیوم خواجه شهاب الدین چهارم خواجه محمد طاهر پنجم خواجه محمد شاه ششم  
 خواجه شاه ولی محمد هفتم خواجه شاه محمود هشتم خواجه شاه محمد مسعود از آنجمله  
 چهار فرزند شد ندوی اولاد باقی چهار را عقاب نماند می نگارند اولاد چهار  
 برادر در اجمیر شریف ماند یعنی خواجه معین الدین و خواجه شهاب الدین و خواجه  
 شاه محمد و خواجه شاه ولی محمد که نوبت بانوبت هر یک زیب مجاده حضرت  
 خواجه گشتند بعضی از اولاد مسافرت کردند خستیمار و سیار و دیار هر گاه  
 به زیارت مزار رسید با جمیع شریف این خاکسار و رسال یکبار و دو  
 و شصت هجری چنین دریافت شد که در زمان چهل و هشت هجری منصب  
 دیوانگی زیب مجاده بودند شاه محمدی علی صاحب حال بجای ایشان  
 برادر زاده شان شاه سراج الدین اند زیارت خدمت اخوان  
 آنچکه بود مقصود گشت کشود و نیز برادران شان شاه منیر الدین وید <sup>علیه</sup> خیر  
 بودند اکنون دریافت شد که فرزند شاه سراج الدین زیب مجاده بخطاب  
 دیوانگی نماند مامور مبارک باد شمره سیوم روایت می نمایند هر گاه

خواجه علاء الدین ابن خواجه علیم الدین مذکور الصدق قصد سفر کردند از اجیریه  
 فرزند یابگیر الشیخان شمس العارفین خواجه محمد اود و حشمتی از دیار مغرب قاصد  
 دیدار مصار شرفی شدند از شهر بلخی سیر کرده بدین اواح رسیدند جای اقامت  
 در محال کلیمه پسندیدند و حسب مجوزی و امحاح راجه انجا بدینجا تکیه ساختند  
 بموضع کندومی پرگنه اکیل ضلع بهار در انجا خبر گیر فقره اوارد و صادر  
 کردند حاکی وقت بهر کفایت معین کردند انگاه شهید اعظم اعراض پیران  
 که هست شیوه ایشان خصوصاً حاصل در ایشان شامل شدند و اولاد شد  
 پیدا الا خود را شیخ گویندند و الله اعلم در اخفای سیادت چه بود مقصود  
 حالا اولاد اند فرزندان ایشان خواجه داود خواجه محمد یوسف بودند بطریقه  
 آبائی قائم ماندند پس ایشان خواجه عید الرقیب پس ایشان خواجه محمد جمیل  
 خود را شیخ گویندند و اولاد ایشان شیخ محمد خلیل اولاد ایشان جابجا در بیات  
 اقامت نمود و بسبب همه معاش صورت کفایت دانی چنانچه قاضی جعفر علی  
 سلسله موضع کندومی از فرزندان شیخ محمد جمیل اند و شیخ محمد لطیف ابن شیخ  
 محمد جمیل موضع جان پور ترب چمان آباد و کیهانیه مقیم شدند فرزندان  
 شیخ محمد لطیف شیخ محمد سحان در جاجیری صورت معاش پیدا کردند شیخ  
 اقبال حسین غیره و حاصل پس شاه محمد سحان بودند شیخ محمد شرف پس ایشان  
 شیخ محب الله پس ایشان شاه محمد امان الله عرف شیخ امان پس ایشان شیخ

محمد زمان و الدیشان شیخ محمد باسط لیسپشیان شاه عید الرحمان عرف شیخ  
 رحمان بخش خلف ایشان شاه محمد و اهب حسین که از دختر خجسته اختر مولانا  
 غلام قادر رحمۃ اللہ علیہ که خدا شدند مولانا مفتی عدالت بود و ذوق علاقه صنایع بهاء  
 ابن شیخ غلام حیدر شاه و اهب حسین از دختر مولانا شہ فرزند مولوی  
 منیر الدین احمد لیسپکلانی با وجود همه لیاقت حصول در عالم جوانی کردند  
 انتقال مولوی امیر الدین احمد پشترانی بعد از سرکاری بنظر اند موجود  
 سیوم نصر الدین احمد رفت از نیوالم بعالم جوانی الامولوی امیر الدین احمد  
 که خدا شده اند اللہ تعالی ذی اولاد کند شجره دوم نسب چهارم  
 باب دوم در ذکر نسب نامہ حضرت خواجہ نور الدین امیر کللال  
 باید دانست خواجہ نور الدین امیر کللال پیر شد حضرت خواجہ بہاؤ الدین  
 قدس سرہ اند خواجہ نور الدین امیر کللال بن خواجہ امیر حمزہ ابن امیر سید ابراہیم  
 ابن امیر سید محمد قصوری ابن امیر سید حسن مقبول ابن امیر سید عبد اللہ  
 شہید ابن امیر سید جعفر ابن امیر سید حسین ابن امیر سید علی ابن امیر سید  
 ابن امیر سید احمد بلقب حسین ابن امیر سید محمد علی ابن سید شریف موسی ابن  
 سید ابراہیم قاضی ثانی ابن حضرت امام موسی کاظم علیہ السلام باید دانست  
 فرزند حضرت امیر نور الدین کللال چهار بودند یکی سید حمزہ دومی امیر  
 برتان الدین سیوم امیر محمد شاہ چارمی امیر عمر اولاد ہر فرزند نامہ

چهار اند با مصار و دیار بسلسله نسب برین نیافت کسی که منی نگاشت الا خواجه  
 عترت خواجه امیر جان و اما د حکیم غلام نبی خان از اولاد از یک فرزند آن خواجه  
 امیر کلال اند چهار فرزند شان اند یکی خواجه احمد حسین و یکی خواجه محمد حسین  
 عرف خواجه محمد امان خلف ایشان خواجه عبد السلام سید موسی خواجه محمد حسین  
 عرف خواجه محمد زمان چارمی خواجه عبد الله هر یک اند محبت پناه و نه  
 شجره سیدوم نسب چهارم در ذکر نسب حضرت مخدوم سید  
 احمد ملقب چرمپوش معتمد ذکر اولاد مخدوم سید احمد مخاطب چرمپوش  
 ابن سید موسی همدانی ابن مخدوم سید مبارک همدانی ابن میر سید خضر ابن  
 سید ابراهیم همدانی ابن سید سلیمان همدانی ابن سید عبد الکیم ابن سید  
 عبد الحکیم ابن سید عبد الشکور ابن میر سید نعمت الله ابن میر سید عبد المجید  
 ابن سید عبد الرحیم ابن میر سید اسحاق ابن میر سید احمد ابن میر سید محمود  
 ابن میر سید اسمعیل ابن سید عبد الرحمان ابن میر سید قاسم ابن میر سید نور  
 ابن میر سید یوسف ابن میر سید کن الدین ابن میر سید علاء الدین ابن میر سید  
 یحیی ابن میر سید ذکریا ابن میر سید حسن ابن سید فیاض ابن سید عمر ابن میر سید

عبد الله ابن حضرت امام موسی کاظم علیه السلام

شجره در ذکر نسب مادری و اولاد حضرت مخدوم سید احمد  
 مخاطب چرمپوش قدس سره

باید دانست حضرت مخدوم سید احمد چرمپوش نواسه حضرت مخدوم سلطان  
 سید شهاب الدین پیر عیون اندام والده ماجده انجناب بی بی جمیعہ مدعو جمیعہ  
 بودند و نام زوجہ انجناب بنیمہ اندام و فرزند رتبہ بلند بودند انجناب را یکی  
 مخدوم شاه سید تاج الدین کلانی باقی دومی مخدوم سید شاه سراج الدین  
 ثانی علاوه این دیگر اولاد نبود مخدوم شاه سراج الدین را یک پسر مخدوم سید  
 شاه عجمہ الرحمان که از دختر عم کلان بی بی و اسمعت بنت مخدوم شاه تاج الدین  
 که خدا شدند دیگر دختر پسر نبود و برادر یک پسر یک دختر پس سید شاه  
 عجمہ الرحمان بعد عم کلان و والد خود ریب سجاده مانند بعد خلف شان سید  
 شاه علی عرف مخدوم بده جانشین شدند بعد ایشان پسر ایشان  
 سید رکن الدین مدعو منجم ولد ایشان سید شاه محمود اعلا ریب سجاده  
 شدند بعد ایشان خلف ایشان مخدوم سید نصیر الدین سجاده نشین باند  
 پسر ایشان سید شاه حبیب اللہ ولد ایشان سید شاه محبوب اللہ پسر ایشان  
 سید شاه محمود ثانی خلف ایشان سید شاه محمد ولد ایشان سید شاه  
 سراج الدین ثانی فرزند ایشان سید شاه نور الدین ایشان سید  
 حبیب اللہ این ایشان سید شاه علی صغر این ایشان سید شاه  
 محمد ثانی واضح باد سید شاه علی صغر را یک پسر سید محمد ثانی و  
 یک دختر شاه مجیدہ که از سید شاه غلام مخدوم زیدی نسب اند این سید شاه

محمد حقیق که خدا شدند دختر ایشان سماء اطیمه عرف بے بی اطوره و الهه  
 شاه امیر علی ابن شاه کریم بخش ابن شاه محمد و اصل ابن شاه غلام بدر ابن شاه  
 وجه الدین فردوس سید محمد ثانی راسته پسر یک سید شاه نجف علی ایشان را  
 دو دختر یک سماء و دو پسر الهه امیر علیخان ابن بهمت علیخان و وی سماء  
 شوین زوجه حاجی شاه الطاف علی یک پسر ایشان شاه نور الحسن سرور  
 که از دختر قاضی صابر علی که خدا شده ذمی و لاداند و خواهر ایشان از قاضی  
 وصی احمد ابن قاضی صابر علی که خدا ذمی اولاد اند پسر دوم سید محمد ثانی  
 سید شاه احمد علی و دو پسر ایشان شدند یکی سید شاه احمد حسین و وی سید شاه  
 محمد حسین ایشان را دو پسر باو شان چند دختر سیدم خلف الرشید سید محمد ثانی  
 سید شاه پیر بخش خلف الرشید ایشان سید شاه محمد دوم بخش  
 شاه کلن که بعد عرصه رونق خاندان زریب شایخی و داند پسر ایشان دو  
 سید ولایت حسین و سید نور احسین هر دو موجود اند الله تعالی ترقی بخشند  
 و شاه نور الحسن ثانی ابن شاه برکت حسین نیز از فرزندان اند که جد بزرگوار  
 ایشان و آل حضرت محمد دوم سید شاه احمد چرمپوش بوده اند بدین سبب  
 سکونت نیز است و نیز سقفه حکیم محبت حسین از فرزندانند و دیگران نیز میگویند  
 چون سلسله نیافت نوشت نسبت پنجم باب و دم در ذکر حضرت  
 امام علی موسی ضامن که فرزندان آنحضرت بر چهار شجره است و همراه



باید دانست حضرت امام علی موسی رضا علیه السلام رانج فرزند رتبه بلند و یک  
 دختر خجسته از خربی بی نام طمسه ثانیه از به فرزند ان سلسله نسب باقیست  
 خود را رضوی سید میگویاتند از نژاد امید ه فرزند اند و الله اعلم فرزند اولین جفته  
 امام محمد تقی علیه السلام نام زاده فرزند دوم امام سید حسن فرزند سیموم  
 سید علی فرزند چهارم سید جعفر پنجم فرزند سید ابراهیم بودند اینهم  
 اجداد سیادات رضوی واضح باد نسب حضرت پیر و شکیخه خواجه قطب الدین  
 اوشی ملقب بختیار کاکی قدس سره از حضرت سید جعفر ابن حضرت امام  
 علی موسی رضا علیه السلام می پیوندند و خواجه قطب الدین بختیار کاکی  
 ارشد الخلفا حضرت خواجه معین الدین چشتی قدس سره ابن خواجه کمال الدین  
 اوشی ابن سید محمد اوشی ابن سید احمد اوشی ابن سید جسام الدین ابن  
 سید رشید الدین ابن سید رضی الدین ابن سید حسن معروف ابن سید  
 اسحاق بن سید محمد جواد ابن سید علی سجاد ابن سید جعفر ثانی ابن جفته  
 امام علی موسی رضا علیه السلام رضی الله عنه واضح باد حضرت خواجه  
 قطب الدین ابله سابق را با اشاره آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم طلاق و  
 باز نافی متاهل شده اند از بعض زوجة ثانیه که در اقران بودند و فرزند شدند  
 یک سید احمد دوی خواجه محمد سید خواجه محمد یحیی سیده ساگی بجا و رحمت حق بتا  
 پسر ثانی خواجه محمد را یک پسر بودند خواجه کبیر زان بعد عقاب حضرت نما

نام والده حضرت خواجہ قطب الدین بن بی رضیہ بنت سید محمد ابن سید علی  
 ابن سید احمد ابن سید ابراہیم ابن سید آدم بن سید عالم ابن سید محمد عالم ابن سید  
 عبد المجید ابن سید عبد الحمید ابن سید عبد الرشید ابن سید حسن لد حضرت  
 امام علی موسی رضا علیہ السلام نسبت دوم ضروی نسب نامہ سید  
 شاہ ابو العلی مشہدی جد امجد حضرت مولوی حسن ضاقدہ  
 سید شاہ ابو العلی ابن سید شاہ محمد حیات ابن سید شاہ محمد پیرکات ابن سید شاہ  
 مبارک ابن میر سید جعفر ابن میر سید مظفر ابن سید حیدر ابن سید شاہ ابو الحیو  
 ابن سید شاہ ابو البرکات ابن میر سید احمد ابن میر سید محمد ابن میر سید عبد اللہ  
 ابن سید عبد الحلیل ابن سید محمد خلیل ابن سید عیسیٰ بن سید علی بن سید مصطفیٰ ابن سید  
 عبد اللہ اکبر ابن سید مجتبیٰ ابن سید ابراہیم مرتع پوش ابن حضرت امام علی موسی رضا  
 رضی اللہ عنہ علیہ السلام فرزند حضرت سید شاہ ابو العلی طویل نسبت  
 قرابت و مصاہرت ازین فقیر حقیر غیر تحریر کرامات بعد ازین خواہد نوشت  
 نسبت سوم نسب نامہ قاضی عبد الفتاح عرف قاضی بربری دالاک  
 جد امجد میر سید محمد قاضی سید عبد الفتاح ابن میر سید عالم ابن سید ابراہیم  
 ابن میر سید میر ابن میر سید محمد ابن میر سید زین العابدین ابن میر سید مبارک  
 ابن میر سید علی شیر جاجیری ابن میر سید علی اکبر ابن میر سید علی صفار ابن میر  
 سید عبد اللہ ابن سید زین العابدین ابن سید محمد علی ابن میر سید لوج

بن میر سید ابراهیم ابن میر سید زین العابدین ابن میر سید حسین عرف سید  
 محمد المطلب ابن حضرت امام علی موسی رضا علیه السلام رضی الله عنه النور باد  
 سیادات رضوی نسبت هستند بسیار بر شهر و امصار و دیار بلکه اکثر اندر پنجوا  
 از ادیاب و کبار چون نسب نامه اولادشان مسلسل نیافت بدین وجه نگاشت  
 متعذر ماند و نیز اکثر فرقه ها مایلند سیادات رضوی عویدار چنانچه در پنجوا و سواد  
 ساکنان موضع اچکله که نسبت مصاهرت دارند واضح باد در زمان ماضی <sup>طین</sup> سواد  
 بزرگ بودند مشاهیر منصب قضا داشتند قاضی سید عبد الاحد عرف قاضی بڑی  
 رضوی نسب بودند و فرزندشان قاضی احمد علی اولاد ایشان شد بسیار  
 مصاهرت واقع شد از اولاد ایشان شرفا و موضع بلتیو و حضرت بهار  
 مذکره ذریع ایشان در تخته کناخ خانه نگاشت و نیز در موضع ساشین  
 خلع پنه برانده قریب بزرگ بودند منصب قاضی سید اولاد علی والد ماجد  
 قاضی سید فضل حسین صدر اعلی مرحوم لیسر ایشان قاضی سید رضا و سید محمد کاظم  
 و از بنی اعوام ایشان میر احمد حسین میر محمد و محمد بن سید شجاعت علی  
 و از موضع ارسیات رضوی اند و نیز صاحبان موضع نیالوان و نیز سید  
 شاه اهل الله رضوی را در پنجوا موضع مصاهرت واقع شد سید شاه اهل الله  
 جد مادری سید شاه عبد الرشید عرف شاه حجتی ابن سید شاه اطیب الله  
 تقادری چنانچه منقول است دو سید زاده بزرگ از سیادات رضوی نسب

از ولایت تشریف آوردند بصیغه طالب علمی در خانقاه حضرت مخدوم بدرالدین  
بدر عالم در بهار وارد شدند مشغول تدریس بودند روزی کرامات ایشان  
بحضرت مخدوم بدر عالم عیان شد سید احمد کلانی و سید محمد ثانی را  
نام بود حضرت مخدوم دختر خجسته اختر بی بی ابدال خود را خواستند بزوجه  
یکی از اینها دهند کلانی غدر آورد و دختر دگر دنا اختیار چنانچه مزارشان  
واقع موضع ندره معروف است سید محمد قبول کردند مزار ایشان بموضع  
معافا واقع است از بطن بی بی ابدال اولاد شده ساکن موضع بی بی پوشند  
که جای چلبه بی بی محدوده مشهور است چنانچه انوضع و دیگر دیهات معانی بقبض  
اولاد ایشان است از فرزندان ایشان یکی بزرگ راسته فرزند بود و دیگر  
فرزند یک فرزند سید شاه اهل شد مذکوره بالا و فرزند برادر دیگر سید عنایت علی  
بود و خلف ایشان سید فرزند علی کتختائی ایشان از دختر میر مظفر حسین مرحوم  
ساکن شینچو پوره شد سید فرزند علی را دو فرزند یکی میر فرحت علی که از دختر  
میر اولاد علی ابن سید شاه وارث علی که از اولاد دیوان سید جعفر قدس سره  
بود و دیگر دیوانه ازین عالم رفتند و پسر ثانی میر فرزند علی میر اسمعیل علی از  
دو تن شادی اولاد جاری شد چند دختران و دو پسر یکی سید واجد حسین  
دویم سید احمد حسین خواهر کلانی ایشان زوجه شاه اظهر حسین تانیه زوج  
سید امیرالدین نوابادی ثالث زوجه پیاری صاحبان قاضی محمد بخش مرحوم

ونواسه سید وحید الدین اشرف که از اولاد سلطان اشرف جهانگیر  
 معروف بودند حاصل از انجمل از سته برادر فرزند یکی سید رمضان علی  
 بودند خلف الرشید ایشان میر سید غلام حسین سلموی دوله پشیمان شدند  
 از دوز و جهی یکی میر محمد حسین داماد سید محمد حسین نوابادی پسر ایشان سید الفتح  
 و از زوجه ثانی خلف الرشید ایشان سید حسین ستخواهر ایشان ذی اولاد اند شد  
 علی حسین بهار از دختر میر حسین ساکن باروری شده بودند و دختران ایشان را  
 نسبت ششم از باب دوم در ذکر حضرت امام محمد تقی علیه السلام مغرور  
 باید دانست از تحریر مؤرخین سابقین نیز از کتاب بحر الانساب شش فرزند آنحضرت  
 سته پسر سته دختر فرزند اول حضرت امام علی نقی علیه السلام مام زمانه ثانی حضرت  
 موسی ثالث سید جعفر ثانی اولاد ابن مهر و بزرگو ایسی اولیا و کبار اند جا بجا  
 ولی الله صاحب لایت آسوده اند بزارشان فایض الانوار به شجره اولی  
 نسبت ششم باب دوم در ذکر نسب حضرت سلطان المشائخ  
 سید نظام الدین احمد بدایونی حضرت سلطان الاولیاء  
 سید نظام الدین محبوب بانی ابن میر سید احمد بدایونی ابن سید خواجه علی بخارا  
 ابن سید عبداللہ ابن سید حسن ابن سید علی ابن سید احمد ابن سید عبداللہ ابن  
 سید مغرور و حضرت سید جعفر ثانی ابن حضرت امام محمد تقی علیه السلام  
 باید دانست حضرت خواجه علی حضرت سید دانیال عرف خواجه عربان و جوار عرب

سیر کرده مصار و دیار به بخارا شریف آمده سکونت کردند اختیار پس بدن  
هر دو بزرگوار در انجمن متاهل شدند پس شرفاء انجمن سید بخاری را دو فرزند  
شدند یکی سید احمد بدایونی ثانی سید محمد بدایونی و نیز دو دختر شدند خواجه عرب سید  
دانیال یکی موسوم بی بی زینب از وجه سید احمد بدایونی نام ثانیه معلوم شد  
از بخارا نوبت سکونت به شهر بدایون رسید و حضرت سید احمد سید  
نظام الدین اولیا و کنیز اهرشان بی بی زینب نام حضرت محبوب  
آبی حضور بودند الا فرزند بی بی زینب دو کی سید تقی الدین نوح  
دویمی سید رفیع الدین باون هر دو ذی اولاد شدند سید محمد بدایونی  
رایک فرزند حضرت جمال اولیا که مرید و خلیفه حضرت محبوب آبی برادر غمزد  
بودند فرزند تربلند ایشان سید شاه ابراهیم ایشان را ترتیب طاهری  
و باطنی از پدر بزرگوار خود بود خلف الرشید ایشان سید شاه فرید عرف  
سید طویل بخش مرید و خلیفه حضرت مخدوم نور قطب عالم پندی بودند  
سید فرید طویل بخش در بهار حبسایت چشتیان اقامت پذیر شدند بجله چاند پور  
اولاد این برک بسیار از مشایخ کبار فرزند تربلند آنحضرت سید معین الدین  
بهارى خلف الرشید ایشان سید نصیر الدین ثانی بهاری از بنیاد و فریق  
شدند پس بیست دو فرزند سید محمد سلطان فرزند کلانی جد امجد جان  
چاند پوره سید بهادر الدین فرزند ثانی از اجداد صاحبان ملک خود

اولاد ہر کے موجود اند

## لمعا اول در ذکر اولاد صاحبان چاند پورہ

باید دانست فرزند سید محمد سلطان سید شاہ مظفر ولد ایشان سید شاہ منصو  
ابن ایشان سید شاہ محبوب پسر ایشان دیوان سید محمود ولد ایشان دیوان سید  
شاہ غنایت اللہ ابن ایشان سید شاہ امیر اللہ ایشان را چہار فرزند رتبہ بلند  
کہ پیدا شد شاخ ہر یکی سید شاہ صفی اللہ ولد کلانی و جناب حضرت سید شاہ  
احسان اللہ فرزند ثانی بجادہ نشین بجای پسر سیدی سید اہل اللہ چارے  
سید شاہ فخر اللہ عرف شاہ فخری این نیز فرزند اولاد اند و سید شاہ اہل اللہ  
را دو دختر ان بودند و سید شاہ صفی اللہ را بودند یکہ دختر بی بی صبیحہ نام دختر  
این بی بی را نام بی بی میحاز و سید شاہ محمد و اصل کہ جد شاہ امیر علی  
فر دوسی بودند جناب حضرت سید شاہ احسان اللہ را یک دختر موسومہ  
بی بی سلطانی کہ از میر مظفر علی ابن میر سید حسن زیدی نسب کتخا شدند  
از لطن این عقیقہ دو دختر بی بی رحمانی بی بی امانی و یک پسر جناب حضرت  
سید شاہ یحیی علی قدس سرہ زوج بی بی رحمانی شاہ محمد سلطان  
نبیرہ سید شاہ احسان اللہ دو و خلف ان حضرت شاہ محمد بخش دو بی  
شاہ قطب بخش شاہ محمد بخش را دو فرزند یکی شاہ محمد سلطان مذکور الص  
دو بی شاہ محمد جان و یک دختر بی بی واجن کہ از شاہ محمد سجان ابن شاہ

قطب بخش کتخدا شدند پس دومی شاه قطب بخش شاه درگاهی والد ماجد سیده  
 فید بخش و شاه محمد سبحان را دو پس سید شاه محمد مهدی که دومی او را داشتند از دختر  
 پس زنانی سید محمد اکبر و فرزند شاه محمد سلطان از بطن بی بی رحمانی سیده محمد باقر  
 رسید شاه اسماعیل ایشان یک پس سید علی حسن که از دختر مولوی سید شرف علی ابن  
 سید شاه یحیی علی کتخدا شدند یک پس شد ایشان را سید حسن نام که از دختر شاه  
 تبارک حسین ابن شاه نایم الله منسوب شاه محمد باقر را چهار فرزند اند سید سعید  
 و سید مقصود و سید مؤدود و فرزند کلانی سید محمود حلت کردند هر یک را بهترین  
 بامی نسب مصاهرت واقع است و پس شاه محمد اسماعیل سید علی حسن نام از دختر مولو  
 سید شرف علی کتخدا شد هیل ملک بقا گشتند پس گذشتند سید حسن نام از دختر  
 شاه تبارک حسین مرحوم کتخدا است دومی ولد بست و از شادی دیگر حضرت  
 شاه محمد سلطان رحمه الله علیه از فرزند بی نامی شاه محمد حسین که از دختر  
 شاه قطب الدین میری کتخدا شدند یک دختر و پس دارند شاه محمد جان را چهار  
 سید عابد حسین و سید زاهد حسین و سید صفت حسین و سید کبیر حسین یکی از این حلت نمود  
 باقی دومی حیات دومی او را و اند

لوحه دوم در بیان واقع ثانی بذریت سید شاه بهاء الدین  
 ابن حضرت محمد دوم نصیر الدین واضح باد فرزند ثانی و حضرت بنده  
 سید نصیر الدین ابوان سیده بهاء الدین بودند خلف ایشان بنده گی دیوان سید



شعیب احمی ولد ایشان سید شاه عبید الله ابن ایشان دیوان سید شاه  
 عبد الوهاب چهار فرزند ایشان کلانی دیوان سیده عبد الواحد  
 بودند و دختر بودند ایشان ثانی سید شاه جمال الدین سیومی سید شاه  
 حسام الدین چارمی سید شاه ذکی الدین بودند سید کمال الدین پسر  
 سید شاه جمال الدین از دختر عم کلانی خود منسوب یعنی از جدیه حضرت دیوان شاه  
 عبد الواحد مذکور الصد که یکی از اجداد حضرت شاه محمد آفاق عرف شاه  
 مجاهد و نیز اجداد دیگران الا نسبت سلسله ایشان دریافت نشد شاه ذکی الدین  
 ثانی که پسران شاه نصیح الدین دو فرزند ایشان یکی شاه مراد علی پسر ایشان  
 شاه فرزند علی دومی شاه حسین پسرشان شاه نعمت الله و اما دمیر موسی علی و از محل  
 دومیم شاه ذکی الدین شاه محمد یحیی بودند و نیز شاه منور حسین الدیاجه سید شاه  
 عبد الکریم و یکده هست سید شاه رحیم بخش پسر ایشان سید عبد الکریم نام  
 است باقی کیفیت دیگران دریافت نشد الا نسب جدی و مادر می حضرت شاه  
 محمد آفاق نسبت و قرابت قریب از خسر پوره این خاکسار دریافت شد تبصریح مینویسد  
 باید دانست سید شاه جمال الدین راد و پسر یکی سید محمد ثانی سید شاه کمال الدین  
 ایشان را نیز دو پسر یکی سید شاه غلام شرف الدین ثانی سید شاه غلام محمد  
 ایشان را نیز دو پسر کلانی سید شاه حمایت الله ثانی سید شاه منور الله پسر  
 ایشان سید شاه علیم الدین ولد ایشان سید شاه محمد آفاق عرف شاه مجاهد

پس ایشان سید شاه محمد اسحاق عرف شاه دهری که از دختر سید نجف حسین  
 ساکن محله باره درمی که خدا شدند ایشانرا چند دختر و یک پسر سید شاه عطاء  
 ذی اولاد هستند بسجاده آبا اجداد زینت بخش اند و ذکر نسب صاحب مادی حضرت  
 شاه آفاق و آبا اجدادشان که از حضرت سید محمد سهروردی  
 نسل است انور اجداد مادی پیر محمد شاه محمد آفاق سید محمد روشن علی ابن سید محمد  
 فاضل ابن سید محمد اکرم ابن سید محی الدین که نسب بسادات کاظمی بودند و سادی  
 سید محمد روشن علی از دختر سید شاه غلام محمد بن سید نور الدین بن سید محمد و غلام  
 ابن سید صدر عالم ولد میر سید محمد سهروردی زیدی نسب گردید و زوجه سیده  
 غلام محمد و دم دختر قاضی سید فتح الله خلیف که شادی ملی بود ساکن مقام  
 شیخ پوره از ایشان سه پسرند یکی سید نور الدین دویی سید محمد صالح سیوم  
 سید فقیر محمد عرف فقیر سید محمد صالح لا ولد الا سید نور الدین رانیر سه پسر یکی سید  
 غلام مجتبی دویی سید غلام مرتضی سیومی سید غلام محمد پس بدانید سید غلام  
 مجتبی را یک پسر سید غلام نمبری که از دختر غم خود سید غلام محمد کتخدا شدند و سید  
 غلام مرتضی رانیر یک پسر سید بر خور دار و دو دختر یکی زوجه شاه محمد مبارک  
 ساکن محله چاند پوره دویی زوجه سید علی اکبر ساکن موضع شیخ پور و سید  
 غلام محمد رانیر سه پسر یکی سید غلام حاد عرف پانچود دویی میر سید میر عرف  
 جهکوری سیومی سید تاج محمد لا ولد و جده مادی سید شاه علیم الدین پدر

شاه محمد آفاق سید محمد حفیظ ابن سید سیف الدین سید فقیر محمد فقیر ابن سید  
 محمد دوم عالم بن سید محمد سرودی مذکور بالا و جد مادی شاه نور الله جده  
 شاه محمد آفاق میر سیف الدین مذکور صدر و سید فقیر محمد اول و لیسر و یک دختر  
 کلانی لیسر سید سیف الدین ثانی سید روح الله لیسر سید سیف الدین سید محمد حفیظ  
 و یک دختر زوجه شاه نور الله دومی دختر زوجه سید زین العابدین ساکن  
 محله مفتیان و دختر سید سیف الدین والد شاه نور الله مرحوم و لیسر سید  
 محمد حفیظ سیده غلام محمد دوم جد مادی شاه امیر علی فردوسی ابن شاه  
 کریم بخش ابن شاه محمد اصل شاه امیر علی حسین خاکسار و سید روح الله  
 ابن سید فقیر محمد لیسر دیگر سید محفوظ نام و دو خواهر ان ایسان یکی بی بی  
 ماجور زوجه شاه غلام حیدر ابن شاه وجه الدین که لا ولد و بعد ازین عالم و یکی  
 بی بی بخیمیا عرفنا چور زوجه شاه غلام بدر برادر شاه غلام حیدر فرزند  
 رتبه بلند شاه غلام بدر شاه محمد اصل جد شاه امیر علی شادی شاه  
 محمد اصل مجله چاند پوره از بی بی مسیحی بنت بی بی صبیحہ دختر سیده صفی الله  
 و خواهر شاه محمد اصل ابن شاه غلام بدر بی بی بیگانی زوجه سید فضل علی  
 ساکن محله باره دردی که از اولاد سید فضل الله عرف سید گوسائین بودند  
 نواد میر فضل علی سید حیر الدین حسین ابن سید شاه فتح علی ابن شاه  
 غلام عبد الله فرزند حضرت خواجه مودود چشتی ساکن شیخیه خور پرگز مرط

ویک خواہر الشیان بی بی لطیفہ زوجہ شاہ علی بخش برادر شاہ کریم بخش و الدشاہ  
 امیر علی واضح باد سید محفوظ رائیز و ولید بریک سید رضا علی ابن سید ناصر علی پسر  
 شان شاہ غلام محمد و ممانی ولد الشیان سید احمد امان خور و شاہ انور علی  
 بلخ پسر الشیان سید علی جان ذوی اولاد شدہ لا ولد از پنجان قند لیر و بمی  
 سید محفوظ بودند سید معصوم پسر الشیان سید محمد و م پسر شان سید شرف علی  
 و سید مشرف علی پسر الشیان داود علی عرف و اهو و لیر سید اشرف علی سید  
 امام علی پدر سید مردان علی و اما دشاہ تراب الحق و انا پوری و دو خواہر ایشان  
 یکے زوجہ سید داود علی و دومی زوجہ سید الفت حسین ابن سید شاہ فخر الدین  
 و چہار دختر سید اشرف علی بودند یکے زوجہ شاہ فخر الدین مذکور و دوسے  
 مادر شاہ منگن سیدی را ذکر معلوم نیست الا چارمی زوجہ میر محمد عاصم نواسہ  
 حضرت شہاد طیب اللہ موڑوی خسر شاہ محمد سجاد و انا پورے سید  
 شجر نسبت نسبتاً حضرت میر سید خلیل الدین ابن حضرت سید  
 ابوسعید جعفر حضرت باڑہ واضح باد سید خلیل الدین ابن سید ابوسعید  
 دیوان سید محمد جعفر ابن میر سید اہل اللہ عرف سید مبارک حسینی ابن میر سید  
 اشرف عرف سید پیر محمد ابن سید محمد جلال و شہنشاہ ابن میر سید حامد عرف  
 چاندان ابن سید محمود عرف سید پیار علی بن سید اکبر ابن سید محمد ابن سید غیاث الدین  
 ابن میر سید احمد ابن حضرت میر سید شہاب الدین ابن حضرت سید عبد الزرق

ابن سید عبدالرحمن ابن سید عبدالعزیز ابن میران سید حسین خنگ سواراجی  
 ابن سید شاه برهان الدین ابن سید شاه ابوالموئید ابن حضرت سید ابراهیم  
 ابن حضرت امام محمد تقی علیه السلام ذکر فریت ابن حضرت تبصریح انیکه  
 سید خلل الدین ابن سید محمد جعفر راسه فرزند یکی سید جال عالم پسر ایشان  
 سید محمد جاهد و وی سید سلطان عالم پسر ایشان سید محمد راسه سیومی که از هم بود  
 کلانی سید صاحب عالم یک صبیہ ایشان بی بی زهره که از سید ابراهیم خوانم  
 سید صاحب عالم منسوب نزدیک دختر و یک پسر ایشان نام دختر بی بی مخدومه و  
 میر مظفر حسین شیخ پوری بودند پسر میر مظفر حسین سید امید علی که از دختر شاه احمد علی  
 کتخدا شدند سید سعادت علی پسر ایشان هستند و دختر از میر فرزند علی ابن میر عثمان  
 رضوی کتخدا شدند و پسر عالیقدر ایشان کلانی میر فرحت علی که از دختر میر سید  
 اولاد علی ابن سید شاه ارت علی کتخدا شدند اولاد ازین عالم رفتند پسر ثانی  
 میر اسماعیل علی از چند شادی ایشان سه دختران و پسر یکی سید واجد حسین  
 داماد مولوی سید اشرف علی نوآبادی دومی سید احمد حسین فی ولد اند  
 و از دختران کلانی زوجہ شاه الظہر حسین بهاری ثانی زوجہ سید امیر الدین نوآبادی  
 ثالث زوجہ پیاری صاحب پسر بی بی زهره زوجہ سید ابراهیم حضرت شاه  
 سید وارث علی بودند پسر ایشان یکی لا اولاد ازین عالم رفتند و دومی  
 میر فایض علی داماد نواب محمد حسن خان شیخ پوره ساکن دلد میر قاضی علی

**نواب الطاف حسین خان** که از دختر خال خود **نواب فضل حسین خان**  
 کتخدا شدند بی اولاد ازین جهان رفتند و یک خواهر ایشان نیز بودند و اولاد  
 بدین خلف کلانی **جناب حضرت شاه وارث علی صاحب نام** نامی بمنزلت گرامی  
 اولاد علی صاحب که زینب سجاده آبی بودند و دختر ایشان یکی **زوجه میر فرحت علی**  
 مذکور الصدر و اولاد ثانی **زوجه سید قادر احمد زوی** اولاد شدند یک دختر و چهار پسر  
 ایشان و دختر **زوجه قاضی سید محمد اجل بن قاضی احمد علی و پسر کلانی سید**  
**امیر الدین زینب سجاده** جد باری شده نام سجاوت برده و اولاد ازین عالم  
 رفتند و وی **سید منیر الدین ازینجهان** رفتند بی اولاد و **سیومی سید شاه**  
**همدی حسین** که نجوبی تمامی موصوف اند از محل ادنی یک پسر دارند **سید احمد حسین**  
 نام چارمی پسر بر لیاقت و هنر **سید شاه لطافت حسین** بروت و سخاوت  
 معروف اند که فدای ایشان از دختر **سید سجاوت حسین** مرحوم گردید که داماد  
 از **شاه ابرهیم حسین** نو آبادی بودند و حاصل یک پسر است **شاه لطافت**  
**سید شاه حسین** که بر لیاقت است خاکسار شاه بدکتنی از می آن از دختر مولوی  
**شاه حسین** گردید و دختر آن اند **پدر و پسر هر دو اللہ تعالی** مسرور و ابرو می جاعت  
 و یادوری عزیز **سید حسین** بن **میر فرحت حسین** کن موضع بهبه و اقامت بنو آباد  
 می کردند باعث انتظام معاش علاقه در کادیر و مریانه **شجره نسب**  
**سید ششم** با دو دم و ذکر **نسب سید الدین** چاکش قدس سره

که خواهرزاده حضرت خواجہ نجیب الدین فردوسی و داماد ابن حضرت شرف الدین  
 بودند قدس سره سید وحید الدین ابن سید علاء الدین ابن سید شاه حسن  
 مُصَدِّق ابن سید شاه عباس ولد میر سید علی ابن سید شاه حیدر ابن سید تقی  
 ابن حضرت موسی مرتفع پوش این حضرت امام محمد تقی علیه السلام رضی اللہ عنہ  
 باید دانست سید وحید الدین چهل کشتی داشتند از بی بی بار که دختر حضرت  
 مخدوم شاه ذکی الدین ابن حضرت مخدوم شاه شرف الدین قدس سره  
 بداند پدر سید وحید الدین شیخ علاء الدین شہ برادر بودند سید سکندر علی  
 و سید محسن الدین ابنان شیخ حسن مصدق شیخ محسن الدین عم شان کتبی شدند  
 از بی بی رقیه بنت مخدوم شاه حبیب الدین که برادر کلانی حضرت مخدوم الملک  
 قدس سره بودند از بطن این بی بی دو دختر یکی بی بی ماه خاتون دومی  
 بی بی جمال که از مبارک ابن سید سکندر علی مذکور کتبی شدند دومی اولاد  
 و کلانی دختر که از برادر عم زاد سید مبارک ابن سید سکندر کتبی شدند و اولاد رفتند  
 از اینچنان و فرزند بی بی جمال حضرت مخدوم طبری بودند معروف ابن سید یک  
 فرزند ایشان بموضع کهرانت موضع اوترا لاری موجود اند میر شارت علی  
 کهرانت و میر ابوالقاسم اوترا باقی نیست سید وحید الدین چهل کشتی است  
 معروف است که از بطن بی بی بار که یک دختر موسومہ بی بی ترہہ منسوب  
 شدند از سید شہاب الدین جویری علوی نسباً بطن بی بی بار که بی بی

یکده و یک پسر محمد و محمد عبد الله عرف سید سجاد که کتخدا ای ایشان از بی بی محمد و  
 دختر سید مبارک بن سکندر گردید یک پسر ایشان سید ابو محمد عرف پیاری  
 و پسر سید شهاب الدین جویری سید زین العابدین کتخدا ای ایشان در آن  
 شد یک دختر ایشان بی بی حفیظه کتخدا شد نداز سید ابو محمد پیاری خلف سید  
 سجاد که پس سید ابو محمد پیاری را چهار پسر شد یکی سید سیح الدین دومی سید  
 فیصح الدین هر دو لاولد الا سیومی سید امام الدین که منفع نسیره ملاسی  
 ذوی اولاد شده اولاد ایشان در آنجا رقبه سه موضع آره و موضع بلاسی بزرگان  
 مولوی آل حمد و بای محمد و م پور کور و لبر گنه ارول یکی از آن شاه امیر حیدر  
 و شاه خمیس حیدر و غیره و در پنجاه میر تقی بخش و محمد بخش و غیره الا خلف  
 چارمی علیم الدین عرف شاه بهیکه از آنجا در قصبه چهار آده اقامت پذیر شد  
 رونق بخش سجاده حضرت محمد و م الملک شد اولادشان کثیر همه محمد و م زاده  
 ساه حضرت اولاد ایشان هستند مفضل و ضمن احوال حضرت محمد و م الملک  
 خوابد نوشت که طول است شجره نسب امه حضرت خواجه ابو یوسف  
 بهمدانی مقتدر اسلسله نقشبندیه تقوی نسب بدانید حضرت خواجه  
 ابو یوسف بهمدانی ابن خواجه عبد الله ثانی ابن خواجه قطب الدین یوسف  
 ابن سید جلال الدین بیابانی ابن سید محمد منظر ابن سید عبد الله ابن حسین  
 ابن سعید محیی ابن سید موسی ثانی ابن سید احمد ثانی ابن سید موسی اکبر ابن



سید محمد ابن سید احمد اکبر ابن سید موسی مرقع پوش ابن حضرت امام محمد تقی  
 علیه السلام از اولاد حضرت خواجه ابو یوسف بهمانی و رویا فارس مستند الادب و  
 خواجه فرید الدین و حاجی علاء الدین و سید نجم الدین مدعو شاه قدس حسین سولطان  
 مشرب اند و از فرزندان خواجه فرید الدین و سیر الدوله خواجه وحید الدین  
 و خواجه زین العابدین بودند

لمنسوب نامه حضرت خواجه محمود الخیر فتوی ابن سلطان امیر کجی ابن امیر سلطان ابن سید کر الدین  
 ابن سید امیر الله ابن سید قطب الدین یوسف ابن سید جلال بیابانی ابن سید  
 مطهر ابن سید عبد الله ابن سید حسن ابن سید کجی ابن سید موسی ثانی ابن سید  
 احمد ثانی ابن سید موسی اکبر ابن سید محمد ابن سید احمد اکبر ابن سید موسی مرقع پوش  
 ابن حضرت امام محمد تقی علیه السلام ذریت ایشان نیز در نجارت  
 لمنسوب نامه سید مخدوم شاه درویش بیهیمی تقوی السب مع  
 بیان ذریت ایشان که موجود اند مخدوم سید شاه درویش بیهیمی  
 ابن مخدوم سید شاه مبادک ابن مخدوم شاه ابوسعید بلقب کهنه نواز ابن  
 مخدوم سید محمد ابن سید زین العابدین ابن سید محمود ابن سید شاه صفی الدین  
 ابن سید اغر الدین ابن سید حامد ابن سید حسین ابن سید موسی ابن سید  
 ابن سید محمد عرج ابن سید احمد ابن سید موسی مرقع پوش ابن حضرت امام محمد تقی

واضح باد جدا جدا مخدوم شاه در ولایت مخدوم البوسید کشته نواز نواسه اند سید  
 ابو جعفر لاؤ کته نواز نسب نامه سید ابو جعفر بن بطور سید ابو جعفر لاؤ کته نواز  
 ابن سید شاه حسین قتال ابن حاجی سید نور العین عبدالرزاق که از اولاد حضرت  
 عوث الثقلین محی الدین سید عبدالقادر جیلانی اند چونکه نسب بالا نام حضرت  
 بادران رسید از تحریر متغذی گردند الا حاجی نور العین خواهرزاده و سپه خوارده جانشین  
 حضرت سلطان اشرف جهانگیر اند که آنجناب نسب جعفری دارند بالا این صفحہ  
 تحریر شد حاجت مکرر تحریر نیست چونکه حضرت کچو حمیم موضع بتیور اسلسه  
 و بیعت از آنجناب است خود را بذریعت آنحضرت نامند مقصود از اولاد حسین است  
 و آنجناب بذات خاص حضور بودند مجروح و متاهل نشدند پس بدانید اولاد سید حسین  
 قتال در مقام کچو حمیم الا اولاد سید البوسید موضع بتیور ضلع گیا است باید دانست  
 مخدوم شاه در ولایت راجه پسر و یک دختر بودند بی لاؤ و که از مخدوم خود شیخ  
 منسوب شدند از آنجمله پسران یک پسر مخدوم سید سکندر مغضوب پدر که در جوار  
 پدر آسوده اند لاؤ و بی سید حامد عرف سید چاند موضع شیخوہ متصل پنجوہ  
 سکونت کردند اختیار و جوار مخدوم شاه مبارک جد بزرگوار ذی اولاد دفعہ  
 شیخوہ مشہور است سیدی مخدوم شاه محمود که در پائین مزار پدر نامدار آسوده اند جناب  
 مغرب جنوب و لاؤ شان نیز یک فریق پارمی مخدوم شاه محمد پسر کلانی  
 جانشین پدر که بعد مرقد والد ماجد ہم پلوی مزار است جانب شرقی

ملحه اول در ذکر او از محمد و شاه محمد قس سمره مولوی حکیم سید نواز شریع  
 چهار برادر کلانی ایشان ثانی سید وحید اشرف سیلوی سید هادی اشرف  
 ایشان زاد و پسند دو دختر چارمی سید هاشم مغفور مکید خیر الشان ابنی عم نسوب است  
 یعنی از پس سید وحید اشرف مذکور مولوی سید نواز شریع اول از محل و یکی دختر  
 ذی اولاد و از محل ثانی سه دختر این حضرات فرزند مولوی سید شاه  
 غلام رسول رحمه الله علیه که دو برادر و چهار خواهر بودند ذکر خواهران بعد از این  
 خواهد نوشت الا ذکر برادرشان حکیم سید اولاد علی یک لیسر الشان سپید نادر علی  
 ذی اولاد اند و دو دختر یکی از سید هادی اشرف کتبی زاد و یکی سید سیم الدین  
 ابن سید نظام الدین احمد کتبی اند سیم ذی اولاد هستند و مولوی غلام رسول ابن  
 سید شاه غلام مصطفی و برادرشان سید شاه غلام مجتبی ابنان سید شاه غلام مبارک  
 سید شاه مجتبی برادر دختران بودند فرزند دختران سید مجبوری مغفور و سید شاه  
 غلام مبارک ابن سید شاه عبد الرسول این هر دو پدر پس را و گیر یک یک برادر  
 بودند اولادشان هستند الانام هر دو بزرگوار معلوم نیست الغرض سید شاه  
 عبد الرسول ابن سید شاه محمد حافظ ابن سید شاه محمد اسمعیل ابن سید شاه علی ابن  
 مخدوم سید شاه محمد ابن مخدوم سید شاه درویش ابن مخدوم مبارک و از اولاد  
 سید اسمعیل حکیم منظر حسن تمبوی و از اولاد سید حافظ سید خرم حسین ابن سید مکرم  
 و اولاد برادر شاه عبد الرسول سید مبارک اشرف اند خواهر زاد سید محمد رسول

سید مبارک اشرف سید برادر دینی سید مخدوم اشرف سیومی سید نثار اشرف  
 دینی خواهر مولوی صاحبزاد مولوی سید کاظم علی نقسوب بودند و اولاد شدند  
 اولاد سیومی سید ابداد اشرف عرف اچین میان دینی برادرشان سید  
 امانت اشرف سیومی سید سلطان اشرف چارمی سید مقصود اشرف اولاد خواهر  
 چارمی سید محمد واسع و سید سلامت اند لمحه دوم و ذکر اولاد شیخ محمود  
 سید منظر احمدی ابن سید غلام حسن ابن شیخ غلام حسین ابن سید امیر الشان  
 سید عمیر الشان ابن سید دوست محمد ابن سید بایزید ابن سید کمال الدین ابن سید  
 شاه محمود ابن مخدوم شاه دولش نهنوی باید دانست سید غلام حسین ابن سید  
 امیر الشان را سید لیسر کلانی سید شاه غلام حسن الشان را دو پسر دختران فرزند کلانی  
 حکیم سید منظر احمدی یک پسر الشان سید منظور احمدی ذی ولد دینی سید  
 احمدی هشت ساله و دو دختران یکی خواهرزاده خود سید محمد حسن کنیز کردند  
 دختر دینی از سید حسن رضا ابن سید رحمت حسین شادی شدند و اولاد اند و پسر سید  
 منظر احمدی سید راحت حسین اما سید شاه عبدالکریم پانپوری اولاد ایشان  
 چهار یک سید حسن رضا نکوردینی سید رضا سیومی سید محمد رضا چارمی سید رضا  
 توجوان بر دو پسر ثانی سید شاه غلام حسین سید غلام نبی فرزند ایشان  
 مولوی سید رضی الدین حسن و پسر دو دختر دارند و سید نظام حسن پسر ثالث  
 شیخ غلام حسین مرحوم دو فرزند ایشان سید امیر الدین سید نسیم الدین ثانی

اکثر مشایخ آن ساکن بودند و اسطه جانب جد مادری است  
 نسبت به تقیم باب دوم در ذکر حضرت امام علی نقی علیه السلام سلسله ذریه  
 باید دانست بحضرت امام علی نقی رضی الله عنه سه فرزند و یک دختر با اتفاق یقین  
 از هر فرزند او داند انور بادلسر کلانی حضرت امام حسن عسکری علیه السلام  
 امام زمانه ثانی حضرت حسین اصغر ثالث حضرت جعفر نسب نامه اولاد  
 ایشان یافت نگاشت که از هر یک اولیاد نامدار اند شجره اولی نسبت به تقیم  
 باب دوم در ذکر نسب نامه حضرت سید جلال الدین حسین  
 مخدوم جهانیان جهان گشت سیادت بخاری نسوب ایشان اند مخدوم  
 سید جلال الدین حسین بخاری ابن سید احمد کبیر بخاری شیر سوار ابن سید  
 جلال الدین بخاری بزرگ صاحب توشه ابن سید ابوالمؤید بخاری ابن سید محمد  
 جعفر بخاری ابن سید محمد بخاری ابن سید محمود بخاری ابن سید عبد الله ابن  
 سید احمد ابن سید علی اصغر ابن سید جعفر ثالث ابن حضرت امام علی نقی  
 علیه السلام واضح باد صاحبزاده ثانی سید جلال بخاری بزرگ سید محمود بخاری و  
 حضرت مخدوم بهاء الدین ذکر یا ملتانی قریشی خلیفه سید جلال الدین بزرگ  
 بخاری اند فرزند ایشان مخدوم محمد الدین نبیره ایشان مخدوم ابو الفتح  
 رکن الدین در ملتان این بزرگوار آسوده اند و سید جلال الدین بزرگ  
 بخاری بمقام او وجه آسوده اند مخدوم جهانیان در چاشگاه آمد

شیخ دوم نسبت به هفتم باب دوم ذکر نسب و اولاد خواجه قطب الدین  
 مودودی چشتی واضح باد سید قطب الدین مودودی بن خواجه ابویوسف چشتی  
 تاج الدین که خلیفه خال خود خواجه ابو محمد چشتی بودند خواجه ابویوسف چشتی بن  
 خواجه سماعان بن خواجه سید ابراهیم بن سید حسین بن سید عبد الله بن سید  
 بن حضرت امام علی نقی رضی الله عنه مشهور حضرت خواجه عبد الله چشتی بن  
 خواجه سید اسد الله چشتی از اولاد حضرت خواجه مودودی چشتی از مقام ششم بهر  
 وارد این نواح و دیار شرقی شدند خبر سیاحت ایشان سینه بزرگوار ایشان  
 نیز مع اهل و عیال تشریف آوردند درین دیار ایشانرا منوروی یافتند بقبریه  
 شنبویه خود برگشته هر هفت ضلع بهار آخر کار در انجا صوت اقامت مرید  
 معتقد شدند آنجا رخا نگاه مسجد کردند طیار فرامین بطور آئینه حاصل کردند  
 ده یازده چلوگ جهت اوقات صرف وارد صادر چون نذر گذرانیدند سلاطین  
 وقت تصویریه بهر کفایت اهل و عیال کردند قبول نسبت نامه ایشان  
 تا حضرت خواجه مودودی چشتی و ذکر فریاد سید عبد الله بن  
 سید اسد الله بن سید برهان الدین بن سید عبد الرحمن بن خواجه محمد جان  
 ابن خواجه محمد سماعان ابن خواجه منظور ابن خواجه قطب الدین مودودی چشتی  
 الحاصل فرزند خواجه سید عبد الله بن سید اسد الله خواجه قطب الدین ثالث  
 بودند ولد ایشان سید تاج الدین محمود بن ایشان سید عیوب بن سید

النور باو که انخل ثانی سیده تاج الدین محمود اولاد کثیر انداز هر یک ملاقات  
 است حاصل الا خلف الرشید سیده عنایت الله و خلف سیده محمد فصیح  
 الله پسر ایشان یکی سید محمد و جده الله و لیس ایشان سید کریم الدین جد مادری  
 سید شاه مرد انخل ابن سید امام علی ساکن نهنوی دومی سید رمضان علی  
 پسر ایشان میر بشارت علی پسر سید محمد مهدی ولد دوم سیده محمد فصیح سیده  
 غلام عبد الله ولد ایشان شاه فتح علی معروف بهواری شادی اولی ایشان  
 بی بی سیحله خواهر سید شاه عسکری عرف لشکری بلخی گردید از لطن  
 این زوج یک پسر یک دختر شدند نام دختر بی بی و صیحه زوج میر محمد علی  
 مادر میر عباس علی و خواهر ایشان مسماة شرفا زوج سید حمایت حسین آنگوی  
 یک دختر ایشان که از خواهر برادره ایشان سید اله بخش کتخا شده ذی اولاد اند  
 پسر سیده فتح علی شاه انور علی که از مسماة ذاکره بنت شاه محمود اصل فردو  
 که عیبه شاه امیر علی فردوسی بودند کتخا شدند سید پسر ایشان عابد حسین احمد سید  
 ابد حسین بطغولیت مبرد اند الا سید خزان ایشان یکی مسماة حیات بن وجه  
 میر فاعل ابن میر یوسف عظیم آبادی پسر ایشان سید فدا علی یک دختری  
 دارد باقی سه خواهر اند سید فدا علی و دختر او مسماة عطیه فاطمه عرف  
 خشا زوج شاه امیر علی ابن شاه کریم بخش خسرین ناکا سارسته دختر ایشان  
 و یک سر شاه وزیر علی یک پسر یک دختر موجودی و مسماة براتن

زوجه سید شاه علی احمد ابن سید غلام محمد و م ساکن رهومی که خدا شدند  
 چند دختر این ایشان و خلف ایشان سید شاه علی جان رحلت کردند نوجوان  
 اعقاب بنامند الاسبی شافعی علی رازشادی ثانی که از دختر سید فضل علی  
 ساکن محله باره در می شد یک پسر یک دختر بود و آن زن نام دختر بی بی  
 لطیف النساء زوجه شاه علی بخش ابن شاه محمد و اصل خود و سی از بطن این بی بی  
 دو پسر یک دختر یک پسر طفل و دیگر نوجوان رحیل ملک بقا گشتند الا دختر بی بی  
 مراد ان النساء زوجه میر تقرب حسین ابن مولوی ابراهیم علی کابری رسته فرزندان  
 دو طفل یکی نوجوان سید رحمت حسین نام بی که خدائی فوت شدند عقاب بنامند  
 و نام پسر شایسته فتح علی شیخ خیر الدین حسین که بدیار مغرب بعاید روزگار عمر  
 بسر کردند نام وری پیدا کرده بکمال عزت و جاه و شرف متبرکات رحلت کردند  
 که اولاد نشد پس دوم شاه محمد فصیح بودند شیخه محمد علیج ایشان را نیز دو فرزند  
 رتبه بلند یکی سید ابراهیم حسین و پسر ایشان یکی سید رحمت علی پدر سید و علی  
 دومی سید امجد علی پسر سید عباس علی این هر دو و اما دوشاه فخر الدین حسین  
 لا ولد رفتند از نیا عالم سپردیم شیخه محمد علیج شیخه رحمان حسین با ایشان نبر  
 دو فرزند رتبه بلند یکی سید فخر الدین حسین و بی شیخه لطف حسین با ایشان  
 یک پسر سید وزیر علی و یک دختر که از سید موسی رضا ابن شاه علی رضا که خدا  
 شدند آخر ناولد رفت ازین عالم و شادی شیخه فخر الدین حسین از خواهر



سید امام علی ابن سید اشرف علی ساکن موضع رهوی شد و دختر دهمش پسر  
 ایفیت و ختران مذکور شد پسر اوسط سید سخاوت حسین نوجوان مجرب و پسر سید  
 سید جماعت حسین داماد شاه امیر علی بنزلف راقم التحریر و دو دختر ایشان  
 هستند نام پسر سید احمد حسین سید فرحت حسین پسر گلانی شاه فخر الدین حسین  
 الفیت حسین که از دختر امون خود میر امام علی که خدا شد نماز بطن آن عقیقه  
 چند و ختران اند و واضح باد میر امام علی مذکور اچاند خواهر یک زوجه فخر الدین  
 و بی والد شاه منگن پسر سیمو دریافت نشد الا چارمی زوجه سید محمد صم  
 که نواسه شان شاه محمد اکبر ابن شاه محمد سجاد اند و انا پوری ازین بزرگان  
 واسطه قربت و مصاهره بود و کیفیت میدانست تبصیر بحکمر نمود بقیه اولاد  
 محل ثانی سیتاج الدین محمود که دفعه دوم اند کیفیت دریافت نشد  
 نسبت هشتم باب و م در ذکر حضرت امام حسن عسکری رضی الله عنه  
 بیان فریت شان واضح باد در بیان فریقین مذمیه اهل سنن و  
 نیز اهل شیعه اولاد این امام الهام بنجر حضرت امام محمد مهدی علیه السلام  
 دیگر نیست زعم اهل تشیع که آن امام زمانه صاحب الامر اند و غیبت اند بتمام  
 سر من رومی بوقت موعود ظهور خواهند نمود از ان غار و بیان اهل مذمیه  
 سینان اینکه آن امام را فرزند می بگویند و آمدند مسی محمد نوجوان رحلت نمودند  
 از نیل عالم و آنچه در ظهور آید این محمد مهدی موعود اند این سید عبد الله و الله اعلم

بالصواب از اینجا که این خاکسار و نسب نامہ یافت منسوب آنحضرت و آن نسب  
 است یکے از اولیا و کبار عالی تبار آنرا منسوب سید کی نسب نامہ حضرت خواجہ محمد بہار الدین  
 نقشبند دویلی نسب نامہ سید شاہ صادق حسینی یا غلطی کا تباران باشد نسب حضرت  
 امام علی نقی علیہ السلام نسبت حضرت امام حسن عسکری نوشتند انجکے نزد این فقیر حقیر بود  
 موجود و تحریر نمود شجرہ اول در ذکر نسب نامہ حضرت خواجہ محمد  
 بہار الدین نقشبند قدس اللہ سرہ خواجہ محمد بہار الدین نقشبند ابن خواجہ  
 محمد عبد اللہ بخاری ابن خواجہ سید جلال الدین بخاری ابن سید برہان الدین  
 بخاری ابن سید کمال الدین بخاری ابن سید حسین ملقب محبوب ابن سیدین اکبر  
 ابن سید عبد اللہ ابن سید فخر الدین ابن سید محمود رومی ابن سید حسین مقبول ابن  
 سید حسین محمد تقی ابن سید عبد اللہ ابن سید محمد جامع ابن سید علی اکبر ابن حضرت  
 امام حسن عسکری رضی اللہ عنہ علیہ السلام باید دانست بنور اولاد حضرت خواجہ  
 در بخارا شریف اند و درین نواح بزرگے تشریف آورده بودند خواجہ معین الدین  
 تمام بود عرصہ چہل و پنج سال بود و ہنقد عمر نیر و اشتند خود را از اولاد آنحضرت  
 میکردند بیان خواجہ محمد میر عرف خواجہ میر درد متخلص ابن خواجہ ناصر از اولاد اند  
 آنحضرت دہلوی از کتاب رشتہات و شجرہ الیقین چنین دریافت شد کہ حضرت  
 خواجہ برادری و پسر و چہار دختران شدند با بالغ و نابالغ از سیال خت ملک بقا بستند  
 جبر صاخر اوی خورد کہ نام بود قاطر ثانی نسبت از خواجہ علی شدند کہ ملقب بودند

از خواجہ عطاء الدین عطار داماد ذی ارشاد و خلفا ثانی دو فرزند از ایشان  
 شدند یکی خواجہ حسن عطار ثانی خواجہ حسین عطار و دیگر خواجہ حسن عطار و  
 یوسف عطار بودند از آن بعد معلوم نیست کیفیت بالتصریح شجرہ دوم  
 و نسبت بامہ سید شاہ صادق حسینی رحمۃ اللہ علیہ  
 کہ مشرب طریقیہ قادریہ و ششتم از فرعیان آنرا بدیاری خوب التبعیہ گلشن آباد است سید شہ  
 محمد صادق ابن حضرت سید شیر محمد قادری ابن سید امین الدین ابن سید  
 محمد اجماع ابن سید اسد اللہ ابن سید علی راجو ابن سید امین الدین مدنی  
 ابن سید محمد صفیہ ابن سید محمد مدنی ابن سید احمد اصغر ابن سید علی اصغر ابن  
 حضرت امام حسن عسکری علیہ السلام واضح باد سماع است عمر این بزرگ یکصد و  
 شصت سال بود با شغال مدارید فرزندان این بزرگ در قصبہ شش آباد عرف ناسک  
 اند کثیر الاخلفه این خاکسار سید عبد الفتاح عرف مولوی شرف علی مدرس مدرسہ  
 معمرہ بمبئی متبتند از اولاد این بزرگ اند از بیان شان نسب نامہ میگارد مولوی  
 سید عبد الفتاح شرف علی ابن سید عبد اللہ کاسبی ابن سید شمس الدین علی  
 ابن میر سید زین العابدین ابن مولوی عبید الفتاح عرف شہید امام الدین ابن میر  
 سید اسد اللہ عرف سید شیر محمد قادری ابن شہید محمد صادق حسینی  
 سید شرف علی نیز مقیم شہر بمبئی اند ذی اولاد اند چون ذکر اولاد ہر امام بیان  
 شد از اینجا ذکر اولاد بزرگان بر لغات می نویسد .

لمعروف ذکر اولاد سید فضل الله گوسائین بهارقی سرکه مرز واقع باره دری  
 باید دانست حضرت سید فضل الله را دو فرزند مرتبه بلند یک سید احمد مدعو عرف  
 سید بڑمی که از بهار پخته خاطر گشته سکونت کردند اختیار بمقام کوثره اولاد  
 شان آنجا هستند و می سید نصیر الدین محمود در قصبه بهار رونق بسجاده کی دادند  
 اولاد اند و رانجا منسوب بدو فرقی سنیه امامیه اکثر احوال خلف سید نصیر الدین  
 بودند سید محمود را دو فرزند سید نصیر الدین از بهر دو اولاد شدند پس بدانید از بطن  
 اولی سته پسر یک دختر بے بے مریم نام دختر بے بے مریم شیده اهل ابله قادری  
 مبارک حسینه و نام صاحبزادگان سید نصیر الدین از محل اولی یک سید تقی الدین  
 که بودند سجاده نشین و می سید الدین سید می سید زین الدین پس ایند اولاد  
 سید تقی الدین سجاده نشین در مقام شیخو تصحیح نسب دریافت نشد الا انیکه  
 میر مظفر حسین پسر ایشان میر میر علی پسر ایشان میر سعادت علی نواسه سید  
 احمد علی بهار می و سید غنی الدین را دو پسر یک سید رکن الدین دومی سید  
 صابر علی سید رکن الدین را نیز دو پسر یک سید تاج الدین را اولاد دومی سید  
 مناج الدین پسر ایشان سید برهان الدین خلف ایشان میر مهر علی و سته خواهر  
 ایشان اولاد یک ازین دختران سیده مخدوم بخش ابن سید کریم بخش فرزند  
 سید کریم بخش علی در بادشاه محمد علی فرزند سید کریم بخش علی  
 ابن میر اکمل علی که از دریت سید فضل الله بودند و سید صابر علی بن سید رکن الدین

پسری شد محمد علی نام در ایام جوانی شد کام تمام الادو دختران بودند سید علی  
 از یکی دختر پسر شد سید محمد اسلم نام پسران سید محمد تقی و سید محمد خلیل که بموضع  
 کشن پور بوجه عروج کام سکونت کردند خستیار و اولاد دختر ثانی محمد اسلم  
 سید صابر علی و سید محمد مکمل بود باش بقصبه با ده کردند خستیار و اولاد ایشان  
 در آنجا و باقی اولاد از وجه ثانی سید نصیر الدین که پسران شدند چهار کی سید شمس علی  
 و سید طالب علی سید موسی سید مطلب چارمی سید تقی سید محمد تقی اولاد ایشان  
 در قصبه بار بعد ازین تبصریح تمام کیفیت نسبشان دریافت نشد الا ملاقبان ابن خاکسار  
 بسیاری که از عماد زمان سید امام الدین حسین سید اید و حسین سید غلام نجف و میثرا علی  
 و میرز ند علی و دیگر کبر شیر ذریب امامیه الاسباده وارث علی ذریب بنیه داشتند از آنجا که  
 ذریعت اولاد سید فضل الله عین اولاد حضرت نوح ثقلین سید عبد القادر جیلانی اند  
 ملو و م و ذکر نسب نامه میر سید محمد قادری امجیری تفصیل فریت نخست  
 مابعدشان باید دانست سید شاه عبدالرشید عرف شاه جمی ابن سید شاه  
 اطمینان قادری ابن سید شاه غلام رشید قادری ابن سید شاه محمد علی قادری  
 ابن سید شاه عبدالرشید قادری ابن سید شاد ابوالعالی قادری ابن سید شاه  
 عبدالرزاق قادری ابن سید شاه ابوالمظفر قادری ابن سید شاه معین الدین  
 قادری ابن سید شاه محمد قادری امجیری نسب بالا نشان نوشته شد حاجت تحریر  
 نیست چنانچه اولاد یکی از اولاد سید محمد عیسی ابن سید بن علی امجیری اند

و یکی از آن سید موسی رضا قادری و سید شاه غلام بهیکه پسر ایشان سید امین الدین  
اندوشت با و جناب سید شاه الطیب بودند برادر چهار نو اسیر برادر کلانی سید شاه  
کمال لایزال و اولاد برادر ثانی سید عبدالرزاق عرف شاه کهنوی و وی سید  
عبدلکریم پدر سید عبد الجلیل و خاص شاه الطیب برادر و پسر دو دختر پسر کلانی سید شاه  
عبدالرشید عرف شاه جمی از دختر عم خود و کتبی باشند و دختر ایشان شدند  
یکی از سید فضل حسین بن میر سید احمد بن نو ابادی کتبی باشند که خواهر زاده نیز اند  
دویمی از سید محمود بن میر عسکری حسین ساکن موضع کارا و اولاد یکی نماد برادر دوم  
سید شاه جمی سید امیر الله عرف بودی بودند از محل ولی ایشان اولاد نشد الا  
محل ثانی و اولاد یکی خواهر سیده فضل حسین مذکور الصد و خواهر ایشان هر یکی دوی و اولاد  
لمعه در ذکر نسب فریت مخدوم سیده تیمم سفید باز بن مخدوم شاه حمید الدین  
واضح باد سیده عبدالرشید عرف شاه دوم بن ابن عبید الوحید عرف شاه همن بن  
سید صد عالم بن قطب عالم بن سید احمدی بن سید الاحد بن سید محبوب عالم  
ابن سید عزیز الله بن سید حبیب الله بن سید محمد فرید بن سیده رحیم الدین بن سید شاه  
فہیم الدین بن سیده اسمعیل بن سید محمد جمیل بن سید کریم الله عرف حاجی محمد بهیکه  
ابن سید شاه نعیم الله بن مخدوم شاه تیمم سفید باز نسب بالا و نسب نامہ حضرت  
آدم صوفی جد امجد ایشان در نسب دوم تحریر یافت حاجت نیست تحریر اکثر مشایخ  
نخب مایه از جانب مخدوم شاه تیمم سفید باز هست الا اولاد انحضرت حضرت

شاه دوم بود و نامشادی ایشان از خواب شاه نورالحق این شاه عبدالحق ولد  
 حضرت شاه مجیب قادری شد یک پسر ایشان شاه محمد شرف عرف اچچو میان که از  
 خواب مولوی شاه عبدالحق کنیز شد و پسرش پسر مولوی محمد یعقوب پدر مولوی  
 محمد رضی و دومی مولوی محمد ابراهیم لا اوله سیومی مولوی محمد و جلاله با جد شاه و حقیق  
 و دختر شاه دوم من علیه الرحمة مسماة وصیة النبی از سید شاه اولیا علی عم المحترم  
 این خاکسار که خدا شد یک دختر ایشان که از منته سید عبد العلی خوشنویس که تخلص  
 لا ولدند از نیال رفتند و در بیان نسبت نسب بلخیان که از اولاد حضرت  
 مولانا مظفر بلخی اند واضح باد و مخدوم مولانا سید مظفر بلخی ابن مخدوم شاه  
 شمس الدین بلخی برادر ایشان مخدوم سید شاه مظفر بلخی ابن سید شاه شمس الدین را  
 فرزندار جبهه مخدوم سید شاه حسین بنی مخاطب نوشته التوحید است فرزند  
 رستم بلندی که از مخدوم شاه سلیمان که لا اولاد رفتند از نیجان فرزند  
 زیدی مخدوم سید شاه سید الدین فرزندان ایشان و موضع کبیری بانی بود  
 اند و نیزه در نیجان از اولادشان نامی بنبرت گرامی شاه رستم علی بودند  
 سیومی فرزند که از جبهه بودند و جبهه بلندی شاه حسن بلخی که جانشین پدر ایشان  
 شدند و فرزندان ایشان حضرت مخدوم شاه احمد قدس سره مخاطب لنگر دار ابن  
 قندری شاه حسن بلخی سعید رتوحید بودند و فرزندان ایشان چهار از بر یک شاخ  
 مولانا چنانچه دو فرزند نمودند و چهار اما اولاد سید تکیه و ده در انجا ماندند و محمد بلخی

که قریب خانقاه مخدوم معروف است و دو برابر متفرق شدند و دیگر اسکو  
 کردند اختیار اولاد ایشان بهم کشید و در آن دیار آنکه سکونت کردند اختیار اولاد یکدیگر و شاه  
 فیض علی و شاه ولی احمد و بی بی سیده عسکری عرف شاه لشکری خال الاعظم شاه  
 انور علی حال آدرا نمی نامند از نخله زوریت بلخیان غیر آباد است و در آنجا سکونت مردم را  
 است الا یک فرزند حضرت مخدوم احمد لنگوریا مخدوم شاه جنید در موضع محی الدین پور  
 کردند و اقامت اختیار فریت شان در آنجا و ترتیب سامی بزرگوارانها معلوم نشد الا از کمال  
 شاه غلام شهنشاه ایشان سپهر یکی سیده احمد حسین که پسر شان سیده ابراهیم  
 و بی بی سیده احمد حسین بی بی سیده عبد العلی پسر ایشان سید محمود اند و دفعه ثانی  
 سیده فخر الاسلام که بچند واسطه نسب حضرت مخدوم احمد لنگوریا میر خلف الرشید  
 ایشان سیده فهم المد چهار پسر ایشان کلانی سید شاه نوشته التوحید و دو دختر ایشان  
 یکیز و جبه قاضی حسن التوحید ابن قاضی محمد حسن التوحید کیفیت دختر دیگر  
 معلوم نشد خلف ثانی شاه فهم المد قاضی محمد حسن التوحید یک پسر و یک دختر  
 ایشان دختر نسو باز شاه محمود و اعظم مرحوم و پسر قاضی محمد حسن التوحید امداد  
 عم کلانی خود شاه نوشته التوحید مذکور الصد یک پسر ایشان محسن التوحید امداد  
 مولوی محمد واجد ابن قاضی طهارت التوحید و دختر قاضی احسن التوحید  
 که خدا از مولوی کبیر الدین احمد پسر سیوم قاضی طهارت التوحید  
 - پسر سیوم شاه فهم المد قاضی طهارت التوحید



ایشان امام شاه محمد واعظ ابن سید شاه فیض لدالحاصل یک دختر و چهار  
 پسر ایشان پسر کلانی مولوی محمد واحد سلسله پسر ایشان چهار دختر و دو پسر یک بعد  
 دیگری از مولوی محمد باقر ساکن بیرجنگه منسوبی اولاد اندازان دو یک دختر  
 زوجیه میرزا شهاب بن میر خادم حسین یکی زوجیه سید محمد محسن التوحید نذکره الصد  
 ذی ولد اند دختر قاضی طهارت التوحید مرحوم زوجیه قاضی سید فضل حسین ابن قاضی  
 سید اولاد علی والد قاضی سید محمد رنا و سید محمد کاظم پسر ذی قاضی طهارت التوحید  
 مولوی حمید الدین عرف سنگن امام شاه محمد تقی مرحوم یک دختر و یک پسر محمد نواز  
 پسر چارمی مولوی امیر الدین داماد مولوی محمد واعظ الحق و پسر سید م شاه فہیم اللہ  
 سید طیب التوحید و اما سید فرزند علی ساکن گورگین سلسله پسر ایشان یکی سید  
 حبیب التوحید و دیگری سید قمر التوحید پسر ایشان دو یک نعمت التوحید و دیگری رحمت التوحید  
 و یک دختر ایشان زوجیه سید عمر دراز خواہن زاده اینجا کسار و پسر سوم از نام نسب التوحید  
 هست نام پسران شاه محمد واحد سید عبد الغفریز و سید شرف الدین و محمد غوثی  
 فوکر نسب سید شاه ولایت علی بلخی جانب جد مادری واضح باد  
 والد سید ولایت علی سید کریم بخش ابن شاه میر علی و شاه ابدال بخش ابن شاه پیر علی  
 نواسہ سید شاه کمال الدین بلخی ابن شاه محمد عاقل بلخی ابن شاه سید شاه عبد اللطیف  
 بلخی ابن سید شاه ولی بلخی ابن سید شاه دولش بلخی ابن سید ابراہیم بلخی ابن سید  
 شاه سلطان بلخی ابن حضرت محمد دوم سید احمد بنگر دریا و نیز جد مادری خاص سید

شاه ولایت علی بلخی نسب اند فیض شاه ولایت علی بلخی چنانچه بمجای فرزند  
 جدادری خود اند شاه صاحب مدوح ذکر نسب بشاه عسکری عرف شاه  
 لشکری ساکن محله بلخی از اجداد بزرگان خُسرور به باید دانست سید  
 شاه حسن عسکری عرف شاه لشکری ابن سید شاه محمد مهد علی ابن سید شاه  
 حسن علی ابن سید شاه رحمة الله ابن سید شاه صدر الدین عرف شاه بدین ابن سید  
 حسام الدین ابن سید شاه سیف الدین ابن سید شاه سلطان محمد وردیش  
 ابن حضرت مخدوم سید احمد لنگ دریا سید شاه حسن عسکری از دختر عم خود بی بی  
 دختر شاه محمد اشرف که خدا شدند و لاد ایشان نشد لاد و خواهر ایشان بودند  
 یک سماء نصیر زوجه شاه درگاه اول و دومی سماء مسیحی زوجه شاه فتح علی مرحوم  
 از بطن این بی بی یک پسر نیک دختر سماء و مسیحی زوجه میر محمد علی مادر میر عباس علی  
 و سماء شرف زوجه میر حمایت حسین نام پسر شاه نور علی زوج سماء ذاکره بنت  
 شاه محمد و اصل فردوسی تنه دختر ایشان یک از ان خوشدامن اینجا کسار  
 مذکور صدر انهم ساکنان محله بلخی بودند که ذکر نسب بشاه  
 ولی احمد بلخی یک از ساکنان محله بلخی متحملات بهار سید شاه ولی احمد ابن سید  
 شاه فیض علی ابن سید محمد طاهر ابن سید محمد اشرف ابن سید شاه عبد المجید  
 ابن سید شاه صدر الدین ابن سید شاه حسام الدین ابن سید شاه صنف الدین  
 ابن مشایه سلطان محمد وردیش ابن حضرت مخدوم سید احمد لنگ دریا و اصغ باد

سید فیض علی و در برادر بودند و بی شاه رحم علی عرف سید شاه درگاه‌های از  
 محل ثانی پسر ایشان شاه تصور علی و سید فیض علی را نیز دو پسر یک سید شاه  
 ولی احمد و بی سید شاه وصی احمد و الد سید نور الحسن سید شاه ولی احمد که داماد  
 شیخ محمد سعید ابن شیخ محمد واسع بودند از لطیف این نوجوه مسماة رجیا دو پسر  
 و دو دختر پسر کلانی سید شاه علی احمد بلخی داماد منتهی سید محمد خلیل خوشنویس  
 نوآبادی زوجه شاه علی احمد مسماة وجیه النساء چند دختران ایشان ثانی  
 شیده حسن احمد بلخی از محل اولی ایشان دو دختر یک زوجه شیده مبارک حسین  
 و بی زوجه شیده محمد کاظم حسین که هر دو داماد خواهرزاده ایشانند و از محل  
 ثانی یک دختر که از شاه صاحب حسین نوآبادی شاه فرزند علی که خدا دو پسر و  
 یک دختر زوجه سید شرف الدین حسین ابن سید کاظم حسین که خدا دو دختر کلانی  
 مسماة ریاض النساء بی شاه ولی احمد زوجه جناب حضرت شیده قمر الدین حسین  
 والد جناب سید شاه مبارک حسین و دختر ثانی سید شاه ولی احمد مسماة حیا النساء  
 زوجه عم المحترم ابن خاکیسار یعنی شیده مراد علی داماد پوری والد بامده برادر  
 عالیقدر حکیم شیده محمد کاظم حسین انیمه فی او لاداند و که بلخیان که نسب  
 بصر محبت معلوم نیست الا در قرابت و مصاهرت این فقیر اند که شیده جمال علی  
 که جز وی نسب ایشان نیز از فرزند محمد و م احمد نگردید است پسر شاه صاحب  
 سید مظفر نام دارند و دو خواهران ایشان یکی شیده شجاعت علی بلخی بسیار صاحب

حجابده بودند سید شاه امام بخش بن شاه بنده علی ابن شیخه محمد السید ابن  
 شیخه فصیح الدین از اولاد پسر چهارم مخدوم سید احمد لنگردریا و سکونت ایشان نیز  
 بموضع بهار پوره متصل منازعین آثار حضرت مخدوم سید حسین توشسته التوحید  
 قدس السدره بلکه اکثر فرزندان در اینجا هستند لمعه در بیان نسب حضرت  
 سید شاه محمد تقی رحمه الله معه ذکر ابا اجداد و اولادشان شیخه  
 غلام مظفر ابن سید شاه علیم الدین ابن سید شاه محمد تقی بلخی ابن سید شاه غلام  
 ابن سید شاه برهان الدین ابن شیخه علیم الدین بزرگ ابن سید شاه نور محمد بلخی  
 ابن شیخه دولت ابن سید شاه محمد فرید ابن سید شاه جیون بلخی ابن شیخه  
 محمد حافظ ابن حضرت مخدوم سلطان ابراهیم ابن حضرت مخدوم سید شاه  
 احمد لنگردریا قدس سره واضح باد حضرت شاه برهان الدین را دو  
 بودند یک سید شاه غلام مغرود والد ابجد حضرت شاه محمد تقی دومی سید شاه غلام مظفر  
 والد ابجد سید شاه مخدوم بخش بالیشان یک پسر مولوی کفایت علی پسر سید  
 ابراهیم حسین خواهر شاه مخدوم بخش زوجه قاضی بهکیار می  
 کشمیری دو پسر ایشان یک قاضی مظفر حسین و اما دجناب حضرت  
 مولوی سید حسن رضا پسر قاضی مظفر حسین السدره کونام دومی  
 قاضی ولایت حسین که شادی اولی از دختر شاه مخدوم بخش کردند از نجل  
 یک پسر قاضی احمد حسین و شادی ثانی از دختر حضرت شاه

محمد تقی کردند از انهم یک پسر حمید الدین نام و دختر قاضی بهکپاری از حکیم فیض علی  
 آتقد اساکن محله شجری پسرشان حکیم محمد امیر یک دختر زوجه سید ابراهیم حسین ابن  
 مولوی کفایت علی پسر وی اولاد اند و دختران شاه محمد و بخش یک مادر شاه  
 تجل حسین ابن سید میان دویمی زوجه شاه احمد حسین بلخی مادر سید و ابراهیم  
 سیومی زوجه قاضی ولایت حسین نکو حال دیگر دریافت نشد ذکر اولاد حضرت  
 شاه غلام مقرر حضرت شاه محمد تقی خلف شاه غلام مغر چهار خواهران حضرت  
 شاه محمد تقی یک زوجه شاه غلام شهنشاه بلخی مذکور الصدر و وی زوجه شاه  
 محمد و بخش مذکور بالا سیومی مسماة آمنه بی بی زوجه حضرت شاه غلام حسن  
 قدس سره خلف حضرت مولانا سید حسن رضا قدس سره چارم  
 حال معلوم نیست والده حضرت شاه محمد تقی خواهر مولانا سید حسن رضا ابن سید  
 شاه عبداللہ شادی اولی حضرت شاه محمد تقی از دختر خال خود سید شاه حیدر علی  
 گردید اولاد نشد بعد و دوم شادی از دختر دوم شد یک فرزند رتبه بلند مولانا محمد  
 که شادی ایشان از خواهر سید شاه جمال علی بلخی پسر دختر شد که زوجه سید شاه  
 تجل حسین نام پسرشان شاه محمد نصیر شاه ولی الحسن شاه آسان فسرزند  
 ایشانند نواسه حضرت سید میان و از شادی سیوم حضرت شاه محمد تقی رحمة الله  
 چهار دختر و پسر شد یکی دختر زوجه شاه نور الحسن ابن سید شاه محمد و اعط  
 دویمی زوجه قاضی ولایت حسین کشمیری سیومی زوجه قاضی مولوی امیر الحسن

نادر مولوی امین اللہ چارمی زوجہ مولوی حمید الدین عرف مولوی منگن ملخی  
 پسران نور الدین پسر کلانی شاہ صاحب سید شاہ علیم الدین امام جناب حضرت  
 سید شاہ غلام حسن قدس سرہ دومی سید شاہ غلام شرف پسر شاہ حبیبی  
 سیومی امین الدین خورشید سال وفات یافت یک دختر سید شاہ علیم الدین زین العابدین  
 محمد اسماعیل کہ خدا شد از ان فرزند موجود است محمد رشید و سید شاہ غلام مظفر  
 چهار سپر اند ترقی عمر ابد وصل در بیان اولاد حضرت سید شاہ  
 حاجی حافظ ابوتراب مشہدی رحمتہ اللہ علیہ باید دانست جدا جدا  
 حضرت حافظ ابوتراب سید شاہ ابوالعلم مشہدی از سمت مغرب سیاحت  
 کردہ بجوار حضرت بھار رسیدند موضع کونین کہ مقام بہت آب ہوا انجا پسند  
 خاطر افتاد مقیم گشتند معاہل و عیال فرزند ارجمند را بنا تو لب شدند سید شاہ  
 عبد السلام شادی ایشان بجانہ شرفا بموضع موٹرا کردید چندی مقیم در انجا  
 ماندند ہر گاہ بتحصیل علوم اوقات پرداختہ و بصلاحت طبیعت ساختہ بجوالی  
 رسیدند فرزند ایشان گردید سیدی سید شاہ عجمد الحکیم کہ خدای ایشان انداختہ  
 حاجی شاہ غلام محمد گردید واضح باد ابن حاجی غلام محمد از اولاد یا با  
 فرید الدین شکر گنج بودہ اند و بمسند دیار و امصار سید شاہ ابوالعلم بودند  
 طریقہ چشتیہ باشند از سید شاہ ابوالعلم تبار از ان سید شاہ غلام محمد  
 بموضع دریا پور متصل بہ توبہ کہ بہتر است کہ است

فرزند حافظ البوتربا شدند چون سایه الدین از سر ایشان درگذشت  
 سکونت آنجا ناگوار افتاد اکثر آمد و رفت به ملاقات امون خود بموضع دریا پور مذکور  
 بسبب البطئی نمودن آخر برای تحصیل علم ظاهر و باطن سفر کردند ختیار مراد و امجد  
 عمر ایشان بسبب سال بود و رغبت ایشان شاه مصطفی خاا ایشان را یک دختر تولد  
 شد پنج ساله عمرش بود که حیل ملک بقا شدند بزوجه خود وصیت کردند که روزگار  
 روزها سید البوتربا در اینجا از سفر خواهد رسید این دختر را و منسوب کردم و زوجه  
 او خواهد داد و سید البوتربا بعد از سی سال بحصول کسب کمال در وطن رسید کیفیت  
 سفرشان بدینطور در آن سفر در راهی تحصیل علم نمودند و حفظ قرآن مجید چون  
 قریب فراع شدند با د شاه وقت خواست که بر سر ایشان دستا فضیلت  
 بدهند و وجه کفاف مقرر سازد و بدست در بدر شاه بی بمانند پذیرا  
 خاطر مفتا و از آنجا سفر کردند ختیار روانه شدند بسوی حجاز قریب بیست سال  
 در حریم شریفین مقیم بوده هفت حج ادا کرده صحت حدیث کردند و خپ سال  
 مجاورى روضه اقدس حضرت سرور کائنات کردند و روزی از روزها در آنجا  
 حرمین شریفین آه می پیچید تن تنها جای تشنه کام شدند آب ناپیدا بود  
 مضطر شدند کمال در آنوقت بزرگی فقر وقت شدند پیداکمال بزرگی از تشنه  
 پاک بهویدامشکین در بغل پآب و جام در دست پرسیدند ای سید چه  
 میخواهی گفتند آب تشنه دهنم بستم فرمودند چیزی نده گفتند هیچ ندارم

فرمود آن بزرگ عمامه بر سر داری و خرقه و میگوئی هیچ ندارم در غلبه تشنگی عمامه  
از سر بر آوردند بطلب آب و آن بزرگ کانسه آب از مشکیزه بر آورد و گفت کمال  
بسیه بی یک کانسه آب عمامه میدهی سید پاک عمامه خود بر سر نهادند و گفتند ما طلب  
نیست صابر خواهی یافت از اولاد امام صابریین حضرت زین العابدین ششم  
که بعد واقعه کربلا گاهی آب نخوردند بیا تشنه کامی غریزان و والد ماجد خود  
می آرند قریب چهل سال بعد این اقع بودند متاهل شدند گاهی آب نخوردند  
بوقت کمال تشنگی بدعوت شیر می نوشیدند سحان الله عجب بزرگ صاحب کمال  
بودند چون مراجعت از سفر نمودند در وطن بمقام کسی را نیافتند چون بموضع  
دریا پور رسیدند فیض از قربانان یافتند از احوال و زوجه شاه مصطفی بودند  
موجوده دختر منسوب بیان کردند احوال هر چند تجردی نخب و متاهلی  
نمایند نپنداشتند باصرا اقران صورت عقد مناکحت شرعیه واقع شد از سکونت  
موضع کوتن برخاسته خاطر شده در بموضع دریا پور رحل اقامت انداختند  
بسبب موانست بزرگان انجاد و عمر شصت و الکی از بطن آن عقیقه متولد شدند  
دو فرزند یکی سید شاه عجم الد و دیگری سید شاه فیض الد از هر یک اولاد  
شدند ذی علم و مشایخ عظام پدید شاه عجم الد سه پسر کلانی مولوی سید حسن رضا  
ثانی سید حید علی سیو شیده علی محمد متخلص سلیم بکمال بودند اولاد فقید این عالم بزرگوار  
چهل سال سیده فیض الد سه پسر یکی سید علی و دیگری سیده محمد و غلط سیو



سید قدرت الله لاولد لیسر سید ولی الله میر فقیر الله بالیشان سید لیسر و دو دختر کلانی  
از میر علی سجاد پهلواروی که خدا ذی ولد شدند ثانی ز وجود دوم حضرت سید شاه  
غلام حسن لیسر دختر ایشان بمبا یک حسین لیسر کلانی میر فقیر الله سید امیر الله که در  
دانا پور از خواهر کلانی راقم التحریر کتبخانه دختر و سکه لیسر وجود آمدند لیسر ان نوجوان  
وفات یافتند و یک بطیفه الا دختران ذی اولاد اند جائی بتصرف نگاشته خواهد شد  
الا لیسر ثانی میر فقیر الله سید محمد وزیر لاولد الا لیسر سیومی سید محمد سمیع را دو دختر  
و یک لیسر یک دختر نسو باز سید فضل حسین نو بادی یک دختر است نواسی سید  
محمد اسماعیل و شاه محمد و اعظم لیسر دوم شاه فیض الله را دو لیسر و دو دختر کلاسه  
مولوی سید صفد حسن نائب قاضی شهر عظیم آباد با و صاف با کمال از دختر  
حکیم بیگم بی بی بصیر النساء خواهر زادی حضرت شاه غلام حسن که خدا شدند  
اولاد نشد و ثانی سید نور احسن را دو دختر شاه محمد تقی ذی اولاد و دو لیسر  
و سه دختر ان دختر کلانی شاه محمد و اعظم از قاضی مله مات التوحید که خدا و ثانی  
والده قاضی مولوی امیر الحسن سید بهادر حسین سید محمدا حسین ایشان لاولد و یک  
دختر سید بهادر حسین کتبخانه از مولوی امین القادری مولوی امیر الحسن فرزند لاولد قاضی  
مله مات التوحید مذکور بالاشد الا برادر خود و ایشان سید طیب التوحید از دختر  
میر فرزند علی ساکن گورکین برگشته پهلواروی که خدا شدند سته فرزند ایشان سید  
حبیب التوحید و سید محمد التوحید و سید نصر التوحید ذی اولاد اند ایشان

ذکر اولاد حضرت مولانا حسن ضامن سرور و برادرشان سید شاه  
 حیدر علی باید دانست سید شاه حیدر علی را یک پسر سید حسن خوشنویس  
 با کمال اولاد نشد و دو خواهر ایشان حضرت شاه محمد تقی که خدا یکی بعد دیگری  
 و خواهر سیم کتبی از سید شاه یار علی ابن سید شاه ضیاء الحق عرف رتین چند  
 دختران ایشان و یک پسر نام محمد یوسف جا بجا که خدا شد ندیکه از مولود  
 و اعطاء الحق پدر مولوی عبدالحق دویلی از محمد اکبر سیموی از پسر مولوی محمد  
 چارمی مادر شاه فیاض نجفی زوجہ میر محمد حسین ابن میر علی سبزواری و دختر  
 ایشان از سید علیم الدین خف سید هدایت حسین و اناپوری که خدا شد حیم الدین  
 نام پسر سبست چند خواهران ایشان و جناب حضرت مولانا سید حسن ضامن  
 قدس سرور او دو دختر یک زوجہ علیہ بختن دینی زوجہ قاضی مظہر حسین و خلف الشیخ  
 جناب حضرت سید شاه غلام حسن از خواهر حضرت شاه محمد تقی یعنی از بی بی  
 آمنہ که خدا شد از بطن این بی بی یک پسر و یک دختر دختر خجسته اختر زوجہ  
 سید شاه علیم الدین لمبی ابن جناب شاه محمد تقی رحمۃ اللہ علیہ که مذکور اولاد بالا  
 تکریر شد الا خلف الرشید جناب حضرت سید شاه غلام حسن قدس سرور سید  
 شاه محمد حسن عرف سید میان دوی غرضشان بودند دریافت معر  
 وفارسی از خواهر مولوی کفایت حسین ابن شاه محمد و منجش که خدا شد یعنی  
 از سبب این که جناب آنحضرت بودند اہم الاجمع کمالات

ظاهر و باطن بود و حصول مقید مراقبه و مشغول جفا کشی بود و بر انجناب اتم بیعت  
 بایشان از جناب والد ماجد خود الا تحصیل تربیت باطنی و صحبت جناب حضرت  
 خال الاعظم حضرت سید شاه قمر الدین حسین قدس سره بود و الار و بروی الد  
 خود کردند انتقال بعمر سی و پنج سال و دو فرزند و یک دختر یار و کار خود گذشتند و دختر  
 شان زوجه شاه محمد نصیر ابن مولانا محمد بنیر یعنی از مسماة زینب و دو فرزند ایشان  
 یکی شاه ولی الحسین و دیگری سید حسان علی تزاید عمر کناد و خلف کلانی الخ اعظم  
 سید شاه تجل حسین و ثانی سید امانت حسین که تحصیل علم ظاهر و باطن کرده  
 نوجوان رفتند بسوی ملک بقا و که خدائی سیده تجل حسین اول از دختر سیده  
 احمد حسین باز ثانی جای شد از هر دو اولاد و نه الا شادی ثالث از خواهر سیده  
 محمد نصیر شکیکو شد سیدی و میان آنهم در زمان طفولیت رحیل ملک بقا  
 شد بعد رحلت پدر بزرگوار که آنهم نوجوان کردند انتقال سجادگی سجاد و علی  
 غلطان شد عقاب نامند جز اولاد بنات ۵ آید برادران عزیزان گماشتند  
 رفتند در بقا ولی از ماجدا شدند که واضح باد سید شاه تجل حسین را بیعت  
 از جد ماجد خود الا تربیت باطنی از جناب حضرت پیر مرشد سید شاه  
 قمر الدین حسین قدس سره و چند سال صحبت با برکت جناب حضرت سیده  
 مبارک حسین رحمة الله علیه بوده مجاز اجازت و خلافت طریقه ابوالعلائی  
 شدند و نیز همه برادران را تربیت باطنی از جناب حضرت پیر مرشد است مولانا

محمّد بن سید شاہ علیم الدین سید امانت حسین را از تربیت صحبت کامیاب  
 شده اند فقط کیفیت نسب و حالات این بزرگوار از تالیف کتاب شاہ علیہ  
 متخلص لیم دریافتند و نیز سلسلہ نسب بالا استماع از حضرت جد الامجد سید  
 شایہ غلام حسین قدس سرہ دانا پوری و انجناب را از مولانا حسین ضا تحقیق  
 شد از این صاحبان جبر مصاہرت اخوت معنویت ذکر اولاد حضرت محمّد  
 سید علی احمد صابر جامی یافت تحریر نمود یکے از بزرگان  
 موضع بقیہ تواند واضح باد اگر چه پند ز ند بودن حضرت محمّد سید علی  
 صابر کسے جان کو نیست الا از دفتر پیر مرشد خال المحترم جناب حضرت بابا شیخ  
 فرید الدین گنج شکر است در کتاب کور چون یافت جامی درین اوراق نگاشت  
 اگر چه این بزرگوار خود را فریدی نامند الا نسبت انحضرت است باید دانست  
 نام فرزند انحضرت حضرت محمّد سید شایہ شعیب الدین ولد ایشان محمّد  
 سید شاہ بدر الدین پسر ایشان سید شاہ رکن الدین خلف ایشان حافظ  
 عبد الرحیم پسر ایشان حاجی سید محمد مختار پسر ایشان سید عبد الکرم ولدشان  
 حافظ عبد الوہاب پسرشان حافظ عبید الشکور ولدیشان حافظ عبد العلیم  
 پسرشان سید امام الدین پسر ایشان سید محمد عیوض پسر ایشان سید فضل الدین  
 دو برادر یکے میر فضل الدین و می سید محمد باسط عرف میر فہیم الدین پسرانند  
 کہ حافظ سید عبد الشکور ساد و پسر یکے سید عبد العلیم

دویمی سید عبد المنعم لیسر ایشان سید عبد العظیم ولد شان محمد مقیم پسر ایشان سید  
 همت زمان ایشان را سید لیسر سید حاتم زمان و سید علی زمان نام سیو م یادست  
 دو لیسر سید حاتم زمان یکی میر طفیل علی پدر سید عبد الغنی صاحب بان متوسط و خواهر  
 ایشان زوجه مولوی سید نواز شرمول و نیز خواهر سید حاتم زمان والده باجده  
 مولوی سید نواز شرمول و برادر میر طفیل علی محبوب زمان پدر محمد زمان اندوکر  
 اولاد سید عبد العظیم دو لیسر ایشان سید امام الدین و سید جمال الدین پسر ایشان  
 سید کفایت الله ولد شان سید عبد الرحیم لیسر شان سید عبد الکبیر لیسر ایشان  
 سید عطا کریم و لیسر سید امام الدین سید محمد عیون من ولد ایشان سید فضل الله  
 سید لیسر ایشان سید فرخ حسین سید احمد حسین سید صخر حسین لیسر ایشان  
 محمد حسین که از خواهر خواجہ محمد حسن منسوب شدند اولاد سید احمد حسین را دو فرزند  
 سید محمد یحیی و دویمی سید بدر الحسن عرف جمن بر دو اولاد الا سید فرخ حسین اودو  
 فرزند یکی شرف حسین عرف داروغه عالم علی لا ولد برادر ایشان سید آل حسن  
 با ایشان دو لیسر و دو دختر کلانی سید امجد حسین دو لیسر ایشان یکی مفقود  
 دویمی فضل حسین موجود و ثانی سید غانت حسین والده سید اکبر حسین و پسر  
 خواهر ثانی سید محمد ولی و ثانی زوجه شاه حسین علی والده مولوی عبد الغنی  
 و برادر ایشان هم اندام از اولاد کج

و اگر در میت حقیقت تشریح سید عبد الرحیم الدین پدر عالم

واضح باد محمد دوم بدر عالم را یک دختر بی بی ابدال که از سید محمد منسوب ذی اولاد  
 و فرزند محمد دوم رتبه بلند محمد دوم شاه سلطان بودند فرزند ایشان سید محمود  
 عرف سید جلگن نامیدی ولد ایشان سید احمد پُری اینده ترتیب کیفیت ذریه  
 ایشان دریافت نشد الا بسام شایخین انجوار نسب بقرا بت انجناب نامند کی  
 بزرگ سید حامد عرف سوپن از فرزندان انجناب بوده اند خواهر ایشان مسامه  
 بی بی جلگن الدہ جناب شاه تراب الحق و شاربہا الحق موروسی بودند و شاه  
 محمد فیاض ساکن بسوہ منجملات بہار از فرزندان نامی انجناب اند ایشان بعض  
 فرزندان محمد دوم بدر عالم دریافت شد کہ این محمد دوم محمد و محمد دوم شاه سلطان  
 جانشین اولاد نشد الا از دو برادران بیاتی اولاد یکی را بفرزند بی خود قرار داد  
 زیب سجاده کردند فرار آنها واقع موضع سُوہ بہست جد ماورسی جناب شاه  
 امیر الدین فردوسی سجاده نشین بودند و دو دختر و یک پسر شاہ فیاض داماد  
 ایشان پسر حاجی نصیر الدین شیخپوری و دختر کلانی ایشان از شاہ بہادر علی  
 ساکن شیخپورہ کہ خدا و ثانی از جناب حضرت شاہ ولی اللہ فردوسی والد ماجد  
 شاہ امیر الدین سجاده نشین شاہ بہادر علی را دو دختر کلانی زوجہ شاہ محمد علی  
 شعیبہ شیخپوری برادر زاده شان فرزند جمہد ایشان چند کی شاہ عبد العلی  
 داماد شاہ امیر الدین محمد الدین علی بی دختر شاہ بہادر علی از جناب شاہ امیر الدین  
 کہ خدا از لیلن این بی دو پسر کی شاہ امین الدین احمد و بی شاہ محمد تقی

و سرخواهران ایشان یکی منسوب از شاه بنده علی ابن شاه حسین علی دویبی زوجه  
 شاه عبدالعلی سیمون زوجه شاه محمد جعفر بنیره شاه سلامت علی فردوسی ذی دل اند  
 و یکی شاه تهمورحوم از فرزندان مخدوم بدر عالم بودند معروف خواججه ایشان زوجه  
 میر محمدی علی عظیم آبادی ابن میر یوسف علی پسرشان سید آهوب بن عرف جعفر  
 موجود اند و دختر شاه تهمورحوم از شیخ اکبر علی ساکن بڑاوی کد خدا پسرشان شیخ  
 اولاد علی اند باقی مولوی سید وزیر الدین صاحب نیز از نسب آن مخدوم فرزندی  
 خود میکردند بیان سلسله نسب دریافت نشد که منی گاهشت ذییر منته غنایت حسین  
 در نسب از فرزندان حضرت میگویند و نیز در ضلع شرقی اکثر مردمان عالی تبار خود را  
 چون از ذکر انساب سیادات فراغت یافت ذکر نسب اولاد حضرت خلفاء  
 ثلاثه مینمایند تفصیل بن بر فضل و ضمیمه تحریر نمود بجزه ذکر اولاد انصار و نولید

## فصل اول در بیان نسب نامه حضرت عتیق ابا بکر صدیق رضی الله تعالی عنه و اولاد بر دو وصل و دو ضمیمه باشد

حضرت سیدنا ابا بکر صدیق عتیق و عبد الله نام ابن حضرت عثمان ابوقحافه  
 کنیت شان ابن عامر ابن کعب ابن سعد بن تمیم ابن مره از اولاد نصر بن کنانه  
 قریش که از فرزندان حضرت اسمعیل حبیب الله علیه السلام بودند و تفرقه  
 نسب از حضرت صلی الله علیه و سلم و آنحضرت از پشت پنجم است و والده ماجده

حضرت صدیق اکبر بی بی ام النجیر بنت صفیه بن عامر انداز دخت عم تختہ ابو دند  
 و این ذکر در کتاب تذکرہ صدیقہ کردہ است تسطیر فقط در اینجا مقصود بیان  
 از فریت آنحضرت است باید دانست آنحضرت صدیق اکبر رضی اللہ عنہ تسبیح و ستر  
 بودند انداز ہمہ تبر حضرت عائشہ صدیقہ زوجہ محبوبہ حضرت سید المرسلین و ثانی بی بی  
 اسماء زوجہ حضرت زبیر بن عوف بن ابی ولید کتبی از فرزندان ایشان یکی عبد اللہ بن  
 زبیر دومی عروہ بن زبیر سیومی مصعب ابن زبیر کہ از بی بی سکینہ دختر خباب  
 سیدہ الشہداء امام حسن علیہ السلام کتخدا شدند و کیفیت دختر ثالث دریافت نشا  
 الا از فرزندان یکی عبد اللہ کہ از محل اولی بودند و خواہر اہم عیالی ایشان بی بی اسماء  
 مذکور و از لطن بی بی ام رومان حضرت عائشہ صدیقہ و حضرت عبد الرحمن  
 و از بی بی اسماء بنت عمیس فقط حضرت محمد پس نسل ہر دو جاریسہ

قبل غازی و بعد غازی مشہور است نوشتہ می آید

وصل فصل اول در ذکر ارباب سیدنا عبد الرحمن قبل غازی  
 خواجہ ابو نجیب ضیاء الدین سہروردی و شیخ عماد الدین دلد حضرت شیخ  
 شہاب الدین سہروردی سرد و برادر اند و شیخ الشیوخ برادر زادہ شان ضمیمہ  
 در ذکر نسب حضرت شیخ شہاب الدین ابن شیخ عماد الدین ابن شیخ نجم الدین  
 ابن شیخ مجتہد الدین ابن شیخ رفیع الدین ابن شیخ صدق الدین ابن شیخ محمد متین  
 ابن شیخ محمد مہربان ابن شیخ امین ابن شیخ عبد اللہ ابن شیخ



عبد الجلیل ابن شیخ ابوبکر ثانی معروف شیخ عبد الفتاح ابن شیخ محمد آدم ابن  
 شیخ محمد سلم ابن شیخ محمد فوج ابن شیخ محمد یوسف ابن شیخ اسمعیل ابن شیخ  
 ابراهیم ابن شیخ عبد اللہ ابن شیخ محمد عتیق ابن حضرت عبد الرحمن ابن  
 حضرت صدیق اکبر ابن ابو قحافہ رضی اللہ عنہم واضح باد کسیکہ از ذریت  
 شیخ شیوخ باشند ابن نسب نامہ ہر او کافیست و دیگر ہر کہ خود را صدیقی نامند  
 درینچو شیخ صدیقی و نسب ہستند الا شیخ صدیقی کہ بر دست خلیفہ اول ایسان  
 آمد و دند از صدق دل بچنین است تحریر از پیشوایان این حقیر فقیر انچنان نمود

تحریر ہر کہ اند صدیقی ازین نسب بمسل غارے اند

وصل دوم فصل اول در بیان اولاد حضرت محمد ابن ابابکر صدیق  
 بعد غازی رضی اللہ عنہ واضح باد حضرت محمد بن ابی بکر صدیق رضی اللہ عنہ  
 از بطن بی بی اسماء بنت عمیس فولد شدند و برود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم  
 الحاصل شادی محمد بن ابی بکر صدیق در بقیۃ النصاریان گردید پس الشیخان  
 خیرات العین قاسم بن محمد از دختر عم سیدنا عبد الرحمن کہ خدا شدند  
 از بے اسماء ثانیہ یک دختر الشیخان و یک پسرختر بی بی فودہ  
 والدہ حضرت امام جعفر صادق و حضرت عبد اللہ و اسمعیل سر زندان  
 حضرت امام محمد باقر علیہ السلام ام سیادات باقری و جعفری نام پر  
 سیدنا عاصم اولاد ایشان شیوخ بعد غارے معروف اند کہ

ضمیمہ اول در ذکر نسب حضرت مخدوم حسام الدین جالسی

قدس سرہ کہ اولاد آنحضرت اند

حضرت مخدوم حسام الدین جالسی ابن شیخ امام الدین و الشیخ قیام الدین بن  
 شیخ بدر الدین ابن شیخ محمد اعظم ابن شیخ محمد سلم ابن شیخ محمد مکرم ابن شیخ  
 محمد ماہ ابن شیخ محمد جاہ ابن شیخ طہیر الدین ابن شیخ عبد اللہ ابن شیخ صدر عالم  
 ابن شیخ دانیال ابن شیخ عبد اللطیف ابن شیخ محمد جمال ابن شیخ احمد کمال  
 ابن شیخ سلیمان ابن شیخ داؤد ابن شیخ مسعود ابن حضرت عاصم ابن  
 حضرت قاسم ابن محمد ابن ابی بکر فی الصدیق رضی اللہ عنہ چون نسب نامہ بالا  
 تحریر شد از اینجا ذکر اولاد مخدوم حسام الدین مینویسد صاحبان موضع جلال گویند  
 از اولاد حضرت مخدوم حسام الدین جالسی اند میر محمد قاسم ابن میر حسام حیدر  
 ابن مولوی غلام نجف ابن شیخ محمد عارف اللہ و میر محمد کاظم و میر محمد یاشم و میر محمد  
 ناظم ابنان میر فدا علی ابن شاہ ہدایت علی ابن شیخ عارف اللہ نسبت  
 سادات ایشان از جداوری است شیخ محمد عارف اللہ ابن مولانا محمد جمال اللہ  
 ابن شیخ عبد الرحیم ابن شیخ عبد الغنی ابن نواب اولیس خان خان خطابی ابن  
 قاضی شیخ محمد ابن قاضی شیخ محمد سعید خان عرف قاضی چاند ابن قاضی شیخ  
 چاند عرف قاضی چلدہ ابن شاہ حسام الدین ثانی ابن حاجی الحرمین شیخ  
 رکن الدین ابن مخدوم شاہ حسام الدین جالسی و برابر بودند و یکی شیخ صدر الدین

اولاد ایشان چاہی اند باید دانست قاضی محمد سعید عرف قاضی چاند برادران  
 چار بودند یکے ایشان دومی قاضی بدر جهان سیومی قاضی مبارک چارے  
 قاضی احمد ذریات ایشان نیز چاہی باشند شیخ عبدالغنی نیز ابن نواب ابلیس خان  
 سہ برادر یکے ایشان دومی شیخ حمید سیومی شیخ عبدالرسول و سپران شیخ  
 عبدالغنی نیز چار شیخ عبدالرحیم و شیخ ابو القاسم و شیخ عبدالرسول ثانی و شیخ  
 عبدالغفور شیخ عبدالرحیم را نیز چار فرزند یکے مولانا محمد جمال دومی شاہ محمد عبدالم  
 سیومی شاہ عبدالجلیل چارمی شیخ ہدایت اللہ از اجداد میر سلامت علی مولانا  
 محمد جمال اللہ را نیز چار پسر شیخ محمد عارف اللہ و شیخ محمد فضل و شیخ اہل اللہ  
 و شیخ مولانا و اعطاء اللہ مولوی عارف اللہ را دو پسر یکے مولوی غلام نجف  
 پسر ایشان شیخ حسام حیدر و شیخ مصام حیدر و شیخ ذوق فقار حیدر و دو دختر  
 یکے جدہ مادرے شاہ حسین علی دومی زوجہ قاضی نادر علی ساکن شہر گہاٹی  
 پسر دومی مولوی عارف اللہ شیخ ہدایت علی پسر ایشان میر فدا علی چند خواہر  
 ایشان یکے از ان والدہ میر میر محمد حسین پسران میر فدا علی شیخ ہاشم از محل اولی  
 و محمد کاظم و محمد ناظم و یک دختر از زوجہ ثانیہ زوجہ شیخ ہادی حسین ابن منشی  
 رجب علی و محمد کاظم ہر شہ برادر ہی اولاد اند و نیز شیخ ہادی حسین نیز حسام  
 را یک فرزند میر محمد قاسم و سہ خواہران یکی زوجہ مولوی ابو الحسن ابن مولوی  
 سید وجہ اللہ دومی زوجہ قاضی امیر حیدر و سیومی زوجہ مولوی وزیر حیدر

ابن تافسی نادری علی احتجاری ساکن شهر گماقی میر قاسم علی راسته پسورد  
 دختر سپهر کلانی محمد حسن دومی محمد قمر الدین سیومی میر نجم الدین همدان که خداوند  
 جابجا و میر محمد قاسم را از عقد نکاح ثانیه اولاد یک پسری است و باقی از اولاد  
 بزرگان بالا جای تبه خواهد یافت بر شایه این کتاب خواهد گشت شیخ  
 محمد جمیل ابن شیخ رحمت الله ابن شیخ هدایت الله نیز بیان نسب خویش بعد غاری میکند  
 فصل دوم در ذکر اولاد و نیز نسب نامه حضرت عمر خطاب رضی الله  
 و تحت این ذکر فریت بدو وصل و چند ضمیمه کی حضرت بابا

فرید دومی حضرت شمس الدین حقانی

نسب نامه حضرت امیر المومنین عمر خطاب رضی الله

امیر المومنین حضرت عمر ابن خطاب ابن لفضل ابن عبد الغفری ابن رباح ابن  
 عبد الله ابن فرط ابن ذراح ابن عدی ابن کعب بن بوی بن غالب النسب  
 انحضرت صلی الله علیه و آله و سلم و از حضرت عمر قفری از کعب است جد هشتم  
 انحضرت صلی الله علیه و آله و سلم و جد نهم ایشان و و الله حضرت عمر ختم نبت هشتم  
 ابن مغیره بن عبد الله بن عمر بن محمد و بن قصی بن کلاب ابو جمل بن هشام  
 ابن مغیره برادر عزادار ایشان بود از بنی اعمام ام المومنین خدیجه الکبری  
 بنت خویلد بن اسد ابن عبد الغفری ابن قصی بن کلاب کسانیکه ابو جمل را  
 از عم انحضرت شمارند غلط است واضح باد حضرت عمر را اولاد کثیر از پس

دختر صغیر و کبیر یعنی عبداللہ ابن عمر و خواہرا عیالی الشان ام المؤمنین حفظ  
از یک بطن اندوزیدین عمر از بطن دختر حضرت علی اولاد نمازد و عبد الرحمن اکبر و  
عبید اللہ و عاصم بن عمر و عبد اللہ اوسط و عبد اللہ صغیر و عبد الرحمن صغیر و عیاض  
و ابو شحیم از البطان مختلف خواجہ عبید بغدادی ابن خواجہ زید ابن شیخ عمر ابن  
شیخ ابوبکر ابن شیخ عبید ابن شیخ محمد سعید ابن شیخ زید صغیر ابن حضرت

عمر بن خطاب رضی اللہ عنہ

وصل اول فصل دوم در ذکر نسب حضرت شیخ المسلمین

بابا فرید شکر گنج قدس سرہ

حضرت شیخ فرید الدین ابن شیخ جمال الدین سلیمان ابن لفرج شاہ  
والی کابل ابن شیخ محمد داود ابن شیخ محمد خلیل ابن شیخ عبد الجلیل ابن  
شیخ عبد الجبار ابن شیخ عبد اللہ صحرائی ابن شیخ عمر عطار ابن شیخ محمد ذکریا  
ابن شیخ ابراہیم ابن شیخ قاسم ابن حضرت عبداللہ ابن حضرت عمر خطاب  
رضی اللہ عنہ باید دانست حضرت بابا فرید را دوز و جہ فرزدان کثیر ہر یک  
کامل فقیر الاولاد و جاری ماند از چهار یک شیخ نصیر الدین کلانی ثانی شیخ  
بدر الدین سلمان سیومی شیخ کبیر الدین چاروی شیخ یعقوب شیخ  
بدر الدین سلمان زریب دہ سجادہ حضرت شدند ۶ ضمیمہ اول در  
ذکر حسام الدین مانکیوی کہ مرید و خلیفہ حضرت نور قطب عالم

پند وی بودند واضح باد مخدوم حسام الدین ابن شیخ احتشام الدین محدوم  
 خواجہ دانشمند ابن شاه جلال الدین ابن بنوگن نیز از خلفاء حضرت سلطان  
 الاولیا نظام الدین محبوب جانی قدس سره بودند شیخ جلال الدین ابن شیخ  
 معین الدین ابن شیخ زین الدین ابن شیخ صدر الدین ابن حضرت بدر الدین  
 سلیمان ولد حضرت بابا فرید الدین گنج شکر قدس سره اولاد حضرت حسام الدین  
 اندلسیاریار الاهیفت واسطه یا هشت ایشان شاه کریم الدین بودند محدوم  
 شاه کریم ابن بزرگ از مقام مانکیپور درین دیار لقب صبیحه مع اهل و عیال  
 وارد شدند در اینجا تکیه ساخته محله صاحب گنج مع اهل و عیال یا زبوسی دکن مرآت  
 کردند الایک پسر خویش را می شاه کبیر الدین بر آن تکیه جانشین کرده رفتند مزار  
 در وطن است شیخ کبیر الدین بدان ستر زمین یک چک آباد کردند بنام والد ماجد  
 خود کریم چک ترتیب نام معلوم نیست الاحضرت شاه عزت الله و حکیم  
 مسیح الله از فرزندان ایشانند هر دو برادر طریق حقیقه گذار شده مرید حضرت  
 شاه عصمت الله قادری که مرید و تالیف حضرت مولانا وارث رسول نما  
 بودند تربیت و خدانت یافتند پسر شیخ حکیم مسیح الله شیخ قاسم و یک خواهر  
 ایشان در مقام کهنه از یک حکیم شیخ با سو که خدا شدند و شیخ قاسم از دختر غم خود  
 شاه عزت الله را خدا شدند اولاد یکی شیخ عسکری و الی حکیم شاه محمد حسین  
 و دیگری شیخ غالب علی پسر شیخ محمد جعفر سیوی منشی عنایت حسین پسر شیخ

احمد حسین شیخ شرف الدین چارمی شاه فضل علی پدر شیخ حبیب حسین پنجمی شاه  
 شجاعت علی لاولد بداند حضرت شاه غرت الله راد و دختر و چپار لیسری  
 نذکره الصدقانی مادر شیخ قطب الدین پدر شیخ قاسم علی داماد حضرت حکیم مظفر حسین  
 قدس سره خلف کلانی حضرت شاه حکیم فرحت الله قدس سره طویل الذکر ثانی  
 شیخ امیر الله سیومی پدر شیخ محمد عوض چایب پدر شیخ ولی الله حضرت حکیم شاه  
 فرحت الله مخاطب بابا حسن دست یکی از مریدان و خلیفه اجل  
 محمد و م شاه حسن علی قدس سره و دوسی الالبو العلانی چهار فرزند حضرت ایشان  
 کلانی شیخ قمر الدین حسین و پدر ایشان شیخ خیراتی و شیخ علی حسین باقی فرزند تربیه  
 ثانی مقبول ربانی حضرت حکیم شاه مظفر حسین با کمال خوش خصال قدس سره  
 چند دختران با حضرت کلانی از منته قاسم علی که خدا و خلف ایشان حکیم محمد حاج  
 و مقبول حسین دختر ثانی از شیخ مظفر حسین برادر زاده انحضرت که خدا خلف ایشان  
 حکیم محمد نصیر ثالث از حکیم محمد مهدی حسین که خدا شش فرزند ایشان و یک دختر باقی  
 در اقران که خدا الا خلف الرشید انحضرت حکیم خورشید حسین مع فضل و کمال پس  
 ایشان شاه فرحت حسن چند خواهران ایشان و خلف سیومی انحضرت <sup>محل</sup> شاه  
 شمس الدین لاولد چارمی حکیم معاد علی حساب لیسر ایشان شیخ مظفر حسین و شیخ  
 قرضی حسین و شیخ اظهار حسن هر سه برادر یکج صفت موصوف بودند  
 ضرر در ذکر نسب لا تا شیخ عبد الحق بلوی محدث که فرزند برادرانند

مولانا شیخ عبدالحی محدث دہلوی ابن شیخ سیف الدین ابن شیخ فتح الدین  
 ابن شیخ کریم الدین ابن شیخ سیف الدین برادر محمد و شیخ حسام الدین بانکپوری  
 ابن شیخ احتشام الدین خواجہ دانشمند ابن شیخ جلال الدین ابن شیخ معین الدین  
 ابن شیخ زین الدین ابن شیخ صدر الدین ابن حضرت بدر الدین سلیمان ابن حضرت  
 بابا فرید الدین گنج شکر قدس سره ضمیمہ سوم فصل دوم وصل اول شیخ  
 نصیر الدین عرف شیخ پیاری واضح باد شیخ نصیر الدین پیاری ابن شیخ  
 فیض شاد ابن شیخ امان اللہ ابن شیخ کبیر الدین ابن محمد و نصیر الدین خلف  
 کلانی حضرت مقبول ربانی بابا فرید الدین گنج شکر قدس سره باند دانست شیخ  
 امان اللہ رحمہ اللہ علیہ جد شیخ نصیر الدین از حضرت پاکین شریف بطریق حسیا  
 در پنجوارا حسب کم ولایت درین دیار عربنی جد بزرگوار شریف آوردند در  
 دہلی چندی اقامت کردہ آخر بقیام کالی رسیدند در آنجا از حضرت سید  
 جمال الدین ابن سید علا الدین کہ جد اعلیٰ اینجا کسار بود و در طرفہ چپ شمیمہ دانستند  
 بسبب ارتباط ملاقات دست داد حضرت سید جمال الدین خود ہستند اقامت نمایند  
 بدینجا و فرمودند در جواب حضرت شیخ امان اللہ ای برادر دو قطب در یکدائرہ  
 نمی گنجد آخر کار از آنجا محافل و عیال بنواح حضرت بہار رسیدند در آنجا جای  
 پسند ساختہ بہار دام و خانقاہ نمودند مزید و مستر شدند و در آنجا پدید آمدند  
 نام آن محلہ چشتیانہ شد مشہور از شرفا و آنجا فوہت صورت مصاہرت افتاد



الحاصل بعد چندی شیخ فیض الله از اولاد ایشان بخراسان فرستاده شد و بعد از آن  
 قریب دانا پور بموضع سید پور و میگه که مردان ایشان در آنجا بودند و اقامت  
 ساختند برگه پهلوانی ضلع بلخ در آنجا آمدن ایشان فرقه رسیدن آن  
 قوم خلجی منصب چو در آنجا رسیدند شتر خدمت بجای آوردند بعد مصای  
 چند سال در اولاد پیر اولاد مرید بصورت ظهوری ادبیان صورت تفاد پیدا  
 بسبب عتقانی که پیشش نهادند ناگوار طبع آنحضرات گشت قصد مرجع بسوی  
 بهار اقامت ایشان ساختند چون غزنی را بطور شد پیدای بر مردان شیخی ساکن  
 کوزی این مضمون شد بهویدا شیوخ آنجا حاضر شده بالکل در آنجا برونه ایشان  
 فرمودند آخر از شما نیز روزی چنین امور وقوع آید بر قدم پیران نهاده عرض  
 ساختند مادر آنجا بطور عایا خواهم ماند حضور مالک مختار و من تابع دار  
 چون بطور غریب در آنجا بردند صوت قیام افتاد نام الموضع بنام یکم از فرزندان  
 خود شیخ عنایت الله چشته پور عنایت الله ساختند بهر روز دانا پور  
 قریب یک و نیم کرده فاصله داد و باید دانست شیخ عنایت الله بن شیخ فیض الله  
 را علاوه دختران یک پسر بود شیخ رحمة الله و دو دختران سه شیخ عنایت الله را  
 از پسران برادر ایشان شیخ نصیر الدین پیاری که خدا شدند و نام پسران شیخ رحمة الله  
 شیخ مرید و شیخ راج الدین و شیخ عزیز الدین و پسران شیخ نصیر الدین که از  
 نوادگان شیخ رحمة الله که خدا شدند یکی از آن شیخ مهاج الدین است پسران

ایشان هر یک از دختران عم که خدا شده اند کلا فی پسر شیخ معز الدین ثانی ایشانرا  
 تیر سه پسر یک شیخ معز الاسلام و دومی شیخ رکن الاسلام سیموی شیخ فتح الاسلام و  
 شیخ معز الاسلام جد علی شاه اظهر حسین ابن میر حسین نجش سادات ماورست  
 با ایشان میر حسین نجش ابن شیخ قلندر علی ابن شیخ ابوتراب ابن شیخ الاسلام  
 ابن شیخ عبدالسلام ابن شیخ معز الاسلام ابن شیخ معز الدین ابن شیخ منهاج الدین  
 ابن شیخ نصیر الدین پیاری ابن شیخ فیض الدین ابن شیخ بالازین معلوم باد باید  
 شنید پسر دوم شیخ معز الدین شیخ رکن الاسلام بودند جد علی مولوی معز الدین  
 مرحوم کوروی ابن شاه قطب الدین عرف شاه بساوان ابن شیخ محمد مراد  
 ابن شیخ محمد جواد ابن شیخ محمد ذکریا ابن شیخ محمد یحییٰ ابن شیخ رکن الاسلام ابن  
 شیخ معز الدین مذکور الصدرو صبح باد شیخ محمد مراد و پسر یک مذکور بالا شاه  
 قطب الدین عرف شاه بساوان که یک از مریدان و خلفای نامدار حضرت  
 قطب العالم مخدوم شاه محمد معتمدین سرکه بودند ثانی پسر شیخ برکت حسین ابن  
 شیخ الفت حسین پسرشان شیخ عبدالحسین ازین عالم لا ولد فتند و شادی حضرت  
 شاه قطب الدین بساوان از دختر میر سید علی ارشد گردید نام آن بی بی اعلمن  
 بنت بی بی علیمه دختر میر سید محمد باصر ابن میر سید حسین ابن میر سید اولیا ابن میر  
 صدر جهان و نسب نامہ میر سید علی ارشد بدینطور ابن میر سید عبدالشکور  
 ابن میر سید محمد فضل ابن میر سید عبدالواحد ابن میر سید صدر جهان مذکور شد

که خدای میر سید عبد الواحد از دختر خال خود قاضی عماد الدین ابن قاضی سید  
 عبد الفتاح عرف قاضی بڑی گردید و شادی پس ایشان نیز از دختر عم گردید  
 و شادی میر سید عبد الشکور از دختر میر غایت اللہ بی بی پور شد الحاصل حضرت  
 شاه قطب الدین بساوند را دو پسر یک دختر پس کلانی منته محمد غوث که از بی بی  
 نعیمہ بی بی و حاملہ کہ زوجہ شاہ وحید الاسلام بودند کہ خدا منته محمد غوث  
 عرف دُومَن را یک پسر و یک دختر مسماة منیراعون سُوین کہ از منته امیر اللہ  
 پس کلانی مولوی عزیز اللہ ابن شاہ قطب الدین کہ خدا شد ندلا ولد ماندند الا  
 پس منته محمد غوث مولوی فرحت علی کاشف سخرخی و جلی از دختر شاہ  
 ابراہیم حسین نو آبادی کہ خدا نام آن بی بی مسماة بسکین یک دختر ایشان بی بی  
 مہر حکم زوجہ اولی سید شاہ حسین علی ابن مولوی سید اشرف علی ابن حضرت  
 شاہ بچی علی از بطن این بی بی دو پسر و یک دختر زوجہ میر واجد حسین ابن میر  
 اسمعیل علی و نام پسران سید شاہ محمد قاسم کہ از دختر میر عبد الحسین نو اسہ پیرجہ  
 کہ خدا شد ندیک پسر سہمی محمد بسین پسر دومی شاہ محمد واجد اند اینند و فرست  
 منته محمد غوث اند و پسر دوم شاہ قطب الدین عرف شاہ بساوند مولوی سحر اللہ  
 رحمۃ اللہ علیہ کہ بعلم عمر میت و فارسی تہجد شنند و ذی فنون و ذی جمال معیت  
 مرد و برادر را از جناب والد ماجد خود است الامولوی صاحب عمر اخیر تربیت علم  
 باطن از برادر زادہ خود حضرت شاہ محمد الدین حسین یافتند فرزند مولانا چاہد

یک مکتبی امیر الله که در علم قاسمی بی نظیر بود ندازد از تحاح ثانی یک پسر احمد ناد و یک دختر  
 محمود است موجود و پسر ثانی مولوی صاحب مجد و ج مولوی محمد اکبر که در عرب و فارسی  
 دشتند همارت تمام که خدا از دختر خالاقی مسماة محمد و مه شدند و پسر ایشان  
 بوجود آمدند امید علی و نظیر حسین هر دو لاولد و پسر سوم شاه محمد ضعیف شاد  
 ایشان در مقام منیر گردید از دختر شاه لطف علی مرحوم یک پسر با ایشان بوجود  
 اند محمد خلیل که خدائی ایشان از دختر مولوی اشرف علی نواباوی شد یک دختر  
 و یک پسر شد شاه احتشام حیدر طال الله عمره و قدره و پسر چارمی حضرت مولانا  
 شاه محمد خیرانی که و ازید جوهر صفائی از زوجه سلیم ایشان اولاد اند و شادی مولو  
 عزیز الله رحمه الله علیه از مسماة حسین دختر بی ناطحه و وجه شاه تاج الدین نواباوی  
 شد و از عقد ثانیه دختران پسران بوجود آمدند و از جوان فوت شد و و اند موجود  
 امداد حسین و مهدی حسین و یک خواهرشان واضح باد پسران شیخ فتح الاسلام  
 ابن شیخ مغرالدین یکی شیخ وارث علی و دیگری شیخ فخر الاسلام سید می شیخ بدر الاسلام  
 چارمی شیخ الاسلام مخمومی اقف ستر خفی حضرت شاه محمد ولی لاریب ولی و شیخ  
 وقت بودند بارشاد مرشد طریقه نقشبندیه شدند و کرد اولاد ایشان بجای تحریر  
 خواهم کرد و در اینجا ذکر پسران شیخ رحمه الله ابن شیخ عنایت الله ابن شیخ فیض الله  
 میبایم بدانید شیخ اعز الدین اولین و دختر ایشان بودند از بی اعلم که خدا شدند  
 و در وی شیخ عزیز الدین که ایشان شیخ ابو الفتح ایشان را چهار فرزند بجز تر بلند

یک شیخ ابو الفیث دومی شیخ ابو اللیث سیومی شیخ ابو الولیس چارمی شیخ محمد ویش  
 باید دانست این همه برادران را بجز فرزند دختر نبیره ما نماند چنانچه از اولاد دختر  
 شاه محمد ویش شیخ محمد مراد جد مولوی عزیز الله بودند و از اولاد دختری شاه  
 ابو الولیس چند دختران و از اولاد دختر شاه ابو الفیث شیخ هارون ساکن  
 شیخوه کلان و کنیفست فرزندان شیخ ابو اللیث دریافت نشد الا شیخ تاج الدین ابن  
 شیخ نصیر الدین اددو پس شد ندیک شیخ منهاج الدین دومی شیخ سراج الدین پسر  
 شیخ منهاج الدین شیخ رفیع الدین پسر شیخ سراج الدین شیخ محمدی پسر ایشان  
 شیخ فیروز جدا بجز شیخ امام بخش کوزلشت زبان درشت کورجوی از اینجا ذکر در بیت  
 شیخ فتح الاسلام معین السید یکی از ان پنج برادر شیخ وارث علی با خدا ناکند و چهار  
 یک شاه محمد ولی مذکور الصدیر است فرزندان ایشان پسر اول شیخ غلام علی لاولد  
 دومی شیخ کرم علی از دختر شیخ الاسلام شد ندکتی از عقیاب ایشان نماند سیوم  
 شیخ نور علی که در دیاشند غریق رحمت از دو دخترشان اولاد ماند و یک پسر  
 شیخ فہیم الله لاولد نام دختران بی بی ناطق و بی بی واحد مذکور بالا سیوم  
 شیخ فتح الاسلام را پسر شیخ الاسلام و الداجد شیخ ابوتراب پدر شیخ قلندر علی  
 والد میر حسین بخش پسر سیوم شیخ بدر الاسلام شیخ غفیر الدین پدر شیخ رفعت الله  
 پسر ایشان شیخ عزت الله و پسر چارمی شیخ فتح الاسلام شیخ فخر الاسلام و پسر  
 ایشان شیخ حسن علی پدر شیخ هدایت علی و نیز دختران ایشان بودند

در بنی اعمام و احوال که خدا شد و پسر دوم شیخ فخر الاسلام بودند شاه حمید الاسلام  
 دو دختر ایشان یکی از بنی اعمام که خدا دومی زوجه میر حسین بخش ازان لطن  
 یک دختر مسماة نجشا النساء زوجه مولوی اشرف علی نوابا دمی مادر میر حسین علی  
 پسر پنجم شیخ فتح الله شیخ الاسلام مذکوره بالا از دختر میر سید رکن عالم دانا پورے  
 که خدا شد از لطن آن عقیق شیخ ابوتراب پدر شیخ قلندر علی دومی دختر مستوفی  
 از شیخ احمد شاه لپیشان محمد شاه دختر سید موسی مشوب از پسر شاه محمودی از شیخ  
 کرم علی در اینجا ذکر فرزند آن باشد تمام وصل دوم فصل اول در بیان  
 احوال نسب حضرت مخدوم شمس الدین حقانی ادهمی  
 واضح باد حضرت مخدوم شمس الدین حقانی کابل مراد وضع بلواری علاقہ  
 بہار خربت ایشان اند بسیار اکثر صاحب قبایل بعضی اولاد ایشان نسب  
 ایشان سیادات شمارند بسبب ادبیت حضرت مولانا مظفر قدس سرہ باید دانست  
 نسب ادبیت حضرت مولانا باجداد ایشان است جانب مادر نسبت جدی سیادت  
 ہستند از اولاد حضرت حسین صغیر ابن حضرت امام زین العابدین رضی اللہ عنہ  
 و حضرت سلطان ابراہیم محدی نسب دینی دارند و نواسند ابناء ملوک کہ

نسب ابراہیم حضرت مخدوم شمس الدین حقانی

مولانا مخدوم شمس الدین حقانی ابن شاه ابو محمد ابن شاه محمود عالم بن مخدوم  
 شاہ قاضی احمد ابن مخدوم شاہ عبید اللہ ابن شاہ عبد الاحد ابن شاہ

علی اکبر ابن مخدوم شاه علی صغیر ابن مخدوم شاه عبدالفتاح جیول ابن مخدوم  
 شاه محمد اسحاق ابن شیخ محمد یونس ابن شیخ محمد داود ابن شیخ محمد ابن حضرت  
 سلطان ابراهیم بن سلطان ابو الفتح ملقب بسلطان ادبم ابن سلطان ابوناصه  
 محمد یاشم ابن شیخ محمد مسلم ابن شیخ عبداللہ ابن حضرت عاصم ابن حضرت  
 امیر المومنین عمر ابن الخطاب نسب نامہ حضرت امیر المومنین عمر فاروق در ذیل  
 ذکر فرید بیان تحریر شد ابن نسب فاروقی حقانیہ ادبیمہ است در ذمہ نگاشتنہ علی  
 شجرہ ضمیمہ اول در ذکر نسب حضرت قطب العالم مخدوم شاه  
 محمد منعقد قدس سرہ باید دانست فرزند حضرت مخدوم شمس الدین  
 حقانی شاه کمال الدین بودند یاد نیست نام ثانی الحصول پسر شاه کمال الدین  
 شیخ نجم الدین پسر ایشان شیخ بدیع الدین ولد ایشان شیخ محمد ابن ایشان شاه  
 محمد امجد ابن شاه بھلول مقبول رسول ولد ایشان شیخ عبدالاحد عرف میران  
 پسر ایشان دو یکی شیخ محمد نعیم ابن شیخ عبدالکریم ابن شیخ امان اللہ ایشان را در  
 پسر یک دختر مساقبہ بی صما برہ با کمال و کلانی پسر شیخ رحمۃ اللہ در بیت  
 ایشان شد چنانچہ نمبر پانوا سہ ایشان شاه محمد سید ابو ذر پسر ایشان شاه محبت پسر  
 والد ماجد قاضی مولوی امیر الحسن اولاد و دختری شاه محمد سدا قاضی مردان علم  
 بودند اسلام پوری و دولت ثانی مقبول ربانی حضرت شاه محمد منعقد قدس سرہ

ضمیمہ دوم در ذکر پسرانی شیخ بجا لاد عرف میران فرستایشان سہ شیشہ  
 پسرانی شاہ عبداللہ عرف میران قاضی عبدالعزیز ولد ایشان قاضی محمود  
 فرزند ایشان از انجکہ کیفیت و پسر منید لید کیے قاضی شیخ ہدایت اللہ پدر قاضی  
 محی الدین مبارک پسر ایشان شیخ مسیح اللہ پسر دومی قاضی محمد ابن شیخ  
 لطف اللہ ایشان از نیر و پسر کیے شیخ عاشق محی الدین ابنہ شیخ غلام محی الدین  
 پسر ایشان قاضی پیر علی والد قاضی اسد علی دولت پوری و پسرانی شیخ  
 لطف اللہ شیخ غلام پدر الدین خلف ایشان شیخ غلام حیدر کہ خدائی ایشان  
 در اولاد حضرت خواجہ زین الدین برادر خواجہ کمال الدین علامہ خلیفہ و خواجہ ارگ  
 حضرت محمد و منیر الدین چراغ دہلوی گردید کہ انحضرت و رنسب علوی بودند  
 بشیخ غلام حیدر سہ پسر یک دختر نام دختر بے بیہیاتن روجہ مولوی بدیع الزما  
 دختر ثانی بی بی و جوز و جہ میر عابد علی و انا پوری الحاصل پسر کلانی مولوی  
 غلام قادر مفتی کیے دختر ایشان از شیخ و اہب حسین و اولاد حضرت خواجہ بزرگ  
 کہ خدا شدند سہ پسر کیے مولوی منیر الدین احمد فضل کمال موصوف اردنیا  
 محصور رفتند و دومی مولوی امیر الدین احمد ثالث نصیر الدین نوجوان فیت  
 از نیعالم و پسرانی شیخ غلام حیدر شیخ مادر علی ایشان را دو پسر و دو دختر کیے  
 روجہ میر قادر علی والدہ نصیر الدین و دومی والدہ مولوی ال احمد و محمد حید  
 فرزند کلانی مولوی فضل حسین و ثانی مولوی اشرف حسین عرف مولوی قدسین



از خواهر قاضی محمد بخش که خدا یک فرزند محمد ایدین و پسر سیوم شیخ علام حیدر  
 شیخ صفدر علی فرزند ایشان شیخ محمد جعفر ذی اولاد هستند واضح بادیکه  
 از رؤساء اینجوار شیخ نواز شحسین و برادر ایشان شیخ ارادت حسین از فرزندان  
 مخدوم حقانی معروف و نازشادی اول شیخ نواز شحسین از خواهر مولوی  
 و اعطای شش بود از ان یک نفر بے بے وزیران روجه شیخ محمد حیات  
 لاولد و پسر شیخ ولایت حسین و اماد شاه شرافت علی فردوسی از محل اولی یک  
 پسر محمد احسن لاولد رفت از نیالام و از شادی ثانیه شیخ عبدالصمد که موجود اند  
 و شادی ثانیه شیخ نواز شحسین از صبیبه کلانی شاه واجد علی فردوسی ساکن  
 موضع ساینه برادر کلانی شاه شرافت علی فردوسی بودند گردید از لطن آن  
 روجه دو فرزند و یک دختر روجه شاه فیاض الدین ابن شیخ ارادت حسین  
 و پسر کلانی شیخ تاج حسین ذی ولد اند و ثانی مولوی محمد اجمل مرحوم که از دختر  
 عم خود شدند که خدا یعنی از دختر شیخ ارادت حسین سه فرزند رتبه بلند کلانی  
 مولوی احمد حسین ثانی شاه ظهور حسین ثالث شیخ نور الحسن اند ذی اولاد هستند  
 و شیخ ارادت حسین را از شادی اول یک پسر شیخ محمد حسین و اماد قاضی اسد علی  
 لاولد و از شادی ثانی که در هرام گردید از صبیبه شاه شمس الدین یک دختر  
 رز و یک شیخ محمد اجمل مذکور و پسر شاه فیاض الدین اولاد نشد باقی اولاد حضرت

فصل سیوم در بیان حالات و نسب امیر المومنین عثمان غنی رضی الله عنه  
 بیک وصل و ضمیمه باید دانست حضرت امیر المومنین عثمان غنی ابن عفان  
 ابن ابی عاص ابن امیه بن عبد شمس بن عبد مناف تفرقه در نسب را مختصر  
 صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت عثمان رضی الله عنه از چهار شیت نسب است  
 امین بنی امیه انحضرت اند بنی هاشم و والده حضرت عثمان بنی بی اروی ختر  
 که تیره بن ربیع بن حبیب بن عبد شمس مذکور الصدور و مادر بی بی اروی بی بی  
 بیضا عمه انحضرت صلی الله علیه و آله و سلم و اصحاب اذواج حضرت عثمان  
 کثیر الاولاد و دختران انحضرت صلی الله علیه و آله و سلم یک بعد دیگری زوجہ انجناب  
 شدند یکی بی بی رقیه دومی بی بی ام کلثوم از هر دو اولاد نشد عقاب مانند  
 جزئیات حضرت بنی شش و وجودند از هر یک اولاد از نسل آنها معروض  
 پیش عثمانی نام فرزندان حضرت امیر عمر و عبد الله اکبر و عبد الصمد و ابان  
 و خالد و سعید و عتبه و ولید و عبید و مغیره و عبد الملک یازده پس نوشته اند مورخین  
 و شش دختر تسبیح از دریات هر فرزند یافت و نه از ترتیب سلسله الانساب  
 ولی کاملین حضرت محمد و جلال الدین کبیر اولیا پانی تپی و از فرزندان آن  
 بزرگ در اینجا نیز رسیدند حضرت جلال الدین کبیر اولیا بن خواجه  
 شاه محمود ابن خواجه شاه یعقوب ابن شاه خواجه علی ابن خواجه اسماعیل  
 ابن خواجه محمد ابن خواجه عبد الله معروف بخواجه ابوبکر شبلی ابن حضرت عثمان

ابن خواجه عبد الغزیز بن خواجه عبدالرحمان ابن خواجه دریاالحق ابن خواجه  
عبد الغزیز ابن خواجه خالد ابن خواجه عبد الغزیز ابن حضرت عبد الرحمان  
ابن حضرت امیر عمر ابن امیر المومنین حضرت عثمان الکنون ذکر نسب تحت میا

### نسب نامه شاه حسین علی مولوی علی رضا

از ذریت اجمالا و تفصیلا نست مولوی عبد القی ابن شاه حسین علی ابن مولو  
دارث علی ابن شاه محب اللہ ابن شاه ہدایت اللہ ابن شاه رحمۃ اللہ ابن شاه  
ماہر و ابن شاه محمد ابن شاه معروف ابن شاه منصور ابن مخدوم شاه  
برمان الدین عرف بندگان شاه خوند میان دیورومی ابن شاه بر خودار  
ابن شاه محمد اسحاق ابن شاه سلیمان ابن شاه داؤد ابن شاه عبد القدوس  
ابن شاه شکیل ثانی ابن مخدوم شاه جلال الدین کبیر الاولیا با حشمتہ الصابری  
یعنی خلیفہ بودند حضرت خواجہ شمس الدین ترک یابی بنی کہ مرید خلیفہ حضرت مخدوم  
سید علی احمد صابر بودند نسب نامہ بالا تحریر شد مابقی حاجت تحریر  
مکر نیست باید دانست جد البدر شاه ماہر و شاه سلیمان از پانی پت واو ایندیکہ  
گشتند مجرورہ و ابطور سیاحت تا در حضرت بہار رسید شرف بیعت حصول  
طریقہ فردوسیہ نمودند حصول و متاہل شدند از فرزندان ایشان بندگان  
شاه خود میان از انجا بر خاستہ خاطر گشتہ قصد سفر دیار مغرب کردند  
چون بقیام بہم رسیدند چندی بقیع شدند چون مخدوم شاد در لیش

از جمال ایشان صورت بخابت یافتند دختر خود بزوجه ایشان دادند آخر بقام  
 و یوره کیه ساخته مقیم شدند بعد همضای چند از انجا شاه ماهر و بطور سیاحت  
 ورنیولج آمدند و با جانیها معتقد شده از زمین چاکن قریب صد میگه معافی ندرانمود  
 حالا آن علاقه موضع چاکن مشهور سپهر میگه هست و عزار شاه ماهر و بموضع  
 سعدی پور هست حالا تفصیل کیفیت ذریه اینست بجنس شاه ماهر و  
 و فرزند بودند که با نام شاه رحمة الله و بی شاه عزیز الله ایشان را  
 دو پسر شدند نام پسر شاه رحمة الله شاه هایت الله بخشید و تعالی ایشان را  
 پسر چهارم هر یک عالی تبار که شاه حبیب الله و بی شاه محب الله سیومی  
 شاه اهل الله چارمی شاه کریم الله بفضل هر یک ذی اولاد بدانند شاه  
 حبیب الله را سه پسر که شاه کمال الحق و دو پسر ایشان یکی شاه کاظم علی پسر  
 ایشان محمد اشرف و بی شاه نور علی ذی ولد اند سیومی شاه مقبول علی  
 اینهم ذی اولاد و متوسط خلف شاه حبیب الله مولوی علی رضا از دختر شاه  
 کریم الله که خدا یک پسر و یک دختر اولاد دختر علی حسن موجود و پسر شاه موسی رضا  
 مرحوم لا ولد فرستند و شاه اهل الله را دو دختر که از برادرزاده شاه بنده  
 کتخد و بی جای دیگر در اقصان و شاه کریم الله را یک پسر شاه احمدین  
 لا ولد فرستند از نیالام دختر زوجه مولوی علی رضا و شاه محب الله را چند  
 دختران و دو پسر که شاه بنده علی ایشان را دو پسر و دو دختر نام پسران

شاه برکت حسین شاه امیرالدین حسین پسر الشیطان مولوی عسکری پسر شاه  
 برکت حسین شاه ظهور پسر این کبیر و یک دختر شاه بنده علی زوجه شاه داود علی  
 پدر شاه تراب علی ساکن سیر سنگه تکیه و دختر ثانی زوجه قاضی قاسم علی ساکن  
 پالی پسر شدند قاضی تبهو لاولد رفتند از بیغال و خلفت دوم شاه محب الله  
 مولوی وارث علی و دو پسر الشیطان و دو دختر یکی منسوب شاه منور علی ابن شاه  
 فضل کریم پسر الشیطان شاه اکرم علی دیگری که خدا از شاه رمضان علی  
 ذی اولاد اند و پسر کلانی مولوی وارث علی شاه حسین علی پنج پسر الشیطان  
 و یک دختر زوجه شاه شجاعت حسین ابن شاه امجد حسین ابن شاه امام علی  
 انصاری که خدا یک دختر و پسر دارند و از پسران کلانی مولوی عجمد الفتنه  
 یک پسر الشیطان مولوی عجمد الرشید و اما در او غم فدا حسین ساکن شاه بوبیگه  
 چارمی نیز مولوی محمد تقی و اما دایسان ذی ولد اند و مولوی محمد تقی پسر سیدم  
 و اما میر علی حسن ساکن میران بیگه ذی ولد اند و پسر ضمر مولوی محمد ذکی  
 و اما در غم خورد اند باید دانست مولوی باقر علی برادر خورشاه حسین علی  
 از دختر مولوی محمد راجد بلخی کتخدا از لطن این زوجه یک دختر و مولوی  
 عزیز الله ابن شاه ماهر و او دو پسر یکی شاه محمد و اعظم پسر الشیطان شاه  
 مبارک علی پسر الشیطان شاه فضل کریم که از دختر شاه محب الله خدا پنج  
 پسران شاه منور علی و شاه امیر علی و شاه عباس علی و یک حاجی اند و الله

ابو الحسن فیصل سیم بعد وصل در فکر اولاد حضرت عثمان جایز است اند  
 باید دانست مولوی غلام امامت خاص شهبه نسبتنامه خود عثمانیه میکردند بیان  
 و نیز در فتحپور سکر شیوخ عثمانی اند و در دیار عرب بسیار تبرکستان در بخوار  
 بمقام سهرام یکی از فرزندان شاه محمد کبیر الدین بودند شاه قیام الدین  
 شاه شمس الدین پسرنمود الا اولاد دختر یکی از برادر زادگان خود اسمعی  
 شاه کبیر الدین منبج کرده چانشین و بر و خود نمودند چند شادی ایشان شد  
 از کسی اولاد نشد الا اولاد و دو برادر ایشان برادر متوسط شاه فخر الدین از  
 خواهرزادی شاه تراب الحق که خدا و پسر ایشان یکی شاه محی الدین عرف  
 لا الامیان که حال سجاد نشین اند و دیگر شاه غزیر الدین و یک خواهر ایشان از شاه  
 فرید الدین که خدا می اولاد و برادر خود شاه نجم الدین راد و پسر یک شاه فرید الدین  
 دویی شاه حمید الدین باقی اقارب ایشان در موضع رجست بر کتبه خجروگی اند  
 باید دانست هرگاه ذکر نسب حضرت خواهر ابو بکر شهبه قدس سره گردید بهتر  
 عثمانیه لازم افتاد ذکر نسب حضرت خواهر ابو القاسم جنید اخمد اوی  
 که نسب فاروقی دارند بن خط حضرت خواجه جنید بغدادی، ابن خواجه زید  
 ابن شیخ عمر ابن شیخ ابو بکر ابن خواجه عبید ابن شیخ سعد ابن شیخ زید ابن  
 امیر المومنین حضرت عمر خطاب رضی الله عنه اکثر مشایخین خود را نسب  
 نسب جنیدیه میکنند الا اختلاف است در شیخ و سیادت مولوی سید

اولاد علی جوینوری متخلص کاهش نسب خود منسوب بحضرت جنید میگرداند  
 حضرت خواجه جنید را سید میگویند این غلط فهمی شان هست که میگویند نسب نام  
 حضرت جنید همین است و مولوی عبد اللطیف که منصب حکومت در کلکته  
 اند و بوی مجسریٹ بهر خید از او شان ملاقات نداریم الا عضد الدوله خواهر زاده  
 شان یکی از مردان است اینجا کسار و بیان نمود که از جانب ماوری نسب  
 جنید یہ ہستم الا شیخ فاروقی بودند حضرت خواجه جنید اکثر نسب میدیم

بدیاری شرفی استند و اللہ اعلم

شجره نسب نسبت حضرت خواجه ناصر الدین عبید اللہ احمر

بذکر فاروقی و انصاری

باید دانست یکے از صاحبان مصنف کتاب شجره طیبہ کہ از فرزندان حضرت  
 خواجه نسبت دارند خود را احرامی بہ نسب بیان مینمایند و اولاد شان اکثر  
 منصب قضا بوده اند ذکر نسب بالالبہ نسبت سادات و بہ نسب فاروقی کرده اند  
 فقط نسبت خود بہ نسب انجناب و ذکر اولاد و دیگر یک طبقہ اولاد انجناب است  
 و عظیم آباد بلکہ معروف اند بخواجه زاده بعض از یہا نسب سادات مینمایند  
 غرض بیفقیہ حقیر از حجت و بحث بہت آنچہ کہ معلوم است بیان مینماید دلیل  
 از کتاب رشحات و تحفۃ الابراہم و نیز لیسع بزرگوار از کتاب رشحات  
 بیان مینمایم جد علی حضرت خواجه احمر خواجه محمد نامی را وطن قدیم و غیرہ

خواجه محمد نامی خواجه شهاب الدین شاشی بخواجه شهاب الدین شاشی  
 دو فرزند کلانی خواجه محمد شاشی ثانی خواجه محمد شاشی والد ماجد حضرت  
 خواجه عبید الله احرار قدس سره و سکونت جد مادری ایشان شیخ داود  
 در تاشکند علاقه و بهم با غستانی حضرت خواجه احرار نشو و نما ظاهر و  
 تربیت از جد مادری و خال خود حصول کردند تحصیل علم هر بنوده بیعت  
 از حضرت مولانا یعقوب چرخ کی که از اجل خلفا حضرت خواجه نقشبند بهاء الله  
 قدس سره بودند حاصل بعد حصول فیضانی دیدار جاب فنا هر باطن آنحضرت  
 را شغل کشتکاری بود حصول معاش از زراعت بودند تجارت در سبب  
 ظاهری از مال و اموال عزت و جاه اهل دنیا تو نگه متمول میدانستند حال آنکه  
 مقوله حضرت خواجه احرار است این میخ زرد و گل است نکه در دل  
 چو فقر اندر قبائی شاسته آمد که بتدبیر عبید الله است آمد که  
 مقوله حضرت مولانا جامی رحمه الله است منقول است و اقامت موضع  
 تاشکند آنحضرت متاهل شدند فرزندان بوجود آمدند و واپس چندی  
 دخترو انجاب از ازلطن زوجه اولی خواجه عبید الله عرف خواجه محمد بن عبید  
 عالم و فاضل حضرت خواجه محمد بن عبید الله علیه السلام تربیت تعلیم به نسبت بطون از  
 والد ماجد خود است بجهت صوری و معنوی و عهده خواهران ایشان مبرگانه  
 مبرگانه اقامت حضرت احرار مجبوری سلطانین وقت تیموریه بمقام سمرقند



گردید در آنجا از عرصه اقامت حضرت عمده السالکین سید اسیادت  
 امیر تقی الدین کرمانی بود با خود با وصیت و مجالست ربطا رونمود بلکه  
 نوبت مصابرت رسید یعنی سه دختر آن حضرت خواجه عبید اللہ حرا  
 بسفر نزد امیر تقی الدین کرمانی گئی باشند و فرزند حضرت خواجه خواجگا داماد  
 حضرت تقی الدین بودند از لطن آن عقیقه سه فرزند ایشان کلانی خواج  
 نظام الدین بادی دوی خواجه خاوند محمود سیو خواجه عبدالحق اشتر  
 محی الدین اینحضرت جانشین جد بزرگوار شده فیض بخشی خلق اللہ مشهور بودند که  
 سلسله نسب صوری و معنوی از ایشان جاریست و شادی ثانی حضرت  
 خواجگا از دختر خواجه نظام الدین اولاد صاحب هدایه گردیده پس ازین روجه  
 نیز شدند خواجه عبد العیلم خواجه عبد الشہید خواجه ابو الفیض پدر  
 بزرگوار خواجه محمد فیض معروف بخواجه فیضی که جد مادری جناب حضرت سید  
 ابو العلا قدس سره بودند نسب نامہ حضرت محبوب جل علا در ذکر اولاد امام  
 عبد اللہ باہر سابق تحریر شد منقول است چون انتقال حضرت امیر تقی الدین  
 کرمانی و رسم قند شد حضرت خواجه عبید اللہ حرا العشا میر تادفن برد و خوش  
 بردند و نماز جنازه او کردند باقی ذکر فرزندان حضرت خواجه محمد یحیی  
 خلف ثانی حضرت خواجه سه فرزند ایشان خواجه محمد ذکریا خواجه عبد الباقی  
 خواجه محمد ابراهیم دو فرزند حضرت خواجه محمد یحیی شہید که همراه بودند خواجه محمد ذکریا

وخواجہ عبدالباقی بہر دو معیت پذیرند گوار شدند شہید رسیدند بر تبار  
 مجید الاخواجہ محمد امین کہ محض طفل بودند از مہلکہ جانبر شدند تربیت و تعلیم ظاہر  
 و باطن از برادر عزا و خواجہ عبدالحق یافتند اولاد ایشان کثیر است سبحان اللہ  
 این واقعہ مثل کر بلا و باقی یک فرزند مثل حضرت مام زین العابدین علیہ السلام  
 پدر جملہ سادات اندک حاصل فرزند خواجہ محمد امین خواجہ نور العین پسر ایشان  
 خواجہ انور و لد ایشان خواجہ محمد ابن ایشان خواجہ محمد احمد پسر ایشان خواجہ  
 عبد الفتاح ابنہ خواجہ علی دوست رحمہم اللہ علیم سہ پسر ایشان یکی  
 خواجہ محمد می خان کہ از سماء بر مانی بیگم دختر خواجہ پسران الدین نظام الملک  
 صوبہ ملک و کمن بودند کہ خدا شدند بدین نسبت بمراتب عز و جاہ و سعیدہ آخر  
 اولاد گذشتہ بمعزہ نصرانی و سلطانی شہید شدند ذریات ایشان کثیر مثل  
 ثم جنت النعم و فرزند دوم خواجہ علی دوست خواجہ رحمۃ اللہ و لد ایشان  
 خواجہ نصرت اللہ ابن خواجہ امین اللہ و لد خواجہ محمد امین عرف خواجہ ذاکر  
 اولاد شد کثیر یکی آمدند حقیقت پیر از دختر خجستہ اختر میمنون رئیس شہر  
 کہ ہمزلف شاہ خیر الدین زبدۃ المشائخین بودند کہ خدا شدند حسب  
 تمامیت و اراثیت بر کل ملکیت شاہ صاحب موصوف اولاد ایشانند خواجہ ذاکر  
 صاحب پانچ پسر و پنج دختر خواجہ ابوالحسن پسر کلانی ذی ولد شدہ لا ولد  
 شدند لیسر ثانی خواجہ محمد حسن بودند لیسر ایشان سید حسن اند سیوہم خواجہ

احمد حسین حافظ چهارم خواجه علی حسین دختر گزشته رحلت کرد که از سید حسن  
 منسوب شد پنجم خرد سال کرد انتقال باقی دختران کلانی از میر رعایت حسین  
 رئیس شهر که خدا شد چند دختران ایشان الایک پسر میر احمد حسین ثانی  
 کتخدا از شیخ بشارت حسین رئیس شهر یک دختر و یک پسر ایشان بیاری صاحب  
 که از دختر خاله کلانی کتخدا ذی ولد نیست سید می از حکیم خواجه محمد حسین عرف  
 خواجه امان ابن خواجه میر بخان نواسه حکیم غلام نبی صاحب بودند چون یک فرزند  
 گذشته روجه شان رحیل ملک بقا شدند نام ولد حکیم خواجه عبد السلام که  
 موجود اند دختر چارمی روجه اخوی ام حضرت سید شاه مبارک حسین ذی ولد  
 شش پسر شد از انجمله موجود شاه عزیز الدین حسین و سید شرف الدین حسین  
 و سید رضی الدین حسین و دختر پنجم خواجه ذاکر مرحوم روجه خواجه علی مرزا  
 ابن خواجه اشرف علی ذی ولد اند و فرزند سید می خواجه علی دوست  
 خواجه عبد الله فرزند ایشان حکیم خواجه عبد السید عبد الله ایشان ترک تمام شد

از بنیاد کمر نسب ذریات خواجه محمدی خان میگویم که

واضح باد خواجه محمدی خان از بطن بی بی بر تانی بیگم چار پسر و دو دختر  
 از انجمله زوج یک دختر میر مولان بخش که پسرشان میر الهی بخش نواسه خواجه  
 محمدی خان بجز روجه ایشان حال اولاد دریافت نشد دختر کلانی از  
 خواجه محمد و جهم الله خان که خدا بفضله شدند اولاد کثیر یعنی سه پسر

از آنجمله که خواجه محمد شاه والد خواجه محمد شاه که از دختر میر باقر علی کتخدا شدند  
 خلف ایشان خواجه عزیز خان بودند که از دختر خواجه فخر الدین خواجه  
 ماهتاب که خدا بودند دوی خواجه آفتاب از محل اولی و دلیس که خواجه  
 محمد یوسف که شادی قبل ایشان از خواهر خواجه حسین علی خان شده بودند چند  
 دختر یک پسر خواجه علی رضا ایشان منسوب از دختر خواجه حسین علی خان  
 دلیس و دو دختر شدند اولاد یک پسر و یک دختر باقی دوی خواجه محمد حسن  
 که از صبیح جناب حضرت شاه رکن الدین عشق قدس سره که خدا شدند یک  
 دختر که اولاد و فرزند رتبه بلند جناب خواجه لطف علی رحمة الله علیه شادی  
 ایشان از دختر خاله خود شده بود و یک پسر شده و دوازده ساله عمر صلت کردند  
 و از بطن ثانیه دو فرزند که خواجه علی مرزا اولاد کلانی خواجه لطیف علی  
 عرف شاه میا بخان که از دختر شاه اقبال حسین کتخدا شده سه پسر ایشان  
 و یک دختر و دلیس خواجه آفتاب از محل ثانیه بودند خواجه محمد امین و خواجه خسرو  
 و پسر سیوم خواجه محمد و جبه خواجه ماهتاب بودند و لد ایشان خواجه فتح الله چون  
 از ذکر اولاد دختری خواجه محمدی خان فراغت یافت از اینجا ذکر اولاد دلیس  
 می نمایم غره در ذکر پسران خواجه محمدی خان مرحوم و اصحاب  
 خواجه محیی خان را چهار پسر کلان خواجه علی اعظم خان ثانی خواجه  
 عاصم خان سیوم خواجه محترم خان چاه خواجه مکرّم خان سیوم چاه

لاولد خواجه علی عظم خان را یک دختر زوجه میر غلام نجف ساکن باره درمی پشتر  
 میر نجف حسین و میر کاظم حسین نام نامی پس خواجه مدوح خواجه کاظم خان  
 دو دختر ایشان یکی والدۀ خواجه شمس رضا مذکورہ بالا دوم والدۀ خواجه  
 امام الدین عرف میر مرزا ابن مرزا ولی محمد خان ابن مرزا بہادر بیگ خان  
 دو پسر شد ایشان یکے خواجه بدر الدین خان ثانی خواجه شمس الدین خان  
 عرف محمد نواب ہر دو لاولد و برادر نور و خواجه میرزا خواجه امیر جان انہما لاولد  
 شدند و سہ فرزند بخواجه کاظم خان کلانی خواجه فرزند علی خان دو پسر  
 ایشان یکی خواجه نور جان عرف خواجه نجم دوی خواجه محمد نجف خان ثانی پشتر  
 خواجه شرف علی و سیوی خواجه نجف علی خان لاولد ثانی خواجه  
 حسین علی خان کہ از دختر میر باقر علی مدوح کتخدا شد پنج فرزند و یک  
 دختر زوجه خواجه علی رضا نام پسران خواجه محمود جان دو پسر یکے مسعود جان  
 فرزند کلانی خواجه صاحب خواجه عابد علی خان عرف خواجه جان کہ از دختر  
 عمہ خود کہ خدا شدند لاولد رفتند ازین عالم فرزند ثانی خواجه طالب علی خان  
 عرف خواجه سلطان جان و اما دراجہ خان بہادر خان سہ پسر شدند زندہ نہ ماندند  
 الا دختران چہار یکے زوجه خواجه علی حسین عرف میر نواب ابن حضرت خواجه  
 ابوالحسین ابن حضرت سید شاہ ابوالکیر کات الغرض از بطن آن زوجه  
 یک پسر و یک دختر موجود و دختر ثانی زوجه نواب وزیر علی خان لاولد و دختر

سیوم لا ولد رفت از نیالام و دختر چهارم و زوجه خواجه محمود جان ابن خواجه علی رضا  
و فرزند سیوم خواجه ابو الحسن خان عرف خواجه حسن جان که شادی  
ایشان از دختر خواجه محمود شاه شده بود و اولاد نشد و پسر چهارم خواجه  
محمد حسن خان عرف خواجه میر نجان ایشان که خدا از دختر خواجه عین الدین  
ابن شاه ناصر الدین خلف حضرت مولانا برهان الدین قدس سره یک پسر  
ایشان خواجه وحید جان و دو از محل ثانیه محمد جان و قدرت جان چون رحلت  
کردند خواجه محب بلی لطف مودت خاندان ایشان شد و ختم گویانم خواجه جان  
و برادر خور و ایشان خواجه وزیر جان بودند و اولاد و از عقد ثانیه خواجه  
حسین علی خان حبیب خواجه علی حسین اندر غره و کمر اولاد خواجه  
عاصم خان مرحوم سه پسر ایشان و یک دختر و زوجه ثانی خواجه محمد یونس  
که یک دختر از ایشان مسماة باو شاه بیگم زوجه ثانیه حضرت سید شاه  
قمر الدین حسین باقری نسب قدس سره فرزند ی بوجود آمدند سید  
سلامت حسین نام بطفولیت رحلت نمودند و نیز خواجه محمد آفتاب  
را از محل دوم و دو دختر و دو پسر یک خواجه محمد امین و ویلی خواجه خضر لا ولد نشد  
از نیالام علی هذا کیفیت دختران نیز همین و خواجه محمد آفتاب را یک پسر خواجه  
فخر الشدیک دختر ایشان زوجه خواجه غریز جان ابن خواجه محمود شاه  
ابن خواجه محمد شاه ابن خواجه محمد وجه مورت اعلى هر سه برادر می

## ذکر اولاد خواجه علی اعظم خان

باید دانست خواجه علی اعظم خان فرزند کلانی خواجه محمدی خان و ثانی  
 خواجه محمد عاصم خان سیومی خواجه محترم خان چارمی خواجه مکرم خان  
 این هر دو برادر سیومی و چارمی لاولد از فرزند ان خواجه محمدی خان  
 الا ماند اولاد کلانی و ثانی خواجه علی اعظم خان یک دختر و وجه سید  
 غلام نجف که از دریات حضرت سید فضل الله قدس سره لیسپرید  
 غلام نجف دو شد ندیک سید نجف حسین دوی سید کلب حسین و خلفه  
 خواجه علی اعظم خان خواجه محمد کاظم خان بایشان دو دختر و سه لیسپر  
 خواجه فرزند علی خان کلانی و خواجه حسین علی خان ثانی  
 سیوم خواجه نجف علی خان که لاولد ماند خواجه فرزند علی خان راولپر  
 یک خواجه نور جان عرف خواجه خوجم دوی خواجه محمدی ثانی و ولد ایشان  
 خواجه اشرف علی زیاده کیفیت معلوم نشد خواجه حسین علی خان  
 که خدا شد ند از دختر میر باقر علی که از روستا و شهر پنج لیسپر دیک و دختر ایشان  
 که خواجه عابد علی خان عرف خواجه جان از دختر عمه خود که خدا شدند  
 بی اولاد رفتند از جهان ثانی لیسپر خواجه طالب علی خان عرف خواجه  
 سلطان جان که از دختر راجه خان بهادر خان که خدا شدند چهار دختر  
 ایشان یک زن و وجه جناب خواجه علی حسین عرف میر ذاب یک دختر و یک لیسپر

ایشان دویمی نواب وزیر علی خان که خدا اولاد نیست سیومی لاولد رفتند از ایشان  
چاری زوجه خواجه محمود خان ابن خواجه علی رضا دویسرا ایشان  
پسر سیوی خواجه ابوالحسن عرف خواجه حسن جان که از دخت خواجه  
محمود شاه که خدا شدند لاولد ماندند چارمی خواجه محمد حسن خان  
عرف خواجه میرخان که از دخت خواجه عین الدین ابن شاه ناصر الدین  
که خدا شدند یک پسر از انجمله باقیست مسی خواجه وحید خان  
دویسرا از محل ثانیه خواجه محمدخان و قدرت خان موجود اند و بعد چارمی  
پسر پنجمی خواجه علی حسین عرف خواجه وزیر خان لاولد رفتند و عین  
جوانی و از محل دیگر خواجه حسین علی خان یک پسر خواجه علی حسین  
موجود ذی اولاد اند باقی از یک خواهر خواجه صاحب زوجه خواجه  
محمد یوسف پسر ایشان خواجه علی رضا که از دخت خواجه صاحب که خدا  
شدند دویسم پسر دود و دخت شدند ذکر اولاد و دخت چه نویسم پسر خواجه  
محمود خان نام دویمی خواهر خواجه صاحب زوجه مرزا ولی محمد خان  
ابن مرزا بهادریک خان دوفرنده ایشان شدند یکی خواجه امام الدین خان  
عرف میر مرزا دویمی مرزا امیر خان لاولد از نهمان بی بنیان رفتند کلانی را  
که که خدائی از دخت عمر شده بود و دویس شدند بدر الدین خان دویمی  
شمس الدین خان هر یک نو جوان از نعیالم رفتند اعتاب یکے نماندند



فرزند ثانی خواجه محمدری خان خواجه عاصم خان سه پسر ایشان و یک دختر  
 خلف اولین خواجه جعفر و دومی خواجه اکبر سیومی خواجه اصغر و دختران  
 یو دند هر دو برادران الا پسر خواجه اکبر خواجه امیر علی عرف خواجه کلو  
 و دومی خواجه وزیر نو جوان رحلت کردند اعیان منانده الا اولاد خواجه  
 امیر علی صاحب شد باقی نماند و خواهر ایشان از جناب حضرت خواجه ابوالخیر  
 رحمه الله علیه نسو شد و دو فرزند ایشان خواجه ابو محمد و خواجه ابو احمد دختر یکی  
 از ان هر دو برادر خواجه جعفر یا خواجه اصغر زوجه عالی جناب حضرت خواجه  
 ابوالحسن قدس سره الله و فرزند و یک دختر بوجود آمدند کیفیت تصریح  
 در ذکر انساب جناب حضرت صاحب قدس سره شده نوشته نیست احتیاج  
 تسوید تکریر الحاصل بعد رحلت محب و مشفق خواجه محمد حسن خان عرف خواجه  
 میرنجان او خل فی وضعه الجنان گویا شد تمام و ختم خواجگان اخلاق  
 که داشتند بند و لب این فقیر حقیر نگنجد در بیان و نه بخیطه تحریر مرحوم معقول  
 کیفیت احرار رایان بزرگان قصبه شهر که باقی سکونت که اکثر  
 داشتند منصب قضا در کتاب شجره طیبه تصریح تحریر است احتیاج مکرر شد  
 بسیار عماید بزرگان بوده اند شجره اصل فصل بلکه وصل  
 در ذکر جناب حضرت شاه فرهاد قدس سره و  
 حضرت شاه رکن الدین عشق قدس سره

یدوانست از آنجا که ذکر نسب پیران سلسله ذهب این خاندان تبصره  
 وقع خود شد بیان الکیفیت مسلسل معلوم نشد انحضرات چند آنکه  
 است دین کتاب تکریم نمود جناب حضرت شاه رکن الدین عشق  
 قدم سرکه المعروف مرزا شاه کسبی قدس سره شیخ فاروقی اند و نسب جدی  
 و نسب مادری جناب حضرت شاه فرید قدس سره جدی انصار شیخ اند  
 و جانب نسب مادری مرزانی جانب تیموریه سلاطین افصح بادی که از و سار  
 علاقه کابل باشد پشیا و ریخیر دینجا صاحب نصف و رانجناب بدینطو  
 نوشت الحصول شیخ محمد افاق ابن شیخ محمد اسحاق انصاری نسب  
 پیشه تجارت از وطن آمد و رفت تا به شهر و ملی داشتند پس درین آمد و رفت  
 بمال تجارت منفع کثیر شد و در سوخت بدربار شاهی پیدا شد از بر صغیر که  
 و نیز فرزندان ایشان شیخ محمد سمیع مرتبه رفیع همراه والد ماجد خود می آمدند از قه  
 القی چون والد ایشان گذشتند سرشته حیات و رفتند در حیطه مات بعد قضای  
 والد ماجد این نیز آمد و رفت بدان شغل داشتند بلکه از آن زیاده رسوخیت  
 بدربار شاهی کردند پس به آخر اوبت مصاهرت افتاد و بعاینه صورت بنجاب  
 و شرافت زیاد از زیات تیموریه از دهنه مرزا فیض الله ابن مرزا عبد  
 گردید شادی نام نامی عظامه بود بی بی محمد به سلیم بعد ازین کیفیت  
 سرور برور را بطه منصب امیر الامرای یافتند صوبه به پانپور نیابت نواب

برهان الدین خان مخاطب نظام الملک بهادر و نیز مخاطب شدند شیخ صاحب  
 مدوح امین الدوله حفاظت الملک از نجاکت منسوب الی یافتند بکسرت اخلاق  
 داشتند بتوانج و منکری و نیز از درویشان زمان حقیقت داشتند کمال هر جا  
 می رسیدند نام ایشان مشایخان می رسیدند بهر ملاومت چون رسیدند  
 در نواح شهر اورنگ آباد شهر فیاضی جناب حضرت میر سید دوست محمد  
 ند بهر شنیدند از حد از دیار و زمی از روز ما رسیدند بهر ملاومت رسیدند  
 و صحبت الیه بهر دیار شدند چون چند بار شد حاضر می دربار یکروز به همراه خود  
 فرزند رتبه بلند خود را نیز بردند و الوقت سن به دوازده سالگی بود آغاز جوانی  
 حضرت میر سید دوست محمد در الوقت میخوردند برگ تنبول یک گلیری پان  
 از دست مبارک خود شیخ محمد سمیع دادند و دیگر گلوری از دست پاک خود در  
 دهن صاحبزاده ایشان نهادند گویا در الوقت در فیض کشادگی رسیدند  
 نام عرض ساختند با دب بکمال عقیدت محمد قریب و حضرت با شمع این تبسم  
 شدند و بوالد بزرگوار ایشان دادند مبارکباد فی الحال کیفیت قلب شد در گرون  
 اینچنین احوال نوشت بالا حضار از رساله سابق ثلاثه من تصنیف شاه چراغ  
 که از یاران حضرت بودند حضرت شاه فرمود قدس سره کیفیت بیان میکردند  
 بجز و خوردن برگ تنبول آنچکه کیفیت در انجملای قلب شد پیدا از خاطر تحسیر  
 بیرون است فلذا ندم پیدا شد از آنحضرت عقدا بلکه بجلسته دوم سیوم زان زیاده

چون الداماد ایشان نواب امین الدوله بسوی برهانپور حجت بند و بست ملکی  
 و مالی میفرستد تعلل گزیده همراه برقتند درین شهر مانند و رغبت پدر بزرگوار  
 بحجت چند نوبت لغت بلند شد نوبت بیعت رسید و تربیت استغراق  
 شد و انگیر کمال از کار دنیاوی باز ماند بسبب ضحلال و از اوستاد نیز  
 بدرس تدیس رسید اجمال زنجاکه حضرت باری را بوده افضل درین سن  
 شریف پیدا شد کمال هرگاه نواب شیخ محمد سمیع امین الدوله مراجعت نمود  
 از قصه برهانپور کیفیت صاحبزاده دیده حیرت شد پید او از اوستادشان  
 جمله حالات غیبت شد و دیدار قلب ایشان پیدا شد انتشار کمال اهل دنیا  
 را بدنیاداری بود خیال روزی صاحبزاده خویش را همراه بردند بهر ملازمت  
 بعد جلسه چند بلب خود آوردند کلمه شکایت یا حضرت منم یکے از مجرائے دربار  
 بادشاهی یک پسر است کیفیت عجیب دارد از صحبت با برکت گویا کشتی رسید  
 در تباہی لایق خدات سلطنت دربارشاهی نماند آنحضرت فرمودند در  
 جواب امی شیخ صاحب منجماہی کہ این طفل باشم یکی از مجرای شاهي دوردم  
 بخوبی آگاهی کہ امراد سلاطین را نہ پیش این درویش سیرت درانید بجرای  
 ای صاحب این واقع کہ بس اندست جامی ملال بلکه صورت است دولت  
 برای جاہ بجز رضا و تسلیم هیچ نماند چاره شکریہ بجا آوردند تسلیم میکردند  
 بعد چندی وصحبت چنان شد فیضیاب و کامیاب مثال خلافت

نوشته نمودند و از آن جای اقامت ولایت شد تجویر شهر دلی  
 درین عرصه والد ماجد ایشان کردند انتقال در شهر دلی بجای سکونت پدری  
 بجله مغلیه که در آن زمان بسیار آباد اقامت پذیر شدند جناب حضرت  
 شاه محمد فرما و مشغول شدند بر شد و رشاد و صلاح به تعلیم اسرار و قایق هر یک  
 از آن از دیگر شدند فالوت آخر قبول کردند، خلفای هر چهار یک شاه ضیاء الدین  
 دومی شاه محمد در گاهی این هر دو وزیر سایه دولت نعمت اقامت شهر دلی  
 کردند ختیب یار سپه می حضرت میر سید اسد الله خلفا رمانی آخر شدند عیال شش  
 چارمی از خلفا، عظامی مولانا برهان الدین درین عرصه نوبت انجام شادی  
 تیر گردید در زمره امراء الکن تیموریه از دختر خجسته اختر مرزا سعد الله  
 خجیب الله و له مخاطب نام آن بی بی بوده مسماة فرحانه بیگم جناب حضرت  
 قطب الارشاد شاه محمد فرما و از از لطن آن عقیقه پیدا شد یک  
 دختر خجسته اختر نام نهادند بی عصمت النساء بیگم عرف بود صاحب  
 هنگام سن بلوغیت دادند باز دواج از شیخ محمد کریم ابن شیخ طفیل علی  
 که نسب نسبت داشتند فاروقی از اولاد حضرت عمر ابن الخطاب رضی الله  
 چون کیفیت نسب نسبت علی الترتیب مسلسل نیافت آنچکه دانست تحریر  
 الحصول از لطن زان عقیقه پیدا شد کمال فنر زنده رتبه بلند زیب  
 فیضان حضرت خواجہ نقشبند مسمی شدند به شاه رکن الدین متخلص بعشق بودند

شاید در حین طفولیت زیاده و محبت دایم پنداریه گفته باشد مرزا گسیا معروف  
 شدند و قصه آنحضرت را تربیت باطنی و حصول سعیت بطریق عالیه نقشبندی  
 از حضرت مولانا برهان الدین خدا ناست که از خلفاء جلیل جباری  
 ایشان بودند و نیز در حین اقامت بیک شهر در شهر منیه عظیم آباد دوازده  
 سال ماند حصول صحبت تربیت و نیز اجازت و خلافت از حضرت قطب العالم  
 جناب حضرت شاه محمد معتمد قدس سره که این حضرت نیز از یاران جباری  
 آنحضرت بوده اند الحاصل جناب حضرت عشق قدس سره کمال ترک و منشی  
 باین وجاهت و لیاقت گذرانیدند و در ویشته معتدیه بود و صرف خالقان در  
 خود و مکان درست ساختند چنانچه فیض شد حضرت عشق قدس سره  
 خطاب آتاهای دلپسند مردم ای عشق که میارک هو بهیج که میرزائی که  
 در شهر عظیم آباد در ویشته را بکرو فرار شد و از مشایخین اینجور بخوش طو  
 سلسله پیوستند هرگاه رسید خبر که مولانا برهان الدین کردند در حلت پیوستند  
 بجوار رحمت در علاقه لکنو بمقام اقامت داشتند بمحور استماع این خبیه  
 چندم دیدان معتمد را فرستاد و بر آوردن اهل خیال بسوی لکنو خالص  
 بالاضرم دیدان عالی مقام معتمد خادم آوردند بسواری رتبه و پاکلی باعزاز  
 آرام و اضح با حضرت مولانا برهان الدین خدا ناست بودند و  
 دختران نوجوان و صاحبزاده هجده پشاه ناصر الدین دوازده سال بود

بلوغیت نرسیده بودند جناب حضرت عشق قدس سره را ترو نسبت شبیه  
 تلاش مصاهرت بشرف و اینجوار آخر تقریب نسبت صاحبزادی خرد از شاه  
 قل احمد این جناب حضرت شاه دانش علی قدس سره که یکی از خلفاء حضرت  
 عشق قدس سره بودند یافت باصره مجانب و معتقدین صلاح این امر بشود  
 از جناب مولوی سید حسن رضا قدس سره نمودند آخر باصره تمام کرد خدا  
 صاحبزاده کلانی از آنحضرت شد انجام حاصل از بطن زوجه حضرت یک دختر  
 شدند و دو پسر انجام شادی دختر از جناب خواجه محمد محسن گردید یک دختر  
 و یک پسر درآمدند بوجود دختر از میر حیدر علی منسوب شد از چمنان لاهی  
 رفته و نام نامی اسپر الیقدر خواجه لطف علی لقب خواجه مرزا و متبرک  
 ثانی که از شاه قل احمد صاحب که خدا شدند پیدا شد یک دختر منسوب شدند  
 از میر غلام رسول بالیشان نیز شد یک دختر مسماه حنیفه بیگم از جناب  
 خواجه لطف علی صاحب شدند که او یک پسر درآمد بوجود مسم خواجه  
 الثقات علی مدعولور خان بخیرانه بلوغیت رحیل ملک بقا شدند لادو  
 فرزند رتبه بلن از محل شدند که عظامی نام نامی خواجه لطیف علی  
 عرف شاه میا بخان ثانی خواجه الطاف علی عرف خواجه علی مرزا  
 شادی هر دو برادر یکجا شد از دختران شاه اقبال علی که از اولاد آن  
 مخدوم شاه بدر الدین مرزا شاه باز پور اند ثانی از بیگم لادو فرزند

الاسد سپرو یکم ختر اند بصاحب کلانے خدا یا تکیه آباد باشد شمره در ذکر  
 نسب انصار که آمدند درینجا معروف بشیخ انصاری خصوصا  
 در بهار باید دانست بندگی مخدوم و نشمنند که اقامت خود ساختند  
 بموضع منوره علاقه بهار میگویند جریب خود در اینجا نصب کردند و گفتند این  
 مور اچنانچه بدان نام معروف شد الغرض اینجا در نسب انصاری شیوخ  
 اند از اولاد حضرت ابو دردا انصاری که صحاب کبار انحضرت صلی الله علیه وسلم  
 بودند مندرند از جمله این بزرگ بندگان شاه عبداللطیف از دخت  
 مخدوم شاه دوست منیری که خدا شد ذی اولاد شدند نام پندگی  
 شاه عبداللطیف شیخ عبدالوهاب ابنه شیخ صدر الدین ابنه شیخ برطی  
 طیب ابنه شیخ عبدالغنی ابنه شیخ عبداحمد ابنه شیخ عبد الجلیل ابنه شیخ  
 محمد خلیل ابنه شاه غلام محم و الده شاه سیف الدین و ذی نواس  
 ایشان شاه الطیب الدین مولوی شاه امین الد شاه طیب الدین و اولاد  
 چهار و ختر همه در اقران که خدا ذی اولاد الا فرزند کلانی شاه محمد بهاء الحق  
 معدن جود و سخا شدند که خدا الا اولاد شد برادر ثانی شاه  
 تراب الحق که زوج عمه این خاکسار بودند ذکر اولادشان در ذیل ذکر  
 فرزندان حضرت جد ماجد خود خواهد نمود

ضمیمه در نسب انصاری صاحبان اول



واضح باد یکی از مشایخین کبار از اولاد انصار از دیار مغرب وارد اینجا شدند  
 و برادر اعیانی شاه شمس الدین عرف شاه سمن مخدوم نام دیگر برادر معلوم  
 نشد در حضرت بهار رسیده بیعت بطریق حشمتیه نصریه حصول از  
 خلفاء مخدوم شاه تیم الله سفید باز و در صحبت و تربیت یافتند فیضان کمال  
 در مقام ارول تکیه ساختند اقامت پذیر شدند اولاد ایشان بابر در ایشان  
 شد جاری بچند واسطه شاه امام علی عرف شاه بدلو صاحب سجاده پنج  
 پسر ایشان شدند و یک دختر مسماة قدرا شادی از میر جان علی شد از محل  
 اولی برادر میر سلامت علی ساکن چونپور برگشته ارول از ان دختر شد و نام پسر  
 کلمانی شاه احمد حسین بعد پدر خود زیب سجاده بودند شادی ایشان  
 در ارول شد یکی از دختران عمیر اد شاه حسین علی ابن مولوی وارث علی  
 پسر شاه امجد حسین شاه شجاعت حسین داماد مولوی شاه حسین علی  
 مذکور و یک دختر و یک پسر ایشان و برادر ثانی شاه امجد حسین بودند شاه  
 مراد حسین یک دختر یک پسر ایشان شاه سخاوت حسین دختر زوجه  
 اولی شاه راحتین بنیره میر احمد علی مرحوم شاه امجد حسین پسر ثالث  
 شادی ایشان در موضع قاضی چک برگشته مسووده ضلع پٹنه شد در کفویت  
 مولوی غلام قادر مرحوم مفتی چک پسر و یک دختر ایشان چهارم پسر شاه امام علی  
 افند شاه نیر حسین یک دختر و دو پسر ایشان هستند پنجم پسر شاه امام علی

شاه رحمت علی ذی اولاد هستند باقی دیگر کیفیات ایشان دریافت نشد  
 از آنجا که بزرگان نامی بودند اینچنانچه که دانست تحریر نمود بانی در حضرت  
 بهمار مشهور محمد انصاری است شیوخ انصاری بوده ابا دانا بخدا یک بزرگ  
 بودند شیخ محمد منیر ابن شیخ محمد بشیر زوج خواهر منشی سید محمد خلیل خوشنویس و دیگر  
 بزرگ از اولیا اکابر متصل جهان آباد اند اهل فرار اولاد ایشان ذی اقتدار  
 یک از آن شیخ عبد القادر در وکیل دانا نواسگان مولوی عبد القادر ابن حکیم  
 مولوی فیاض علی ابن مولوی افضل نسب جدی فاروقی دارند عم ایشان  
 کلانی مولوی محمد اسماعیل ثانی مولوی محمد فرید اند و ثالث مولوی فخر حسین الایک  
 برادر مولوی عبد القادر صاحب قطبوا احمد بهر دو ذی اولاد اند و برادر مولوی  
 افضل علی حکیم مجلس دیگر نام شان معلوم نیست زوج خواهر حضرت شاه  
 غلام حسن ابن جابا حضرت مولانا سید حسن رضا یک دختر شد ایشان را نام نامی  
 سماء بصیر از وجه مولوی صفدر حسن اولاد نشد

پنجم فصل تحقیقاً اصل نسل مبنی بر سلسله فرع در ذکر فرزندان  
 حضرت امام محمد تاج فقیه

فرع اول مذکوریت مخدوم شاه اسماعیل قدس سره  
 فرع دوم مذکور اولاد مخدوم شاه اسرائیل قدس سره  
 فرع سیوم در ذکر اولاد مخدوم شاه عبد الغفری قدس سره

رد و ثمره ثمره اول در ذکر اولاد مخدوم شاه جلال منیری والد مخدوم شاه  
 شعیب رحمه الله علیه ثمره دوم در ذکر اولاد مخدوم شاه سلیمان لشکرین  
 قدس سره باید دانست حضرت امام محمد تاج فقیه که ذکر نسب نامه النیان بالآخر شد  
 قریشی هاشمی مطلبی انداز اولاد عم آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم سبب ورود  
 این دیار حن است در قصبه منیرستان کفار بود و ریت شد بد غلط راجه مینار  
 نام داشت در حق مسلمانان از عالم غیب با حکم حضرت بنیادین پناه مع اهل  
 و دو لیسر خود وارد شدند بدین دیار راجه مینار چون در خنک شکست یافت  
 فتح اهل اسلام نصیب حضرت امام تاج فقیه در انوضع طرح اقامت انداختند  
 هرگاه از وجهه شان کردند انتقال پیدا شد حزن و ملال ولایت این دیار  
 بهر دو فرزند ان تفویض نموده روانه بسوی مکه معظمه گشتند فرزند کلانی  
 مخدوم شاه اسرائیل ثانی مخدوم شاه اسمعیل بهر دو برادر با خود  
 بموافقت ولایت میقیم شدند و حضرت امام محمد تاج فقیه در مکه معظمه رفته  
 از خواهرزوجه عقد نکاح کردند و ختنه یک لیسر شدند مخدوم شاه محمد العزیز  
 نام حسب صیت پدر بعد انتقال شان به ملاقات برادران رسیدند بعد  
 او را ک تعرف و نشان خاندان بمراجعت برداختند چنانچه مخدوم شاه محمد العزیز  
 همراه برادران به مخدوم شاه اسمعیل حسبیم ولایت عبور گنگ در ضلع  
 مرتبت اقامت برداختند و اولاد از هر یک برادران جاری شد حال حاضر میباشد

فتح اول در بیان اولاد مخدوم شاه اسماعیل بن حضرت امام  
محمد تاج فقیه قدس سره واضح باد مخدوم شاه اسماعیل راستند فرزند  
چهارم هر یک صاحب مقام عالی تبارکی از ان جمله کلانی مخدوم شاه ابراهیم  
ثانی مخدوم شاه منہاج الدین سیومی مخدوم شاه صلاح الدین چکر  
مخدوم شاه ضیاء الدین پس بدانید این هر دو برادر مخدوم شاه منہاج الدین  
و مخدوم شاه ضیاء الدین را اولاد نشد الا هر دو برادر ذمی اولاد شدند پسر  
مخدوم شاه ابراهیم مخدوم شاه عیسی اولاد ایشان بمقام کجافه موجود است  
الا تمام آنها خبر دانیست الا دختر مخدوم شاه ابراهیم از مخدوم شاه  
جلال منیری ابن مخدوم شاه عبد الغزیز که خدا شدند و لد الرشید شان  
مخدوم شاه شعیب قدس سره شیخیومی صاحب ولایت الا مخدوم شاه  
صلاح الدین را خلف الرشید مخدوم شاه علامه عرف شاه قاض بودند و  
پسر ایشان یکی مخدوم شاه ابو الفتح هدایت الله سرست اولاد ایشان  
مشایخین موضع سیوره هستند پیش ازین نام دریافت نشد و پسرتانی  
مخدوم شاه صلاح الدین مخدوم شاه معروف بودند پسر ایشان مخدوم شاه  
علی پسر ایشان مخدوم شاه مبارک مشایخین موضع جندهاز اولاد این  
بزرگ هستند یکی از ان مشایخین شاه حسین علی سجاده نشین انجا  
پیر خباب شاه امیر الدین سجاده نشین حضرت مخدوم الملک بودند

خلف ایشان بودند شاه بنده علی داماد کلانی جناب شاه امیرالدین  
ممدوح اینقدر دانست نوشت

فرع دوم اصل اول در بیان اولاد و ذریه مخدوم شاه  
اسرائیل بن امام محمد تاج فقیه قدس سره

واضح باد حضرت مخدوم شاه اسرائیل راد و فرزندان در تبه بلند کلانی بودند مخدوم  
یحییٰ منیری ثانی مخدوم شاه منطفر که در جوانی رحلت کردند اولاد منسا اندالا  
حضرت مخدوم یحییٰ را که تختانی انبی بی رضیه نسبت مخدوم شاه شهاب الدین  
پیر جگوت گردان از بطن آن مخدوم چهار فرزند مراتب بلند شدند از هم  
برادران خورد مخدوم شاه حبیب الدین که همراه برادر زاده خود مخدوم شاه  
ذکی الدین ابن مخدوم شرف الدین بمقام شکر و رحلت کردند اولاد بودند  
کلانی مخدوم شاه خلیل الدین که مرید و خلیفه الداجد خود بودند سکونت در  
مقام منیر داشتند نیز در انجام از موجود و فرزندان ایشان یکی مخدوم شاه شرف  
خلف کلانی حضرت مخدوم یحییٰ منیری قدس سره مخدوم شاه خلیل الدین  
پسر ایشان مخدوم شرف الدین و مخدوم منور الدین هر دو برادر مرید و فضیلت یافته  
عم المحترم حضرت مخدوم شاه شرف الدین بهاری بودند اولاد مخدوم شاه  
اشرف الدین جاری شد بدرجه هفتم آنجناب در نسب حضرت مخدوم شاه  
دولت منیری عالی تبار فیض آثار شده اند عقاب نمایند برادرشان شاه

جلال الدین را فرزند شدند نسب بعد نسب علی الترتیب سجاده نشین  
 قائم است چنانچه بزبان این فقیر شاه قطب الدین احمد ابن شاه مبارک حسین  
 عرف شاه دهم من بودند حال داد شاه قطب الدین بعد شاه امجد حسین  
 این حضرت شاه محمد سلطان بهاری محل چاند پوره جانشین فی اولاد اند  
 برادر شاه مبارک حسین شهاب لطف علی را و ولیپ شاه منور و شاه بهکین و دو  
 خواهر ایشان یکی زوج شاه محمد صغیر و دیگری لیسپ ایشان محمد نلیل لیسپ ایشان  
 احتشام حیدر و نیریک دختر و دو فرزند دختر تانی شاه لطف علی شاه اولاد علی  
 و شاه فرزند علی در اینجا نسب بالا حضرت شاه مبارک حسین منبوسید و از صاحب  
 شاه مبارک حسین عرف شاه دهم من شاه لطف علی ابنان شاه محمد محمود  
 ابن شاه محمد مکی ابن شاه عنایت الله ابن شاه اشرف منیری ابن شاه  
 محمود حافظ ابن شاه محمد ابن شاه جلال الدین که برادر اعیانی محمد و شاه  
 دولت منیری بوده اند ابن شاه عبد الملک ابن شاه محمد اشرف منیری ابن  
 شاه محمود ابن شاه سلطان ابن محمد و شاه حسام الدین عرف شاه  
 جهان ابن شاه اشرف الدین ابن محمد و شاه خلیل الدین ابن محمد و  
 شاه یحیی منیری ابن محمد و شاه اسرئیل ابن امام محمد تاج فقیه قدس سره  
 فرزند دوم محمد و شاه خلیل الدین ابن محمد و شاه یحیی منیری پسر دینار و خلیفه  
 برادر خود محمد و شاه الملک شاه شرف الدین احمد چنانچه در بابین هزار برادر آسوده اند

یک دختر ایشان بی بی رقیه نام از مخدوم شاه شمس الدین عم سید وحید الدین  
چلک ش که خدا شدند و دختر شدند بایشان بی بی ماه خاتون دو  
بی جمال هر دو از برادران عم زاد که خدا شدند از سید سکن رسید که بر دلا  
سید سکندر جاری شد بموضع او ترالاری موجود اند و نیز در موضع گهر اٹ  
سید بشارت علی و غیره زیاده ازین کیفیت معلوم نیست الا فرزند مرتبه بلند  
مستوی حضرت یحییٰ منیری مخدوم الملک مخدوم شاه شرف الدین احمد  
صاحب ولایت علاقه صوبه بهار یا حضرت یک فرزند مرتبه بلند مخدوم شاه  
فکی الدین بجات مستی در عقب پدر بزرگوار جان سخن نمودند تسلیم بمقام شکو  
کتی اینجا نه سیادت شده بودند یک دختر ایشان بی بی بار که از سید وحید الدین  
چلک ش ابن مولا ماسید علا الدین که خدا شدند نسب نامه ایشان  
در سیادت تحریر شده است الحصول سید وحید الدین را یک پسر و یک دختر  
نام پسر سید سجاد اکبر و نام دختر بی بی زهره از سید شهاب الدین جوهر  
که خدا شدند علوی نسب بودند حالات ذریعت فرزندان برادر و خواهر بودند  
در ذیل گفت مخدوم الملک دارمست چرا که ذکر طویل است از اولاد مخدوم الملک  
از در باب ایشان مراد است

فرع سوم اول و بیان اولاد مخدوم شاه عبدالغفر بمقام بی بی  
ثمر اول در ذکر اولاد مخدوم شاه جلال منیری و اولاد مخدوم شاه شعیب

شمره دوم فرج سوم در ذکر اولاد محمد دوم شاه سلیمان لنگر مین  
 بیان شمره اول و حالات مخدوم شاه جلال منیری ابن مخدوم شاه  
 عبدالغفور واضح باد که خدای مخدوم شاه جلال منیری از صبیبه مخدوم شاه  
 ابوبکر برادر مخدوم شاه عیسی بیان مخدوم شاه ابراهیم ابن مخدوم شاه  
 اسمعیل کرده نام آن بی بی سعیده از لطن این بی بی کیفر زنده تیر بلند  
 مخدوم شاه شعیب قدس سره دیگر اولاد نشد الحصول مخدوم شاه شعیب  
 قدس سره در ایام طفولیت از جانب پدر شد یتیم پرورش یافتند از خانه مادر  
 جدا و در ایام یتیم تعلیم نمودند بمقام کجا توان رحت پدر شد بمقام

### قصیده منیری

بیان حالات شیخ المسلمین حضرت مخدوم شاه شعیب سال لد سره شجره پوری  
 واضح باد وقت رحت پدر بزرگوار بمهرت سال بودند هرگاه بس شعور رسیدند  
 روز بروز در جسم لاغری عیان شد از والده ایشان کیفیت خورش و نوش  
 پرسیدند در جواب گفتند در طعام خوردن و نوش نوش و ریغ نیست الا خایقان لا عجبم  
 شده چون از ایشان پرسیدند سبب لاغری جسم و التفات نمودن و زور و تندرستی  
 عرض ساخت هرگز مرا غم تئینی نیست و نه شکایت زرق میکنم الا ماجرایی میکردم  
 چنین ست سومی گورستان رفته بودم دیدم چند مردگان قبر بتلا ایضا بنده  
 در حق ایشان دعا و مغفرت نمودم از آن روز مرا هببت خدا تعالی طاریست



و سلسله اشک جاری میخورد هم غزلت اختیار کنم بگوشه شوم ستواری در آن روز  
 جدا داری ایشان بظلمان مانع شدند شعیب را همراه بگورستان مبر و گفتند  
 و زیوت این طفل را کیفیت کشف القبور پیدا شده تا کید بر معلم ایشان نیز  
 گفتند زخرد تو بیخ هرگز باین عزیز رواندارید این ولی الهی است یکے از واصلان  
 گرچه بجز خود است حکایت است روزی همراه او ستاد خود بهر کاری  
 میفرستند در آثار راه دیدند کمند دیوار حبست کرده بروی او ارشدند سوار چون  
 معلم از پس ایشان دو ان بحکم ایشان دیوار شد روان نقل میکنند هنوز  
 موضع کجا نوان ان دیوار همچنان موجود است مردمان زیارت او میکنند  
 بر خاص و عام میشوند فاتر المرام هرگاه جدا داری ایشان یافتند وفات  
 عیث نزدده ساله در الوقت بود از اجازت مادر خود روانه بسوی منیر شدند چکا  
 در اینجا قیام کرده از زیارات هزار پدر و جد بزرگوار فراغت یافته از اینجا حرات  
 کرده در قصبه دانا پور جائے عافیت یافته گوشه نشین ماندند در یاد الهی  
 مشغول شدند بعد چندی چون چله تمام شد از اینجا روانه شدند بسوی  
 راجگیر خبر برادر بزرگم خود شنیده بودند که در اینجا محمد دوم الملک گوشه نشین اند  
 چون اندر چله حضرت محمد دوم را بدن ایشان منکشف گشت بیروان آمده  
 ملاقات کردند و گفتند ای ماتمادین جنگل بیابان میانم و تونو جوان هستی  
 جایی خطر است از شیر و اثر دبا و نمنا را اینجا مباحش مامادان روانه بر باطن

تلقین کرده ایشانرا رخصت نمودند می آرند از آنجا جانب دیار شرقی عازم  
 سفر شدند در اثنا سر راه بمقام شیخپوره در دامن جبال بیرون آبادی  
 جائے عزلت نشین گردیدند چون ساکنان آنجا ملک زادگانرا خبر شد مجبور  
 بهر استقامت آبادی و معتقد از کرامات شدند فرمودند شما نیز درین بیابان بمان  
 اگر چه ارمیت میخواهند چون این کیفیت بوالده ماجده ایشان رسید از غر  
 مفارقت شده بود بهر دیدار نورالابصار شریف آوردند ایشانرا انکشاف  
 این امر دست داد بهر ملازمت والدہ ماجده بطور استقبال رفتند بمقام  
 تورپرگنه غیاثپور ملازمت شد حصول عرض کردند جائیکه می باشم بر خطرات  
 از فرزندگان تشریفبری آنمخوادمه در آنجا مناسب نیست در اینجا تشریف  
 دارند امر در پنجشنبه در آنجا به زیارت خواهم رسید میگویند تاجیات والدہ  
 ماجده همین معمول داشتند به زیارت میرفتند هر چند وفات والدہ آنجناب  
 در آن موضع ست زیارت عام و خاص القصد چون ازین تعلق لماینت  
 قلب شد از شیخپوره سفر دیار شرقی نمودند بعد طی منازل رسیدند بمقام  
 که کوچ بهار ناسندوالی آنجا راجه بود از قوم هنود او معتقد جوگی سید  
 بود جایی چله نامیکرد از جوگی ملاقات کردند پرسیدند تو چله کیشی یا حلی گفت  
 چله میدانم الا حلی چیست فرمودند مخدوم حلی گوشه نشینی دوازده سال را گویند  
 و چله چل سال باشد آخر بمقابله راجه آنجواری ان او هر دو قصد چله کردند

بی آب و دانه بنیت چهل سال بیرون شهر جدا جدا، و در غزل نشین شدند  
 بی آب و دانه و هر دو جای را از هر چهار طرف دیوار کرده راه آمد و رشت کردند  
 مسدود و نقل نمایند این ماجرا را بالا شد از چهل سال از کین در آنوقت نیز  
 راجه بمراد آرد آن زمان بنیره راجه مذکور بجای راجگی بود بعضی کسان  
 دیرینه آنوقت ماکیفیت شنیده این شرط چله راجه را کردند و خبردار راجه در آنوقت  
 این کیفیت شنیده معماران را حکم جاسی هر دو چله و اگر در آنوقت چون جاسی  
 جوگی کشا و دند خراستخوان پوشیده چیزی نیافتند الا چون جاسی غزلخانه آنحضرت  
 و اگر دندنا رجات یافتند ذکر نفاس بود جاری نور را راجه با احتیاط تمام آنحضرت  
 را جاسی محفوظ و اگر در داشت و از مایش روغن و غذای حقیقت مستم خدمت  
 شد بعد یکماه فوت جسمانی شد حصول از راجه شده خوشنود و عا کرده در حق  
 شان از انجام مراجعت سومی موضع شخپوره نمودند در نیال انتقال مخدوم الملک  
 قدس سره کردند و نیز رحلت مولانا مظفر است از دایه زمانه منقولست که حضرت  
 مخدوم الملک وقت انتقال بمولانا مظفر بلخی قدس سره چنین فرمودند  
 که روزی از روزنا برادرم شاه شعیب درین نواح خواهد رسید جز بنیت چند  
 نوبت بیعت نرسیده است این تبرکات و خرقة فقیر با و رسانی و هر که گوید این  
 مدانی چنانچه انتظار می کشیده وقت رحلت اینها تقویض به مخدوم شاه حسین  
 کرده بودند بدان وصیت هرگاه مخدوم شاه شعیب رسیدند بمقام شخپوره

دریافتند حال انتقال این بزرگوار قصد کرده بهر زیارت مزار در آنوقت محمد  
 شاه حسین نیز متکلف بودند این حال دریافتند فرزند خود محمد و شاه حسن را  
 مع خرقه و تبرکات روانه سوی شیخپوره کردند بدان وصیت می آرند در اثنا  
 راه ملاقات شد از هر دو بزرگوار زیور نختی معانقه و مصافحه با خود داشت  
 بعد ساعتی تبرکات آورده خویش مع خرقه پیش کردند چنانچه با وضو شده آن  
 خرقه بپوشیدند و سر بحیب در مراقبه شدند گفتند البته ازین خرقه فیض کمال  
 شده حصول آلاهنوز امر بیت بجا نآورده ام بدستور محمول دست خود بسیار  
 بیعت نمایم محمد و شاه حسن کمال عجز و اعتذار تسال شدند فرمودند آنچه که  
 والد بزرگوار گفته بودند از ان دریغ مدار این دست شما دست شرف الدین  
 قدس سره است اصحاصل بعد حصول امر بیت هر دو بزرگوار از یکدیگر بی نصرت  
 شدند محمد و شاه شعیب جانب شیخپوره روانه شدند و محمد و شاه حسن بسوی  
 بهار آمدند و ماجرای از پدر بزرگوار بیان کردند حاصل کلام اقامت  
 محمد و شاه شعیب در مقام شیخپوره شد حال که جامی مزار است مشهور که اس  
 واضح باد حضرت محمد یک عقد و نکاح در کفویت خود کردند از بطن آن زوج  
 سه پسر و از بطن دختر سلاطین یک پسر از هر دو زوج اولاد شد جاری حرکات  
 کرامات و حالات آنحضرت بسیار است از کتاب تصنیف یکی از خلفا رشان  
 انتخاب کرده نوشت بطور اختصار از اولاد آنحضرم و فریق اندنیه مذہب

و اما میه مذہب سکونت ایشان فریب فرار و سکونت اہل سنن بیرون آبادی  
 قصہ جانب مغرب معروف است بیگنہ شیخپورہ درانجامشایخان میماستد باید  
 دانست لقب چہار فرزندان مخدوم حسین ست کلانی پسرش بہار الدین  
 ثانی شاہ محمد منصور سومی شاہ مظفر این ہر سہ از یک مادر اند و لا ولد سومی  
 دومی ولد الا جانشینی ترتیباً و امریت در برادران یکے بعد دیگر می ماند چارمی  
 شاہ حیدر عرف شاہ خدا بخش الحاصل شاہ مظفر را پسر شاہ نظام الدین  
 کہ از دختر عم خود شاہ خدا بخش شد مذکور خدا و بعدشان زب سجادہ گشتند و  
 پسر شاہ خدا بخش شاہ غلام حیدر ہر دو دومی اولاد الا طبقہ اہل تسلسل از اولاد  
 شاہ نظام الدین اند و طبقہ اہل تشعیہ از اولاد شاہ غلام حیدر در اولاد ایشان  
 امرامی دمی جاہ و صاحب منصب اند زائر حسین خان و محمد حسن خان و محمد کیمی  
 خان خلف نواب ابوالقاسم خان و غیرہ چنانچہ زائر حسین خان و محمد کیمی خان  
 و یکی از نواسہ محمد حسن خان نواب الطاف حسین خان و ہرادر علی قاسم خان نواب  
 ابراہیم خان خلف ایشان نواب نصیر الدین علی خان چند فرزندان ایشان  
 نواب عنایت حسین خان و نواب غلام علی خان و علی محمد خان و غرت علی خان  
 و علی بخش خان و نیز اولاد ہرادر نواب نصیر الدین علی خان موجود اند و لا  
 در اطراف موضع تیلادہ شاہ احمد حسین مرحوم و نیز در اطراف اند بدین مذہب  
 و آنانکہ در مذہب سنیہ اند سکونت پذیر بیگمہ اند شاہ تراب علی سجادہ و دو اولاد

وخواهرزاده ایشان شاه جمال علی سپهپاشان شاه مظفر و یکی از فرزندان  
 مخدوم مظفر حسین جان و میر اسید علی صاحب و میر سعادت علی نسب جدی ایشان  
 بحضرت سید شاه فضل الله عرف سید گوسائین و میر شاه محمد علی صاحب  
 و شاه لطافت علی صاحب و میر عبدالحسین و اخوان نیز ایشان اند که نام هر یک  
 یا ذیست الا ترتیباً واسطه نسب و دوبرگ که به یکی نسبت قرابت و دیگری سلسله  
 بیعت است مینویسد آنچه که یافت دریافت یا بد دانست یعنی از فرزندان  
 حضرت شاه نظام الدین ابن شاه مظفر ابن مخدوم شاه شعیب  
 قدس سره جناب شاه ابراهیم حسین نوابادی که در قرابت برادر جداجد  
 این فقیر حقیر انداول کیفیت نسب شان تحریر میسازد یعنی شاه ابراهیم حسین  
 ابن شاه فتح علی ابن شاه محمد صفی ابن شاه محمد رفیع ابن شاه عبدالغفر  
 ابن شاه عبدالرزاق ابن شاه جلال ابن شاه فیروز ابن شاه نظام الدین  
 ابن مخدوم شاه مظفر ابن مخدوم شاه شعیب قدس سره ابن مخدوم  
 شاه جلال نسیری ابن مخدوم شاه عبدالغفر ابن مخدوم شاه  
 امام محمد تاج فقیه ذکر اولاد و برادران ایشان بعد ازین در ذیل حضرت  
 نوابادی خواهند نوشت در اینجا ذکر نسب حضرت مخدوم شاه حسن علی  
 قدس سره مینویسد واضح باد حضرت مخدوم شاه حسن علی و شاه عالم علی  
 هر دو برادر فرزندان حضرت مخدوم شاه شعیب قدس سره اند یعنی مخدوم

شاه حسن علی ابن شاه محمد امام ابن شاه اکرام ابن شاه ابوالفتح  
 ابن شاه عبدالرزاق ابن شاه محمد جلال ابن شاه محمد فیروز ابن شاه  
 نظام الدین ابن شاه مظفر ابن مخدوم شاه شعیب قدس سره  
 ابن مخدوم شاه جلال نسیری و شاه عالم علی علیه الرحمة را یکدیگر و یک پسر  
 شاه جلال الدین لا ولد الا اولاد دختر سه پسر یک شاه محمدی علی  
 که بعد خال خود شاه جلال الدین علیه الرحمة سجاده نشین شدند چون پسر  
 نداشتند بعد ایشان برادر خرد ایشان شاه واعظ علی صاحب  
 سجاده نشین کردند حالا موجود می اولاد اند و برادر متوسط ایشان را  
 نام یاقوت الابرار ملاقات کرده است از آنجا که پیران طریقت بودند  
 و تحریر کیفیت نسب بر خود واجب دانست نوشت و شاه واعظ علی صاحب  
 جدی نسب از حضرت شمس الدین حقایق دارند

شمره دوم فرع سوم اصل اول در ذکر نسب و اولاد حضرت  
 مخدوم شاه سلیمان لنگر زمین که سکونت در موضع نوا باد  
 خور و عظیم آباد و دانا پور دارند

باید دانست مخدوم شاه سلیمان لنگر زمین ابن مخدوم شاه عبدالعزیز  
 ابن حضرت امام محمد تاج ققیبه فرزند کلاسه یا ثانی حضرت مخدوم شاه عبدالعزیز  
 اندشادی ایشان از دختر مخدوم شاه شهاب الدین عرف پیر جگوت

گردیده نام آن بی بی تحقیق این خاکسار از کتاب تصنیف شاه مخدوم بی  
فردوسی بی بی پسرید و از بیان صاحبان نوآباده که اولاد اند بی بی کمال  
الحاصل از بطن این بی بی یک دختر و یک پسر شدند نام دختر بی بی  
کمال روجه مخدوم شاه حسام الدین والدۀ مخدوم شاه حسین غریب  
دیهوگر پوش که در پورینه فرار واقع است و یک خواهر نیز ایشان مسماة  
بی بی دولت الحاصل فرار همه مخدوم شاه سلیمان و بی بی کمال و مادر  
دختر ایشان در موضع کا کو واقع اولاد این حضرت اند باستماع آمده اولاد  
پسرین اولاد بی بی کمال اند

شمره سوم فرع سوم اصل اول در ذکر اولاد مخدوم شاه عطا الدین  
قدس سره واضح باد مخدوم شاه عطا الدین مخدوم شاه سلیمان  
لنگر زمین که نواسه حضرت پیرچگجوت اند یک خلف ارشید ایشان مخدوم شاه  
مناج الدین انبه مخدوم شاه عبدالملک انبه شاه عبدالغنی انبه شاه عبدالوهاب  
انبه مخدوم شاه احمد چشتی قدس سره و فرار این همه بزرگوار در جوار جد پدر  
بزرگوار است با طرف موضع کا کو آلا مخدوم شاه احمد چشتی را بیعت و تربیت  
از حضرت دیوان شاه محمد سلطان چاند پوری محلۀ منحلّات حضرت بهمار  
که سیره این مخدوم دیوان شاه فرید طویله بخش ابن دیوان سید شاه بزرگوار  
ابن سید شاه جمال اولیا ابن سید محمد بدائی که برادر عم زاد حضرت سلطانی



الاولیا محبوب الہی نظام الدین لویا بودند طریقہ چشتیہ نظامیہ  
 سراجیہ بود القصد حسب تفویض ولایت از اہم پر خود سکونت در نوابادہ نمودند  
 قریب موضع بیکٹہ پور سہ فرزند حضرت مخدوم شاہ احمد چشتی بودند یکے مخدوم  
 شاہ حسن عرف مخدوم شاہ بڑی دودخترین بایشان بودند ہر یکے  
 از برادر زادگان کتخادومی مخدوم شاہ حسین متوسط ہر اور فرزند ایشان  
 مخدوم شاہ عبدالرزاق پسر ایشان مخدوم شاہ عبدالحمید ولد ایشان مخدوم  
 شاہ عبدالحمید یک دختر ایشان بی بی تاجا روجہ میر سید محمود ابن میر سید محمد  
 ابن میر سید صدر جہان یا قہری نسب دانا پوری و نیز حضرت مخدوم شاہ  
 عبدالحمید ابن مخدوم شاہ عبدالرزاق را یک دختر بی بی شرفہ زوجہ  
 میر سید محمد اکبر ابن قاضی سید عمار الدین ابن قاضی سید عبدالفتاح عم  
 قاضی بڑی رضوی نسب دانا پوری سہ فرزند بحضرت میر سید اکبر مذکور  
 میر سید جہانگیر کہ بیعت و تربیت ایشان را از جہادری مخدوم شاہ عبدالحمید  
 بود و وہ میر سید مکلا رحم پدر میر سید اکرم سوم میر سید مقتدر والد ماجد قاضی  
 سید رکن عالم حالا اولاد دختر بی بی تاجا روجہ ہر سہ برادران از انجملہ این خاکسار  
 و برادران عم زاد را نواسگی میر سید محمد ابن میر سید جہانگیر قدس سرہ و  
 از نواسگان میر سید سید عالم ابن قاضی سید رکن عالم میر حسین بخش  
 کوچوی والد ماجد شاہ انظر حسین دومی شیخ محمد یار جد شاہ داود مرحوم

گفت این بزرگوار بتصریح در ذیل اینها نوشته خواهد شد الا اولاد بسری نقطه  
مخدوم شاه خوند شیخ هنوز موجود است این بزرگوار مخدوم شاه خوند شیخ  
از انجا براسته قریب یک کوه موضع آباد کرده تکیه ساخته معروف نوابان  
خور و آن معروف نوابان کلان است ضمیمه شماره سوم خلف الرشید مخدوم  
خوند شیخ دیوان شاه تیم الدانیه شاه تاج الدین محمد انبه شاه عنایت الد  
که از نام ایشان چک آبادست و وفزندان ایشان رتبه بلند یکی مولوی شاه  
طیفور الد خواجه زاده ایشان میر سید احمد و دختران ایشان یکی بی بی  
ترتیباً زوجه شاه برالحق دومی ترکیبا زوجه میر سید حامد محمود ابن میر  
سید محمد ثانی نوابان کلان اولاد دخترش ایشان شد و مولوی شاه طیفور الد  
لا ولد الا برادر ثانی ایشان مولوی شاه منور الد ابن شاه عنایت الد را  
اولاد شد حالا اولاد ایشان موجود اند مولوی شاه منور الد زوجه ایشان  
عمه میر سید وحید الدین عرف سید بولن بودند سه پسر مولوی شاه منور الد از آن جمله  
یکی شاه خلیل الد اولاد ایشان نشد و دومی شاه مسیح الد یک دختر ایشان  
سماته جمیل زوجه شاه نورالحق پسر کلان مولوی شاه امین الد و پسر  
شند بشاه مسیح الد یکی شاه مطیع الد دومی شاه ثناء الد هر دو لا ولد  
الا پسر کلان شاه منور الد مولوی شاه امین الد بودند الا کلان  
پسر شاه امین الد شاه نورالحق بودند سه پسر ایشان یکی شاه محمد غیب الحق

زوج بی بی بلاقن لاولد و دومی شاه منیر الحق و دو دختر ایشان هر دو  
 لاولد و یک پسر شاه محی الحق عرف بالوکسی پسر و دختر ایشان نیست  
 الا پسر کلان شاه نور الحق شاه ضیاء الحق بودند از سماه یحیی و دختر  
 سیر سید حامد محمود ابن میر سید محمد که خدا سه دختر از بطن این بی بی یک مسماه  
 مخدومه زوجه جناب حضرت سید شاه یحیی علی ذی اولاد و دومی مسماه سیتقمه  
 لاولد و سومی مسماه سکینه زوجه شاه معین الحق عرف شاه محمد یعقوب  
 ابن مولوی شاه بدر الحق ابن مولوی شاه امین الله مذکور الصدرا بطن  
 این بی بی یک دختر و سه پسر شدند بجز دختر همه ذی ولد اند نام دختر مسماه  
 حسینا زوجه اولی میر سید بهایت حسین عرف سید چلو ابن میر مظفر حسین  
 لاولد این جهان وفات یافتند پسر کلانی شاه ظهیر الحق از دختر  
 میر سید حامد حسین شادی کردند یک پسر و یک دختر ایشان نام پسر شاه  
 فرید الحق از دختر خال کلان خود که خدا یعنی از دختر سید محمد حسین  
 هنوز اولاد نیست از دختر از سید الفت حسین ابن سید محمد حسین ابن  
 سید شاه غلام حسین قلموی الا شادی دوم ست سید الفت حسین پسر ثانی  
 شاه مظفر الحق از دختر خالای خود منسوب شدند نام زوجه شان مسماه  
 فضیلت النساء و فخر از بطن این بی بی چهار پسر و سه دختر و پسر  
 در ایام صغری رحلت یافتند لاولد و پسر ذی ولد اند کلان شاه نصیر الحق

شادی اولی از دختر غم خور و خود گردند اولاد هست یک پسر محمد کبیر و دختر  
نیز اند بعد رحلت زوجه خود شادی ثانی کردند در قصبه نیر از دختر شاه  
اولاد علی ازین زوجه نیز اولاد اند و برادر ثانی ایشان شاه صغیر الحق  
از دختر سید شاه علی حسین ابن سید شاه غلام حسین شملوی که خدا شدند  
بفضلہ فی اولاد اند و خواہران ایشان یکے زوجه اولی سید الفت حسین  
نذکور کہ خدا از ان نیز اولاد اند و ثانی زوجه شاه محمد نظام الدین ابن شاه  
غفور الحق کہ خدا پسر و دختر ان موجود یکے زوجه شاه محمد واجد ابن  
شاه حسین علی و بی ہنوز نا کہ خدا پسر حافظ حسام الدین طال سعدی  
و علمہ بہمہ وجوہ یقیق است پسر سوم شاه غفور الحق کہ خدائی ایشان نیز  
از دختر خور و خالہ ایشان گردید مسماۃ بصیرہ الشاعرت بسو دختر جناب حضرت  
سید شاہ کحی علی یک پسر ایشان شاه محمد نظام الدین نذکور بالا از دختر  
عم اوسط کہ خدا نذکور پسر دختر ایشان ماقبل کردہ الابر و خواہران ایشان  
یکے زوجه اولی شاه نصیر الحق نذکور ثانی زوجه پسر دیوان مولانا بخش  
نام دنیو قت یاد نما ند بفضلہ فی اولاد اند و یک خواہر شاه نصیر الحق زوجه  
سید محمد ناظم ابن سید شاه حسین علی ابن مولوی سید اشرف علی ابن  
جناب حضرت سید شاہ کحی علی و ہر دو برادر شاه نصیر الحق و شاه غفور الحق  
و شاه محمد نظام الدین تو اسر جناب حضرت شاہ کحی علی قدس سرہ اند و

انحضرت بقهرابت علم المظلم ابن خاکسار بودند و هر دو برادران شاه مظفر الحق  
 و شاه غفور الحق میر عبد بطریق عالیہ چشتیہ نظامیہ از پدر بزرگوار خود اند  
 الاتربیت یافته باطنه و خلافت نعمت بسلسلہ ابوالعلائیہ از جناب حضرت سید  
 شاه یحیی علی قدس سرہ اند الله تعالی مع ذریات ایشان را فائز مرام دارد  
 ثم رفع دوم صل اولی بقیہ ذریت حضرت امام تاج فقہ پسر سوم  
 مولوی شاه ابن اللہ از شاه طیب المدنوا سے حضرت شاه سیف المد

### مؤرد می منجملات بہار

واضح باد حضرت شاه طیب المد پسر ثالث مولوی شاه ابن المد در موضع  
 مؤثرہ در کنار تربیت جداوری خود شاه سیف المد رحمۃ اللہ علیہ ماندند  
 تختدائی ایشان در اولاد مخدوم شاه بدر الدین بدر عالم زاہدی گردید از  
 سماء جگن دو برادر ایشان یکے میر سیف الدین عرف میر سوبن نام  
 دیگری یازدست احاصل جناب طیب المد از بطن ابن بی بی چہار دختر  
 و دو پسر یکے منتشنہ اند لذات شاه بہار الحق کہ صاحب جود و سخاوت  
 تکلف نہ بلباس داشتند و نہ در خورش نوش مجرماندند نہ پذیرا گردند تعلق  
 اہل و عیال اولاد برادرشان اولاد میان ہستند برادر ایشان شاه  
 تراب الحق روح عمہ ابن خاکسار ذکر اولاد ایشان و ضمن اولاد جدا  
 خود خواہند نوشت طویل الذکر است پنج پسر و دو دختر ایشان ذی ولد شدند

و خواهر ایشان یکی دالده می محمد حاصم یک دختر ایشان کتخدا از شاه  
محمد سیاد ابن جناب شاه تراب الحق مذکور و اولاد دختر ثانی بودند و دختر  
بی بی مبارک زوجه شاه فخر الدین برادر او وسط شاه کبیر الدین سجاده شین  
مقام هسرام دالده شاه محی الدین عرفت الایمان ذی اولاد اند  
و دختر ثانی بی بی سلامت بموضع رحمت در اقران که خدا آنهم ذی اولاد  
اند باقی حال که دختران بنجد بی معلوم نیست شاید یکی از میر عنایت علی که خدا  
بودند ثانی اولاد شاه طیب الدین مرحوم از محل ثانیه یک دختر و سه پسر یکی  
شیخ صادق علی والدناظر دلاور علی و دیگری شیخ خورشید علی والد شیخ قربان علی  
سومی دار و نه ولایت علی بود

فرع چهارم اصل اول شجره اولاد حضرت مخدوم الملک شاه  
شرف الدین فردوسی بر چند شمر و یک شجره که طویل الذکر است  
بصریح بیان میکند

باید دانست حالات و کرامات آنحضرت مخدوم الملک و کتاب مولود شرفی  
بنحوی بیان کرده است این فقیر حقیر چون که این کتاب نسب نامه بود و بنجا  
حاجت تحریر نمود و نسب نامه بالا حضرت امام محمد تاج فقیر با قبل تحریر شد  
احتیاج مکرر تحریر نیست باید شنید حضرت مخدوم الملک در مقام سنار  
گکانون متاهل شدند از بطن آن بی بی یک پسر عالی قدر متولد شد و در

شاه ذکی الدین حسب روایت بمقام شکر و سیه اقامت بود و خانه شرفا  
 از سیادت عقد نکاح نمودند یک دختر خجسته اختر متولد شدند بی بی بار که نام  
 بود چون از غلب و جلال والد خود رحلت بدان مقام کردند چند کسان از آنجا  
 آن بی بی موصوفه را آوردند ایام رضاعت نیز ختم نشده بود و عرض کردند  
 آنها که یا مخدوم این دختر پسر آنحضرت است فرمودند اگر همچنین است خود بخود  
 سزومن آید می آرند آن صغیره تریزین را نو کرده برانوس مبارک حضرت مخدوم  
 الملک آمده نشیند مخدوم بر حال تنهیی او شدند اشکبار گرفتند بکنار میگویند بر  
 پشت مبارک حضرت مخدوم الملک یک مسه سنج رنگ بود آنرا آن قرة العین  
 از لب خود می مکیدند شیر می برآمد از کلمات اولیا عجب نیست اصحاب این  
 ناز پرورش یافتند چو بالغه شدند از سید و حید الدین چلک کش ابن سید  
 علای الدین کتخا کردند و سید و حید الدین خواهر او نیز مرشد حضرت  
 مخدوم بودند یعنی همشیره زاده خواهر شعیب الدین فردوسی قدس سره بنفوت  
 از بطن بی بی بار که سید و حید الدین را دو فرزند شدند یک پسر و یک  
 دختر اسم مبارک پسر سید عبداللہ دعویا و اکبر شادی ایشان در کفایت  
 جدی کردند یک پسر ایشان سید ابو محمد عرف سید پیارے و نام دختر سید  
 و حید الدین بی بی زهره بود از سید شهاب الدین جوهری علوی نسب  
 که خدا شدند یک پسر و یک دختر متولد شدند نام پسر سید زین العابدین و نام

دختر بی بی حفظه از سید ابو محمد یاری کتخدا شدند از بطن این بی بی چهار پسر  
 متولد شدند یکی شاه مسیح الدین و دومی شاه فصیح الدین هر دو اولاد سومی شاه  
 امام الدین اولاد ایشان گشتند بسیار در اردل و علاقه بهار موجود اند و نیز فرزند  
 این بزرگوار در اسحار در مقام بدر اباد و قریب اردل مزار سید وحید الدین  
 چله کش هست و بمقام سید اقریب پلاسی مرقد این بزرگوار است الا  
 فرزند چارمی سید شاه علیم الدین عرف شاه بیکم را که معذور از پاسبان بود  
 خدمت در گاه مخدوم الملک در آنجا رفته در حضرت بهار آورده مسند نشین بجای  
 متبرکه نمودند و در گاه غیره پیشکش آنحضرت و اولاد ایشان بعد  
 حصه دهم یا چهارم حصه خود را کردند و خدمات بطور خادمیت بجا آوردند چون  
 سلسله اقامت شد اولاد این بزرگ مخدوم زاده معروف شدند و رجوع  
 خلافت در سرکار ایشان روداد واضح باد حضرت سید شاه علیم الدین را  
 دو فرزند یک شاه لعل و دومی شاه جلال کلان را اولاد نشد الا  
 فرزند شد بشاه جلال مسمی شاه خوند پسر ایشان شاه محمد پسر ایشان سید  
 شاه احمد فرزند ایشان شدند کثیر شجره اولاد سید شاه احمد شش پسرینی  
 بر شمر چند از آنجمله یک شاه محمد و دومی شاه مصطفی و سومی شاه بهادر علی  
 چارمی شاه عبد السلام پنجمی شاه عبد القادر ششم شاه عبدالحی  
 انصاری شاه محمد را یک پسر شاه عبدالحکیم و دومی شاه عبدالحکیم هر دو برادر اولاد



شدند و شاه عبدالحمید را یک پسر شدیحی نام اولاد نام و میر سید عبدالقادر  
را اولاد نشد آلا و برادر شدند و اولاد سید عبدالسلام و سید شاه مصطفی  
اندماجراے مرام مفصلاً نوشته می آید بایستید فرزند شاه مصطفی شاه  
قطب علی و پسر ایشان شدند یکی شاه نظام الدین و دومی شاه  
حسام الدین ذاکر اولاد ایشان بعد ذکر اولاد برادر کلان خوانده نمود و حال  
ذکر اولاد شاه نظام الدین بن شاه قطب علی می نمایم که بیان طویل است  
شمره در بیان اولاد شاه نظام الدین ابن سید قطب علی  
باید دانست شاه نظام الدین را شدند چهار پسر از انجلی که شاه علی بخش  
دومی شاه مصطفی ثانی سومی شاه فیض علی چارمی شاه عبدالغفر  
که اولاد رفتند از نظام از فرزندان شاه علی بخش یک قطب علی ثانی  
دومی شاه اسد علی لا اولاد شاه قطب علی ثانی را یکی شاه نظر علی لا اولاد  
دومی شاه رحمت الدین عرف شاه و هورن ایشان را یک دختر  
روجه منشی کریم بخش و سه پسر یک شاه نور الدین احمد معروف شاه بابا  
که خدائی ایشان از دختر خود پهری حبیب الدین گردید یک پسر و یک دختر  
ایشان دختر زوجة شاه امیر علی ابن منشی سید کریم بخش پسر ایشان شاه  
محبوب حسین و پسر شاه بسا و ن شاه خورشید حسین که از دختر عم او  
گذاشتند و دومی شاه کریم الدین و دختر ایشان یک زوجة شاه خورشید

مذکوره بالا دومی روجه شاه فرزند علی پسر خود نشی کریم بخش مذکور الصلا  
سومی شاه منیرالدین احمد عرت شاه محمدی در مقام را جگیر در اوقات  
شد شادی ایشان دو پسر و دو دختر ایشان یک روجه میان جان علی بن  
نشی رمضان علی دومی روجه شاه وحیدالدین ابن میر قاسم علی ساکن  
سوه و خلف کلانی شاه منیرالدین احمد عرت شاه محمدی شاه قمرالدین  
دو شادی ایشان از دختر میر امانت علی مرحوم گردید یک بعد دیگر  
و خلف ثانی شاه صاحب مدوح مولومی وحیدالدین شادی ایشان  
نیز یک بعد دیگر از صبیبه میر شرافت کریم گردید کیفیت ذی و لدی هر  
دو صاحب معلوم نیست

### شماره دوم در ذکر فرزندان شاه فیض علی ابن شاه نظام الدین

باید شنید فرزند شاه فیض علی ابن شاه نظام الدین چهار بودند از آنچکه یک  
شاه حسین علی دومی شاه غلام شرف الدین سومی شاه کریم الدین  
الغرض این سه برادران لا ولد رفتند ازین عالم الا ذی ولد فرزند چهارم  
شاه عظیم الدین دو پسر ایشان یک مظفر علی دومی شاه کریم الدین  
ثانی بایشان نیز دو پسر یک شاه احمد علی دومی بدو ح عرت شاه  
بدو واحد العین لا ولد پسر شاه مظفر علی شاه علی بخش بود و پسر ایشان  
شاه تراب علی پسر ایشان محمد یعقوب عرت دومی مفقود و اخیرا شاه

مصطفیٰ ابن شاہ نظام الدین مذکورہ بالا ذمی اولاد شدہ یکے شاہ  
مرتضیٰ بخش دومی شاہ جلال الدین سومی شاہ یحییٰ علی پس  
شاہ مرتضیٰ بخش برانیز سپہر کی شاہ عوث علی دومی شاہ فتح علی سومی شاہ  
فیض علی کیفیت ذمی ولدی شاہ عوث علی دریافت نقشہ آلا بہر دو براوشاہ  
فتح علی و شاہ فیض علی اولاد شدہ

### شمارہ سیوم

پسر شاہ فتح علی یکے شاہ حمید الدین دومی شاہ فرحت علی سومی شاہ امان  
عزت منو پسر شاہ حمید الدین شاہ بخش علی دومی شاہ قاسم علی  
و شاہ محمد سعید ہمہ ذمی اولاد شدہ ازین عالم فی اولاد شدہ

### شمارہ چہارم و ذکر اولاد شاہ فقیر علی

شاہ فقیر علی راد و پسر کی شاہ طاعت علی اولاد ایشان نشد دومی شاہ  
افضل علی چار پسر ایشان ہر یکے عالی تبار ذمی اقتدار یکے از انجمل  
شاہ واجد علی متوطن موضع سانیہ قیام و خسر پورہ کردند چند دختر ایشان  
و د و پسر یکے دختر زوجہ شیخ نواز حسین کہ پسر و یک دختر از بطن این بابلی  
شیخ محمد اجل و تاجل حسین کیفیت ایشان بالا نوشتہ شدہ است و فصل دوم  
و ذکر شیوخ فاروقی نسب آلا و دختر ثانی زوجہ مصاحب علی خان و دختر ثالث  
زوجہ میر یار علی ساکن پور نہ پرگنہ ارول مادراما و حسین ذمی ولدانہ

دو پسر کلانی شاه امیر علی داماد شاه علی ابوشیخینپوروی زوی ولد شدند پسر  
 ثانی شاه فرزند علی داماد شاه سلامت علی عم خود زوی ولد شدند پسر دومی شاه  
 افضل علی شاه ذاکر علی داماد خال خود شاه عاشوری یک پسر  
 ایشان شاه ابوتراب داماد عم خود شاه سلامت علی پسر ایشان شاه وجه الدین  
 داماد شی امیر علی سومی شاه سلامت علی ابن شاه افضل علی سه پسر  
 پنج دختران ایشان یک دختر روجه شاه فرزند علی ابن شاه واجد علی و دو دختر  
 روجه شاه ابوتراب یکی بعد دیگری یک دختر روجه شاه براتی یک دختر روجه  
 شیخ محمد حسین الا فرزند کلانی ولایت حسین داماد شاه داود علی پسر ایشان  
 شاه محمد جعفر داماد خور و جناب حضرت شاه امیر الدین سجاد نشین و پسر  
 و یک دختر ایشان ارواب ایشان خانہ اجداد است آبا و دوی پسر شاه  
 ارواح حسین داماد شاه جان علی شیخینپوروی یک دختر ایشان روجه  
 بادی علی خان نواسه نواب محمد حسین خان مرحوم زوی ولد پسر سومی شاه  
 امید علی داماد سید شاه غلام حسین شملوی دو پسر ایشان یکی شاه وزیر جان  
 دومی شاه بیوجان هر دو زوی اولاد اند سومی پسر چهارمی شاه افضل علی  
 شاه شرافت علی شادی اول در قصبه شیخ از دختر راجه محمد علی از ان روجه  
 یک دختر روجه شیخ ولایت حسین یک پسر شان محمد حسن لا ولد شادی ثانی  
 ایشان از دختر شاه علی سجاد نشین گردید از مساه مراد ن یک پسر و

یک دختر ایشان زوجه امیر علی خان ابن همت علی حسان سه پسر و یک دختر  
 زوجه چودهری ظهور الحق ابن چودهری واحد علی دود دختر و یک پسر ایشان  
 محمد واعظ الدین نام مادر ایشان سماءه قدیرا انسابت سماءه حسینا نام  
 پسران وزیر علی خان از دختر خال خود شاه لطیف احمد ابن شاه  
 شرافت علی که خدا شدند پسر ایشان داماد چودهری ظهور الحق دود دختر خال  
 بوزیر علی خان منسوب یکی بعد دیگری سه پسر سوم فدای علی خان داماد شاه  
 بنده علی داماد کلانی جناب حضرت شاه امیر الدین رحمة الله علیه پسر سوم  
 اقبال علیخان داماد شاه لطیف احمد خال خود یک دختر و دو چودهری  
 واعظ الدین مذکور و پسر محمد سجی هر یکی ذی لاند پسر شاه شرافت علی علیه الرحمة  
 شاه لطیف احمد داماد راجه اسد الدیک پسر ایشان بود محمد خلیل بعمر  
 چهار سالگی رحلت نمود الا پنج دختران ایشان مذکور سه دختر کر و دند متوسط و دختر  
 زوجه شاه محمد تقی ابن شاه امیر الدین رحمة الله علیه ذی ولد و یک دختر  
 در انجوار که خدا شد در اقران ان جوار

شمره پنجم در ذکر اولاد شاه غوث علی ابن شاه مرتضی انجش ابن  
 شاه مصطفی

مذکوره بالا باید دانست بشاه غوث علی چند دختران الا یک پسر شاه احمد علی  
 با ایشان یک دختر و یک پسر شاه واحد علی خواهر ایشان زوجه شاه

محمد دوم بخش متخلص وافی یک دختر ایشان زوجه عنایت حسین خان  
یک پسر ایشان میر بشارت حسن خان آلا شاه واحد علی بسبب رقابت  
صاحبان شیخپوره حسین آباد تبدیل مذبح کرده بودند آخر عمر در سفر بیت الله  
شریف نمودند بعد از ده ای حج زیارت مدینه طیبه و رحلت علالت از مذبح  
شیعه بردست این خاکسار توبه نمودند و در آنجا تدفین شدند در جنت العالی  
بجوار سیدنا عبید الرحمن ابن حضرت صدیق اکبر رضی الله عنه القصه کی پسر ایشان  
شاه علی ارشد که از خواهر شاه جمال علی بلخی که خدا یک پسر ایشان شاه  
علی منظر در شیخپوره سکونت دارند می اولاد هستند

شماره ششم در بیان اولاد شاه پچی علی ابن شاه مصطفی از نام  
ایشان (بن محله مشهور مصطفی شاهی)

باید شنید پسر شاه پچی علی ابن شاه مصطفی مذکور یکی شاه رکن الدین لا ولد  
دومی شاه نور الدین سومی شاه تاج الدین الا اولاد دختر شاه رکن الدین  
ماند سکونت در بهار هست و پسر شاه نور الدین شاه رحیم بخش بودند اولاد دختر  
ایشان نیز مانند الا شاه تاج الدین را بودند پسر چهار یکی شاه صادق علی دومی  
شاه خیر الدین سومی شاه لعل محمد چارمی شاه بخش الدین کیفیت اولادشان  
بعد این دریافت نشد که می نوشت انهمه در کتاب تصنیف شاه محمد و ششم  
شماره هفتم در بیان اولاد شاه حسام الدین برادر شاه نظام الدین

## ابن قطب علی ابن شاه مصطفیٰ ملی

ابن شاه علی ابن شاه احمد ابن شاه محمد ابن شاه خوند ابن شاه جلال الدین  
 این شاه علیم الدین بزرگ عرف شاه همیکه واضح باد شاه حسام الدین  
 دو فرزند نام یکی شاه بدل و نام دومی شاه بوالا یک پسر ایشان شاه  
 وحید الدین و سه خواهر ایشان جا بجا منسوب و شاه بدل را چند دختران  
 از انجمله یک دختر زوجه برادرزاده شان شاه وحید الدین ایشان را یک پسر  
 بنام شاه مهر علی و چند دختر یکی از ان زوجه شاه علی بخش و دخترش  
 پدر شاه تراب علی و پسر شاه امیر علی شاه و جبه الدین عرف شاه و جا  
 شادی ایشان در شیخ پوره شد از خواهر شاه علی امجد شعبی شاه و جبه الدین را  
 نیز یک پسر شاه فرزند علی عرف شاه فیضاً و چند خواهران ایشان یک  
 زوجه شاه تراب علی مذکور بود محمد یعقوب یکی زوجه شاه جانعلی پدر مهدی حسن  
 سومی زوجه قاضی مبارک علی پدر تانینی سلامت علی و نیز شاه فرزند علی را  
 یک پسر شاه الطاف حسین با ایشان نیز یک پسر و چند دختر و پسر شاه فرزند  
 صاحب نیز دختران یکی زوجه شاه احمد حسین چند پسران ایشان و دومی چه  
 قاضی سلامت علی ابن قاضی مبارک علی چند دختر و پسر ایشان نیز سومی  
 زوجه میر ابن حسین چارمی منسوب بود از پسر شیخ دیدار علی لاولد شد اینقدر  
 اولاد بود شاه بدل و شاه بوالاست

شجره در بیان اولاد شاه عبدالسلام ابن شاه علی ابن شاه  
احمد ابن شاه محمد ابن شاه خوند ابن شاه جلال الدین ابن  
شاه علیم الدین بزرگ

باید دانست این شاه علی اند که محله شاه علی معروف از نام این بزرگ است  
افترض شاه عبدالسلام را دو فرزند تبه بلند یکی ذکی الدین دومی شاه  
وصی الدین چهار پسر ایشان یک شاه محمد بخش دومی شاه اله بخش سومی شاه کام  
چهارم شاه غلام فردوس آینده دریافت نشد کیفیت اولاد ایشان الا  
شاه محمد دل پسر شاه غلام فردوس بودند

### شماره اول شجره اولی

شاه ذکی الدین را یک فرزند تبه بلند شاه وجهه الدین که بعد بزرگوار  
سجاده نشین شدند از محل اولی بودند ذکر طویل است بعد بیان دیگر پسران  
تحریر خواهند نمود الا از محل ثانیه دویس که شاه عنایت علی دومی شاه  
فیض علی افترض شاه حبیب الله لقب مخدوم ثانی خلف شاه عنایت  
بودند پسر ایشان منعم همان بودند پسر ایشان شاه اصغر علی دین به حکومت  
الا پسر شاه فیض علی شاه قبالض علی ایشان را دویس یکی شاه موسی علی  
دویس ایشان دومی شاه عماد علی پسران ایشان

### شماره دوم شجره اولی در بیان اولاد شاه وجهه الدین



واضح بادشاه وجه الدین کثیر الاولاد شدند وقت سجادگی ایشان رونق بسیار  
 شد از جانب بادشاه عصر معاش شد حصول بیغریه و التمه و نیاز و گاه بخدا  
 گویا بتکلف تمام امارت میکردند القصه شاه وجه الدین را دوزد به  
 بودند در کفایت از هر دو چهارپای شدند و علاوه اینها چند زوجه بودند از بطن هر  
 زوجه دو پسر شدند که از ده پسر گویا یعقوب ثانی شدند دیگر در تفصیل وار  
 باید شنید شاه محمد بزرگ و شاه علی بزرگ از یک بطن بودند و شاه  
 علاء الدین نقدا لقب و شاه بدیع الدین این هر دو برادر از یک  
 بطن بودند احاصل چهار برادر شرف المزارع شده سجادگی به برادر کلانی شاه  
 محمد بزرگ رواداشتند الا تقسیم صرف معاش معروف به چهار سرکار بحشم و خدم  
 اوقات داشتند الا شاه علاء الدین نقدا بدین وجه مشهور شدند نخواه  
 ماهواری نمی دادند یومیه بعد شاه محمد بزرگ شاه علی بزرگ سجاد نشین  
 شدند گو که دو پسر شاه محمد بزرگ بودند یکی را نام شهنشاه دیگری را شاه  
 رستم نام بود از هر دو برادر اولاد نماند شاه علی بزرگ را نیز اولاد نشد بعد  
 ایشان سجاد نشین شاه علاء الدین نقدا شدند ایشان را نیز اولاد نشد  
 بعد انتقال ایشان شاه بدیع الدین برادر چارمی شد و سجاد نشین  
 خلف الرشید ایشان شاه علیم الدین بعد پدر خود شدند سجاد نشین کیفیت  
 بعد ازین خواهد نوشت

شمره در ذکر دیگر فرزندان شاه وجه الدین مع ذکر اولادشان  
 از یک بطن که نام بود بی بی گلاب دو پسر شاه غلام بدر و شاه غلام حیدر  
 شاه غلام پدر بی اولاد شدند کیفیت اولادشان بعد ازین خواهد شد  
 چونکه ذکر طویل است و از محل چهارم شاه وجه الدین دو پسر یک شاه حامد  
 و بی بی شاه محمود و از محل خامس دو پسر یک ساه سرور و بی بی شاه صفدر و  
 از زوجه ششم نیز دو پسر شدند یک شاه غلام رسول و بی بی شاه محمد با ششم آلا  
 ازینها و دو در اولاد یک برادر شد ثانی لا ولد چنانچه اولاد شاه حامد  
 شد و شاه محمود لا ولد شمره از اولاد شاه حامد یکی شاه اکبر علی ایشان را  
 سه دختران یک والد شاه سخاوت حسین و بی بی روجه میر سومی علی  
 خاله و خوشدامن شاه سخاوت حسین و سومی رانیز یک دختر شد و بی بی  
 فرزند شاه حامد شاه محمد و هم بخش متخلص وافی ذکر ایشان شد و در آخر  
 شمره در ذکر اولاد شاه غلام رسول و شاه با ششم لا ولد و ذکر شاهرخت علی  
 این شاه واحد علی ابن شاه فقیر علی ابن شاه غلام رسول ابن شاه  
 وجه الدین مذکور و بعد از شاه رحمت علی یک دختر و چهار پسر شاه  
 عباس علی عرف شاه حبیب و بی بی شاه احمد علی سومی را نام بود و چهار  
 چارمی شاه اسید علی اند و شاه سرور و شاه صفدر هر دو برادر اولاد شد  
 که بیان کنم

## ثمره ذکر اولاد شاه علیم الدین سجاده نشین

باید دانست حضرت شاه علیم الدین را و زوجه بودند در اقران کفویت  
 یکدیگر بی بحثن که از بطن ایشان اولاد نشد و دومی والده بی بی میرکام  
 که از شاه احمد علی خواهر زاده شاه مظفر حسین که خدا شد یک پسر  
 ایشان شاه محمد حسین که از مسماة وحید النساء دختر کلان شاه ولی الله  
 که خدا شد اولاد نشد الا سرتقراان بشاه احمد علی مرحوم یک مسماة نجیاش  
 عرف محن زوجه میر حسین بخش کورجی و دو دختر ایشان شد یک زوجه میر سعاد  
 دومی زوجه میر ممتاز علی پسر دو دختر ایشان و پسر میر حسین بخش شاه  
 اطهر حسین که زیب سجاده جدا دری شدند که فدائی ایشان از دختر  
 میر اسمعیل علی ساکن محله بیکر پلنگ گردید اولاد نشد ثماند دختر دومی شاه  
 احمد علی زوجه میر امید علی ابن مظفر حسین یک پسر سید امید علی  
 میر سعادت علی از خواهر خالاتی منسوب یعنی از دختر میر حسین بخش مرحوم  
 دختر سومی شاه احمد علی از میر کریمت حسین ابن میر سید حامد حسین  
 نوابادی منسوب یک پسر ایشان سید ولایت حسین و دو دختران یک  
 زوجه سید مهدی حسن ذی اولاد اند و بی زوجه سید شاه عبدالحسین ابن سید  
 لطافت علی شیخپوروی و دو دختر اند یک پسر سید معین بفضله همه ذی اولاد  
 هستند منسوب جابجا

## شماره در ذکر اولاد حضرت شاه ولی السجاده نشین حضرت مخدوم الملک

احمد سید حضرت سید شاه ولی السجاده مقبول بارگاه که بنظر هر کس می نمودند  
ذات مخدوم الملک دین پناه این حضرت شاه علیم الدین بودند از بزرگان  
چهارم کثرت فقر شاه دلی السجاده نایش بود بتکلفات کرد و فرگوشه ۱  
کلاه و لباس شاهانه خرقة رنگ ملاگیری و چیره زعفرانی بیعت ایشانرا  
از یک از اعمام خود شاه رحمة السجاده دسی بیعت ایشان از حضرت  
شاه جمیب السجاده قادری پهلوار دی و کسب باطن و تربیت از حضرت  
مولوی سید حسن رضا معنی را پوری الحاصل که خدائی حضرت  
شاه ولی السجاده دختر شاه محمد فیاض شد که از اولاد حضرت مخدوم بدر الدین  
بدر عالم بودند مسکن بموضع سوه داشتند منجملات حضرت بهار دیگر اقران  
و اخوان نیز آنجا سکونت دارند

ذکر اولاد حضرت مخدوم سید شاه بدر الدین بدر عالم فرار در بهار است  
واضح باد حضرت مخدوم بدر الدین بدر عالم را از یک بطن یک خست  
بی بی ابدال نام صاحب کمال زوج میر سید محمد رضوی نسب که برادر  
میر سید احمد که فرارشان بموضع ندره مشهور و فرار سید محمد قدس سره بموضع  
معافا گفت اولاد سید محمد ولی بی ابدال زین پشته نوشته شد حاجت مکر شریف

الاذکر اولاد پیری حضرت مخدوم بابر دانت خلف الرید و سجاد و شیر مخدوم  
 بابر عالم قدس سزه حضرت سید شاه سلطان بودند اولاد مخدوم سید  
 سلطان نشد الا یک از فرزندان برادر ابفر زندی گرفته کردند جانشین معروف  
 بمخدوم احمد بیری سید احمد بیری جگن معروف پسر ایشان شاه محمد عرف جگن  
 بعد این بزرگوار بیعت این سلسله زاهدیه در خلفا مانند الا بیعت در خاندان  
 فرزندان مانند یکی از اولاد ایشان حضرت شاه محمد بنجد وسطه شاه عبدالعزیز شاه محمد عوض  
 بوند نیره ایشان شاه محمد فیاض زاهدی نسب و سلسله ساکن محله سود  
 منمحللات بهار یک پسر ایشان دود و دختر نام پسر یا دیت الادامادشان  
 حاجی نصیر الدین شیخ پوری شعبی نسب اند اولاد دختر کلائے حضرت شاه محمد فیاض  
 زوجه حضرت شاه ولی السرد بزرگوار حضرت شاه امیر الدین فردوسی دختر ثانی  
 شاه بهادر علی شعبی شیخ پوری دود دختر ایشان یک زوجه شاه محمد علی  
 که برادرزاده نیز خسر خود اند شاه محمد علی مرحوم چند دختران دود و پسر یک  
 شاه بھوجو که ربطا محبت میداشتند ازین خاکسار بسیار نوجوان رفیقند بلکه  
 ثانی شاه عبدالعلی داماد او وسط جناب شاه امیر الدین فردوسی سجاد و  
 و یک دختر شاه صاحب مرحوم زوجه حکیم ارشد علی که خواهرزاده نیز اند که  
 دومی زوجه مولوی تصدق حسین ساکن نگر نو سدد و فرزندان ایشان  
 شاه و غط الدین دومی مولوی علیم الدین باقی کیفیت دریافت نیست ثانی

دختر شاه بهادر علی علیه الرحمه روجه جناب حضرت شاه امیرالدین قدس سره  
 له از دختر خاله که خدا شدند جناب شاه امیرالدین فردوسی را و در مرتبه  
 رتبه بلند و سه دختر از آنجمله یکی روجه شاه بنده علی عرف شاه بدلا پسر  
 شاه حسین علی یک دختر ایشان روجه فداعلی خان و دختر ثانی روجه  
 شاه عبدالعلی که دختر ایشان روجه سید عبداللطیف خلف مولوی کبیرالدین  
 آینده معلوم است الا دختر ثالث از شاه محمد جعفر بن شاه ولایت علی کنده  
 هستند و دو پسر و یک دختر ایشان موجود اند و پسر کلان جناب حضرت  
 شاه امین الدین احمد ذی اولاد اند و روجه چهار اند هر یک ذی ولد و  
 پسر ثانی شاه محمد تقی از دختر شاه لطیف احمد ابن شاه شرافت علی کنده  
 شدند و ذی ولد اند و خواهر جناب شاه امیرالدین فردوسی یکی مسماه و حیدر <sup>النسا</sup>  
 روجه شاه محمد حسین ابن شاه احمد علی لا ولد ثانی بی بی مراد النساء روجه  
 شاه شرافت علی کیفیت اولاد ایشان بالا نوشته شد و جناب حضرت  
 شاه امیرالدین اددو پسر از محل دیگر اند یک رحلت نمود و محمد اسمعیل نام ثانی  
 محمد ولی است و از محل ثانی حضرت شاه ولی الله قدس سره یک پسر سسی  
 شاه بنده علی و دو خواهر ایشان فرزند یک خواهر محمد فضل امام حال  
 دیگر دریافت نشد الا شادی شاه بنده علی بموضع بڑاڑمی از خواهر شیخ  
 فضل حسین دو پسر ایشان شدند یک شاه عبدالعلی و دیگری اولاد علی

نوجوان رفتند از جهان اولاد باقی نماند

شجره نسب شاه غلام بدر ابن شاه وجه الدین ابن شاه ذکی الدین  
 واضح باد شاه غلام بدر الدین و غلام حیدر و برادر بودند این شاه وجه الدین  
 کتخدا هر دو برادر یکجا گردیدند از دختر سید شاه محفوظ که از اولاد سید محمد  
 سهروردی زیدی نسب بودند و وجه شاه غلام حیدر را نام مسماة باجو  
 و وجه شاه غلام بدر را نام مسماة نجیبیا عرفنا جو القصة شاه غلام حیدر  
 اولاد نشد باطل شباب رحلت نمودند و نیز وجه شاه غلام بدر یک پسر و یک  
 دختر گذاشته درین عالم وفات یافتند خاله پسر و دختر مسماة باجو پسر و دختر  
 نمودند نام نامی پسر شاه غلام بدر شاه محمد و اصل بودند و نام دختر پسر  
 بی بی بیکانی که از میر افضل علی ساکن محله باره دری اولاد سید فضل الله  
 بودند که خدا شد ندیک دختر سیدی بی و همومن وجه شاه فتح علی عرف  
 شاه بهوڑے یک دختر ایشان مسماة لطیفه و وجه شاه علی بخش ابن شاه  
 محمد و اصل زوی اولاد شده بے اولاد شده بکمه مغظمه رحلت کردند و نام پسر  
 سید خیر الدین حسین که در مقام متهرا بغر و جاه نام پیدا کرده در انجا رحلت  
 کردند اولاد نماند الا که خدائی شاه محمد و اصل ابن شاه غلام بدر از بنت  
 البننت شاه صفی الله برادر شاه احسان الله چاند پوری گردید  
 از مسماة میحا و دختر بی صحیحہ شاه محمد و اصل را از لطین ابن زو چشمش

پسر و یک دختر از محمد برادران کلانی بودند الا از برادر کلانی خورد مسماة  
 ذاکره روجه شاه نورو علی ابن شاه فتح علی و سه پسر و سه دختر ایشان  
 پسر کلانی حضرت شاه محمد و اصل شاه که نیم بخش عرت چپو ما که خدا  
 ایشان از دختر شاه غلام محمد و م که یک از فرزندان حضرت سید محمد  
 سروردی زیدی نسب بودند نسب نامه بالا مذکور شد نام دختر شاه  
 غلام محمد بود بی بی اطمین عرت بی بی اتوار و یک پسر ایشان شاه  
 امیر علی که از دختر عمه خود مسماة ذاکره دختر شاه محمد و اصل زوجه  
 شاه انو علی که خدا شدند ذی اولاد شدند و پسر دوم شاه محمد و اصل  
 شاه علی بخش زوج مسماة لطیفه یک دختر و یک پسر شدند نام پسر ایشان  
 نوجوان فوت شدند و دختر را نام بود بی بی مراد النساء زوج سید میرزا  
 ابن مولوی ابراهیم علی کابری ذی اولاد شده بی اولاد بودند و پسر  
 سوم شاه اشرف علی که خدائی ایشان بموضع مدح پور شد از مسماة  
 بی بی مریم اولاد نام چارمی پسر شاه قادی بخش شادی ایشان بیکه  
 خورد نمحلات بهار شد از مسماة عبدا لاولد رحلت کردند پنجی شاه راجی  
 ذی اولاد شده لاولد رفتند ششمی پسر شاه محمد و اصل شاه لطف علی  
 که در ایام جوانی عمده هاسه طیل کردند حصول که خدا شدند بموضع باره  
 از دختر سید محمد از مسماة کبیر النساء یک دختر مسماة مقیم النساء



زوجه شیخ محمد علی ابن شیخ مظفر علی ذی اولاد و نام پسر شاه لطف علی  
 مرحوم شاه محمد مقبول ذی اولاد است بمسماة ذاکره دختر شاه محمد و اول  
 ابن شاه غلام بدر سه پسر شدند یکی سید عابد حسین چهارده ساله بمرد  
 و دیگر واجد حسین و سوم برادر کنه نام یا ذنیت بعالم طفولیت ولت  
 کردند الا دختر کلان مسماة حیات النساء زوجه سید رضا علی ابن  
 میر یوسف علی یک پسر ایشان سید فدا علی که از دختر عم خود و خود کنه  
 یک دختر گذاشته رحلت کردند و دختر منسوب است از نواب نصیر علی  
 و یک خواهر سید فدا علی زوجه سید امید علی یعنی مسماة سکینه و دو دختر  
 گذاشته رحلت کردند و خواهر ثانی زوجه شاه وزیر علی ابن شاه امیر علی  
 و خواهر سوم زوجه سید وحید الدین ذی اولاد اند چارمی بصغیر سن  
 نمود و قضا و دختر ثانی مسماة فاطمه بخش عفت بخش زوجه شاه امیر علی  
 یک پسر و سه دختر ایشان دختر سوم مسماة براتن النساء زوجه شاه علی  
 ابن شاه موسی علی ابن سید غلام محمد و یک پسر ایشان سید بیابان  
 علیجان رحلت کردند و جوان و دو خواهر ایشان نیز بودند باندا  
 پسر شاه امیر علی شاه وزیر علی که از مسماة کل سوم خواهر خالا  
 شدند منسوب چند اولاد شد الا یک پسر تحلی حسین نام موجود  
 و یک دختر منیر فاطمه زوجه سید قطب الدین ابن الفقیر یک

پسرست عطا نظام الدین باقی سه خواهران شاه وزیر علی مرحوم  
 از انجمله کلافه روجه اولی میر سید حسین و انا پوری برادر عمزاد  
 خلاتی ابن خاکسار نام بود بی بی محذومه بعد شادی چند سال  
 حیات ماند آخر لا ولد از نهمان رفتند و دختر ثانی شاه امیر علی  
 مرحوم زوجه این فقیر حقیر ذکر خود در خاتمه خواهد نوشت الا دختر ثانی  
 جناب شاه صاحب مدوح مسماة و افن زوجه سید شیعت حسین  
 ابن سید شاه فخر الدین حسین علیه الرحمة بالیشان دو دختر که هنوز ناکتخدا الا  
 پسر سید احمد حسین و سید فرحت حسین موجود اند

### ذکر سید علی ابدال ابن حسین شاه بادشاه بنگاله

ذی ولد بماند واضح باد سید علی ابدال ابن سید شاه حسین  
 ابن سید احمد شاه که به نسب سیادت جعفری اند الانسب نامه تا بالا  
 معلوم نشد از تحریر مقرر ماند چونکه مصاهرت از خاندان این فقیر واضح  
 کیفیت کلیه مینویسمی آرند در تحریر که چون نصیب شاه بادشاه بنگاله  
 وفات یافت پسر صلیبی نداشت امرایان و ندایان حسب وصیت  
 بادشاه نواسه بادشاه را یعنی حسین شاه ابن احمد شاه را  
 تخت نشین سلطنت ملک بنگاله نمودند هر گاه جلال الدین اکبر  
 بادشاه از تخت گاه دہلی نهضت نمودند بسوی دیار شرقی بهر حکمرانی

داود شاه بادشاه تخت نشین حاجی پونچر سینه تاپ مقابلہ نیامردہ  
 فرار وزیر بسوے بنگالہ حملہ کردہ سلطنت حسین شاہ بادشاہ گرفت  
 حسین شاہ بادشاہ بنگالہ باخود ہانا پسند دیدہ صورت جنگ جلال  
 و ہندگان خداے راقال قصد ترک سلطنت کردہ قصد سیاحت نمود  
 و سلطان اکبر بادشاہ بر سپرداود شاہ رحم آوردہ قلم بر عفو جزا کرم کشیدہ  
 تاج بخشی نمود بمعینہ خراج کہ سابق نبود مسعود شاہ ابن داود شاہ  
 بجاجی پونچر تخت نشین ماند و حسین شاہ سیاحت کردہ در صحراے  
 ضلع تربہٹ جائے غزلت نشین شد بد مشغول بعبادت الہی مدلتے  
 برین سپری شد ان صحرائست علاقہ مظفر پور پنام ست حال اشتہر  
 رہوہ درگاہ آخر ہجوم خلایق پیدا شد و کیفیت و کرامات ارشاد  
 حسین بادشاہ ہویدا شد خلق اللہ مقفد شد نوشتہ اند موزین گردیدگی  
 خلق چون ناپسند اقامت سپر خود سید علی ابدال راجا نشین سجاوہ خٹہ  
 کردہ از چشم خلایق نہان شد ندا حاصل سید علی ابدال در انجا بعد نہد  
 و ریاضت بو طیرہ اسلاف پیدا کردند کسب و کمال تا مدت چیل سال  
 بعدہ متاہل شد ندگئی از دخت محمد دوم شاہ دانیال کہ یکے از اولاد  
 حضرت محمد دوم محمد تاج فقیہ اند گردید یعنی در اولاد محمد دوم شاہ حسین  
 دھوکڑ پوش کہ واقع فرار این بر رک است در پونچر ابن بی بی

کمال کا گوی و مزار مخدوم شاہ دانیال است در موضع تاجیوہ بزرگ  
 حال آنجا سے ہم زیارت گاہ است بداندلی بی معصومہ بود نام دختر مخدوم  
 شاہ دانیال از بطن آن بی بی فرزندے بوجود آمدند ذی جاہ و خلل  
 مسمی مخدوم سید احمد ابدال بالکمال از شاہیر شایخین صاحب کرات  
 و حال کتھائی ایشان از سماء مریم دختر سیرہ مخدوم محمد مصطفی صنفی  
 کہ مخدوم شاہ مصطفی عم آن بی بی بودند حصول از بطن شریفہ این بی بی  
 سہ فرزند تریہ بلند پیدا شدند نام یکے سید محمد نام ثانی سید یحیی نام سومی  
 سید قلب کیفیت ذریت و دیر اندان دریافت نشد الا کیفیت سومی کہ صوت  
 مصاہرت وقع شد از پایان مزار فایض الانوار آید ہر وقع است ہر ہوہ در گاہ  
 کہ پر کیفیت است الامیر سید قطب کہ شادی ایشان دوبار از دو دختر  
 میر سید عبدالرسول قادری و دانا پوری کہ اماد میر سید قاضی عماد الدین  
 ابن میر سید عبدالفتاح عرف قاضی میر سید بڑی کہ خدا شدند نام آن  
 ہر دو دختر ان بود بی بی جمال و بی بی کمال نواسے بی بی ابدال القصہ  
 از ہر دو دختر ان میر سید عبدالرسول میر سید قطب را و دو دختر نام یکے  
 بی بی قطبیہ عرف بی بی گھانسی کہ زوجہ میر سید نجم الدین ابن میر سید  
 جلال الدین ابن میر سید قاضی عماد الدین بودند یک دختر شد از ان نام  
 بی بی لطیفہ از سید وجہ الدین عرف سید بولن کہ خدا شدند دختر ثانی را

نام بود بی بی کریمه اولاد خواند هرگاه بی بی طیفه بی اولاد ازین جهان برفت  
 بی بی قطبیه عرف بی بی گھانسی داماد خود سید وجه الدین عرف بولن را  
 مثل پسر خود دانستند برآبادی خانه خود شادی ثانی ایشان از بی بی امیمه  
 دختر میر سید محمد ولی ابن میر سید جهانگیر داماد پوسی بودند از بطن این زوجه  
 میر سید محمد حسن متولد شدند نواسه میر سید محمد ولی چون بجز میر سید محمد حسن  
 بی بی قطبیه را دیگر اولاد نبود ایشان را مالک قابض برتر و که خود و نیز در  
 ایمر و اناپور حصه خود نمودند چنانچه اولاد میر سید محمد حسن بران قابض  
 و آمد و دخل باید دانست مزار سید علی ابدال در برهوه درگاه است  
 و مزار سید احمد ابدال در شهر پنه مجله مغلیه با شکاف است با حریزه بود  
 حالا مفتوح نشان هم شد کهره بران آباد شد بطیفیل اولاد مامراد واضح باز  
 دختر سید احمد ابدال بودند بی بی زهره نام از میر سید مسعود یکی از اولاد  
 محمد و شاه صفی کد خدا شدند از بطن این بی بی یک پسر متولد شد سید بدایت  
 شادی ایشان از دختر میر سید قطب از بی بی جمال شد از بطن ایشان فرزند  
 رتبه بلند سید احمد کیم شدند ایشان بر و طیره اسلاف تجردی کرده اعتبار  
 و عبادت پروردگار شغولی شدند الا خواهر سید بدایت السلام سید مسعود  
 بی بی عابدیه از میر سید حسن زیدیه متسوب شدند یعنی بی بی عابدیه  
 والد میر سید وجه الدین عرف سید بولن بودند بدین وجه اولاد ایشان

مالک و قابض بر کل متركه علاقه درگاه و غیره شدند این میرسید و جلالین  
 عرف سید بولن میر محمد حسن بودند شادی میرسید محمد حسن از بی بی تقیبا  
 عرف بی بی بجمله دختر خجسته آخر حضرت سید شاه محمد حسین قدس سره و انان  
 شد که جدا سجد این خاکسار را قلم تحریر بود چهار پسر میرسید محمد حسن شدند  
 یکی میر مظفر علی دومی میر غفر علی که و اما حضرت سید شاه ولی الدار ابن  
 سید شاه محمد حسین بودند نام آن بی بی رشیده بود مدعو بود و حسن لا ولد  
 رفتند این عالم هر دوی حسین علی نوجوان رفتند از جهان چاهی میرسید  
 قطب علی که از دختر میرسید مگو که خدا شدند یک دختر شدند موسوم به بی بی  
 و احسن که از محمد حسن خان ابن بریان علیخان که خدا شدند محمد حسن خان  
 نواسه میر حسین صاحب بودند پسر محمد حسن مهدی علی خان پسر ایشان علیخان  
 آلا شادی اولی میر مظفر علی از دختر سید شاه احسان الله شد سکونت  
 آن بزرگ بجمله چاند پوره یکی از منجلات حضرت بهار که از فرزندان حضرت  
 سید فرید طویلیمش بودند از بطن این بی بی صفه دو دختر و یک پسر که دختر  
 نام بی بی امانی که از شاه قاسم علی ابن شاه رحم علی که خدا شدند که یکی  
 از اولاد حضرت مخدوم شاه بڈی بودند ساکن چک درگاه ضلع تربت بودند  
 نام فرزند ایشان شاه امام علی بودند آینه کیفیت ذریه ایشان دریافت  
 الا دختر ثانی را نام بود بی بی رحمانی از شاه محمد سلطان ابن شاه محمد شمس

ابن شاه احسان الدین مدح که خدا شدند از بطن این بی بی و دوسری که  
 سید شاه محمد باقر که شادی ادلی از دختر شیخ احمد حسین رئیس شهر شد از آن  
 بی بی اولاد نشد شادی ثانی کردند از دختر سید شاه احمد حسین نوآبادی  
 گردید چهار پسر که سید شاه محمود که نوجوان رفتند از اینجهان و دو  
 سید محمد مسعود و سومی سید مقصود و چارمی سید مسعود و مع اهل و عیال همه  
 اند موجود و پسر ثانی حضرت شاه محمد سلطان سید شاه اسمعیل که شادی نشان  
 از خواهر دیوان سولان بخش رئیس شهر کردند یک پسر ایشان سید علی حسن نام  
 از دختر مولوی سید شرف علی شد که خدا یک پسر گذاشته سید حسن و دیگر  
 پدر بزرگوار رحلت نمود شادی سید حسن از دختر شاه تبارک حسن ابن شاه  
 تیمم الدکاکومی شد الا خلف الرشید میر مظفر علی سید شاه یحیی علی که از دختر  
 شاه ضار الحق نوآبادی منسوب شدند نام آن بی بی محدومه بوده آنحضرت را  
 و دوسر و سه دختر ذکر دختران هر سه بالا مذکور شد که از شیخ غفار حسین شد که خدا  
 اولاد رفت دومی از شاه مظفر الحق سومی از شاه غفور الحق منسوب شدند  
 ذی اولاد اند پسر دوم شاه یوسف علی مجذوب صفت بودند اولاد نیست  
 الا پسر کلان مولوی سید شاه اشرف علی کاشف رموز خفی و جلی  
 که خدا شدند از دختر میر حسین بخش کور جوئی اولاد شد دختران و پسران پسر  
 کلان سید شاه حسین علی که از دختر مولوی فرحت علی که خدا شدند یک دختر

دو دپسران بی بی مریم گذاشته وفات یافتند دختر از میر و اجد حسین ابن  
 میر اسماعیل علی که خدا نام پسر کلان شاه محمد قاسم از دختر شاه عبدالحسین که خدا  
 پسر شد موسوم بنام محمد حسین ثانی را نام شاه محمد و اجد و شادی ایشان  
 یکی از دختر شاه امیرالدین شد و شادی ثانی از دختر شاه نظام الدین  
 ابن شاه غفور الحق گردید الله تعالی نوی اولاد کند چون شادی دوم کردند  
 میر مظفر علی دو پسر و یک دختر بوجود آمدند همه که غذ خندان اولاد نام نهادند  
 پسر کلان شاه هدایت حسین مدعو خیراتی و شادی کردند اولاد داشتند  
 ثانی سید عالم علی عرف براتی از دختر شاه سلامت علی و دوسی شادی کردند و قبل  
 ازین نیز یک شادی شد از کسی اولاد نشد اسماصل فالض و متصرف بر کل ملک  
 سید مظفر علی و غیره اولاد سید شاه محی علی قدس سره اند یعنی شاه  
 محمد قاسم ابن شاه حسین علی ابن مولوی سید اشرف علی اکثر قیام

بدرگاه رهبر دارند ان درگاه زیارت گاه است

شجره نسب مع ذکر اولاد قاضی سید عبد الفتاح عرف قاضی شمس

و انا پوری بیان بر چند نفر

باید دانست که میر سید علی شیر جاجیری ابن میر سید علی کبر جاجیری سیاد است  
 رضوی که نسب نامه ایشان بالا مذکور شد در پشت سیادات رضوی از مقام  
 جاجیر بحضرت بهار آمده در محله گنره اتااست نمودند وقت غزا بر کفار



غازی شد آخر بہ کید کفار شدند شہید بعد چند پشت نسب کی از اولاد ایشان  
 سید زین العابدین از بنابر خاستہ خاطر کشتہ جانب شمال رفتند کہ مذاقات  
 جائے پسند کردہ بموضع جھو مانڈر پر گئے مکیر ضلع ترہٹ مشغول بہ کرجی  
 و شغل کشتکاری فرزند میر سید زین العابدین میر سید میر بود مذ خلعت ایشان  
 میر سید ابوالفتح پسر ایشان میر سید عالم انبہ قاضی سید عبدالفتاح  
 از دربار شاہی منصب قضا بر گئے پھلواری کردہ حصول مع اہل و عیال  
 از ہم مقام آمدہ بموضع دانا پور پر گئے پھلواری ضلع ٹپتہ اقامت نمود  
 شادی قاضی بڑے در وطن خود در اقران شدہ بود و نیز شادی پسر ایشان  
 میر سید عماد الدین در انجا شدہ بود کہ بعد والدہ ماجدہ منصب قضا و اقامت  
 دانا پور بحال ماند الا یک دختر بود قاضی سید بڑے مسماۃ حمید النساء کہ ظل  
 شان منظور بود در شرفار اینچہ آخر از میر سید جہان ابن میر سید الدین  
 باقری نسب کردند شادی ذکر سید صدر جہان ممدوح مع کیفیت اولاد در آخر  
 بتصریح خواہد کاشت درین اوراق ذکر فرزند ان پسر قاضی عبدالفتاح

عرف قاضی بڑے ہست

شجرہ اولاد رضویان ساکن دانا پور

واضح باد قاضی سید عماد الدین رضوی ابن قاضی سید بڑے بعد انتقال والد  
 ماجد خود سررشتہ قضا بہت سال ماند در عہد بادشاہ نور الدین جہانگیر و زمانہ

نام والده ایشان نور بی بی بود و نام زوجه ایشان بی بی ایمنه  
 چهار پسر ایشان دود و دختران چنانچه یکدختر منسوب شد از خواهر زاده  
 ایشان یعنی از میر سید عبد لوا حمد ابن میر سید صدر جهان مذکور که  
 ذکر اولاد ایشان نوشته خواهد شد و همین ذکر فرزندان میر صدر جهان  
 علیه الرحمه دومی و دختر منسوب شدند از میر عبد الرسول قادیانی  
 که از بغداد شریف بطور سیاحت آمده بودند و در آن پور بعد اقامت  
 ایشان در صحبت حد صورت نجابت و شرف عیان شد و کیفیت نسب  
 بحضرت عوث الثقلیین دختر از بیت ایشان دادند میر سید عبد الرسول  
 یک پسر میر سید اسحاق ابن بی بی رقیه دختر قاضی سید عماد الدین آلا  
 سید اسحاق در عالم جوانی ناکتخار حلت کردند باقی چهار خواهر ایشان  
 دختران سید عبد الرسول از آنجمله دود و دختران یک بعد دیگر بر زوجیت  
 میر سید قطب ابن سید احمد کبیر ابن سید علی ابدال ابن حسین شاه  
 بنگالی بادشاه دیار بنگاله نام هر دوی بی جمال و بی بی کمال بود و ذکر دود  
 هر دو در ذریت میر سید قطب تا قبل نکاسته شد در کیفیت سید جهان الدین  
 عرف سید بولن باقی دود و دختر که خدا در کفویت شدند بی بی حلیه زوجه  
 میر سید جهانگیر ابن میر سید اکبر پسر کلانی قاضی عماد الدین دومی بی بی  
 مبینه زوجه میر سید حسین ابن میر سید اولیا که میر سید اولیا خواهر زاده قاضی

عماد الدین بودند کیفیت فرزندان ایشان طویل است آینده تحریر خواهد شد  
 الا چهار پسر بودند سید قاضی عماد الدین کلانی میر سید اکبر مذکور که ذکر  
 اولاد ایشان بعد از همه نگاشته خواهد شد طویل است الا پسرانی قاضی  
 سید ابو الفتح که بعد والد ناجد بنصب قضا ماندند چند سال شادی ایشان  
 از بی بی عصمت النساء بنت شیخ محمد محیی فریدی کورجی گردیدیم هفت میر سید  
 اولیا ابن میر سید صدر جهان بودند الا اولاد نشد وقت رحلت منصب قضا  
 و ترک ایمه خود بیکه از برادرزاده میر سید عبد القدر دادند هنوز آن ترک  
 در فرزندان او شان موجود و مقبوض سوم پسر قاضی عماد الدین میر  
 سید شهاب الدین بودند شادی ایشان در حضرت بهار گردید از سماء  
 فاضله و قمر شاه عبد السلام در اولاد حضرت مخدوم الملک قدس سره  
 آن بی بی عمه شاه و جبهه الدین ابن شاه ولی الدین سجاده نشین بودند  
 یک دختر و یک پسر میر سید شهاب الدین شدند نام پسر بود میر سید بدایون  
 که خدای ایشان از سماء لطیفه النساء بنت میر سید اکبر شادینی از دختر  
 عم خود چونکه بیاقت و جاہت ظاہری بسیار داشتند ایشان را رسوخیت  
 تمام در بار سلطنت دہلی از امر او اراکین بود صاحب خوش تحریر و خوش  
 تقریر بودند و علوم و ہمت بودند سدا قما در بار شاهی کردند حصول بوجہ شہ  
 و نیز و طیرہ بزرگان سلف در ذکر و عبادت الہی بودند مشغول تا کہ سلسلہ

خانمائی نرودیک پسرو یک دختر ایشان نیز بودند نام پسر میر سید جمال الدین  
عرفت سید فضل بود و دختر میر سید محمد باصر ابن محمد میر سید حسین که خدا شدند  
نام زوجه بود سماته سید ایک پسر ایشان از بطن این بی بی بوجود آمد می  
سید خیر الدین اصغر نوجوان وفات یافتند بعد این اعتقاد ننماند  
پسر چارمی قاضی عماد الدین میر سید جلال الدین بودند شادی ایشان  
در تقصیه منیر در اولاد حضرت مخدوم که دولت منیری شد از سماته سکینه  
بود از بطن آن بی بی یک پسر شدند می میر سید نجم الدین شادی ایشان  
در پنج اعام یعنی از دختر میر سید شهاب الدین از سماته فحیمه یک پسر ایشان  
سید پیر الدین فاکر خدا رحلت کردند و شادی ثانی میر سید نجم الدین ابن میر سید  
جلال از بی بی تطبیع عرفت گھاسی سونت میر سید قطب ابن سید احمد کبیر از آن  
بی بی یک دختر شدند نام بی بی طلیعه زوجه میر سید وجهه الدین عرفت سید بولون اولاد  
نماند نه پسر نه دختر می میر سید نجم الدین را پسر کلانی قاضی سید عماد الدین  
میر سید اکبر بودند شادی میر سید اکبر از سماته بر میعه دختر مخدوم شاه  
عبدالمجید تو آبادی گردید از بطن این بی بی سه پسر و دو دختر شدند پسر  
کلانی میر سید جبالگیر شادی ایشان از بی بی مدینه دختر میر سید عبدالرسول شد  
بایشان یک دختر و سه پسر کلانی پسر میر سید محمد که شادی اول ایشان  
از بی بی رمضان دختر شاه موسی صفی پوری که از اولاد مخدوم شاه صفی

بود و گردید از بطن این بی بی یک دختر بمشاه رقیه عرف بی بی چشتیا والده  
 حضرت شاه مجلیسین ابن میر سید محمد پادشاه که جدا بجد این فقر بود و نداد و  
 اسباط ماند الا شادی ثانی حضرت میر سید محمد ادا بی بی فاطمه عرف جمادون  
 خواهر سید شاه اعظم نوآبادی ابن میر سید محمود گردید از ان بی بی اولاد  
 اولاد دختر ماند و پسر دوم میر سید جهانگیر میر سید حامد بودند بی بی  
 یغمه دختر شاه ذکر با فریدی نسب کورجی گردید یک دختر از ان بی بی  
 شد سماء نصیر از وجه میر سید مظفر ابن میر سید محمود ابن میر سید محمد ابن  
 میر سید صدر جهان بودند یک دختر ایشان گردید پسر سوم میر سید جهانگیر  
 میر سید ولی بودند شادی ایشان از سماء آمنه دختر عم خود میر سید  
 عبدالمقتدر شد یک دختر ایشان سماء امیمه زوجه میر سید وجه الدین  
 عرف سید بولن زیدی نسب مذکور الصدر والد میر سید محمد حسن کیفیت فریت  
 ایشان ماقبل تحریر شد پسر دوم میر سید اکبر میر سید مکارم که شادی ایشان  
 در موضع بی بی پور شد از سماء رضیه عرف رجو دختر شاه محمد پادشاه یک دختر  
 و یک پسر شد نام دختر بی بی مکارم وجه سید شاه اعظم عرف سید سادات بی بی  
 والده حضرت شاه محمد مبارک قدس و نام پسر میر سید اکرم که خدائی ایشان  
 از بی بی رشید دختر میر سید جهانگیر گردید ازین بی بی و پسر و یک دختر سماء  
 بنی زوجه میر سید شاکر ابن میر سید مظفر نوآبادی و نام پسر میر سید محمد عرف

که از بی بی بی خواجه حضرت شاه محمد مبارک که خدا شد چونکه آن بی بی بی  
 عالم بودند در الدی ماند اولاد نشد و پسر ثانی میر سید عیاش الدین شادی  
 ایشان نیز در بی اعمام شد اولاد نشد اولاد دختر ماند میر سید مکارم  
 پسر سوم میر سید اکبر بودند میر سید عبدالمقتدر شادی ایشان در بار  
 در فرزندان حضرت بلخی گردید از بی بی زبیده یک پسر و یک دختر ایشان  
 نام پسر قاضی سید رکن عالم که شادی ایشان از سماه عفو اگر دید دختر مولی  
 محمد قائم قائم پوری که فرزند شاه اسمعیل برادر محمد دوم شاه عبدالمجید بود  
 یک پسر و یک دختر ایشان مسماة و صفه زوجه شاه بدرالاسلام برادر شاه  
 محمد ولی کورجی اولاد نشد الا پسر بودند میر سید عالم در عهد ایشان عمده قضا  
 اند قضا ازین خاندان شد جدا که خدائی ایشان شد از حضرت بهار بجله  
 مفتیان از سماه سبکینه دختر میر سید محبوب عالم الحصول و دختر ایشان  
 شدند سماه اقلیه و سماه سلیمه سماه اقلیمه زوجه شیخ اله یار مادر شیخ مجید  
 و پسر ایشان شاه مراد علی و شاه شمس الحق پسر ایشان وزیر علی ساکن  
 هر گایان و دختر شاه مجید از زوجه شاه و عدالدی بخلواری نواسه حضرت  
 شاه مجید الدیک دختر ایشان زوجه مولوی شاه ابوتراب ابن حضرت  
 نعمت الدیک پسر شد شاه عبدالحکیم اولاد ماند و نام پسر شاه و عدالدی شاه  
 محمد یوسف یک دختر ایشان زوجه مولوی محمد حسین ابن حضرت شاه نعمت الله

اولاد ایشان نیز مانند و نام پسر کلانی شاه محمد یار شاه مراد علی که از دختر شاه  
عاشوری انصاری که خدا شدند و دو پسر ایشان شاه داود علی که شادی  
ایشان نیز در بار محله انصاری شد و دو پسر ایشان شاه ممتاز حسین انصاری  
الا پسر و دم شاه مراد علی شاه محمد اکبر یک دختر ایشان زوجه شاه ظهیر الحق  
ابن مولوی ظهور الحق الا دختر دوم میر سید عالم بی بی و سلیمه شادی ایشان  
در موضع بی بی پور گردید از میر سید احمد علی که پسر خواهر میر سید قاضی کریم  
بود یک دختر این بی بی سماء کلیمه عرف بی بی گوید رزوجه قلندر علی ابن  
شیخ ابوتراب فریدی که رجوی یک دختر پسر بایم طفلی و خات یا قلندر الا یک  
پسر نام نامی میر سید حسین بخش بود و سیادات باقری یک دختر ایشان  
از محل اولی زوجه مولوی سید شرف علی نوآبادی ابن سید شاه سحبی علی و از  
زوجه ثانی دختر شاه احمد علی داماد شاه علیم الدین سجاد نشین و دو دختر و یک پسر

### شاه اظهر حسین

خاتمه کتاب انساب در بیان اجداد این خاکسار معروف سیادات  
باقری در ذکر اولاد میر سید صدر جهان ابن میر سید قطب الدین  
ابن سید تقی الدین عرف میر سید بوژهی کالپومی بیان بریک

### اصل و سه فرع و چند ثمره شجر

باید دانست سبب تشریف آوری میر سید تقی الدین بوژهی از وطن به بنام

رفتیم هر ملاقات او پدر او میر امجد حسین بمن گفتند برادر پدر تو هفتم از بنی  
اعمام این گفت آمده بحضرت والد ماجد عرض نمودم فرمودند لایب از اولاد  
سید حامد هستند چرا که مینا پوری اند در موقع مینا پور و حجه در آن میر سید حامد  
هستند بدین وجه نسب برادری کردند میان و نیز از میر امجد علی ساکن حردو  
ملاقات مذسب تشیع داشتند خود را از اولاد میر سید بودی میگفتند از فرزندان  
میر قائم و میر دائم القصه چون جناب حضرت میر سید قطب الدین در شهر پشته  
شدند مقیم شغل بود شیوه پیری و مریدی طور خاندان قدیم جستجو بست میر سید  
صدر جهان در خاندان شرفا جایا کردند اتفاق وقت قاضی سید عبدالفتاح  
معرف قاضی بڑی در دانا پور منصب قضا پر گنه پهلوانی بود مذاقات  
از سیادات رضوی نسبت دختر خود در خاندان شرفا میخواستند عندلاد را  
از جانبین شد قبول کنجائی میر سید صدر جهان از بنی بی محبه دختر قاضی  
سید بڑی شد الا اقامت میر سید صدر جهان در خانه آبائی ماند و در باب  
شاهی و ملی عمده جلیل کردند حصول خطاب امیر الامرا و پسر ثانی میر  
سید قطب الدین بود حضرت شاه پهل بر گزیده خدا و رسول مقبول  
اهل کمال حضور مانند و نیز خواهر شان ولیه کالمسبی بی انور مدعوی بی  
چلدهی انهم شادی نکردند قبول فاتحه هر دو برادر خواهر در خاندانم  
در شب برات بطور توشه می شود مانده و شکر و روغن حلوا بغیر آب میسازند



تیار بجز فرزند دیگر نمی خورد چون فرزند داشتند فرزندان برادر را گفتند  
 فرزندان نیاز تو شش بهر دو اما دمی خوردن حتی که نواسه نیز این دختر و دختر  
 می بزنند با حقیا ما تمام زوجه فرزند می بزنند بسبب و دان نمی بینند خدا داد  
 چه اسرار است بدین گفتار هر دو برادر و خواهر واقع هست و محصل  
 کجور کثره کچوری کلی و وصیت نمودند بفرزندان خود میر سید قطب الدین  
 برادر حاجی پور پائین فرار پدر بزرگوار دفن نمایند مطابق کلام حدیث یعنی  
 اجماع تحت الاقدام اما کلمه چنانچه وصیت فرزند ان تعمیل نمودند چنانچه  
 فرار حضرت میر سید تقی الدین سید بود همی زیر مسجد جامع حاجی پور واقع است  
 و باین مرقد میر سید قطب الدین است و زوجه هر دو بزرگ نیز زیارت  
 کرده ام جائے بر فرازی هست اهل حاجت را میشود حاجت برآرد حاصل  
 چندست سکونت در عظیم آباد ماند حال دانا پور که آنیک کیفیت سکونت گشته بود  
 شجره اصل باقری نسب اولاد میر سید صدر جهان بر سه فرع

بر فرع کیفیت هر یک میر

واضح باد میر سید صدر جهان از طبق بنی بی مجیده زوجه ایشان سه پسر شدند  
 کلان میر سید محمد سبب شادی اولادشان مقیم در نوا بوده کلان پسر  
 ثانی میر سید اولیا فرزندان این بزرگ نسب مصاهرت مقیم دانا پور  
 پسر سوم میر سید عبدالواحد زیت ایشان سیاه قدیم آبابی شهر شینه

انتقال در آنجا در ایام سفر در اولاد شاه عبدالعزیز کرمانی انصاری که  
هنوز در آنجا مزار فاضل الانوار است بمقام خشک بکمره شادی نمودند و اولاد  
شد چنانچه حضرت سید شاه ولی الله والد ماجد جدا مجد در ایام سیاحت  
از اولادشان نمودند ملاقات و کردند و در آن کفویت نسبی بیان کردند  
با هم سید باقری از فرزندان سید بوذهی اولاد سید علی ابن سید تقی الدین  
بوذهی واضح بود سید قطب الدین را و پسر و یک دختر و نیز برادر متوسط  
ماند همراه میر حامد چون سید قطب الدین را که خدائی بخانه بشر فرار  
ایجواری رسید صدر جهان پسر کلانی مفقود کردید مسعود این خبر شنید  
تردد آنجناب فرستاد پیام بهر مصاهرت از دختر خود که بود جمیل و عقیده نجات  
مامل نمودند و جواب هیچ نفرمودند بار دوم بذریعه نامه شد خواستگار جوان  
نواشته فرستادند بدو کلمه بالا قصار ای بادشاه دین پناه تو بادشاهی منشر  
سلاطین زبده اولاد افغانه و مغول و این فقیر حقیر خلاصه ذریت از  
سیادات است و نیز بفرقه شعا پسر مریدی بجهت طور باشد قبول الحاصل مصاهرت  
تو بمن نمی زید مسعود شاه مضمون نامه دیده چنین بر چنین کسیده گردید لول  
جواب نوشت مختصر از بیط طول اگر از من مصاهرت نمی زید بر آنجناب  
صیغه وزارت نیز نمی زید خط دیده رک با تهمی خوش کرد فوراً ترک وزارت  
کردند و عطیه و که بود موجه معاش برورد کردند و آنجا بر جا خاطر گشته

مع اهل عیال غم شهرت عظیم آبا و نمودند برادر متوسط خود را مجبور شدند  
 همراه آوردند میر سید حامد و آمدن بیت جلد حواله کردند انکشاف شد بانجناب  
 تو بطمع وزارت از و میخواست مصاهرت خوب نیست من قطع نموده مصاهرت  
 تو را فسخ گشتی مغل شدی بطلب مراد هستی خیر خدا داند که تو ننگ خاندان  
 شدی القصه از انجام مع اهل عیال عبور گنگ شدند جاسه بخیر کرده  
 بیرون شهر تکیه مسجد بنا ساخته اقامت کردند میفرمودند جناب حضرت  
 جد الاحمد انجاسه آباد و دوقریب گو غریبان حال اندر شهر داخل است  
 قوی کچوری کلی محله کچور کمره و حال اولاد میر سید حامد بسبب و عابد برادر  
 همان شد که از دختر مسعود شاه شادی نمودند بطمع وزارت نصیب نشد  
 ان منصب دخترش نیز بمرد اولاد آن بزرگ ندهب رافقی دارند و  
 مصاهرت در میان افغان و مخول جاریست باستماع آمده بعد چند مدت  
 بین اولاد هر دو برادر مصاهرت گردید نوشته و عروس وقت مراجعت  
 بارات در دریا شدند غریق بجهت تمتع مصاهرت شد ما بین هر دو فریق تنی که  
 شادی نسب ناسازداری بعبر رگنگ نیز نمی سود این بیست فقرت بنظر  
 روزی عند الملاقات میرا بر ایهیم علی جهری شیعه ندهب گفتند که من اولاد  
 سید حامد این سید بودیم هستم و هنگام قیام در قصبه چیره و جناب حضرت  
 والد ماجد از شخص ازین فقیر رابط ملاقات شد پیدا ادا حسین بود نام روز

اجتماع است از حضرت جلال‌مجددین بطوریکه مستمع شدند از ابا اجداد خود هرگاه  
 داود شاه بادشاه ابن محمود شاه بادشاه کالپی که از مریدان اینچاندان بود  
 از وطن خود آمده سلطنت دیار شرقی گرفت و مقام حاجی پور عبور گنگ شهر نشین  
 تحت گاه خود نمود چون تسلط تمام یافت بشهر کالپی عرضیه به پسر زادگان  
 نوشت بدین مضمون که از حاضری خود معذورت بس سلطنت اینچازینخواهد  
 اگر اینچاکس صاحبزادگان تشریف آرند بدینچواربردستان عالی تبار بیت  
 تمامیم و اگر مع اهل تشریف آرند نذر نمایم بد معافی دیات بهر اخراجات وغیره  
 منقول است هرگاه بدینطور نامه شاهی شهر کالپی بحمله محمود دوره رسید  
 با خود با در احوال اولاد میر سید محمد کالپی و میر سید احمد کالپی و میر سید ارشد  
 کالپی شوره گردید بدین معنی که درینچاهنوز پیری مریدی سلسله بانی جاریست  
 وایمه و نذر درگاه بهر مدد معاش از عطیه سلطانی موجود است بهر کفایت حاجت  
 رفتن بدینصوب سناست که برویم و این را ترک نمایم اگر چنین استدعاست  
 داود شاه بادشاه از برادرانم میر سید تقی الدین سید بودی در انچازین  
 چرا که جم از پامی اند معذورت بسیار عیال دار رفتن ایشان پر ضرورت و تکلیف  
 اوقات پاست شکسته بنشیند چون صلاح اخوان چنین شد حصول جناب حضرت  
 میر سید تقی الدین مع اهل و عیال از کالپی روانه شدند بدین دیار و رسیدند  
 بمقام حاجی پور داود شاه مکرم نمود و بیت کرد حصول و معین نمود و دیات

بهر کفایت بهر معانی می نگارند چون تشریف آفریده از آنحضرت زوجه بودند و سه پسر  
 یکی میر سید قطب الدین که شادی این بزرگ در وطن خود از دختر عم بی بی فخرت  
 دختر میر سید عبدالحی ابن میر سید جلال الدین گردیده بود و نام زوجه حضرت  
 سید تقی الدین سید بوذهی بی بی خدیجه بود و حضرت بی بی پچول چنانچه منعم  
 پچول پور بطور نذر بهر معانی بی بی صاحبیه نموده بود و می پسر میر سید علی نوجوان  
 القصد بعد چندی داود شاه ییاق جوهر و صفائی دیده و منصب وزارت بخدمت  
 میر سید قطب الدین تفویض نمود و یک موضع خاص بهر صورت انجناب نذر  
 از محال موضع خیر موسوم شد بنام قطب پور حیر هرگاه جلال الدین اکبر شاه  
 نهضت از دہلی نمود بهر ملک گیر می دیار شرقی داود شاه خبر آمدن بادشاه  
 اکبر شنیده و در خود تاب مقابلہ ندیده سوس دیار شرقی کرد و فرار در اینجا رفته بهر سلطنت  
 حسین شاه بادشاه بنگاله سلطنت آن تاب مقابلہ نیامده نال چار ران  
 جان در شیر زنی شود بر باد خون ناحق بر سر من افتد بافتاد ترک سلطنت کرد  
 صحرائین شد عزلت چون بمقام حاجی جلال الدین اکبر شاه رسید داود شاه  
 را ندید گفت فرازشنید پس داود شاه بحضور بادشاه دست بسته بعد خواهی رسید  
 بادشاه قلم عفو جوهر ارم کشید خراج بر مقرر نمود تا ج بخشی کرده روانه سوی دہلی شد  
 مسعود شاه بغاغ بالی سلطنت نمود و منقول است همراه لشکر داود شاه و میر سید  
 یسر سوم میر سید بوذهی نیز برانصوب روانه شدند چنانکه الدار جد کرده بودند

نامند اولاد ایشان حالا در کورجی اند

## فرع اول شجره اصل

واضح گردد که خدائی میرسید محمد پسر کلانی در نوا ماده خورد گردید و اولاد  
حضرت خوند شیخ گردید و زنی اعمام حضرت محمد شاه عبد المجید  
نوا بادی ساکن نوا ماده کلان از بی بی بدریه از بطن این بی بی پنج پسر شدند  
یکی میرسید محمود دومی میرسید عبدالرزاق سومی میرسید عبدالوهاب  
چهارمی میرسید تاج الدین پنجمی میرسید نظام الدین شادی این برادر  
همچو اگر دید در اطراف جوار بکفویت شرفا ز نامداران کیفیت ذریت ایشان  
هر یک در یافت نشد که درین اوراق تحریر می نمود الا سماع هست از بزرگان  
ذریت میرسید نظام الدین در موضع رسول پور بودند و اولاد بعضی در نظام پور  
و اولاد بعضی برادر در السور و الا سمرقند شاه کریم بخش مجذوب ساکن  
تنه از اولاد بنیستگان میرسید عبدالرزاق ما میرسید نظام اند می گفتند  
نسب مصاهرت دیار دیار بعد پیدا شد الا کتبی میرسید محمود در نوا ماده  
کلان شد از بی بی تاجا بنت محمد شاه عبدالمجید ابن حضرت محمد شاه  
عبدالمجید که ان بی بی عارفه صاحب کمالات و کرامات بودند و خاندانم هست  
مشهور از انوقت اقامت اولاد میرسید محمود در نوا ماده شد چه که دیگر اولاد  
پسری نماند باید است میرسید محمود از بطن این بی بی دو دختر و پسر

شدند اول کیفیت دختران بعده ذکر آن که طویل است یک دختر را نام بود  
بی بی فاطمه عرت بی بی جهان نون زوجه میر سید محمد ابن میر سید حبیب  
دانا پوری از بطن این زوجه اولاد نشد بعد انتقال شوهر در نوباد ده شدند  
مقیم دومی بی بی کریمه از شیخ امان الد که خدا شدند سه پسر ایشان یکی  
شیخ عظمت الد و دومی شیخ احمد الد سوم شیخ عرت الد از انجمله شیخ احمد الد  
لا ولد پسر شیخ عظمت الد شیخ شریعت الد اینها از فرزندان مخدوم شاه صفی  
صفی پوری بوده اند الا اقامت این صاحبان از پشت چند موضع قائم بود  
بوده است یک دختر میر شیخ امان الد بودند سماء حیاتن در اقران کفر  
شدند و احوال شادی شیخ عظمت الد و شیخ شریعت الد دریافت نشد الا  
شادی اول شیخ عرت الد پسر سوم شیخ امان الد از دختر شیخ اسمعیل ولد  
مولوی محمد قائم قائم پوری شده بود که از یک بنده گان مخدوم شاه عبید  
نوابادی بودند از بطن این زوجه یک پسر سہمی پسر شیخ الد یا که از دختر  
میر سید عالم این قاضی سید رکن عالم رضوی دانا پوری شد شادی  
از بطن آن بی بی سماء اقلیم شیخ محمد یا پسر شدند والد شاه مراد علی و  
شمس الحق کیفیت تبصریح بالا این تحریر شد و شادی دوم شیخ عرت الد  
از بی بی ابدل دختر حضرت سید شاه محمد مبارک قدس سره گردید از بطن  
آن بی بی یک دختر بی بی ملیحه نام زوجه میر سید نصیر الدین احمد دانا پوری

قدس سره و نیز تربیت معنوی عمر شد تمام کمال عزت و جاه و جلال شادی  
 اول ایشان گردید از دختر بی بی حبیب با روجه شاه عنایت حسین که داماد  
 و خواهر زاده شافق علی شیمی بودند ساکن شیخپوره نام بی بی بود بی بی  
 اولاد نشد از آن بی بی تا که رحلت کردند شادی ثانی از دختر قاضی محمد حسین  
 خواهر سید عابد حسین گردید انهم فوت شدند اولاد شد از عقد ثالث که نام  
 بی بی گلاب بود یک حبیه متولد شد در سماء و حبیب النسا از سید شاه علی احمد  
 ابن سید شاه ولی احمد بلخی که خدا شدند چند دختران از بطن این عقیقه شدند  
 هر یک جایجا در شرفا منسوب شد در فرزندان دختری اند که پسر نیز تولد شدند  
 در عالم طفولیت فوت شدند شاه احسان الدین دو برابر و چهار خواهر آن  
 بودند اولاد یک خواهر بی بی لکھو شاه نور الدین احمد عرف شاه بساکن  
 و شاه کریم الدین و شاه منیر الدین احمد عرف شاه محمدی اند کیفیت اولاد  
 ایشان در فرزندان حضرت مخدوم الملک نوشته شد باقی حال خواهران  
 هر سه دریافت نشد الا برادر ایشان سیرزین الدین یا میر حسین الدین عرف  
 میر حسین بودند همرفت میر برکت علی فرید پوری یک دختر ایشان روجه  
 برهان علی خان مادر محمد حسین خان فرزند ایشان مهدی علی خان پسر ایشان  
 مادی علی خان موجود اند و دو پسر کمی میرامنت علی اول شادی ایشان  
 میر برکت علی فرید پوری یعنی از خواهر موی سید امان علی شده بود که دختر



شد زوجه شاه قمرالدین احمد ابن شاه نصیرالدین احمد عرف محمدی چون آن  
فوت شد هرگاه شادی ثانی میرمردوح از دختر مولوی نصیرالحق نمودند یک پسر  
و دو دختر شد به عالم ضعیفی یک دختر باز منسوب کردند از شاه قمرالدین مذکور  
و یک دختر زوجه میر الفت حسین پسر نواسه میر حسین مذکور و پسر انا م علی الحق  
میر حسین را یک دختر دیگر نیز بود مادر سید اختر حسین و جد سید الفت حسین  
مذکور و پسر دیگر نشی سید عبدالعلی خوشنویس داماد حضرت شاه اولیا علی

مذکور الصدر در اینجا ترکی تمام شد

شماره دوم در بیان حال دختر ثانی میر سید محمد ثانی مسماه بی بی  
عابد زوجه شاه فتح علی شعی

راضی باد بی بی عابد ز دختر ثانی حضرت میر سید محمد ثانی از جناب شاه تهماسبی  
شعی نسب شیخپوری که خدا شد از لطن این بی بی سه پسر و دو دختر  
یک بی بی حیدبا که از شاه عنایت حسین شیخپوری خواهر زاده شاه  
فتح علی مرحوم که خدا شدند و دو دختر شدند یکی زوجه نشی سید محمد خلیل  
اولاد نما کیفیت دیگر معلوم نشد الا یک پسر شاه ولایت علی نوجوان  
صل ملک بقا شدند و می شاه احمد حسین دعوی میر جی که در سر  
نواب احمد علی خان نومی اقتدار بودند اول شاه بی ایشان از دختر خال خود  
میر سید نورالدین احمد شدند مسماه هرا دن النساء چون از آن بی بی

سید اکبر و پسر و دو دختر بود آمد یک دختر زوجه حضرت شاه محمد مبارک  
سماته مدینه ثانی سماته زاکیه زوجه شیخ عتیق الدین شیخ کندائی ابن  
شیخ ولی الدین سماته دهمین گردید نام پسران آنجناب بود سید شاکر و سید  
نام سید رؤف کتخائی هر دو برادر در دانا پور از دختران اعمام شد

اولاد نماند جز اولاد دختر

نهم سوم در ذکر میر سید محمد مظفر فرزند سوم میر سید محمد ابن میر سید محمد  
بدانند میر سید محمد مظفر از تهریت و تربیت تعلیم از برادر اعظم بود و شادمانی ایشان  
از بی بی رحمة دختر میر سید حامد ابن میر سید جهانگیر گردید یک پسر شد از آن  
بی بی سیدی سید حیدر نوجوان بمبردا عقاب نماند ذکر فرزند آن میر سید محمد ثانی  
باز اعادة مینمایم تبصریح نام پسران میر سید حامد محمود و میر سید نور الدین  
و نام دختران سماته با صره زوجه اولی حضرت سید شاه ولی الدین حضرت  
شاه محمد حسین دانا پوری از بطن این بی بی دو دختر و یک پسر نام پسر بود  
غلام نبی بعد دو سال بمبردا والد دختران دختر کلانی سماته با صره بی بی مجیده  
از میر سید احسان الدین رومی نسب ساکن بانس میگیر که خدا شد نزار بط  
این بی بی یک دختر شد و دو پسر نام دختر بی بی نجیده که خدا از شیخ  
محمد نسیر انصاری بھاری که پسر رومی عثمان بی بی بودند در صغری نبوه  
شدند اولاد نشد پسر کلانی میر احسان الدین سید شاه اولیا علی بیعت

ایشان را و تربیت بطریق عالیة قادریه از حضرت شاه نعمت السقا درمی  
 جیبی دارشی سجاده نشین چلواری و شادی ایشان نیز در قصبه چلواری  
 گردید از خواهر شاه محمد اشرف عرف اچومیان ابن سید شاه رحمۃ اللہ  
 عرف شاه دودمن ابن شاه بزرگ عالم ابن سید شاه احمد ابن سید شاه محبوب عالم  
 ابن سید شاه غزالی ابن سید شاه حبیب الدین ابن حضرت مخدوم شاه  
 فرید ابن مخدوم شاه اسمعیل ابن مخدوم شاه محمد جمال ابن سید شاه انور  
 عرف شاه بیگم ابن مخدوم شاه حاجی ابن سید فضل الدین ابن حضرت  
 شاه سم الدفید یاز بتیمم الله گردید که در اولاد حضرت مخدوم ساه رحمۃ اللہ  
 بودند نواسه حضرت مخدوم شهاب الدین پیر جگجوت نام زوجه بود بی بی و بیست  
 که عمه مولوی محمد حمید و مولوی محمد یعقوب پدر مولوی رضی الدین مولوی محمد ابراهیم  
 صدر اعلی بودند ابنان شاه محمد اشرف الغرض از لطن این بی بی یک پسر شدند  
 نوجوان رحلت کردند نام بود محمد اقیان و نیز یک دختر سماتہ مدیحہ عرف مدو  
 زوجه منشی سید عبدالعلی ابن میرزین الدین عرف جتین برادر میر سید احسان الدین  
 مذکور الصدور ابان بی بی اولاد نشد و پسرانی سید احسان الدین ترجمیل  
 منشی بعیدیل خوشنویس منشی سید محمد خلیل تربیت ظاهر از خال شد سید شاه  
 شمس الدین حسین و خوشنویسی تلخیص نواب احمد علیخان بیعت ایشان را  
 بطریق عالیہ ابو العلامه نقشبندیہ از جناب حضرت سید شاه خواجه ابو البکرا

ابن جناب حضرت سید شاه محمد حسین قدس سره الاولاد و نش

شمره اول شجره اول بزرگ فرزندان میر سید محمود ابن میر محمد

باید دانست میر سید محمود سه پسر میر سید اعظم عرف سید شاها و بمی میر سید  
معظم سومی میر سید مظفر میر سید اعظم عرف سید شاها پسر کلانی که صاحب  
کمالات بودند و تصرف و کرامات بانحضرت بیعت و تربیت باطنه یکی از خوا  
دانا پور از میر سید محمدا دانا پوری بطریقہ عالیہ چشتیہ بود حصول عارفانہ  
بودند صاحب وجد و حال با کمال شادمانی انحضرت در دانا پور شد از بی بی  
مکنا دختر میر سید مکارم رضوی دانا پوری از ان بی بی یک دختر ش بی بی  
بنی زوجه میر سید محمد عوث از میره میر سید مکارم اولاد شد الا خلف الرشید  
حضرت بودند حضرت شاه محمد مبارک قدس سره شمع بزم مشایخین زمانه  
حالات انحضرت چنین است که در او اهل عمر از وطن بنیت تحصیل علم ظاهر  
و باطن ساحت کردند اختیار با بصهار و دیار بحیات والد ماجد وجود بیان است  
بزرگان بعد تحصیل علم ظاهر از شهر دہلی رفتند بسوی حیدرآباد ملک کن  
از عمه الشایخین العرقہ العارفین ملاومت شد حصول بیعت کردند بطریقہ  
عالیہ قادریہ و از تربیت العلم باطنه یافتند رتبه کمال و خدمت مانده  
چند سال چون بست سال گذشت در بیت سفر و مفارقت پدر بزرگوار طلب  
والد ماجد خود را انجا سوری موطن مراجعت کردند از والد ماجد خود نیز در

حاضری صحبت و فائق باطنه انکشاف شد چنانچه والد ماجد نیز از طرف  
 بسلاست خاندانی مجاز کرده و بر وسع خود سجاده نشین خود نمودند چنانکه  
 استعداد وافر داشتند لطلب فیض باطنه بعد انتقال والد ماجد دریم  
 رفته بصحبت حاجی تاتار ماندند انجناب را طریقه تربیت و تعلیم سر نیز  
 محدود بود و رشد ظاهر شد بسیار فیضیاب شدند مردمان اطراف و دیار  
 در زمان نواب علی درو خان هما بت جنگ و عمر شریف نیز فریب نود سالگی  
 رسیده بود که رحلت کردند شادی از دختر عم الاوسط گردید از بی بی یکم  
 دختر میر سید محمد معظم و دختر و یک پسر شدند بانحضرت نام دختر بی  
 ابدال از وجه شیخ غوث الدار مکروره بالا دختر ثانی بی بی دولت جهان  
 که یک از حارثه کامله بودند زوجه حضرت سید شاه محمد حسین دانا پوری ابن  
 میر سید محمد باهر و پسر را نام بود میر سید محمد ایشان را نیز بیعت و تربیت  
 از والد ماجد خود بود شادی میر سید محمد ثانی از بی بی حیات دختر ابن شیخ  
 امان الدار گردید بی اولاد شدند و پسر و چار دختر بعد از ذکر فرزند دوم و

سوم میر سید محمد خواهر گاشت چرا که در طول آن

شماره دوم در بیان کیفیت میر سید محمد معظم پیرم میر سید محمود

راضع با میر سید محمد معظم را بیعت و تربیت و تعلیم معنوی از برادر اعظم خود شادی  
 ایشان در حانا پور گردید از بی بی خاتون دختر میر سید عبدالقادر ابن میر

بی بی زوجه شاه لطافت علی شیخپوری والدہ میر عبدالحسین کے ذکر اولاد  
 ایشان نموده شد پس دوم بی بی عابدہ زوجه شافع علی مذکور سید  
 شاہ ابراہیم حسین عرف شاہ بھوجو کہ ایشان را بیعت بطریقہ فرودہ  
 ارجناب حضرت مولوی سید شاہ حسن رضا قادری شعی شد حصول  
 و نیز تربیت معنوی شادی آنجناب در موضع رسولپور گردید و دو دختر شدند  
 یکے سما بیکن زوجه مولوی فرحت علی کورجی یک دختر ایشان بی بی  
 مریم زوجه شاہ حسین علی ابن مولوی سید اشرف علی مذکورہ بالا ذی لا  
 شدند دختر ثانی سماہ رحمن زوجه سید معظم ابن تیر مظفر حسین عرف  
 میر گلویک پس و یک دختر ایشان پس سید امیر الدین و دختر انا مسماء  
 حیاتن زوجه میر شجاعت حسین ابن میر فرحت حسین وکیل صدر ساکن  
 بہہو یک دختر ایشان مسماء براتن زوجه میر لطافت حسین والدہ سید شاپور  
 و شاہ ابراہیم حسین را از لطن منکوحہ و دو دختر بودند نیز ذی ولد اند و یک  
 شاہ نعمت حسین و دختر ثانی شاہ فتح علی و بی بی عابدہ مسماء اما مالہا  
 زوجه شاہ خادم حسین عرف شاہ بھوجو سجادہ نشین آستانہ حضرت  
 سید محمد میر و مریا چون اولاد نشد کہ معاش از جانب زوج خود یکی  
 بہت البتہ برادر مذکور الصدور دادند مالک ملکیت نمودن آن معاش  
 بقبضہ میر لطافت حسین و اما دیر شجاعت حسین مرحوم بہت میر لطافت

ازین بی بی چهار دختر نیز اندوخته پس رسید حامد حسین شادی سید شاه حسین  
 ابن میر لطافت حسین از دختر مولوی سید شاه حسین ابن مولوی سید و احمد  
 شندوی اولاد اندامدار السدان نور دید لیاقت هر گونه دارند عربی و فارسی  
 حیثیت تمام السد تعالی اولاد یعنی پسر با و عطا فرماید شمره سوم در ذکر دختر  
 سوم میر سید محمد ثانی مسماة بی بی مریم که خدائی ایشان بقصبة میر شاه  
 کرامت السدان شاه نجابت السد گردید اولاد نشد شمره چهارم در ذکر دختر  
 چهارم میر سید محمد ثانی مسماة عارفه از میر غلام جیلانی علوی نسب ساکن  
 نظام پوره که خدا شدند از بطن این عقیقه یک دختر و یک پسر شد میر  
 غلام صمدانی که از دختر شاه نور الحق نوآبادی که خدا شدند اولاد نشد دختر  
 بی بی عارفه مسماة معروفه بادشاه جنگلی که از دختر شاه شمس الحق ابن شیخ محمد  
 که خدا شدند داماد شاه جنگلی شاه محمد اسحاق اصل سکونت قصبه بجاره انصاری

انصاری نسب راقان مولود اعطا حق

شمره اول شجر اولی فرع اول اصل اول در بیان اولاد میر سید محمد ثانی  
 انور باد پسر کلانی میر سید محمد ثانی میر سید حامد محمود که زیب سجاده جد بزرگوار  
 بودند شادی اقتدار صوبه اس شادی ایشان از مسماة ترکیبا دختر مولوی  
 شاه احمد نوآباده خورشید یک دختر ایشان مسماة یحیی که شادی ایشان  
 از شاه ضیاء الحق اس شاه نور الحق ساکن نوآباده خورشید که بدین دختر ایشان

یکی سماءه مخدومه زوجه جناب حضرت شاه بهی علی که ذکر ذریت ایشان بالا گذشت  
دومی سماءه مستقیمه ولادت شد با نشان سومی سماءه سکینه زوجه شاه محمد یعقوب  
معین الحق بنکر اولاد ایشان در نسب اجداد بیان شد حاجت تحریر نکر نیست  
شمره دوم شجره اولی فرع اول اصل اول در بیان اولاد فرزند ثانی  
میر سید نورالدین ابن میر سید محمد ثانی بر چهار نسب هر چهار پسر  
باید دانست میر سید نورالدین احمد ابن میر سید محمد ثانی بعد برادر کلان محیط و  
قابض بر معاش پدری و جدی شدند تا قبل در حیات برادر خویش مطیع اند  
هر برادر کلان ثانی هر چهار خواهران را از ترک آبی محروم ساختند و کار خود  
پرداختند بلکه حاصل کرده حضرت شاه ولی الله ابن حضرت شاه محمد حسین  
که زوجه خود سماءه ناصره دادند در انهم شریک شدند شادی میر سید نورالدین  
یکه بعد دیگر از دو دختر شیخ شریعت الله ابن شیخ عطلت الله و الله شیخ  
امان الله گردید از هر دو بی بی و دو پسر شدند نام زوجه اولی بی فاضله  
بی بی فاضله از بطن این بی بی و دو پسر یک دختر زوجه ثانی نام بود بی بی

حکیمادو پسر از ایشان

نسب اول شمره دوم

در ذکر پسر کلانی میر سید مظفر حسین عرف شاه کلن نبیره سید محمد ثانی  
بیعت ایشان اجداد مجرب از پدربزرگوار بود صاحب سجاده شادی اول



ایشان در موضع هلسه ازدختر میر ولی الله محمد میر سید عظیم الدین رضوی  
 شده بود نام زوجه ایشان معلوم نشد یک پسر شد ازین زوجه میر سید معظم  
 داما شاه ابراهیم حسین ابن شاه فتحعلی زوج مسماة رحمن یک دختر مسماة  
 حیاتن زوجه میر شجاعت حسین نذکوا القدر پسر سید شاه امیر الدین که ازدختر  
 میر اسمعیل علی ابن سید فزند علی ساکن همدانی عظیم آبا که خدا شد یک دختر  
 و یک پسر ایشان دختر مسماة علیمه زوجه سید محمد واجد ابن شاه حسین علی  
 لا ولد در مکه معظمه وفات یافت و نام پسر سید مظفر حسین که ازدختر میر سید  
 بهاری داما و بیلا علی ساکن جوئری کتخت است الله تعالی ذی ولد نام  
 و از شادی دوم میر مظفر حسین دو دختر که ازد و پسر مولانا مسافر رحمه الله علیه  
 که خدا شد کیفیت ذریت دریافت نشد الا پسر علیقدر میر مظفر حسین سید  
 هدایت حسین رعو جلوا دل شادی ایشان از بی بی حسینا دختر شاه  
 محمد یعقوب علیه الرحمه شده بود اولانش از شادی ثانی که از خواهر شاه  
 محمد علی شیخپوری شد و پسر نام یک سید سخاوت حسین نام دومی یا نصیبت  
 از خواهر این هر دو برادر روجه شاه امین الین احمد ابن شاه امیر الدین  
 علیه الرحمه سجاد نشین بهار و خواهر شاه مظفر حسین مسماة مرادن روجه

شاه احمد حسین عرف پیر حمی نذکوا القدر برادر او را نشد

نسبت دوم ثمره دوم و تیره اولی فرع اول اصل اولی و ربیان

دکتر سید شاه فرحت حسین عرف شاه جان ابن ثانی میر سید نور الدین احمد

چو شیده مباد میر سید فرحت حسین عرف شاه جان ابن ثانی میر سید نور الدین احمد  
 ییاق تظاہری کرد و فر بسیار داشتند که خدائی ایشان از دختر نشی علی حید  
 که یکی از فرزندان مخدوم شاه صفی صفی پوری بودند گردید و مخدوم دبلیا معشیت  
 بگرد و فر گذرانیدند از منته تقدیری کسی اولاد نشد برادرزاده کلانی میر سید  
 محمد معظم پسر میر مظفر حسین پسر ششم ساختند و حصه ترک معاش خود بان  
 فرزند دادند مالکث قابض آن ترک پسرشان سید شاه امیر الدین گشته حالا پسرشان

نسب سوم شمرده دوم شجر فرج و اصل اولی و ذکر اولاد میر سید احمد حسین  
 پسر سوم میر سید نور الدین احمد

انور باد پسر سوم میر سید نور الدین احمد میر سید احمد حسین بودند که ییاق  
 وحشیت ظاہر و باطنی بسیار داشته در مزاج امارت و ترک بود و کمال شادی  
 ایشان از سماة لطیف بنت حضرت سید شاه اطیب الله اولاد و  
 سجاده نشین میر سید محمد قادری امچہری گشتند از لطن ابن بی بی دو دختر  
 و یک پسر شدند دختر اول روجه میر محمد حسین ابن میر حامد حسین دو دختر و  
 یک پسر ایشان یک دختر روجه سید افضل حسین دو پسرشان دوم دختر  
 شاه فرید الحق ابن شاه ظہور الحق و نام پسر سید امجد حسین و نام  
 دانش شیر سید شاه فضل حسین قادری ایشان را بیعت از خبا محض

جد ماجد من حضرت سید شاه غلام حسین دانا پوری و تربیت باطنیه از حضرت  
سید سایه یحیی علی رحمتہ ایشہ علیہ بفضلہ تعالیٰ ہر گونه بیعت و حیثیت ظاہر  
و باطنی دارند صاحب سیقہ شادی اولین ایشان از دختر خال شدہ بود  
یعنی از سماء و جیدن دختر سید شاه عبدالرشید عمی عرف شاہ جی ابن حضرت  
سید شاہ اطیب اللہ رحمۃ اللہ علیہ پھر می چون از ان یک دختر شدہ  
انہم نمایند و بعد عرصہ کردہ زوجہ انتقال جنبام بموضع نیاوان پرگن  
او کرمی کہ معاش جانب حصہ مادی و خسر پورہ ہست تکلف بسیار با عرا  
حال خود دنیا میں سال از دختر میر محمد اسمعیل ابن میر فقیر اللہ ساکن آہر  
شادی ثانی کردہ اند بفضلہ تعالیٰ یک دختر تولد یافتہ شد نام عوث بانہی  
نہادہ اند بجز مت حضرت پیر دستگیر عوث الثقلین ترقی حیات کشید و

خواہر خور و سید شاہ فضل حسین زوجہ شاہ محمد باقر مومنی اولاد شد

شمرہ چہارم از شجر اولی فرع اول اصل در بیان ذکر اولاد میر سید

حامد حسین فرزند چارمی میر سید نور الدین احمد نوادی

مہر بن باد شادی میر سید حامد حسین از دختر قاضی بہنکو ساکن مادہ گرد  
و بیعت ایشان را نیز از حضرت جد ماجد این فقیر ست کہ بقرابت جدی  
برادر پودہ اند صاحب توقیر و ذی تدبیر بود میر حامد حسین صاحب اللہ تعالیٰ  
سہ پسر و دو دختر ایشان بخشید و انہا تیرہ اولاد ہستند پسر کلانے میر سید

حاج حسین مذکور الصدر داماد میر احمد حسین عم خود دختر کلانن ایشان از سید  
 افضل حسین عرف محمد حسین ابن سید شاه غلام حسین سلموی که خدا شد و پسر  
 یکی از ان سید الفت حسین که شادی اول از دختر شاه مظهر الحق گردید چون آن  
 زوجه اولاد گذاشته رحلت کردند شادی شانی از خواهر شاه فرید الحق این  
 شاه مظهر الحق گردید دختر دوم سید محمد حسین که از شاه فرید الحق منسوب است  
 ذمی اولاد نیست نام پسر سید محمد حسین شادی این عزیز بجای بهترین  
 و صاحب دی ثروت بود فضا نموده یعنی از دختر پسر میر مقصود علی ساکن  
 لکهنو جا لاهور شادی نکرده اند الله تعالی توفیق بخشد پسر ثانی میر سید جاهد  
 میر سید کریمت حسین که لیاقت ظاهری بسیار داشتند که فدائی ایشان  
 از دختر شاه احمد علی بهاری گردید یک پسر دود دختر ایشان شد پسر سید  
 ولایت حسین منفقید آن دختر و دختران منسوب بخانما سببتر مذکور الصدر  
 ذمی اولاد اند پسر سوم سید امانت حسین نوجوان فوت شد ذال الحلق  
 چهارم میر سید کفایت حسین که انیس همسر ان فقیر اند صاحب بقیه و  
 تبهیر شادی ایشان از دختر میر احمد علی ساکن کرمان پسر اس گردید بود  
 چون بی بی قضا کردند باز بطرف شادی نشد اقضا اولاد ندرد بجز برادر  
 بیعت این هر دو برادران از والد ماجد خود است صاحب اجازت و کلانن  
 بیعت از جناب سید شاه یحیی علی قدس سره بطریق عالیہ حشمتیه گردید چرا که

اسلات مایان همه چشمتی طریقه سید اشتند و خواهر ثانی ایشان زوجه

میر اسمحیل علی ابن میر فرزند علی اولاد شد از ان بی بی

فرع دوم اصل محل اولاد سوم میر سید صدر جهان ابن میر سید قطب الدین  
 باقری نسب بر بیان اولاد میر سید عبد الواحد سپر سوم میر سید صدر جهان  
 واضح باد حضرت میر سید عبد الواحد سپر سوم میر سید صدر جهان که هر سر رشته  
 پیری و مردی و تربیت تعلیم آبا و اجداد بودند بیت ایشان از اولاد حاجه خود بود  
 چندے نیابت قضا خسر و خال خود میر سید قاضی عماد الدین نمودند آخر انهم  
 ترک نمودند شادی ایشان از دختر میر سید قاضی عماد الدین ابن قاضی  
 عبد الفتاح قاضی سید پیرے دانا پوری که خال ایشان بودند گردید از بی بی  
 و اصله عرف و صلاً دختر قاضی سید عماد الدین از برطن ابن عقیفه کیخت  
 و دو پسر شدند نام دختر بی بی صدر اشادی و بی بی اعام شدند و نام پسر کلان  
 میر سید محمد فضل و ثانی را نام محمد اجل که در عین سباب جوان ناکند  
 رحیل ملک بقا شدند اعتقاد نمایند الا شادی سید محمد افضل از بی بی  
 میمنه دختر سید جلال الدین ابن قاضی سید عماد الدین گردید از برطن  
 زوجه و دختر خان یک پسر و یک دختر تولد گردید دختر ناکند اذ فات یافت  
 نام پسر میر سید عبد لشکور که جوهر ذاتی و صفاتی پنداشتند بسیار پلیده مردم  
 دانستند و هو شیاء در اقران مغر و ممتاز مدبر بار خاهی بمده جلیل القدر سرقران

شادی ایشان گردید از بی بی رسیحه دختر سید امام الدین ابن میر سید نظام الدین  
 ولد میر سید محمد ولی در بنی اعمام خود اندک تعالی بایشان یک دختر و یک پسر  
 و حرا که خدا رحلت نمود الا پس نام پسر میر سید ارشد که لیاقت صوری و معنوی  
 سید اشتباهت آن بزرگوار در خاندان خود از ابا جدر بطریقہ ہشتیہ نصری و  
 شادی میر سید محمد ارشد از بی بی علیہ دختر خرد میر سید محمد باصر ابن میر حسین  
 ابن میر سید اولیا ابن میر صدر جهان شده بود از بطن این بی بی یک پسر  
 و دو دختر بود و نام یک دختر سماء نعیمہ و دختر بچیلر سلا و  
 و اقران شده بود و اولاد و نام دختر ثانی سماء لیل اعزت سماء لالان  
 زوجه شاه قطب الدین عرف شاه لسان کہ ازین بی بی اولاد ماند بعد ذکر  
 پسر عالیقدر تبصریح مذکور خواهد شد نام پسر میر سید محمد صالح کہ بر پدر  
 خاندانی ابا جدر و خود مدت العمر ماند تکلیف خانہ آبائی کہ جو کثرہ حملہ کوچکی  
 الا سہ شادی نمودنیکے بعد دیگرے از کسی زوجه اولاد نشد شادی اول  
 از سماء ملیحہ خواہر محمد حسن ابن سید وجہ الدین عرف سید بولن و عقد  
 نکاح وفات یافتند اولاد نشد ثانی شادی گردید از سماء عاشورگر و دختر  
 سید محمد مدنی یکے از سکنا ی علما بہارا از انہم فرزند پسر نشد چون وفات  
 یافتند شادی ثالث نمودند بموضع مدنی پور بخانہ یکے از شرفا ابدیہ تاجات  
 آنجناب زمرہ بودند مگر اولاد نشد برادر زوجه ثالثہ بعد رحلت شان آنخانہ را

آباد داشتند هرگاه مایان بهر زیارت بزرگان میر تقم در آن احاطه چند مزار اجداد  
پیشین ست حضرت میر سید صدر جهان و میر سید اولیا و میر سید حسین و میر  
سید محمد ناصر و میر سلیم اجداد این فقیر حقیر و احوال اجداد الا اولاد و دختر  
ماند زوجه حضرت شاه قطب الدین عرف شاه بساون دو پسر ایشان یکی  
محمد عوث عرف منشی و من شادی ایشان از مسماة فیصمه دختر شاه وحید الاسلام  
گردید یک دختر شد ایشان را که برادر عثم و منشی امیر بسا ابن مولوی غزیر  
که جدا شد مسماة سوین لاولد رحلت نمودند برادر ایشان مولوی فرحت علی  
ابن منشی محمد عوث که به لیاقت صوری و معنوی معمور بودند در علم عربیت صرف  
و فقه و فارسی شادی ایشان از مسماة بیکن دختر شاه ابراهیم حسین فوا باد  
یک دختر شد بی بی مریم زوجه سید شاه حسین علی یک دختر و دو پسر گذارشته رحلت نمودند  
نام فرزندان محمد قاسم ست محمد و احمد ذی ولد و یک منکوحه منشی محمد عوث  
عرف و من بود مسماة وزیر پسر دوم حضرت شاه قطب الدین عرف شاه بساون  
مولوی غزیر الله رحمة الله علیه که در علم عربی تکمیل داشته و عبارت علم فارسی این  
ویار لاثانی و خوشنویس و پسر ذی جوهر رحیت ایشان را بطریق عالی از والد خود بود  
الاطریقة معنوی از برادر نموده خود قبول کردند یعنی از جناب حضرت  
سید شاه محمد الدین حسین ابن حضرت سید شاه شمس الدین حسین جناب دویضا  
از ستادی و دفنون بودند و جاهت نظام درس پیری و ضعیفی نیز بود بسیار

شادی آنجناب شد از مسماة بی بی جمین دختر بی بی ناظمه زوجه شاهی ازین  
نوابادی بفضله ازین بی بی چهارپسر شدند ذی علم و پر جوهر را بجمله یکیشی است  
تذکرة الصدرة ذی مولوی محمد اکبر شدند ایشان دوپسر آخر نام نماند سومی شاه  
محمد اصغر و جیه ذی علم پسر شادی ایشان و قصبه نسیر گردید از دختر شاهی  
امطفت علی ابن شاه محمود بفضله ولاد موجود یک پسر شد محمد خلیل بن عدیل  
شادی ایشان از دختر مولوی سید اشرف علی شد یک دختر و پسر موجود دختر  
منسوب است از شاه مقصود پسر عالیه ذی مولوی احتشام حیدر اسد رحمان  
بخشد مزید حیات و نام پسر چارمی شاه خیرات علی و عو خیراتی که ستنی  
اند از جوهر صفاتی چون انجام شادی ایشان در کفویتة الاولاد منکوحه خود  
اولاد دارند دختر و پسر و مصاهره نمود از اولاد منکوحه لچر که بودند ازین  
منکوحه نیز دو دختر و پسران چهار زن و ناگتخدا رحلت کردند یک میان رضو  
که تحصیل علم ظاهر شده بود از تربیت پدر بزرگوار و نوجوان قضا کرد و ذی را  
نام بود سیله ذی هنر بر دو دفات یافت یک بعد دیگر اولاد موجود اند  
ذی اولاد یک نام ادا و ذی میان مهدی که پیشه تجارت مینمایند لالی  
میکنند دختران نیز منسوب جا بجا اند ذی اولاد اند ازین خاضع شد و نسبت

حضرت میر سید عبدالواحد رحمۃ اللہ علیہ

فرع سوم اصل نخل اولی در بیان نوکرا ولاد دوم میر سید اولیا ابن



	میر سید صدر جهان	
--	------------------	--

چون از بیان کیفیت کنویت صاحبان نواباده کلان اولاد میر سید محمد اولی  
 و صاحبان کورجی ذریت میر سید عبدالواحد پسر سوم میر سید صدر جهان فراغت  
 یافت منوچهر ذکر فرزندان میر سید اولیا ساکنان قصبه دانا پور و افصح گردید  
 سید اولیا بودند تارک دنیا بحرص و هم مشغول و یاد خدا گاه به روزگار زیاده  
 نکردند بارشاهی عمده اقامت قضا بخانه نشیند شکسته پا و الدامه ایشان را  
 بحضرت میر سید صدر جهان ابن حضرت میر سید قطب الدین باقری نسب منصب  
 بود و در بارشاهی امیر الامراء بخطاب یحیی الملک وقت آخر ترک نمودند  
 مانند بیا و خدا بیعت ایشان را از پدر بزرگوار خود بود بطریق عالیہ خشتیه نصیر  
 الحصول شادی میر سید اولیا در موضع کورجی گردید که در کتاب شاهی است  
 امام انجشتی پور عنایت الدار مسماة محکم دختر شیخ محمد یحیی ابن شیخ ذکر را  
 فریدی که بودند از اولاد شیخ فیض الدار فرزندان حضرت بابا شیخ  
 فرید الدین شکر گنج القصه از لطن ابن بی بی شدند و فرزند به بلند کلان  
 ام بود میر سید حسین عزت سید حسینی و اما میر سید عبدالرسول قادری  
 و اما دافاضی عماد الدین رضوی بودند و ثانی پسر بودند میر سید سلیم که خدائی  
 ایشان از دختر خال خود شدند نام زوجه شان بی بی نصیبه بود دختر شیخ  
 معین الدین ابن شیخ محمد یحیی فریدی کورجی از لطن زوجه شان یک دختر

و پسر شدند متولد نام دختر بی و اسعه که از شیخ محمد درویش که خدا شد  
یکی از صاحبان کورجی نانائی شیخ محمد مراد والد ماجد شاه قطب الدین عرف  
شاه بساوند بودند جز ایشان کسی دیگر اولاد نیست نام پسر میر سید سلیم میر سید  
محمد علیم نوجوان رحیل ملک بقا شدند اعقاب ثمانه جز فرزندان میر حسین  
عم شان بایشین شادی میر سید حسین از بی بی مبینه دختر میر سید عبدالرسول  
شدار بطن این بی بی یک دختر و یک پسر شدند میر سید محمد باصر نام دختر بی بی  
رقیبه که از برادر عمزاد میر سید عبدالحکیم که خدا شده بودند هر دو نوجوان  
شجره در بیان کیفیت و حال میر سید محمد باصر این میر سید حسین ابن

### میر سید اولیا ابن میر سید صدر جهان

واضع باد سال یک هزار و ده هجری ولادت میر سید محمد باصر که در کیفیت ایشان  
برین مخطبت ایشان را بعد از پدر بزرگوار بطریقه عالیه نصیری حصول و نیز  
تعلیم معنویه ضبط مراقبه و مشغول و نیز حیثیت و بیاتت ظاهری تحصیل کتاب  
عربی و فارسی و فقه اصول با این همه بودند و فتون به ریات اقرون و در  
فن تیر اندازی کمال در عهد خود پیشال چنانچه رساله مایف کرده بودند  
یافته انرا از حضرت بزرگوار نزد خود دارد این خاکسار بجز بستی سالکی  
رسید بودند از قضای الهی والده ماجده ایشان کردند انتقال چون از خدا  
مخدومه گشتند فاعمال البال و والده ماجده خود را بسغولی ذکر حضرت ذوالجلال

نوبت ترویج نهاده بود زمانه مقتضی نگذاشته قصد سفر کردند بمرست و پنج سال  
واضح باد زمان ولادت آنحضرت و محمد انبیر جلال الدین اکبر بادشاه  
و در عهد سلطنت معظم شاه کردند انتقال چهار سلطنت دیدند و معاودت  
نمودند بمرست و پنج سال الغرض سیر کردند هر دیار و امصار آخرا ماندند بهمنشی  
و مصاحب محمد معظم بهادشاه ابن عالمگیر بادشاه بمقام شهر دار که جهانگیر نگر  
چند سال ماندند بعد چکله داری و محافظ کو تو ال شاهزاده رفاقت ایشان  
پسند نمود و پنجوش تدبیری برین امضا شد چند سال برگاه خطاب باقیاب سیر  
بشاهزاده موصوف از شاه اوزنگ زیب عالمگیر بدین مضمون عبارت جامه  
تیلوانی در بر و چیره و عنقرانی بر حسن شریف رسید بچل شوش تف برین پیش  
دش مصاحبین سابقین شاهزاده ترک روزگار کردند چون بهمنشینان قدیمی  
شاهزاده شدند معزول آنحضرت رفاقت شاهزاده نکردند قبول هر چند شاهزاده  
بهادشاه بهر رفاقت کرد اصرار بسیار اقبال کردند زینهار زینهار ترک عهده  
جلیل که کردند قصد مراجعت وطن اختیار هرگاه بوطن شیرین آوردند چند سال  
گذشته بود که والد ماجد آنجناب کرده بودند انتقال پیدا شدند حزن و ملال کمال  
و شهر پخته سجان آبی کسی را نیافتند جز یک برادر عمزداد میر عبد الشکور  
ملاقات کرده آمدند بسوی دانا پور در اینجا یافتند از بزرگان و برادران ایشان  
میر شما بال الدین و میر رکن عالم ابن میر سید عبد المقتدر و میر سید سکار هم دیگر

خزنیزان در اقران یو دند ملاقات ساختند و بصحبت ایشان چندے اقامت  
 در قصبه دانا پور سپردند از دل قصد ترک سفر کردند روزی از روزها  
 عند الملاقات از میر سید محمد رضوی که بزرگالاتی حقیقه بودند و از عمر آنجناب  
 نیز بودند ده سال کمتر مجوز شدند بهر متاهل آنجناب چنین تذکره افتاد و چو  
 فرمودند ای برادر عمر من رسید قریب هفتاد قصد متاهلی چکنم اگر واقعی باشد ترجیح  
 نیست حصول اولاد کدام کس دختر خود با این ضعیف خوابه ادبیاں متبسم شده  
 میر سید محمد فرمودند ای جناب علی القاب از شادی اولی دختر عیست مجوز  
 ناکند خدا الحمد خیال کفویت بود و برآمد مقصود و نبرد بیت شامید هم اگر نصیب  
 اولاد فهو المراد اولاد هر دو برادر واحد باشد بفضل حضرت باری سلسله اولاد  
 بود جاری با صراحت تمام آخر کردند قبول واضح باد شادی اول میر سید محمد  
 ابن میر سید جهانگیر قریب بست سال شده بود در موضع صفی پور از بی بی  
 رمضان و دختر شاه موسی صفی پوری که زبده اولاد مخدوم شاه صفی بودند  
 گردیده بود از بطن این بی بی دخترے تولد شده بود بد بی بی رقیه نام مدعو  
 بی بی چیتیا خورد سال ایشان را گذشته والده ایشان بودند بخانه پدر  
 پدرش یافتند بضرورت خانه تقریری شادی ثانی از دختر میر سید محمود  
 نوآبادی کرده بودند از ان بی بی کسی اولاد نشد و عمر بی بی رقیه در آن زمان  
 نوزده سال بود و سن جد علی میر سید محمد با صر بود بالا شصت سال یا هفتاد

آخرش بروز سعید و حمید تجویز کرده در عقد نکاح بزوجیت درآمدند شادمانی بجا  
 رسید کریمی خالق که در آن سن و سال بزوجی اله تعالی ششش اولاد بخشید  
 دو پسر و چهار دختر هر یک چون شمس و قمر سعید اختر بیان اولاد آنجناب در تہ  
 کیفیت آنحضرت خواهد نگاشت ہر گاہ آنجناب علی القاب ترک جلیل عہدہ کردہ  
 بہر اقامت آمادہ شدند تبوک علی اللہ تبارک و تعالی خانقاہ آبائی شہر پختہ شد ہند تقیم  
 بمشغول یاد او تعالی بصراط المستقیم پاراز رفتہ شکستہ سلسلہ ملاقات اہل دنیا  
 گستہ متوقع فضل خداوند کریم بقیہ عمر خود را در جہ کشتی و گوشہ گیری بسرختہ  
 ہر دم دمی بذر یاد او تعالی می پرداختند طالع بان حق را ضرور است از لذائذ دنیا  
 ترکش وجوب لازم آنحضرت در شاہدہ حق تیر قامت را کمان ساختہ بسا  
 و برگ آب و نان توکل بقبضہ آورده بہدت مراد خود نشانہ کردہ آخر بنام  
 حق بذر حق کہ بودند باین سحتی روزے قربان جان خود ساختند زہے  
 ستہانی کہ ہمسم رضا الہی گشتہ آخر کار خاک تودہ گردد و طائر و چش بہال  
 محبت آمدہ وصال حق یابد و کار از لب سوفا در گذرد چو کہ آنحضرت و فرقہ یاران  
 داشتند کمال رعایت عبارت تحریر کرد برین منوال دو پسر و چہار دختر در  
 دنیا گذاشتہ بمریک صد و سائزہ سال کردند انتقال در سنہ یکہزار و ست و  
 دو ہجری سفر فرمودند جناب حضرت جدا مجد چون بسال یکہزار و یکصد و بیست  
 شاہ اورنگ زیب عالمگہ مادشاہ نمود انتقال و با خود ہرادران اعظم شاہ

و عالیقدر و معظم شاه ملقب بهادرشاه که تخت نشین بمقام دہلی شدند بر  
 تخت نشینی سلطنت دیش آید منازعت واقع شد جنگ جہال آنہا خیریت  
 یافتہ کردند انتقال و تخت نشینی برشاہزادہ معظم ملقب بہادرشاه بہ  
 بحال در آنوقت بہادرشاه از رفاقت آنحضرت آمد خیال از آنجا فرمان رسید  
 بنام آنحضرت بہر وزارت طلب نمود بادشاہ ابوالناصر حضرت میر سید محمد  
 جناب اقدس و اعلیٰ تکریم فرمان شاہی نمودند نہادند بر سر و بر پشت فرمان  
 تحریر نمودند عذر بعبارت بہتر اول این بیت نوشتند مقولہ حضرت سعدی  
 علیہ الرحمۃ عفو فرمایند تقصیر بدین تحریر اگر طالبی کاہن زمین طوکنی \*  
 نخست اسپ باز آمدن پی کنی بد غریب نواز عالی جاہ دین پناہ ہر گاہ لائق  
 خدمت شاہی نہاند بسبب رسیدن سن کبیر چون ہوش و حواس بجا نہاند کہ  
 کہ آرد بجا اداب شاہی توفیر مینویسد کہ نمی دارم چون میشود کہ سنہ میخوراند بجا  
 میشود من بر ہنہ میوہ شاند باقی نہاند باین ضعیفی خبرے حرص و ہوس اللہ  
 باقیست و بس این عذر کردہ خلعت شاہی منصب وزارت واپس داد  
 ہر چند ائمران ترغینا للینصحت گفتند اگر خود نمی آری شرط خدمت بجا نمی رو  
 بدلہ خود یکے از فرزندان خود را بفرستی این معنی نیز پسہ خاطر نیافتاد فرمودند  
 فقیر دارد و دلپسری کی اہل جذب ست نموند و زور در از طریق خدمت شکار  
 بخبرد و می صرف بیا دالمی بچہ جوانی مشغول بمشاہدہ ذات ربانی کی بود

در حوصله او رکی باشد لذت دنیا را شائق بهر دو یک نیست بهر فرستادن لائق  
 کشتی عمر من رسید بگرداب تباهی اینها چه دانند اب شاہی میفرمودند بعد  
 انهمه غدر از جانب بادشاہ رو در باره رسید بطلب فرمان شاہی بدین مضمون  
 اگر چه در جواب تحرییر ساختند بایجاب عہدہ وزارت جواب صاف کمر میزدیم آن بیعت  
 ستاہ تانہ شوم رو بر حق تعالی وعدہ خلاف از کسے فرزند ان خود را فرستند تقصیر  
 معاف آخر کار آنحضرت از ہر دو پسر کہ دند استفسار از طلب شاہ نامہ از پسر کلان  
 میر سید عبدالقادر بخوش حوالی سرست از بادہ ذکر سکر ربانی گفتند بادشاہ  
 مرا خوراندن نمی تواند ہستم بسیار خوار تر بہ وزارت پہچ نیست نزد فقہ خاک  
 چون پرسیدند از پسر ثانی از میر سید محمد حسین مقبول ربانی عداوری شان  
 میر سید محمد ایشا نرا مگرفتند در کنار و گفتند سخاوتمندی کہ فرزند تر بہ بلند مراتب  
 بدر بادشاہ مجرائی انشاء اللہ تعالی یقین قلبی ام عیان است چنانچہ حضرت باری  
 جہہ سائی کہ بادشاہ وقت شود رو بہ دین پسر مجرائی سبحان لسان بزرگان  
 چنان بودند بیاد حق مشغول کہ داشتند ذنی پروائی بچہ طول غماض کر زندا ز طلب دنیا  
 بے اعتنائی بار سوم کسے نامہ از جانب ہما در شاہ بادشاہ از اسجا کہ ناگشتن ان  
 کوئے فاعت را بطلب مرگ طبعی عاقبت از ہشی ست کمال کہ روزی خود را  
 سپردن است بجا کہ گور زیجانی لباس ابریشمی حوشتر نامہ و خدمت شاہی آخر  
 چون کمان خم شدنست از قوت وزور بحق کسیکہ بیکد و قدم نامہ ماتہ تو قبح

عرصه فلکی طی نماید و رحمت که اشهب اندیشه دنیا را آخر پی کزدن پیش آمد میفرمود  
 هرگاه زوجه آنحضرت در دنیا پور و دهر و آنحضرت کردند انتقال که دوام بجانها آید  
 ماند و سرور حال فرزندان خود را بر برداشتن جدا درمی ایشان گذاشته بجا افتاد  
 آبائی شمه پخته اقامت کرد و عمر آخر بسر کرده واقع شد انتقال در اینجا است  
 فرار پائین پدر و جد بزرگوار بجهل که چو کمره کچوری کلی بعد چند سال اولاد دختر را  
 که خدا کرده حضرت میر سید محمد رحمة الله علیه بافتند بدست احدیت وصال

### شماره اول شجره اصل

حضرت میر سید محمد باصر را بودند دختر کلا سنی بی بی صبیحی بیوکل خدا عمر  
 بسر کردند در چله عزت خانه نشینی از اینجا که عارفه کامله بودند و می شعور بودند از هر  
 پائے معذور که خدائی پسند نام و ریاد الهی بسر شد عمر شغولی حق که بجهل و روی  
 بودند متقی بالا از صد سال شد که دند انتقال از همه خواهران و برادران بودند کلا

فرار آستانه سهوه درگاه است

### شماره دوم شجره اصل

در ذکر دخترانی سماء بی بی سیدا بودند نام آنمخدومه که خدا شدند در بی اعمام  
 و احوال از میر سید فضل الدین عرف سید فضلوا بن میر سید برالدین میر  
 بوجود آمده بودند بنام سید صدر الدین دوازده ساله بمرد شمره چاب بیره و اعقاب

ایشان ننماند



	شجرہ سوم شجرہ اصل	
--	-------------------	--

بذکر دختر سوم بی بی علیہ کہ از میر سید ارشد ابن میر سید عبدالشکور  
شدند تخلص داد و دختر دیک پس بنام میر سید محمد اصلح کیفیت ذیت ایشان

	بالا شد بخوبی مذکور	
--	---------------------	--

	ثمرہ چهارم شجرہ اصل	
--	---------------------	--

در ذکر دختر چهارم میر سید محمد باصرا نام بود بی بی واحدہ کہ خدا شدند از شیخ  
وحید الدین ابن شیخ محمد سعید الدین کورجوی فریدی نسب متولد شدند اطین  
این بی بی و و پسرو و دختر نام دختر یکے بود بی بی زاهدہ بنت بی بی  
واحدہ از شاہ نور علی ابن شاہ محمد ولی کورجوی شدند کہ خدا کرد  
و دختر ایشان یکے بی بی و اصلہ زوجہ شاہ وحید الاسلام دوی بی بی  
ناظمہ زوجہ شاہ تاج الدین نوآبادی مذکورہ بالا حال دخترانی کہ خدا فی دنیا  
نشد نام پسران شیخ وحید الدین مذکور شیخ معین الدین عرفہ شاہ جگڑی  
نام پسر دوم شیخ غلام حیدر عرفہ میان گھسیا کہ مستثنیٰ بود در اقوان چونکہ  
دور مثل مہشت زنی پهلوان نقل نمایند کہ ہ منی توپ شاہی را یک بر تاب  
از دست بازو انداختند و رین بارہ ہیچ تامل نداشتند و زنی کے ارباد را  
براہ کورچی رسیدند بر اسب سوارانین نمودند ہلاقات شد چشم دو چار  
اغرب میان گفتگو ساعد دست بر پشت اشہب نہادہ تا ویر نمودند کلام بعد تقریر

قصه فتن کردند بر اسپ شد خرام آن اسپ از گمگن و ز شد رفتن نتوانست کشت  
 به پست او زدند فوراً شد رهوار بدین طوطی قصه شنواری هست بسیار شادی در  
 اقران اخوان شده بود اولانشه آلاشیخ غلام حیدر سپردم نیز بودند بموند  
 حاجب قوت و قوت اگر بر دو برادر یک جانب میشدند جانب دیگر نیز کافی  
 بودند این تنومندی از عنایات الهیت الا علم ظاهر نمیداشتند هر دو  
 برادر مگر سپید غلام حیدر منشی بمیدل نام بود منشی تقی المد بودند شاعر

ذمی فنون بهر امور مدبری ماند

شمره پنجم شجر اصل نخل اول

در بیان حالات پسر کلان میر سید عبدالقادر این حضرت میر سید محمد باقر  
 آنجناب سرست حال و تنومند بودند بسیار خوار بیکبار سیخوردند بست آنار و در عالم  
 فاقه چند روز هم نمی خوردند ایام ولادت آنجناب بسال یک هزار و هشتاد و هجری تأمر  
 چهل سال ماند ذمی حیات در پایه ثبات از مزدجی هیچ نبود سر و کار بی شعوری  
 بود متایه دار در دانا پور زیر درخت سپستان ست مزار پائین قبر آنجناب

اهل ورزش و ورزش بنمایند

شمره ششم شجر اول اصل در بیان حضرت سید شاه محمد حسین خلف

ثانی حضرت میر سید محمد باقر

استماع است از حضرت جد لا محذور که ولادت حضرت میر سید شاه محمد حسین قدس

در سنه یک هزار و نود و هفت گردیده بود این پنجم شهر ربیع الاول عمر شریف سالار از  
سال هفتاد و پنج یا شش سید عمر هیزده سالگی که فرمان شاهی رسید بعد از آن  
بشش سال گردید انتقال بر بزرگوار آن عالی تبار تا آنوقت قصد ترویج نشد  
بود مشغول در عبادت و ریاضت و شغل و اشتغال بیعت و تربیت و تعلیم باطنی  
شد از جد مادری حضرت میر سید محمد رضوی هرگاه رسیدن شریف بجهت قبول  
سی سال بفرمان جد مادری شادی کردند اقبال انجام شادی شد از بی بی دو دختر  
و دختر خجسته حضرت سید شاه محمد مبارک قدس سره مقتدای عارفان نور آباد  
آن عصمت ماب عارفه کامله بودند با وجودیکه در زوجیت شوهر آمدند با اینهمه بودند  
مشغول بذکر حق ذات خدا از لطف آن بی بی سید المجدوبین شاه محمد سید  
و و پسر و یک دختر آمدند بوجود اولاد اهل کمال نیز اهل کمال شمره شجره لدانی  
سید شاه نصیر الدین احمد که بیعت و تربیت ایشان بطریقه عالییه شقیه  
نصیریه بود حصول از والد ماجد خود شادی ایشان کردید از دختر خاله خود یعنی  
از بی بی ملیحه دختر بی ابدال بنت حضرت شاه محمد مبارک قدس سره اولاد  
کس نشد در موضع مقام کانپور رفته که برآمد انتقال بالا بمرحل سال در اینجا

بودند مردان آنجناب

شمره دوم شجره در ذکر دختر خجسته آنحضرت بی اتقیا دعوی بی محبوب  
که خدا شد نماز میر سید محمد حسن ابن میر سید وجهه الدین سید بولن دعوی نقیضه

بوجود آمدند پس آن چهار بر یک عالی تبار یک ازان کلانے میر سید مظفر علی والد  
 ماجد حضرت سید شاہ سخی علی دومی سید غطفان علی زوج بی بی رشید اعرف بودند  
 سومی سید منلی چارمی سید قطب علی ازد و پسران اولاد شد و هنوز موجود فرزندانشان

شماره سوم اصل نخل و بیان حالات سید شاہ ولی اللہ سپر کلانی حضرت

شاہ محمد یسین

واضح باد سپر کلانے از سیالسا لکین سید المخدومین حضرت سید شاہ محمد یسین بودند  
 از سر حقیقت و معرفت الہ آگاہ حضرت سید شاہ ولی اللہ ولادت ایشان  
 در سنہ یکہزار سی و چہار و در دامن فیض سیامین پدری و مادری پرورش یافتند  
 تربیت ظاہری از پدر بزرگوار بہیت و تربیت و خلافت از جد مادری حضرت  
 سید شاہ محمد مبارک قدس سرہ بعمربست سالگی کردند شادی از دختر  
 خال خود از بی بی باصرہ دختر میر سید محمد ثانی از بطن آن زوجہ دو دختر  
 تولد شدند ذریعہ ایشان ہنوز باقیست کیفیت ابن تبصرہ صرح بالا مذکور شد الا از  
 زوجہ ثانی سہ اولاد یک دختر و دو پسر انجناب محلی القاب رابطہ امرار اکین  
 سلاطین داشتند بسیار مریدان کثیر سیاح امصار و دیار بجلالہ مرشد آباد بودند  
 مریدان بسیار ہر گاہ والد ماجدہ انجناب مخدومہ زمان بی بی دولت جہان  
 عمر چہل سالگی بعارضہ لاحقہ دفعتاً کردند انتقال والد ماجدہ آنحضرت را پنداشد  
 لعل حزن و دھل آخرا ز بزرگی رسید صدای کلمہ الحق در گوش برفت ظاہری

حواس و هوش تا چهارده سال ماند در حیات کیفیت جذبه بود طاری کشف و کرامات  
 آنجناب اکثر بمشهورست بطریق پیشین گوئی و بعد سه سال بعد اداری آنحضرت نیز  
 کردند انتقال ویرانگی خانه شد بصورت نو عدد گریه برادر دوم میر سید نصیر الدین را  
 نمود هیچ دختر و پسر از آنجا که یا خود یا زن و شوهر بودند مزاج بصورت بد مزاجی  
 ناموافق بود فوج آمد قصد سفر کردند می آرند مرزا خان بیگ نواب  
 مرشد آباد را بودند یک از اراکین و بودند آنحضرت را افضل المریدین و مشرکین  
 روزی عرض ساختند در تشریف آوری آنحضرت هیچ واقع نمیشود بسیار خوب است  
 در اینجا طلب فرمایند اهل و عیال حضرت عالی تبار چونکه مزاج تند بود آمده بهر  
 جلال فرمودند همه با کردند انتقال که اسامع طلب درین حال شده بودند سکوت  
 واقعی امر بر دل ایشان ثبوت عرض کردند شادی تانی نمایند درینجا فرمودند  
 همچنین اراده داریم جاسه تجویز نمایند مرزا خان بیگ فرستادند پیام بجانده  
 قاضی زادگان که از مریدان آنحضرت بودند بمقام شهنشیر نگر گهگره چنانچه  
 قاضی ولی محمد ولد قاضی محمد شجاع قریشی نسب و نسب اداری اینها  
 از انصار قرابت یکی از مریدان و اثنی عشری بودند و دختر خود را دادن بخدمت  
 کردند اقبال آخر کار انجام شد عقد و نکاح نام آن زوجه سماء ماهی بی بی بود  
 دختر قاضی ولی محمد بن قاضی محمد شجاع ابن قاضی شیخ رفعت الله این قاضی  
 سلامت الله ابن قاضی محمد بلخ ابن شیخ محمد سح ابن شیخ محمد فصیح تاهفت

کرسی یا قلم آسانی تحریر نمود این بزرگوار اهل معاش زمیندار بودند کاشتکار محصول  
 در نجابت آن بزرگوار هیچ شک و شبهه نیست از صورت و سیرت اشکار گرفته تعین  
 چه اعتبار بعد چند سال از بطن آن بی بی دختر متولد شدند نام بود بی بی سعیده  
 بعد دو سال شان بسال یک هزار و یکصد شصت و هشت شهر محرم الحرام تباریخ دهم  
 تولد یافتند فرزند اکبر عالی حضرت سید شاه غلام حسین بخانه جد اری بیدیا  
 شرقی در دانا پور آنده تولد شدند فرزند دوم سید شاه شمس الدین حضرت  
 جد الامجد سه ساله عمر داشتند حسب طلب برادران نجابت سواری کشتی آوردند <sup>در شهر</sup>  
 مع اهل و عیال بسوی وطن در روز گمان کشتی در قصبه نوآباد ه شد فرو دادند  
 از کشتی بهر ملاقات اخوان سید دعوت از خانه اخوان الا محل اولی زنده بودند  
 باستماع شدن پیرشان کلمه کلام جاری شد بر زبان اشاره باین و آن ناقص  
 الصلوات را در نجابت و شرافت آن زوجه حجت باشد و تکرار الا نرد و عقلا نیست  
 بیج حجت چه شرق نمی ماند بشرقی دیار احمد شد مصاهرت مایان واقع شد  
 بخانه فقرا که نجابت و شرافت بهترین و متعین را واقع شد مصاهرت در  
 اهر الشرافت کترین بهر بحسین و ترین میفرمودند آخر رسیدند در مقام دانا پور  
 بخانه فرو دادند کرده از دریا عبور حضرت سید المجد وین سید شاه محمد حسین دید  
 فرزند پور کمال شدند مسرور از آن روز خانه ویرانه کردند آباد و دوستان شاد و دشمنان  
 بیاد بسال یک هزار و یکصد و هشتاد و دو آخر دمی جمعه جماد الحضر سید شاه شمس الدین

تولد یافتند بعد انتقال حضرت سید السجد وین سه چهار ماه جبراین داده بودند آنحضرت بطول پیشین گوئی احمد شد و المنه هر برادر بودند آفتاب و ماهتاب دومی اعتبار صاحب اقبال یکے جدا مجد دومی جد مادری این خاکسار از هر دو فرزندان شدند و انجمن و هوشیار دومی اسرار و دختر بی بی سیده جوان شدند که خدائی شدند از میرزا علی ابن سید حسن رضا ولد سید محمد رضا ابن سید عاشق علی کا کوسی آلا بے اولاد و فتند

ازین عالم و ذکر فرزندان فرزندان بعد ذکر اولاد حضرت خواهد شد

شجره اولی اصل نخل در کیفیت و بیان جناب حضرت سید الوصلین  
سید شاه غلام حسین قدس سره ابن جنر سید شاه ولی الله

باید دانست ولادت آنحضرت بمقام کشن نگر بخانه جد مادری شد بسال یک هزار و یکصد شصت و هشت و هم شهر محرم الحرام ازین روشندان آنحضرت سید غلام حسن والد ماجد آنحضرت از طوایر آنحضرت شدند کمال سرور اگر چه از محل اولی بودند دختران دومی شعور می نمودند چون سن فقیر از چهار سال چند ماه گذشت بتقریب کتب جمع نمودند اقرا و اخوان وقت کتب هر دو برادر رفتند بحضور والد ماجد آنحضرت مکتب بهیره حضورت در پیش تشریف در اینجا برندا آغاز بسم الله از نو نمایند الحاصل تشریف آوردند مرا گفتند بخوان بسم الله الرحمن الرحیم چون خواندم فرمودند بگوید یسر و تمم و بالتخیر تعمیل آنهم نموده قدری شیرینی ازان در دهن این فقیر نهادند و نیز بدین تشریف دادند والد ماجد سن عرض نمود پیش این گویند

فرمود پیش درینست ترقی ذهن و دامن بس معنی بسهم اند و تمیم باخیر  
میفرمودند بدولت آن حافظه و ذهن شد حصول و زبان خود برآورده بشنید  
هرچند که حضرت ظاهر تحصیل چندان نبود و الا مقدر کر که از آنحضرت بحث و  
تقریر نمود و در تراویح حفاظ را تقیه میدادند حال آنکه ناظره خوان بودند میفرمودند بر  
دختران محل اولی را که در آنکه خدا در شرف اقران که مذکور بالا شد و فرمان بادشاهی  
بطول امتعه مدو معاش مال پور و غیره کرده حصول بحال ولی حاکم کردند که صرف رکافت  
خود سازند ازین شدن نمیتواند اجرا نمودن فرمان شاهی برادران شما صوبه  
ریش اند در آن شریک نصفان نصف نمایند بحق محنت و قرابت محبت بدانطور شد  
تتمیل بعد در زمان بادشاه عالمگیر ثانی رفته حصول ملاقات کرده که  
زمان سلطنت پیرانده شده بود چند فرامین و هیات یکجا کرده فرمان آورد  
و پیش نظر پیر بزرگوار دست بسته گذرانیده هرگاه معانته نمودند فرمودند ای ولی  
درین فرمان ضاد ضاد نوشته است بسیار عرض ساختند ضاد ضاد چه معنی دارد  
ای پیر بزرگوار فرمودند حاکم وقت آخر فریق دیگر خواهد شد این معانی بار اضبط  
خواهد کرد این کلمه گفته از دست خود کردند آن فرمان چاک چاک که اهل جذب بودند  
ستانه بپاک فرمودند ای ولی مشلول روزی بر آستانه تو بر سید بادشاه  
دین پناه بطلب این فقیر نخواهد دید مرا هست وقت آخر مکرم بمنائے و دعوت  
کنی و هر چه دیدگی می راند نه پذیری تا فرزندان تو اهل نیا نشوند و دست مبارک بندگان



نهاد که لغزش می نمود و یک دندان برآورند و فرمود این را بگیر بپادشاه  
 بهر خزان تحفه فقیر میفرمودند شش ماه شده بود آنحضرت یافتند وصال حضرت  
 ذوالجلال که تلمیذ ثانی گردید انتقال شهید شدند از دست افغان مؤمنی بکابل  
 بنمیره ایشان غائباً پدربادشاهی مقرر شد و پادشاه عالم شاه در آن زمان  
 بسفر هند شرقی و یار اینخوار نقل میکنند در قصبه مسرا هم بودند که بر سر ایشان  
 چتر شاهی جلیبندند از آنجا رسیدند در حضرت بهار بوسیده آستانه فرار نمودند  
 ملاقات مشایخان اینخوار روزی خبر رسید که پادشاه با فوج و اراکین می آیند  
 بهر ملاقات حضرت سید شاه محمد حسین در قصبه دانا پور حضرت سید شاه علی الله  
 قدس سره قریب فرار و الداجه زیر درخت کمنه فرو شطرنجی گسترانیدند و بهر عوت  
 حاضر را سد چون پادشاه شاه عالم رسید بشا همراه قریب فرار پیدند  
 دائره حضرت سید شاه محمد حسین کدام جاست عرض ساختند دائره نیست  
 شکسته و فیه است و کمنه مسجد و این است مزار فرود آمده بوسه فرار داده فاتحه  
 خوانند پرسیدند کسی از فرزندان آنحضرت هستند موجود بپایه التماس ساینده هر دو  
 برادر بصفت هر یکی کلانی آنحضرت هستند ثانی است این فقیر بگلگیر شدند و شد  
 مصافحه از هر دو نشستند میفرمودند عمر من در آنوقت هفت ساله بود و برادر من  
 شمس الدین دو سال داشتند عمر والد ماجد از دست شریف دندان آنحضرت نذر نمود  
 بهر حرز و کیفیت کردند بیان که آنرا در سر چپ دستار نهاد بهر تعویذ استعداء

ما حاضر کردند انهم کردند قبول و مرا دیده پرسیدند این فرزند کیست گفتند  
 این فقیر زاده است فوراً از دست خود مرا گرفته هزار خود نشانده و پرسید  
 تمام شما چیست گفتیم غلام حسین ازین کلمه شدند سرور لاریب جمله سیادت  
 اند غلام حسین یعنی فرزند حسین پرسیدند چه سخنانی گفتیم پند نامه سعدی  
 که بیا فرمودند بیکه یا دآمد بخوانی خواندم حسب حال تو وضع ز  
 گردن فرازان نیکوست که اگر تو وضع کنی خوی دوست به با شماع این  
 مرا از سینه خود کردند ضم و بهر مرد معاش فرمان بصیغه التماس شد تحریر  
 و سفره گسترانیده شد ما حضری چه بود وقت تناول از قسم طعام نان جوین  
 و تره چولائی دال کساری نخود آمیز و سرکه اچار پیل و اچار اول درست کرد  
 و تیل خوردند آفرینها کردند ای شاه صاحب طعام انواع اقسام خورده ایم  
 لذیذ طعام سلیم هرگز ندیده بودیم بیا ای التماس رسانیدند طعام  
 چیست طریقه طعام این قسم سلاطین خواهند خورد گفتند مطلب من چنین نیست  
 چنین ذایقه دار لاریب ذایقه طعام از خانه تبکلفانه انتخاب هرگز نخواهد  
 بعد طلب شدند قانون گویان و چو در بیان منصب دار هر موافق فرمان  
 شد اگر چه باو شاه وقت دردمحافی بطورایمه و تار درگاه انتخاب کرد  
 در هر گنجه بجلو آری میداد بسیار عرض کردند برین زمین قناعت نماید این  
 خاکسار چنانچه زمین معاش اربودے غالی پیمایش پانصد و سی و هشت سیکه است

بقبض و دخل و در مدعای موجود وقت و ایرضبطی هم واگداشت شد و در وقت  
 فرزندان آنحضرت است حالا صرف دارد و صادر کمتر صرف دیگر دیگر میفرمود  
 بعد رفتن بادشاه بسوی دلی والد ماجد را قصد گشت بسبب پرگندگی کار مطلب  
 انصوبه وقت اجرا نمایند در الوقت قاسم علیخان بود و در صوبه شهر طینه عظیم آباد  
 و در به صولت او بسیار بود و روزی بهر اجرا در زمان حاضر در بار صوبه پشند  
 در الوقت نواب قاسم علیخان صوبه شهر طینه عظیم آباد بود و بسبب نواب  
 جعفر علیخان مالک هر سه صوبه پشند و اولیسه و صوبه بنگ بود و دراز  
 طرف شان نواب قاسم علیخان نائب که دادا و شان بود و در بطور ابطله  
 از هر دو صاحبان بود بسیار بلا تامل و عرض عرض بگی داخل در بار شد  
 مظلیمان و افغانان تیغ برهنه رو برو در بار می بودند که در کس میشد بشو آرم  
 چنین بود و در اینجا اتهام میفرمود و در آن زمان نواب قاسم علیخان از خبر  
 و انگریز روگردان بودند بعد در برابر شاه بی بحضور عالی که شاه عالم بادشاه  
 رفته معذرت کرده بحال بر صوبه پشند ماند و خطاب عالی جاہ یافتند بعد چند  
 از بادشاه روگردان شدند تا میزش کا مکار خان تسلط بر ملک یافته صد  
 مطابق آئینه الیوم لمن الملک و احد القهار به داشتند میفرمودند نواب  
 قاسم علیخان اول والد ماجد را نشانختند چون السلام علیک کرده اند  
 نشیند نواب را بنشیند عمده جلیل این جرات بیکلفه ناپسند پرسید نام مطبعت

فرمودند ولی القدر باز پرسید نام پدرت چیست فرمودند سولسین از بهایر خاست  
 و شناخت و گفت ای برادر شاه ولی الله من ترا شناختم درین عرصه عروج  
 من نه یاد کرده ام و در چه شد که تشریف آوردی فرمودند قول خدا علی مست  
 بیس الفقیر علی باب الامیر و نعم الامیر علی باب الفقیر تو مرا بدین عروج گاهی  
 نسر فران ساختی از نعم تو بگذشتی و نیز از بنفیر دار و عیال بسبب آن از لطف  
 فقیر بگذشته بدار تو حاضر شدم و فرمان شاهی پیش نظر او نمود و دیده بگفت  
 نواب قاسم علیخان ای برادر این فرمان کدام پیش من آوردی ازین  
 در علقه این صوبه ازین بهتر معاش میدهم می فرمودند در مزاج والد ماجد  
 من جدت بود بسیار تند مزاج جواب دادند بجهت ای قاسم علی ترا چه شد  
 استکبار پیدا کردی استکبار صورت او باست که با شاه وقت که سایه چیل  
 او لیا بر سر دارد و او را گیدی گفتی شاید معنوب الهی شدی این فرمان  
 شه شاهان آنست که از خطاب عالی جاہ یافتی دار و در و تبر بایستی مرا چه  
 خواهی داد آنچه که دسی در زیران پرستان خود سنی این کلمه نیل با کانه  
 گفته از اینجا برخاسته نواب گفت بنشین بنشین فرمودند پیش من مرا کافیست  
 سوره یسین حکم بچو بداران نمود بر گیر بر گیر در باران تمیز شدند بجهت  
 کلام فقیر بعد لحظه از اینجا از چشم خلایق شدند پنهان که گیر و در گیر و فوراً  
 از اندرون محل او خبر رسید که پسرش بمرد تو پیشم نم شده کشید آه سو

گیدی

میفرمودند والدین صد کرده شدند خاله نشین از گردش ملکی بر نواب علم علیان  
 آفتاب رسید چنان چنین این بی باکی را سبب آن بود که هر دو خسرو دانا  
 چند روز بصیغه طالب علی بودند تلخیص جدا جدا من آخر کار به هم شد نواب علم علیان  
 از یورش افواج قاهره از هر جانب تسلط انگریزان نواب قاسم علیخان بر کرد  
 خود پشیمان شده بذریعه اشخاص خاص حضرت والد ماجد را طلبیده معذرت نمود  
 بالحلح و زاری و سفیر نمود آنحضرت را به صلح و مدد نواب شجاع الدوله  
 که خیمه گاه او بمقام یکسر ضلع شاه آباد بود آنحضرت بیک روز پیاده پاکه  
 بالا از سی کرده بود در اینجا میفرستد بر فرد دیگر تشرف می آورد و چنین بود  
 طاقت رفتار درین مدت یک شب دیدند نواب حضرت والد ماجد خود سیه  
 شاه محمد حسین را چنین ارشاد نمودند امی ولی تو او را مضروب گفتی  
 عالا مضروب شد من التلاپس چرا بنامه و پیامی او میکنی مردم بفقیر میرنی  
 آنحضرت متنبه شده شدند خانه نشین باز بگردند از ملاقات آخر شتی عمر  
 و حکومت شد غریبی کدام را بهر گرد و بدیدی طریق میفرمودند بعد برهمی  
 تسلط نواب قاسم علیخان از هر شد آباد و خود نواب جعفر علیخان آمدند  
 بکمال و بدیه و صولت در عظیم آباد و چو بدیدار فرستاده خباب والد ماجد را  
 کردند ما و عند الملاقات کیفیت ملاقات نواب مذکور کردند بیان نواب  
 جعفر علیخان شنید منقص شد از ملاقات کسر شان و فرمان فوراً نمود چاک

بعد تصحیه و باز در خدمت نمود با عطای خلعت بعد چند روز نواب حضرت علی خان  
 عازم مرشد آباد شدند و آمدند به ملاقات بغیرخانه در دانا پور و در وقت خوردن  
 بسواری بکمره ار راه دریا عازم شدند و سومی مرشد آباد و فرمودند جناب صاحب  
 بسبب تنهایی پریشانم بهر ولستگی اگر میان را همراه فرمایند صورت مصواب  
 بعده والد ماجد مرا همراه نواب کردند و باز و رویه بنام امام ضامن علیه السلام  
 میفرمودند حضرت جد الاجداد این فقیر حقیر در اثبات راه نواب مرا بسیار نواختند  
 در سفره وقت خوردن طعام و دستار بستن مشایخانه از نواب بهادر آموخته ام یک  
 روز دست خاص و شمار بندی نمودند و آخر بعد یکماه والد ماجد من تاب مفارقت  
 نیارده خود رسیدند بمجرشد آباد مکانی خالی کرده شد قریب تر در اینجا همراه ولد  
 ماجد میماندم طعام هر اقسام از جانب نواب هر روز صبح و شام میرسید و هر روز  
 وقت در بار همراه والد ماجد خود میرفتم والد ماجد من بجای بهشتون می رسید و مرا نواب  
 از دست گرفته در کنار میگرفتند تا دیر برز نوا و نوشته می ماند و کلمه کلام میکردند  
 خبرهای پرسیدند بین منوال حاضریم میشد و در بار عمر من در آن زمان ده سال  
 میفرمودند روزی در جلسه در بار حسب عادت رفتم در آنوقت حضرت والد ماجد  
 نبودند موافق محیا و معمولی بودم در کنار نواب عالی تبار بعده برز نوا و نوشته <sup>وقت</sup>  
 کسی از مقربین از نواب صاحب پرسیدند که ذریع علی القاب معلوم شیعه مذاق  
 و از سنین چنین موافقت و اتفاق و التفات برین صاحبزاده فرزند شایسته

سنت جماعت چنان و چنین چه سبب است برای بسود بهترین فرمود نواب  
 معلى القاب در جواب که انصاحب در زمان طالب العلمی بخانه این عمده اشاعین  
 و سیادت بهترین مراد و جاگیر حلالا مران بزیل هست نقوش که برای این صاحبزاد  
 تجویر بنام عمده جلیل یا منصب و جاگیر میفرمودند از انتفات نواب مرچنین  
 میشد معلوم که صوبه عظیم آباد تفویض نماید چونکه بودم خورد سال آخر چنین فوت  
 ناقتا و بعد دو سال والد ماجد من در اینجا نمودند انتقال نمود مقصود بهر دنیا بهبود  
 حضرت معبود نواب صاحب را پیدا شد کمال حزن و ملال مرزا خان بیگ  
 که یک از مریدان آنحضرت بودند میخواستند در اینجا نمایند مرارا گفتیم مرا مراد است  
 که نقش ببرم بوطن و دفن بنامیم در جوار جد بزرگوار آخر بصلاح بهر شش ماه  
 نقش را سپرد کردند مع خدمتگذار و اهلکار نواب آمد و انا پور صندوق ساخته  
 بهر آوردن نقش پاک سواری کشتی رتقم در اینجا رسیده از زمین تفویض نقش  
 برآورده با ضیاط در صندوق کرده از اینجا آوردیم در جوار جد اصجد دفن نمودیم  
 از آنوقت باز قصد مرشد آباد نمودیم میفرمودند در مرشد آباد وقت انتقال  
 از حضرت والد ماجد عرض کردم که باد شاه بهر کفان معاش میداد بسیار حضور  
 قناعت کردند بر اختصار فرمودند این تقدیر بهر برادر کانی ست عرض کردم  
 من که دو برادر خواهم ماند چه نخواهد شد افزایش اولاد فرمودند اگر رضا الهی چنین است  
 افزایش جمعیتی آن نیز خواهد شد الحیدر در زمان والد ماجد من محاصل پانصد

بیگانه چیز سے زائد پانصد روپیہ مالانہ می آمد بزمانہ من ہر دو برادران را ہزار  
 ہر گاہ پدر و عمام شاپیدا شدند در بارہ شال کشت یک ہزار و پانصد شد مینویسہ  
 این فقیر حقیر در زمانہ مایان جمع بندی سالیانہ شد و ہزار شکر خدا بول بالا  
 حالا از نیم ہست جمع بالا اگر فرزند انعم راہ قناعت برین گزینند بخوبی گذرد  
 اوقات مشایخانہ و اگر خواہند کہ ہر دو کہ امارت نشینند مال قارون نیز نکلند کفایت  
 ورین زمانہ میفرمودند عمرے سیزدہ سالہ بود کہ وفات یافتند پدر بزرگوار المعبر  
 چهل و شش سال یک ہزار و یکصد و ہشتاد و ہجری بعد دو سال در تحصیل علم فرو  
 چون فرصت یافتیم عمر بزرگوار مرانہ و دوسہ فرزند بصلاح والدہ ماجدہ قصد  
 شادی نمودند و نیز سیرہ من سادی ہمیشہ گردید میرزا علی ابن میر حسن رضا  
 ولد میر محمد رضا یک دختر شد خواہم را نام شد حمیدہ دختر سعیدہ در زمان  
 طفلی آن دختر ببرد و نیز مادرشان وفات یافتند و شادی من در موضع گور خوا  
 از و قمر میر یوسف علی عرف میر سوبین ابن میر یوسف علی گردید نام زوجہ بزرگوار  
 بی بی حمیدہ <sup>الطیلسا</sup> الطیلسا آن بی بی یک فرزند نیز شد موسوم غلام حسین بھر یک  
 سالہ بود مع مادر خود و عاقل و حیو چپک ہر دو وفات یافتند باز قصد تاملی نساختم عمر من  
 شانزدہ سالہ بود جب دنیا از دل من حق بر بود قصد بیعت و تربیت نمودم چنانچہ  
 اتفاق بیعت از والد ماجد نشدہ بود شہر دنیا ضی حضرت قطب العالم شاہ  
 محمد نعم قدس سرہ با شماع درآمد ہزار علم المحترم حضرت شاہ قطب الدین غز



شاه و بسا و آن که آنهم مرید و خلیفه آنحضرت بودند حاضر شده بیعت بطریقه  
 عالیہ شتیبه خضریه کردم حصول و تربیت و تعلیم یافتیم بطریقه عالیہ ابوالعلا  
 چند حاضر ماند بدستور و معمول بنیاد در کیفیت ذکر و اشتغال مشغول دویم سال  
 چون گذشت که حضرت نمودند بسال یک هزار و یکصد و شصت و پنج هجری سیزده صبر  
 انتقال مرا پیدا شد خزن ملال و وقت انتقال حضرت عم من عرض ساختند  
 که مجاز فرمایند باین فرزند هست پس یک از مشایخین بحواب فرمودند اجازت  
 بعد از بیعت ایشان همان روز داده ام کافی است ان اجازت مرا زبانی است  
 به از تحریر خلافت و مثال چند کسان تا فهم بنمایند درین قبل و مثال از بن فقیر  
 حقیر چرا که مراتب بیعت از جدا جدا پیوستگی حاصل بعد چند سال که بن  
 مبارک حضرت جدا لا محذور رسید به بیست و سه سال ثانی شادی شد و در عظیم آباد  
 از دفتر حافظ محمد یعقوب ابن حافظ عبداللطیف ابن حافظ محمد ریست که نسبت  
 آنجناب بالا نوشته ام با نساب علوی حافظ صاحب خوش باش اردوین و نجو  
 آمدند در عظیم آباد بخانه شیخ فریسی نسب شادی کردند و دختران پیدا شد یک  
 جده من ثانی خواهر فرور و جده من که از شیخ برکت الله ابن شیخ اهل السدیس شهر  
 کنده شد عذار بلبل آن بی بی اولاد شد الا شیخ صاحب ازد و شادی از یک  
 دو پس این از یک دختر که شد و پسرنای می فرمودند بعد شادی من ع  
 می پرسید فصیل الدین احمد بچایین مغرب که مریدان شان بودند بسیار در مقام

کانپور کردند انتقال برادر سید شاه شمس الدین حسین را پذیرفتند بجای  
 پسر والده من شادی آن برادر نیز رو بروی کردید بعد کردهند انتقال استماع  
 از زبان جدی جده ماجده کنام جیادری من بود شیخ محمد ابن شیخ احمد ابن شیخ  
 عبدالصمد ابن شیخ امجد اقامت داشتند در شهر پٹنہ بطور کاشتکار و نام جده  
 مادری من بود مسماہ سلطان بی بی بنت شیخ امان علی ابن شیخ سلطان علی  
 ابن شیخ رضا فعلی درین شهر بودند از تجار در برود مصاہرت واقع شد نام  
 مادر من بود آمنہ بی بی و نام ہر دو امون من بود شیخ عاشور علی و شیخ مہر علی  
 این نوجوان فوت شدند لاکلانہ مامون مرادیدہ باشی شیخ عاشور علی کبر سن  
 شدہ بودند در اینجا کردند انتقال بجای مسماہ اسمال و نام خالہ من بود فاطمہ  
 بی بی اند شیخ محمد میر انصاری بودند کنخدا شیخ محمد منیر ابن شیخ محمد ہاشم  
 و منہ فی محمد دائم ابن شیخ محمد اعظم ہر دو برادر غلام بودند ساکن شہر ڈہاکہ  
 پسر محمد منیر شیخ کریم علی برادر خالہ من بہر ملاقات مایان بسواری کشتی  
 از انجاء اہل و عیال در نیجامی آمدند جائے کشتی رسید در تباہی زوجہ و  
 پسر ایشان شدند در دریا غریق رحمت از انجا تنہا در اینجا رسید بر استہ  
 صعوبت و آفت بعد ملاقات در نیجا ماندند خواستم کہ در شرف شادی شان  
 نہایم قبول مگر دزدان کثیر مسلولانہ کجای کردہ در خدمت شان و آدم از و در  
 پسر دیکہ دختر شد یکہ را نام بود عید و در منیر از دختر شیخ عابد علی کہ خدا

یک پسر شد و احد علی نام و دیگر پسر اصغر مجرب و نامد بجا و نه ناقصه شد آخر کار  
 تمام و دختر مسماة سکران از میر عباس علی ابن میر دوست علی که خدا شد و اولاد  
 شد و هر گاه در اینجا سکونت کردند برادر م شیخ کرم علی در اینجا جو شمانغویض نمود  
 باو شان کار دیبات را انتظام بخوبی بگردانجام و حرم شان نیز کارخانه و کار  
 من میدید پسر دود با و خاتمه داری اهتمام دیده باشی هر گاه ذکر آمد حضرت  
 صوفی محمد و ایم قدس سره ضمیمه احوال شان نیز مینویسد یعنی حضرت صوفی محمد و ایم  
 ابن شیخ اعظم ابن شیخ محمد عالم انصاری نسب اول مرید و مستر شد بودند صوفی  
 امانت الله رحمة الله علیه طریقه شان قادرید و دهر سده مجد وید بود بعد از ان  
 با جازت شان آمدند بشهر طینه بهر استفاده باطنیه طریقه ابو العلاء به حضور حضرت  
 قطب العالم شاه محمد معتمد قدس سره چند سال تربیت یافته حاضر خدمت و صحبت  
 ماندند آخر خلافت این طریقه یافته حسب اجازت جانب دطن تشریف بردند آنحضرت  
 و د پسر و یک دختر زوجه صوفی شاه روشن علی که مرید و مستر شد و خلیفه و د واد  
 بودند و نام پسر کلان صوفی احمد المدینه پسر ایشان صوفی وجه الله که بعد از تقاضا  
 صوفی شاه روشن علی زبیب سجاده شان بودند حال اولاد ایشان دریافت شد  
 با پیام حج شریک بودند ما انرا مان کسی اولاد نشده بود و پسر او وسط نام صوفی  
 قائم الله بود و پسر سوم صوفی شاه نور الله بود و چند سال درین دایر ماندند در  
 ایام جوانی به عمرین خاکسار بودند بسیار موانست از سن بود نسبت ربط سلسله

و راه طه قزاق بعد مراجعت از سفر چون رسیدیم ندیم بسوی وطن رفتند  
 و خلف دوم صفوی محمد دایم صفوی شاه تقیه الدود بعد انتقال برادر  
 کلانی سجاده نشین شدند و بهر ادای حج نیز رفته بودند از حضرت جد امجد نکات  
 اکثر بود پس ایشان صفوی ولی الله واضح با خواهر جد ابن خاکسار بی بی  
 امست الرسول زوجه شیخ برکت الله ابن شیخ اهل الد تا زمان حیات شوهر خود  
 در عظیم آباد مقیم ماندند و دام بعد از آن بوقت اخیر بحیث غریبان دانا پور اقامت  
 شدند چنانچه قبر ایشان و والده جد من و برادر ایشان شیخ عاشور علی در دانا پور  
 الا والده شان سلطان بی بی که مرید حضرت شاه محبت الله قادری بودند  
 در قصبه چیلواری مدفون اند و اسگان شیخ برکت الله شاه محمد قاسم پدر  
 شیخ محمد عاصم دیگر شاه محمد واجد یک دختر ایشان از برادرزاده شاه  
 محمد عاصم که خدا شدند اینها سجاده نشین مولاناگر بودند اهل معاش و دواپس  
 شیخ برکت الله شیخ سلامت الله زوجه شان خلاسی مولوی اکرم الحق و  
 مولوی دعات الحق بودند و اولاد نماند و پسردم و نام شیخ امان الله بود  
 زوجه شان نیز بودند بی اولاد رفتند هر دو ازین جهان از آنجا که سلسله قزاق  
 بود بدین تصریح نگاشت باید دانست حضرت جد امجد من فرزندان فرزند خود  
 دیده کردند بعد از شاد و شش سالگی انتقال بسال پنجاه و چهار هجری بستی یکم  
 شهر محرم الحرام روز چهارشنبه بود و جد امجد من بعد سی و سه سال جهان

عمر کردند انتقال بر حال خاکسار شفقت و عنایت هر دو بود از دیگر فرزندان  
وقت انتقال از خلافت و جانشینی کردند سر فراز در وقت رحلت پدر بزرگوار  
نموده ساله بودم میوای بهر نوا و استگاس ترتیب فرار جانب شمال احاطه مقبره  
مزار است حضرت میر سید جهانگیر قدس سره و نود و جثمان بعدیم پہلوی جانب  
مغرب مزار است پسر شان حضرت میر سید محمد قدس سره و جانب جنوب پانچین  
شان پنچتہ مزار حضرت سید شاہ میر سید محمد حسین قدس سره نواسہ شان  
و در پہلوئے زوجہ شان بی بی دولت جهان اہل مزار اند این ہر مہ عوام  
نیاز و فاتحہ مینمایند خصوصاً وقت انجام شادی و در پہلوی حضرت میر سید محمد  
مزار است والدہ جس حضرت سید شاہ ولی اللہ و در بجانب جانب مغرب  
قبر والدہ جد الامجد جس است و جانب مغرب پہلوی شان مزار است والدہ جس  
حضرت سید شاہ سلطان احمد و در پہلوئے آن قبر است والدہ ابن خاکسار  
بعده مزار است حضرت جد الامجد پیر سنگیر بعدہ جدہ ماجدہ من بعدہ خالای من  
زوجہ عم الاوسط بعدہ قبر عم الاوسط زن بعدہ قبر عم المخرم سید شاہ مراد علی  
و در پہلوئے شان زوجہ انتخاب اند بعدہ یمن بسیار و خواہران من و دیگر  
عزیزان این بہر نوا و آفتان تحریر نمود دیگر عرض از تالیش تحریر نمود  
ثمرہ اول شجر اولی اصل اول خاتمہ در احوال عم کلامی سید شاہ

وحید الدین احمد

واضح باد فرزند کلائی حضرت جد امجد سید شاه مولوی وحید الدین احمد بودند و لا اله الا  
 ایشان بسال یک هزاره و یکصد و نود و هفت هجری در شهر رمضان المبارک بود  
 بر فرزندش بنیاد تحصیل علم ظاهر و معیت بطریقه عالیّه قادریه از مولانا شاه ظهیر الحق  
 قادری نمودند و بعد از ده سالگی در علم قریب فراخ بودند و تربیت و تعلیم باطنیه  
 بطریقه عالیّه ابوالعالیّه از جناب حضرت سید شاه خواجه ابوالبرکات قدس سره  
 بودند و بوقت خلافت رسید و صحبت مشایخان عصر بود اکثر و چند سال در ایام جوانی هم  
 بهر همت جلیله حاکم وقت بودند سرشته دارد در شهر آباء و اجداد مدت ده سال آخر ترک  
 روزگار نمودند و بعد از پیچیده سالگی شادی شد از بی بی مسماة امین النساء دختر  
 منشی سید محمد حسین ابن منشی سید محمد علی الدین تعالی بخش و اولاد چهار نفر  
 و چهار دختر سه پسر بطبوعیت مرید و دختران از خواهر زاده و بیرون از درگاهان که خط  
 شدند و ذی اولاد و پسر چهارم سید عثمانیت الدین انچه که از زوج عم کلائی  
 دریافت شد اصل نسب بالا در اینجا بنویسد چه که تحریر بر صحت نسب مصابرت است  
 میر سید عالم علی زیدی نسب ساکنین یاره بودند پسرشان سید احمد علی پسر ایشان  
 سید احمد علی از وطن مفارقت کرده بهر حصول مدد و معاش روانه دیار شترت  
 شدند خلاصه شهر بنگاله بمقام سولکپه در آنجا سکونت کردند اختیار پیدا شد  
 جلیله صورت روزگار پسر ایشان منشی سید محمد علی جلیل القدر حکام بودند  
 اکستاد حاکمان وقت و دو پسر ایشان کلائی منشی سید محمد شاه با وجود خطا

علی بسیار محنت داشتند سه پسر ایشان و یک دختر و منشی محمد حسین را سه دختر و یک  
 پسر منشی سید ولایت حسین بطور ایشان سر رشته دار کورث اپیل بودند  
 در جلسه مشر خانس صاحب بهادر و نیز او ستاد بودند مقرب و ممتاز ز رفقا بر دین  
 بعد انتقال والد خود حاکم وقت این عمده به پسرشان بحال داشت تا حیات  
 با و ج جلیله مانند پسر کلانی منشی محمد شاه سید دلاور علی و ثانی سید اعظم علی  
 هر دو داماد هم خود بی کریم النسا زوجه کلانی و بی بی ولی النسا زوجه برادر  
 ثانی هر دو فی اولاد و پسر سوم سید کاظم علی نوجوان رحلت کردند و شادی  
 میر ولایت حسین از دختر عم نیز کردند از مسماة عمه بیگم دختر منشی محمد شاه شش  
 دختران میر ولایت حسین مرحوم که خدا درین دیار از شرفا و حواری و دختر در  
 اکبر آباد از هر دو برادر اعیانی که خدا از قاضی باقر علی مسماة و حلا و از حکیم  
 وارث علی مسماة صدرا و کلان مسماة فنیما در موضع کرانی پسر اری و مسماة فضل  
 از میر فرحت حسین و مسماة مجیبا از میر مظفر حسین هر دو برادر اعیانی ساکن قصبه  
 چهره و یک دختر را نام معلوم نیست در ضلع علیکده گول در خانه شرفا که خدا و  
 یک پسر نام سید اصف حسین شادی اول از دختره سید میر نجفان در اکبر آباد  
 شد ثانی بعد وفات زوجه اولی از دختر اخیان عمه زاده شاه محمد سجاد شد  
 از هر دو اولاد نشدند و پسر ابن قاضی باقر علی و اولاد علی و حاجی با سید علی  
 و پسر حکیم وارث علی نظام علی خان صدر وکیل یا مصعب هنوز آنها موجودند

دو دختر میر فرحت حسین سماته سراج النساء و دو پسر میر مظفر حسین امیر حسین  
 و نظیر حسین و پسر نشی و لا و علی میر لطف علی و یک خواهر شان که از میر اصالت  
 که خدا و میر اعظم علی را و دو پسر سید لطف علی و مولوی سید احمد علی آئیده منقسم  
 حالا ذکر اولاد هم الا عظم بنمایم که که خدائی شد واضح باد دختر کلانی سماته  
 بنحشا النساء زوجہ اولی اخى الا عظم شاه مجید قاسم دو فرزند از لطن این  
 زوجہ شدند هر دو رحلت کردند بصغر سن بعد از آن مادر شان فوت شدند  
 دختر ثانی عم کلانی سماته عجب النساء زوجہ سید شاه خدا حسین ابن سید شاه  
 فرید الدین ایشانرا از لطن این بی بی یک دختر شد جمیل نام بچربست سالگی  
 شد عمر تمام و نام پسر امیر حسین آنهم بعد وفات مادر بچر و اولاد نماند و دختر سوم  
 عم کلانی را نام بی بی ام البتول عرفت بتول از برادر سید هدایت حسین شدند  
 که خدا یک دختر شد نام نظیر النساء که خدا شده از سید ارشاد حسین ابن  
 امیر حسین امام ابن سید شاه داشت علی بهاری ذی اولاد شده بے اولاد  
 ازین عالم و نام پسر آن برادر سید نصیر الدین احمد و شادی ایشان شد  
 دختر نیز شدند هر دو فوت شدند از پسر دوم سید علیهم الدین از دختر میر محمد حسین  
 این میر علی سجاده پهلوار دی که خداست یک پسر سید رحیم الدین و چند خواهر  
 ایشان ده دختر چهارم عم کلانی نام تلج بی بی و است الرسول عرف رسول  
 از برادر کلانی بیانی این خاکسار که خدا یعنی از سید شاه علی حسین که خدا



شدند می اولاد یک پسر و یک دختر و سید عنایت الدار خواهر خورد این فقیر  
 که خدا شدند یک دختر شد بصغر سن بمرد بعد اولاد نشد الا از حرم چند پسر و  
 دختر نزد کیفیت اولاد برادر خود آیند و بمسرح خوابگاه گشت  
 ثمره دوم در بیان اولاد دختر حضرت سید شاه غلام حسین یعنی

ذکر فرزندان بی بی حفیظا النساء زوجه شاه تراب الحق

باید دانست نام عمه حضرت سماء حفظا الفساکه از برادر کلان خور و بودند  
 و از سه برادر کلان زوجه شاه تراب الحق ابن شاه طیب الدار ابن مولوی الدین  
 حضرت شاه طیب الدار و اسه شاه سیف الدین و ثوری بودند ذکر نسب بالا  
 تحریر شد الحصول این بی بی در زمانه خود راجه بودند در عبادت الهی پر سلیقه  
 و سخیه و مطیع والدین تا عمر خود در دنیا پدید بحار پیر بزرگوار ماند خانه نوسان  
 بسبب کثرت اهل و عیال الدین بی بی چهار دختر بنحسب بچل سالگی  
 رو برد والدین کردند انتقال چهار پسر و دو دختر گذاشته فرزند کلانی سید  
 شاه محمد قاسم تربیت علم ظاهر از خال الا عظم یافتند می استعداد و شایسته  
 بنظیر بودند اکثر نوکری طایفه پیش حاکم وقت بودند بیعت ایشان را از حضرت  
 سید شاه خواجه ابو البرکات قدس سره بطریقه عالی نقشبندی و تربیت طلبه  
 از حضرت سید شاه قمر الدین حسین قدس سره و اجازت خلافت ارشاد  
 و بیعت از هر دو جازا ابتدا و تا انتها تربیت و تعلیم فیوض باطنی بیارن

می نمودند هرگاه ترک نوکری کردند و وطن آمده زین سجاد شدند بارشاد  
 مرشد پیری و مریدی فیضیاب از ذات بابرکات ایشان شدند بسیار ثقت  
 و پنج سالگی کردند انتقال بسال یک هزار و دویست و هشتاد و یک هجری بروز  
 پنجمین فرار واقع است در حضرت منیر باستان حضرت مخدوم یحیی میر  
 قدس سره شادی اولی که از دختر کلان خال کلانی شده اولاد شده مادر پسر  
 هر دو کردند انتقال اولاد نام شادی ثانی از مسماة امیر النساء دختر چندی  
 شد در بهار محله باره دری از ایشان نیز شدند و دلیسر و یک دختر بصغر سنی  
 وفات نمود الا پسر آن جوان شده رحلت کردند اولاد صلی نام پنج فرزندان  
 برادران و فرزندان معنوی اگر چه او ستاد این فقیر بودند الا در صحبت منیر  
 مرا حصول شد با وجود این تعظیم این خاکسار میفرمودند هر آنکه زوجه ایشان  
 مرید این فقیر اندک جهان السعد عجیب مراتب بابرکات بودند  
 ثمره دوم یک خواهر ایشان از همه برادر بزرگ و ایشان خورد مسماة اولاد  
 عرف امون از سید مرتضی علی ابن میران علی ابن میر شرف علی ساکن  
 رهروی که خدا شد یک پسر و سه دختر آن ایشان شدند الا همه بصغر سنی بمرد  
 بیعت ایشان از زوج عمه خود از شاه فخرالدین حسین بطریقہ عالیہ  
 پشتمیه مودودیه و الا تربیت و تعلیم معنوی بطریقہ عالیہ ابو العلامیه از  
 جناب حضرت سید شاه قمرالدین حسین قدس سره یافتند بطریقہ یکے از

ابلكمالان بودند نسبت عالیه ماده جذب در آخر عمر در جذب الهی بودند و صاحب  
 کلمه الحق افسوس زندگی و فائز دوی و چهار سالگی حلت کردند بسیار مریدان  
 و مسترشدان ایشان می شدند بسال یک هزار و دویصد و پنجاه و سه هجری و فوات  
 یافتند شمره سوم پسر ثانی عمه این فقیر سید شاه محمد و اجدادین شاه ترا بحق  
 رحمة الله علیه که مردم ذی فنون و پرهیز بودند و استعداد فارسی بود بسیار  
 و تربیت و تعلیم معنوی بطریقه ابوالعلاء ایشان را نیز از حضرت قطب العصر  
 سید شاه قمر الدین حسین قدس سره بود و فکر را معنی خیر طبیعت بود صاحب  
 وارده در دو حال صاحب اثر و تاثیر که بر حاضرین اثر بینمود و در شعر و سخن در ک  
 خوش مذاق بودند و پیشه تجارت کردند با انهمه عفت از کار خود نبود و وقت اخیر  
 بیعت از حضرت شاه مظفر حسین ابن و خلیفه حضرت حکیم شاه فرحت الله  
 قدس الله سره هم کردند و اجازت پیرو مریدی از خال کلان یافتند مرید  
 و مسترشد ایشان نیز بودند و عمر شصت سالگی رحیل ملک بقا شدند بسال یک هزار  
 و دویصد و هشتاد و چهار و ولادت ایشان بسال یک هزار و دویصد و بیست و چهار هجری  
 بهامه ذی قعدة ازین حقیر محبت بسیار داشتند و در چند فن تلمیزی ایشان فرار  
 این حقیر شادوی ایشان بعلاقه بهار در اقران شد بموضع نور پور از رساقه  
 تحفة الشما و خضر سیخ بهار علی و دو دختر و یک پسر از بطن این زوجه شدند  
 دی اولاد از نام پسر ششی سید محمد و زیر که در فارسی سیت دارد و بی نظیر

و شاعر است متخلص عطا تربیت باطنه یافت از نعم خود حضرت سید شاه  
 مبارک حسین قدس سره ابن حضرت قطب العصر حضرت سید شاه فیروز  
 قدس سره و بیعت ایشان را از حضرت عم کلان شاه محمد قاسم قدس سره  
 اوقات بزرگوار حاکم وقت چندی بسر کردند حالاً در تجارت مشغول اند که خدا  
 ایشان از خواهرزادی ام یعنی از دختر سید شاه امیر السعد بن میر فقیه الله  
 از مسماة امت الصغری اولاد پسران شدند حالاً سه پسرند موجود کلانیه  
 مولوی محمد کبیر که در عربیت و فارسی و کتب نوکری حکام زمانه در انگریزی  
 نیز فوقیت دارد و بهر کار در برادران فوق است بیعت ایشان نیز از حضرت  
 جد کلانی مدوح و تربیت معنوی از جد اصغر سید شاه محمد سجاد حاجی الحرمین  
 احمد در کتب بطون نیز دارد و کمال در شاعری سجیل که خدائی از دست  
 خالاقی مسماة و بین النساء دختر سید محمد و م بخش ابن سیر شجاعت علی مرحوم  
 ذمی اولاد است یک پسر دارد و دختر موجود اند پسرانی شاه محمد وزیر محمد ظمیر  
 حصول بیعت ایشان را نیز از جد اصغر است که خدائی نیز شد پسر نیز است  
 سرسوم محمد یحیی و پسر سوم را نام محمد صغیر است در تحصیل علم مشغول است  
 دختر کلانی محمد واحد مسماة بخت النساء که خلا از سید ابوالبرکات معروف  
 بشاه برکت ماکن موضع مدین پور بیعت ایشان را از حضرت سید شاه علیم الدین  
 بلخی و لا تربیت معنوی ایشان را نیز از حضرت سید شاه مبارک حسین

قدس سره بفصله ذی اولاد و دختران و پسران دارند دختران در اقران کد خدا  
 اند بعضی ذی اولاد اند الا پسران صغیر اند محمد خلیل و محمد جلیل الله تعالی خوشنود  
 دارد و دختر دو دم شاه محمد و احمد علیه الرحمه از همزلفت زاده ایشان سید قسیم است  
 ابن سید شاه تصدق حسین کد خدا شد یک پسر گذاشته بنام محمد ظهور نوجوان رحلت  
 کردند و فرزند نیکیم است الله تعالی عمر طبعی کشد و ذی علم مانند باقی از محل ثانیه دو  
 دختران اند یکی کد خدا از شاه و احمد حسین همسرای ذی اولاد نام پسر ایشان  
 محمد رضا و ثانی دختر طایفه کد خدا و نام شاه محمد و احمد محمد امین بهیت از والد خود  
 نموده است ذی اولاد است بنام محمد معین و مبین و متین خیر باد شمره  
 چهارم پسر سوم حضرت شاه تراب الحق مرحوم شاه محمد یوسف مرحوم  
 ای طفولیت تا جوانی تحصیل علوم کرده کمال صلاحیت طبع بودند گویا عارف بالله  
 کار دنیا کسب نکردند خوشنویس بودند بجز هفتده سالگی قضا کردند ازین فقیر کمال محبت  
 و انیس سیدانشند بمهر و دوشیر

### شمره پنجم در بیان کیفیت حضرت شاه محمد تجار حاجی کجین

ام و آبار نور العین و اوضح باده شاه محمد سجاد ذی ارشاد ابن عمه خاکسار منوش  
 در پهمرد و هم عمر این فقیر حقیر اند از خور و سالی در تحصیل علم هم سبن چندی اوقات  
 بسمر در نوکری حاکم وقت نمودند همراهی کلان بهیت ایشان را نیز از حضرت  
 قطب الشایخین سید شاه خواجه ابوالبرکات قدس سره در تربیت و تعلیم

مسنوی از حضرت قطب العصر شیخه قمر الدین حسین خال الاعظم قدس سره و مجاز بیعت  
 از حضرت اخوی کلانی و بعد ترک روزگار پنج بار بیعت زیارات بسوی حجاز شریف  
 بردند حج نمودند زیارات حرمین شریفین ذات البیرکات اند و در فن شاعری  
 دارند کمال در اردو فارسی ساجد تخلص است فیضیاباز ایشان اند بسیار  
 و مردان کثیر از وقت ترک نوکری چنانچه پیرگان مرشد زاده ایشان بیعت کردند  
 و تربیت یافتند خوش اوقات اند فیض طشرع صاحب وجد و حال پیرایه کمال اند  
 شادی ایشان گردید از مسماة بصیر النساء مدعو براتن دختر میر محمد حاتم  
 برادر عمه زاده ایشان بودند بفضل اولاد شد کثیر چند شدند رحیل بلکه بقا و تفر  
 پسر لا موجود اند چهار دختر همه با کتخدا جا بجای که از میلا صفت حسین که بیوه است  
 اولاد ندارد و دیگر از سید عبدالحمیم ذبی اولاد نام پسران محمد عظیم و محمد علیم سومی  
 که خدا از حکیم امیر کثر ذبی اولاد چارمی از محمد غزال ذبی اولاد است بعضی را  
 بیعت و ارشاد است بعضی را فقط ارشاد الا پسر عالیقدر را نام سید محمد شاه  
 مولد حسین قیام اکبر باد شد ذبی لیاقت اند و حبیت ظاهری بغاری خوبی  
 شاعرانند به نظیر بیعت ایشان را از حضرت عم کلانی و نیز تربیت و اجازت  
 شادی ایشان از مسماة نعما دختر سید ولایت حسین گردیده است ذبی ولد  
 اند دختر اند موجود بسیار طبع ذکا و فهم رسا اند و شغل کتاب بینی بسیار  
 و مجاز اند از هر اعمام به نسبت تربیت و احد بیعت و محبت این فقیر حقیر نیز بوده اند حاضر

## شماره ششم

در ذکر دختر ثانی عمه این فقیر مسماة بی بی کلسوم که از میوه ثعلبی شدند که خط  
بیعت دارند از خال الاعظم خود خواهر عزیزه صاحب عفت و عصمت از بطن  
این بی بی دو پسر شدند یکی عمر در آنکه خدا شد عمر در آن زمان ثانی پسر مرد پسر شاه  
نظیر حسن سلمه موجود است بپایه ثبات و تعلیم و ذمی شعور در علم عربیت  
بے نظیر و عبارات فارسی نیز تحصیل کثیر بسیار در طبیعت دارد صلاحیت بیعت  
و تربیت ایشان از خال خود یعنی از حیات اخوی سید شاه محمد سجاد و مشغول  
ارشا که خدائی شد از دختر سید ابوالبرکات ذی اولاد

شماره شجره فرخ ثالث اصل اولی در محراب حضرت سید شاه فرید الدین احمد  
رحمة الله علیه مرید و خلیفه و ابن حضرت سید الواصلین سید شاه  
علام حسین و ذکر فرزندان ایشان تصحیح

باید دانست دلاوت حضرت عم الاوسط عمده المشایخین سید شاه فرید الدین احمد  
در سال یک هزار و دصد و دویجری بماه رمضان بدینوجه رمضان علی اکبر  
مدعو شاه مضبوط و بیعت ایشان را از والد ماجد خود بطریقه عالیه قفا دریه  
و تربیت معنوی بطریقه ابوالسلاویه از جابجا از بزرگان این سلسله نیز  
جویشیت عربی و فارسی بود کمال الایجاز و بیعت تدریس دادند و نه دینار  
ارشا داشتند خبر گیری معاش مقبوضه و ایم می نمودند شادی این حضرت

اردو دختر کلانے غم خود کردند از مسماة فصیح النسابت حضرت سید شاہ  
 شمس الدین حسین قدس سرہ ذمی اولاد شدند بعد رحلت والد ماجد پنج سال  
 رحلت کردند بعد پنجاد و شش سال سر سال یکہزار و دو صد و پنجاہ و نہم شہر محرم  
 پانزدہم تا بیخ بود از اولاد سہ پسر ماند و دو دختر ان قضا کردند یکے محمد و سہ  
 نام نام پسر کلانے سید شاہ فدا حسین بعیت ایشان را از جد بزرگوار خود  
 بطریقہ عالیہ چشتیہ و تبریت باطنہ از انجی الا عظم شاہ محمد قاسم علیہ الرحمۃ بعد  
 والد خود جانشین شدند بتولیت نہایت پرسلیتہ بودند و خلیق و مسافر پرور  
 نام آوری کردند خاندان ہمہ روسا و شہر در گرد و اخلاق بودند شہرہ آفاق  
 با وجودیکہ از تحصیل علم ظاہر بودند بعد از سال ولادت آنجناب در او اہل شہر  
 ربیع الاول در سن یکہزار و دو صد و ستی ہجری بعمر شصت و سہ سال  
 کردند انتقال بسال یکہزار و دو صد و ہشتاد و پنج ہجری مرقد ایشان در  
 قصبہ نسیر ہم پہلوی انجی کلانے دفات شہر رمضان شریف تا بیخ  
 پانزدہم حصہ ترکہ خود بوارثان صلیبی بہ ہم شرعی اوند و دو برادر زادہ خود را نیز  
 تعلیم و تربیت نموده از وارثان گردانیدہ بہر کہ حصہ دادند سوائے آنکہ برادر  
 خود بودند موجودند و اندلسی ہمہ وارثان ترکہ را خورد و نوش نمودند با وجودیکہ  
 موجود اند شادی آنجناب از دختر ثانی حم کلانے شدہ بود یک پسر و دختر  
 متولد شد با یام صغیر سنی فوت شدند مذکور العبد والا ارحم سہ پسر و سہ دختر



یک دختر که خدا سده رحلت نمود نام حرمت بود لایب صاحب عفت بود  
 و دو دختر شهبان خود اند موجود و پسر کلانی نیز اند موجود و سیدی رحمت علی مل  
 مقصود الله تعالی این همه را بخشید صورت بهبود و توفیق عبادت بخود سید شاه  
 هدایت حسین و لد ثانی حضرت سید شاه فرید الدین احمد علم ظاهری موافق ضرورت  
 داشتند و همیشه بصیغه مختاری حاضر می دربار داشتند الا منکسر طبیعت ذوی جز  
 که بنزد خود هیچ نداشتند اتفاق بیت ایسان نشد الا تربیت یافته بطریق معنوی  
 از خال الاعظم حضرت سید شاه قمر الدین حسین قدس سره بطریقه عالیسم  
 ابوالعلاویه بود که خدائی ایشان نیز از دختر سوم عم کلانی گردید از مسماة است التول  
 و پسر و یک دختر متولد شدند دختر از همه کلانی ذوی اولاد شده مع اولاد وفات  
 یافت الا پسران موجود که خدا نداد جا بجا کلانی سید نصیر الدین احمد ثانی سید  
 علیم الدین احمد از دختر میر محمد حسین ابن میر علی سجاد و پهلوانی که خدا چنان  
 دختران الا یک پسر سیدی ابوسعید رحیم الدین متولد شد و مرید جناب اخی الاعظم  
 سید شاه علی حسین است و سید نصیر الدین را که خدائی و قصیده نیز شد یک دختر شد  
 بمرد و زوج نیز شادی ثانی نیز نمود و انهم فوت شد و سگرفته این فقیر است و ثانی  
 مرید عم کلانی خود و مکره برادر برگزیده دارین میر سید حسین پسر سوم حضرت  
 عم الاوسط میر سید فرید الدین احمد ضروری علم ظاهری دارند محتاج تحریر را کسی  
 نیستند که رو بدو آید بحت ایشان را از جناب حضرت سید شاه خواجه ابوالبرکات

قدس سره و تربیت معنیه از حضرت پیر مرشد شاه محمدالدین حسین  
 قدس سره بطریقه عالیه ابوالعلائی و مجاز نیز از انجی کلاتی اندشادی اولی ایشان  
 از مساجد محمد و مسم و دختر شاه امیر علی مرحوم گردیده بود و بهر نفعت بودند این فقیر  
 چون زوجه گردید احتمال بود اولاد نیز نشد شادی ثانی از دختر میرانمیش رئیس شهر  
 این هنوز از زوجه موجود آلا از اولاد نیز اندمقصود

شماره چهارم شجره فرج سوم اصل اولی در بیان حالات و اولاد و سید  
 اسالکین حضرت میر سید سلطان احمد پیر سوم حضرت سید کواصیل  
 سید شاه غلام حسین قدس سره

واضع باد ولادت با سعادت آنحضرت بسال یک هزار و دصد و شش هجری  
 بماء شعبان المعظم و در چهارشنبه یازدهم و از دهم این حضرت در فرزندان والد  
 اجل و اکمل و ذی اقبال بوده اند و بصورت جوان بسیرت لائق تحسین سر عرفان  
 تربیت و تعلیم در کتاب عربی و فارسی آنچه که بود از والد ماجد خود بود الا از تحصیل  
 ظاهری حبسیت افزون ننمود چون بهلوان صاحب قوت و زور بیت آنحضرت  
 بود بطریقه عالیه قادیان حضرت تاج العارفین محمد و شاه حسن علی  
 که یکی از خلفاء اکملین حضرت قطب العالم محمد و شاه محمد منعم قدس سره بود  
 و تربیت معنوی بطریقه ابوالعلائی منعم و خلافت آنحضرت بود در نوجوانی صاحب  
 ارشاد شدند و مریدان بسیار و حسب خواهش که بسعی بازو خود او قات

همیشه بود شغل طبله روزگار حکام بودند بسیار مداعی و خوشنود و گاهی خانیان  
 شده کردند شغل کتاب گاهانی کردند تجارت القرض بشدند گاهی کسی از آن و دستان  
 محتاج و عالی همت و ذمی مروت صاحب جوهر کرم و سخاوت همیشه مانند نذوب  
 و ششم شادی حضرت سید نیز از دختر عم از سماء قاصدیه حکیم مدعو افت الشا  
 بنت حضرت شمس الساکلین سید شاه شمس الدین حسین قدس الله سره و نیز  
 اولاد شد پنج و دو دختر و سه پسر پسر او سید علی حسن سه ساله وفات یافت  
 و برادر او پسر دجید و جد الا و دو دختر و دو پسر مانند بعد رحلت والدین سال  
 یک هزار و دو صد و چهل و دو هجری بمشیش سالگی ستم شده کردند انتقال ششم  
 شهر ذیحجه روز دوشنبه و برادر والدین خود همه با عزیزان و بزرگان محزون  
 و غمگین شدند بر ملا و دختر کلان آنحضرت سماء ولایت الشا که خدا شد انداز  
 سید امیر الدین میر فقیر الله بودند صاحب عفت و جیابیت ایشان را بطریق  
 عالیة نقشبندیة از خضر خود حضرت سید شاه علام حسن شهدی بود و تربیت با  
 نیز از برادر خود حضرت سید شاه مبارک حسین قدس سره ذمی مراقبه و  
 مشغول بذكر الهی با وجود اعمه الله تعالی اولاد پنج سید سه دختر و سه پسر یک پسر  
 و صغری بمرد الا کلان که خدا شده نوجوان ذمی اولاد شد نام بود و جیه الله  
 مدعو بنی حسن ثانی پسر سید لطف الله عرف الیوا حسن نوجوان هر دو وفات یافتند  
 الا دختران ذمی اولاد شد کلانی دختر سماء زهرا از سید محمد و مبخش این سید

شجاعت علی ساکن سامن که خدا یک پسر داد و دختر یک و دختر زوجه محمد کبیر بود  
 زوجه سید فضل امام و نام پسر سید ظهیر الحسن که خدا از دختر برادر حم حکیم  
 سید محمد کاظم یک دخترست موسوم عظیمه فاطمه و ثانی شادی نیز در اقران  
 خود نمود و دختر ثانی است الصغیر از زوجه بنی محمد وزیر ابن سید شاه محمد و بعد  
 مذکور الصدور ذکر اولاد نموده شد و دختر سوم سماء ولی النساء که خدا از سید کمال  
 نواسه حضرت سید شاه جمال الدین حسین داد و دختر داد و پسر گذاشته کمال الدین  
 وفات کرد و یکی دختر که خدا از سید حامد رسول نبیره میر علی سجاد پهلوانی فرزند  
 داود و می هنوز ناکه خدا نام پسران خیر الدین حسین ذی شعوب است آن پسر  
 و نام ثانی تبارک حسین هر دو هنوز انداخته الا شغل تحصیل علم و روزگار انداخته  
 ثانی حضرت میر سید سلطان احمد سماء شمس النساء که در عمر ازین فقیر خواهر  
 خود بود بیعت بطریقه عالییه قاوریه نمود از حضرت جد ماجد سید الواصلین و  
 مشغولی باطنه بودند که خدا شد از پسر عم کلانی سید عنایت الصدیق دختر  
 شده بود سه ساله بمر نام بودم النساء بعد کس اولاد نشد بعمر پنج و شصت  
 سال رحلت نمود مثل عارفه زمانه بد که تسبیح الهی بیست و دوم شهر ربیع الثانی جمیع  
 سال یکبار بود و صد و نود و پنج هجری رحلت کرد و تدفین هم پهلوی خواهر کلانی  
 پسر کلانی حضرت میر سید سلطان احمد قدس سره انجی کلانی این فانی جناب  
 معالی القاب سید شاه علی حسین برگزیده دارین سال ولادت آنحضرت

بسال یک هزار و صد و بیست و شش هجری و بیستم شهری قعه روزیکه شبیه قوت  
 خلعت والد ماجد جوان شانزده ساله بودند تحصیل علم ظاهر کتاب درسی فارسی از  
 هر یک اعظام خود نمودند و زمره فارسی درست است بعبارت مربوطه نوکری  
 چند بار نزد حکام زمانه کرده اند که خدائی ایشان از دختر خور و عم کلانے گردید از سما  
 امت الرسول عرت رسول از لطن این بی بی بعد چند سال شادی او گذشت  
 و دو دختر و یک پسر در اول تربیت و تعلیم طریقه ابوالعلاء بیاض حضرت خال لاظم  
 جناب حضرت سید شاه قمرالدین حسین یافتند تا حیات آنحضرت ذکر اشغال  
 تعلیم میبرد اخند چون از اینجا کشود و فایده مترتب نگشت بعد انتقال آنحضرت  
 بیعت بطریقه نقشبندیه ابوالعلاء به شهر آله اباد رفته از جناب حضرت قطب العارفین  
 منظر کرامات حضرت سید شاه خواجه ابوالبرکات قدس سره ساختند بعد  
 در صحبت بابرکت حاضر شده جناب حضرت شیخ المحققین حکیم شاه مظهر حسین  
 قدس سره جانشین و خلف الرشید حضرت واصل بالله حضرت شاه  
 فرحت الله قدس سره مخاطب به جس و دست فیض طریقه مذکور گردانستند  
 بعد طی ذکر اشغال و تعلیم اسرار باطنه مادی و غیلات شدند و نیز خلافت  
 از جناب حضرت عمده العارفین سید شاه خواجه ابوالحسن قدس سره  
 ابن و خلف الرشید حضرت قطب العاشقین مادی و غیلات اخذ بیعت بطریقه  
 گردیدند بفضله از هر دو جانمات یافته سجاده ارشاد و ترشد بمرشته پیری بمریدان

رسیدند اکثر یاران قیضیاب انداز نعمت سینه گنجینه ایشان چنانچه خلف الرشید  
ایشان را بیعت و تربیت از ایشان است و غیره برادر خالائی مرید و مستر شریف  
بعد از رحال اخوی سید شاه فداحسین علیه الرحمة بمنصب تولیت آمدنی و بهای  
نشستند با نظام سرداری و زمینداری از عرصه سه سال بعارضه مجبور اند آمدند  
صحت بخشید یک دختر کلانی ایشان کنیز فاطمه سه ساله در گذشت ثانی یک پسر  
موجود بنام سید رکن الدین حسین که از دختر عم سید شاه کاظم حسین کدخدائی  
گردید ذی اولاد است ولدست موجود بنام زین الدین حسین طال الله  
و دو فرزند کلانی و ثانی در گذشتند و دختر ثانی اخوی اسمانی بی بی ظهور و فاطمه  
دعوا محبت النساء از صاحبزاده خود جناب حضرت سید شاه مبارک حسین قدس سره  
که خداست یعنی از سید شاه رضی الدین حسین ذی اولاد اند بعد فوت  
دختر و لدی موجود است الله تعالی ترقی عمر کند و حالا سن شریف اخوی کلانی از بهقما  
بالا الا هنوز باین حالت بمشغولی و ذکر مشغول اند و برادر کمترین ایشان است

این حقیر سکین عطا حسین فانی کیفیت خود در خاتمه تحریر خواهد داشت

نمره پنجم شجره بست فرع سوم اصل اولی در ذکر محابد حضرت سید شاه  
مراد علی فرزند چهارم حضرت سید الواصلین سید شاه غلام حسین  
قدس سره مع ذکر اولاد

باید دانست اگر چه میر سید جمال الدین احمد عرف سید شاه مراد علی اند فرزند چهارم

الا باوصاف حمیده از همه برادران مکرم به نسبت جوهر ذاتی و صفاتی سبحان الله  
 ولادت آنحضرت بسال یک هزار و دویصد و نوده هجری باه سوال المکرم تاریخ  
 یازدهم روز پنجشنبه واقع از بیان حضرت پیر و سنگیر جدا مجد قدس سره کی  
 کمالیت و علم عربی و فارسی و نظم و شعر بود بسیار و در حکمت حکیم صادق صاحب  
 دست شفا و خوشنویس خوش تحریر و خوش قلم و در قلم نجفی و علمی و هر خط تحریر  
 می نمودند بخت حضرت را بطریق عالییه نقشبندیه ابوالمسلمه از جناب حضرت  
 قطب العاشقین سید شاه خواجہ ابوالبرکات قدس سره و نیز اجازت  
 و خلافت یافتند از آنحضرت ماندند در صحبت تربیت الا کشود فیصن باطنه بطریق  
 مذکور از جناب انخی الاعظم خود حضرت سید قمر الدین حسین قدس سره که او متنا  
 و همزلف نیز بودند انخی عماد و قلمی نیز بخوش رقی از انخی عماد انوشی سید محمد حلیل  
 برادر حلیل بعد تحصیل ظاهری و باطنه بمطرب گشتند در حکمت شاگرد رشید حافظ  
 غلام نبی خان بودند و او ستاد حاکم وقت و نیز عمده کو توالی نمودند بمرتب  
 سه سالگی شادی آنحضرت از بی بی حیات النسابت سید شاه ولی احمد بلخی  
 علیه الرحمه گردید و اولاد شد و دو پسر و چند دختران پسر خود مسمی سید اشرف حسین  
 بعد از سنی رحلت نمود و نیز چند دختران الایک دختر کلانی مسماه میرم النساء که خدا  
 شاد نماز سید شاه مبارک حسین قدس سره از لطن این عقیقه شدند و دختران  
 و فاته شدند به کم سنی بعد از ان انهم رحلت کردند و فرزند از جمند زبیه بلند را نام

سید کاظم حسین سلمه که در تحصیل کتاب عربی و فارسی از همه اخوان دارند  
 وقت و نیز کتاب حکمت خوانده در مطب نشسته علاج بیماران مینمایند  
 دست شفا هست و هر یک غریزان در کتب درسی نیز شاگردانند حصول بهمت  
 ایشان بطریق عالیہ چشتیه از جد امجد حضرت سید ابو اصلین سید  
 شاه غلام حسین قدس سره و سینه از نعمت باطنه نیز خالی نیست  
 اگر چه ارشاد ظاهری از کسی جانیست که خدائی ایشان از دختر خال خورد  
 سید شاه حسن احمد ابن سید شاه ولی احمد بلخی گردید نام ان بی بی  
 سماته فریدون النساء از بطن این عقیقه چندا ولد شد و سه پسر و یک دختر  
 به کم عمری رحلت کردند حالا دو دختر و یک فرزند موجود که خداوند دختر کلانی  
 منسوب از سید ظهیر الحسن ابن سید محمد و منجش و ثانی منسوب از سید کریم  
 سماته است النساء و اولاد هر دو آنند که در الصدر الاپسر که نام سید  
 عطا معین الدین المدعو سید شرف الدین احمد است تحصیل علم ظاہر  
 عربی و فارسی و کتاب حکمت از والد ماجد خود نمود و نیز کتاب عربی از اوستاد  
 دیگر بر عیثیت است الا ذکاوت کثیر بیعت از پدر بزرگوار خود حصول است  
 بفرزندى این فقیر مقبول است الله تعالى ترقی نماید و توفیق حس تدبیر  
 دهد زیرا که خدائی از دختر خاله این گردیده است هنوز اولاد نیست الله تعالى  
 عطا فرماید بطور آریا و اجداد بخشند و بخشند عمر ترا بد بسال بکینار و صد و شصت



هجری هفتم شهر ربیع المرجب بعمر پنجاه و یک جناب علم المحترم و ستاد می مولائی  
 حضرت سید شاه مراد علی کردند انتقال مزارست در جوار والد ماجد خود  
 عالی تبار یا یامیکه سفر حج بود این خاکسار بسال یک هزار و دویست و شصت  
 هجری اله تعالی این برادر سعید کونین حکیم سید شاه کاظم حسین را و اولاد  
 ایشان را تزیید عجبش که بالفعل زیب سجادگی جدا مجد نیز خود اند اگر چه چاک  
 ذکر حمید سید شاه شمس الدین حسین جد ما درمی درینجا موقع بود چونکه ذکر مصابت  
 آنحضرت است ما قبل آن ذکر میان حضرت سید شاه عبدالمنان قدس سره  
 مقدمه شجره طیبه قادریه نسب حضرت سید شاه مظفر حسین <sup>عظم</sup> نجل ال <sup>عظم</sup>  
 و پیر دستگیر حضرت سید شاه عبدالمنان قادری مع ذکر اولاد ایشان  
 واضح باد ذکر نسب ابا اجداد حضرت سید شاه مظفر حسین قادری و حضرت  
 سید شاه عبدالمنان قادری بالا نوسه است درین کتاب به نسبت دوم باب  
 اولی در ذکر فرزندان حضرت محبوب جانی عوٹ الاعظم محی الدین سید عبدالقادر  
 جیلانی رحمه الله علیه الا بیان کیفیت که یک کرسی نسب ضرورتش نامعلوم گردد  
 بنما معلومان حال باید دانست حضرت سید احمد کبیر ملتانی قادری از اولاد  
 حضرت سیدی سیف الدین عبدالوہاب ابن حضرت عوٹ الثقیین از  
 ملتان تشریف آورده در شهر دہلی بزبان سلطنت بادشاه عالمگیر خانقاہ خود  
 بیرون دہلی دروازه شہان آباد یعنی در دہلی قدیم پیاستمند و بارشاد

مرشد یاران و مریدان فیض باطنه بخشیدند رجوع خلایق گردید باز و حامد در  
 حصول فیض عام بادشاه و اراکین شاهی معتقد گردید این بزرگ سآ با اجاز  
 از بغداد شریف آمده چند وقت در اینجا اقامت پذیر شدند در ملتان  
 یعنی حضرت سید شاه شمس الدین ابن سید شاه میر ابن سید شاه علی ابن  
 سید شاه سعود ابن سید احمد قادری ابن سید سید صفی الدین صوفی ابن  
 حضرت سید الدین عبد الوهاب خلعت الرشید کلا فی حضرت عوث الاعظم سید  
 عبد القادر جیلانی محبوب جهانی رضی الله عنه و خلعت حضرت سید شمس الدین  
 قادری سید محمد قادری و ابنه سید عبد القادر ثانی یکبار در دلی آمده چند اقامت  
 کرده باز بسوی ملتان که وطن جدید شد از برگان تشریف بردند پس ایشان  
 سید عبد الزراق ثانی ابنه سید حامد قادری ابنه سید موسی قادری صاحب  
 اشراف قادریه باز تشریف آوردند در دلی در زمان سلاطین پشیم چند سال  
 بسبب مجوزی مردمان معتقدین درین شهر شدند مقیم زان بعد تشریف بردند بسوی  
 ملتان ابنه محمد کجی ابنه سید داود و فرزند ایشان بودند حضرت سید احمد کبیر  
 ملتان فی ملقب بسید عیث الدین چون تشریف آوردند اقامت کرده باز تشریف  
 بردند و نیز جمعی ایشان یک از فرزندان حضرت سید نا عبد العزیز که فرزند  
 سومی عوث الثقلین بودند حالا از فرزندان ایشان سجاد نشین بغداد شریف  
 جائے عزالت نشین شدند و سالها در صحرا و بیابان اوقات بسر نمودند

و فرزند ایشان بودند حضرت سید شاه عید الدین بیانی خلف ایشان  
 سید محمد سر فرزند لقب بامنیار بیاض در مدرسه تحقیقی حال شهر بودند و وضع باب  
 ولادت جناب حضرت سید شاه مظفر حسین ابن سید احمد کبیر غلانی درین شهر  
 دہلی در سال یکہزار و ہفتاد و ہجری بسن شہو بعیت و تربیت تعلیم باطنہ طریقہ  
 قادریہ از والد ماجد خود حصول ساختند و وقت انتقال والد ماجد سی سالہ بودند  
 انتقال آنجناب بسال یکہزار و نود و نہ ہجری کار معاینہ کند فقوحات تدرائے  
 روزانہ بیشتر بودند و از مریدان و معتقدین امرای سلاطین بسیار کسان بر سفرہ  
 ہمنوال طعام علاوہ لنگر خانہ بودند بعد انتقال والد ماجد خود تا حیات ایشان  
 پیوستہ کار خانہ ماند اگرچہ راجہ اندیا متفقہ چنین بودند مثل مریدان یکے ازان  
 راجہ خیالی رام و سپر شان راجہ سادھو رام برکت دعا برین حضرت بمطلب  
 رسید انتہای عمر گردید کسی فرزند بود نہ اندیشی در عالم خواب مشرف از جمال حضرت  
 محبوب جانی شدند از انجا ارشاد شد ای فرزند مظفر چرا ایمانی پر ملائیل و چہ  
 واری خیال اولاد در نصیب تو نیست این امر محال خواہم خورد کہ اورا مثل  
 دختر سروروی و میدانی در نصیب او اولاد ہست اورا کتھ کن از یکے فرزند نام  
 کہ دار نام محمد سر فرزند لاریب ہست بامنیار ہر گاہ از خواب شد بیدار  
 و گشتہ ہوشیار شدند و تجسس قماش ان نماید از خیر ملاقات شد پتہ و نشان  
 دریافتند بخانہ آوردند خواہر خود بی بی پارسا را بساعت سعید در زوجیت

او شان دادند بعد عرصه فرزندے از بطن آن بی بی متولد شدند سال یکم  
 و یکصد و بیست و یک هجری از دیدار شدند خوشنود و موسوم نمودند شاه  
 عبدالمنان تاجات خود بعد اخذ بیعت تربیت و تعلیم بطریقه عالیہ قادریہ  
 کردند و بجای فرزند صلیبی پنداشتند چون رحلت آنجناب شد سال یکم هزار و  
 و هفتاد و هجری این حضرت پنجاه سال عمر داشتند بحضور اراکین شهر و مقیدین  
 و مسترشدین شدند سجادہ نشین شرکہ دستور نیازات و اعزاز بود و سجاد آوردند  
 از دورات تا سال عمر پنجاه و پنج مجرب بودند که خدای تموده بودند روزی حسین  
 وضو دست خود بر رو مالیدند و بر زبان آوردند درین سن اللہ تعالی وعدہ  
 اولاد میفرماید کدام کس دختر خود باین فقیر خواهد داد در آنوقت سید محمد مهدی  
 ابن سید عسکری که از فرزندان حضرت سیدنا عید الزرقی خلف ثانی حضرت  
 محبوب جانی رضی اللہ عنہ بودند و اراکین سلطنت بادشاهی مخاطب سید الدین  
 از مریدان محضین حضرت سید شاه عبدالمنان قدس سرہ بودند و نسبتہ  
 عرض ساختند یا سیر و سنگیر برین خاکسار عجب معامله گذرشته است چند دختران  
 شدند و سه سالہ شدہ بجای خود واحد فوت شدند حالا این دختر برودہ است  
 ده سالہ نیست کردہ بودم کہ بکنیزی حضور دہم در بیت چنین کلمہ ارشاد شد  
 زہی نصیب کہ آن رتبہ و شرف بر وجیت حضور یا بد آخر از ان حضرت عقد  
 نکاح واقع شد بر وجیت درآمد نام آن مخدومہ بی بی اشرف النساء بود

عزت فرزانگی که حسن سرین حضرت سید شاه عبدالمنان پنجاه و بیست  
 سال بود باید دانست نام والده حضرت سید شاه مظفر حسین بود بی بی  
 زبیده و نام زوجه آنحضرت بود بی بی قویما مدعوبی بی صاحبه و نام والده  
 حضرت سید شاه عبدالمنان بی بی پارسا و نام والده حضرت سید محمد محمد  
 بود بی بی رسید از نام زوجه آنجناب بی بی سیدا بود اینقدر در نیاز است  
 از زبان محسن و مشنیده یادداشت بهر علم عزیزان نگاشت <sup>بطریق</sup> القصه ز  
 زوجه آنحضرت اول دختر متولد شدند بنام محمدی بیگم در دلی پیام صغری  
 رحلت یافتند بسال یک هزار و یک صد و هفتاد و نه هجری فرزند بی در نی عالم بود  
 آمدند در دلی موسوم شدند بسید علم عبدالقادر اعزان و مریدان را  
 از ظهور ایشان سرت شدمال هرگاه حضرت سید شاه عبدالقادر عجم چار ساله  
 شدند حسب اتفاق وقت تشریف آوری جناب حضرت سید شاه عبدالمنان  
 قدس سره تشریف و بار یعنی شهر عظیم آباد پیش آن گردید که یکی از مغرر متعقدین  
 راجه سادهورام سجکم بادشاه وقت تبدیلی منصب از انجا بدینصوب شد  
 و علاقجات محال و بیات این جوار بدلا السجوار عطا شد چون راجه مذکور آمد  
 اقامت چند سال درین شهر نمود و خواستگار تشریف آوری آنحضرت شدند  
 عریضه نوشتند که آب و هوا اینجوار بر سر اعتدال و از زانی غله به نسبت انجا کمال  
 حضوری سرفراز فرمایند بر تحریر راجه مذکور حضورتها بهر تضریح تشریف آوردند

چندے استقامت کرده بعرض راجه مذکور از شهر دلی متعلقان خود راجع اهل  
و عیال و مردان با کمال طلبی باشند وقت تشریف آوری بیگم صاحبه اکثر مردان  
و معتقدین اینخاندان آمدند همراه یعنی شیخ نجابت علی برادر حکیم قاضی سلاطین  
از قرقه کعبه و نیز حکیم فاروق والد حکیم محمد حسین و حکیم قادری جد حکیم ابوالحسن  
و مردان متمم کار خاص میردراگاهی و میر جمعیت علی عرف میر بیگمک و غیره مع  
پرستاران بجمعیت درینجا آمدند راجه مذکور هر یک حسب لیاقت بناخت  
که بعد برهمی کار و بار هم ازین شهر نرفتند درینجا رحلت ساختند سواری زناتی  
بگردون رتبه شاهی آمده بودند آن نرگان و آن بر اسپان فوق داشتند همه  
حضرت سید شاه عبدالقادر چهار سال چند ماه بود در اینجا آمده بعد یکسال  
دختر کلانی تولد یافتند از اینجا که در شهر عظیم آباد متولد شدند نام عظیم النساء  
نهادند شذران بعد عمارت مکان بهراقامت و خلوت طیار شد باره دری و  
خافقاه بهر عرص بزرگان انهمه استماع است از نرگان و بهر عمارت از زمین  
که کل می برآورد خندق شده بود مشهور گرهی شاه عبدالمنان خالا انرا دیده  
جای حیرت نماید آن بطور افسانه ماند کجا شد آن کارخانه کاشانه نمی نماید  
جایی که کیفیت و پرادمی آرند چون بیسالی یک هزار و یک صد و هشتاد و سه تولد یافتند  
دختر کلانی بعد سه سال تولد شدند دختر ثانی مسماة فیما النساء و بیسالی یک هزار و  
یک صد و نود و هجری متولد شدند دختر ثالثه یعنی حده مادری این خاکسار

بی بی لطف النساء این محترم بود و چند ماه که انتقال جناب حضرت شاه عبدالمنان  
 قدس سره شده بود بعمر هفتاد و نه سال بتاریخ چهاردهم شهر ذی قعدة بسال  
 یک هزار و یک صد و نوده و یک هجری بمحرم دوازده سالگی بودند حضرت سید شاه  
 غلام محمداقادر اراکازت سلاسل خاندان خود رو بر کوه دادند و فرمودند عالم  
 صبی است شما بیعت کسی از مشایخ زمان نغائی بروز چهارم حاضرین مقتصدین  
 ایشان را زینب عجاده نمودند بعد دو سال بطریق عالیة تادریه بیعت حصول  
 ساختند از جناب حضرت مولانا حسن رضا قدس سره که جانشین و میر  
 و خلیفه حضرت قطب العالم محترم شاه محمد محم قدس سره بودند مران بعد  
 از ایشان سلسله بیعت اجرا شد و خواهر کلان خود را در زوجیت دادند بمیر سید  
 محمد جعفر خان منصبدار ابن نواب علی حیدر خان ابن علی صفدر خان  
 و خواهر متوسط را بنرو جیت میر فیض بخش ابن سید حیدر بخش دادند که ایشان  
 از شرفا و رئیس این شهر بودند میر فیض بخش را یک پسر شد بنام سلطان علی  
 بصحر سنی وفات یافت بعده والده شان و از بطن خواهر کلان یک دختر متولد  
 شد ند اول سماة امیر النساء امانی بیگم ذی اولاد شدند و یک پسر نشو  
 شده بود سسی غلام رسول آنهم بعد رحلت والده بگذشت ازین عالم راحه  
 مذکور به صرف خانقاه معین کرده در کار سارن و چنپارن در ویر روز نشو  
 و لولیا کا نون و چند هیات هم بر بند شد هیات کدخدائی امامی بیگم از میر سخا

ابن میربها در علی ساکن شیخپوره گردید یک دختر متولد عبد النساء و جوان شد  
 تا کنه رحلت کردند الا پس که نام نامی سید ولایت حسین تربیت کمال  
 یافتند از حال اعظم حضرت سید شاه قمرالدین حسین قدس سره و شادی از خواست  
 سید جمال الدین حسین گردید اولاد ایشان هستند موجود چونکه حضرت سید شاه  
 غلام قادر را از جهادوری سید شاه شمس الدین حسین بسیار ربط و محبت بود  
 که هر دو بزرگ مرید یک مبر بودند بعد انتقال شان حسب وصیت شادی  
 آنحضرت کردند از خواهر ثلاث انجناب مسماة لطف النساء که مایان از دریا  
 ایشان هفتم و مشهور بود درین شهر این شعر بطور آنه یک طرف کفر  
 ایک طرف اسلام پیرو ملتان مرید ساد و حورام در صحبت بابرکت آخر اسلام  
 قبول نمود مؤمن شد یک رئیس همنو و در سال یک هزار و دویصد و دوازده یازدهم  
 شوال المکرم رحلت کردند حضرت سید شاه غلام عبد القادر عجمیست و سه  
 سال بعد رحلت والد ماجد یازده سال بفضیحات بوده تعلیم تربیت باطنه  
 بمردان کردند نام آبا و اجداد را نمودند بلند آلا شادی نگزیده بودند حضور وقت  
 انتقال چنین کردند مقال که فرزندان من عین فرزند خواهر خورد است  
 والد ماجد نیز همین فرمودند بودند آخر همان شد تا حیات آنحضرت و بعد  
 وفات کارخانه مشایخی و پیروان بکر و فرزند چون جده ماجده و والده این فقیر  
 و نیز جناب جهادوری راه بسجوات داده شروت از دست پیاد او داند بهر آنکه



بیچ نهادند بجز روزینه از سر کار آنهم تاحیات حضرت جد مادری ماندند آن  
نزد این خاکسار موجود است یادگار

شجره دوم از فرع سوم اصل اولی و کیفیت حالات جناب حضرت  
سید شاه شمس الدین حسین جد مادری این خاکسار تتمه ذکر فرزند آن  
و اولاد عالی تبار

واضح باد جناب حضرت شمس السالکین سید شاه شمس الدین حسین این حضرت  
سید شاه ولی الدین آرا مگاه ولد حضرت سید المجددین حضرت سید شاه محمد  
قدس سره نسب باقری برادر اعیالی و ثانی حضرت جد امجد این فقیر یعنی سید  
شاه غلام حسین قدس سره ولادت یافتند در سال یک هزار و یکصد و هشتاد  
و دو و دوم با یکم شهر جمادی الاول بعد انتقال جد خود تربیت و تعلیم علم ظاهر  
آنچه که شد بحضرت ایشان از انجی کلانی چون استعداد شد کتاب عربی و مفتی  
مسح المذخوانند و نیز صلاحی خوشنویسی حروف که مفتی صاحب بودند خوشنویس  
باید دانست آنحضرت بودند و بیچ کمال با کثرت صورت جمال فکر و ذهن رسا  
در علم جفر از انچه طلب کیا هم بود و با شان و شوکت ملاقات راجه های  
دیار و بادشاه در و بی رفته از شاه معین الدین اکبر بادشاه ثانی بمکه  
اغراض و تقیر تسبیح خاک پاک نذر دادند و خلعت و لقب شایسته یافتند آن زمان  
بادشاه در ملک سلطنت بیچ حکومت نبود باقی که تعداد موافقات از معانی

بجز نام شاهی و از حضرت مولانا سید شاه حسن رضا قدس سره که خلیف  
 و جانشین حضرت قطب عالم مخدوم شاه محمد منعم قدس سره کردند  
 بیعت بطریقه عالیّه قاوریه کردند حصول و از تربیت و تعلیم باطنه مستغنی  
 مشرف بخلافت شدند باصرار حضرت اخوی کلانی حدود و الا ما جدی تامل شد بسال  
 یکنزاد و دود و صد سه شهر محرم الحرام آخر یعنی از جناب سماء لطفت النسابت  
 حضرت سید عبدالمنان صاحب قدس سره اگر در زمانه خود بسبب پیری و  
 ضعیفی و معذوری پایی بهود و جد و حال الا بر رخ عالی عیان بود کیفیت  
 مراقبه و مشاهده حق و ذمی قوت در شسواری کمالیت داشتند در فن  
 سپاهگری دخل کمال طلب دنیا بهر اندوخت نبود الا بهر کفایت اهل و عیال  
 الا مردم سخن حوصله بلند داشتند چند سال برفاقت و بمنشین نواب شیخ الد  
 و نواب اصطفی الدوله نازمان وزیر علی خان آخر ترک کردند بسبب بلند طبعی  
 شد خاندنشین تبوکل خدا چون انجام شادی شد عمر سی سالگی در آن سال  
 آخر در چهاردهم ذی قعده بروز عرس حضرت شاه عبدالمنان قدس سره تولد  
 یافتند فرزند کلانی زبیه بلند حضرت سید شاه قمر الدین حسین قدس سره  
 ولادت از لفظ ظهور محمدی برآمد الله تعالی سه پسر و چهار دختر با حضرت  
 عنایت فرمودند دختر کلانی سماء بی بی فصیح النساکه از سید شاه فرید الدین  
 الله خدا شدند ذکر فرزندان ما قبل تحریر شد و دختر ثانی بی بی الفت النساکه

که از والد ماجد حضرت سید شاه سلطان احمد که خدا شدند هر دو از برادران  
 عمزادند که در کودکی او را در قهر خور که از همه برادر و خواهر بود و خور و مسماه بی بی  
 فاطمه میگفت که خدا شدند از میر سید نسیم الدین سید رحیم الدین ولد سید فهم الدین  
 اهل سکونت در یابا کشن پور کیشو ضلع تربت الا سبب مانعت خاندانی  
 گاهی نرفتند به خور و در خانه داری و آبائی مانند در حلت کردند چون در تقدیر  
 تقضا اولاد نشد برادر زاده خود سید شاه مبارک حسین را و این خاکسار عطا کرد  
 پیر و شش کردند مانند پسران خود بسال یک هزار و دویست و هفتاد و پنج هجری حلت نمودند  
 و یک پسر سید برکت حسین و در قهر مسماه قدیر النساء ازین خواهر خور و دکلانی و از هم  
 برادر و خواهر خور و سه یا چهار ساله شده وفات یافتند الا پسر ثانی زی دل شد  
 سید شاه جمال الدین پسر ثانی حضرت سید شاه شمس الدین حسین قدس سره  
 ولادت شد ایشان یک هزار و دویست و هجری بقدر ضرورت تحصیل در علم بود  
 که محتاج از تحریر نبود الا در سپاهگری دخل داشتند بسیار چندی بر فاقست  
 ماند بر اجه گویا بسبب اقامت حضرت پیر و سنگیر خود جناب حضرت سید  
 شاه خواجه ابو البرکات قدس سره هر حال در علم موسیقی نیرداشته  
 بسیار دخل شادی آنجناب بخانه رئیس شهر نامور شیخ فتح محمد ابن شیخ نور محمد  
 شد از مسماه نهیحات النساء یک دخترش از بطن ابن بی بی مسماه عقیقه  
 از سید ولایت حسین ابن میر سخاوت علی که خدا شدند الدین تعالی اولاد بخشید

شش پسر و یک دختر سه پسر فوت شدند بطغولیت و جوانی الا پسر کلانی سید  
 کمال الدین حسین که خدا شد از دختر خواهر کلانی این خاکسار و دپسر و  
 و دو دختر اند یک که خدا و دومی تا که خدا نام پسران خیر الدین حسین و تبارک حسین  
 مذکور الصدر الا پسر ثانی سید ظهیر الدین حسین که خدا از دختر کلانی این  
 فقیر حقیر و پسر سوم سید صفیر الدین حسین که خداست از دختر حکیم قربا علی  
 و اقران جدی خود یک دختر شده بود مرد هنوز دیگر فرزند نشد الا دختر بی بی  
 فیما النساء که خدا شد از شاه محمد اکبر ابن شاه محمد سجاد مد ظله  
 شجره طیبه لاثانی در حالات فرزند کلانی یعنی حضرت قطب العصر  
 سلطان المسالکین عمدة العارفين سید شاه قمر الدین حسین قدس  
 سر معالی ابن سید شاه شمس الدین حسین قدس سر

فرحت ل شود مرا از مدح شناسی تو مرشد پاک مقتدا از نه آل مصطفی	برکت جان من بود سرخو نیم سپاسی تو خلد برین ست جای تو قربت حق رضای تو
مظهر ذات کبریا مصد فیض مرتضی سر خدا سنیده ام جلوه پاک دیده ام خاکدست سگ حضور سیر نمود و نور از دوست در دلم تابد دست اگر رسم کرد فراق تو بمن هوش نماند جان تن	چونکه تویی خدا نمانا عاشق شد خدای تو تنکه بحق رسیده ام از سبب لای تو فیض چو شد ز من ظهور بود همه عطای تو سر مر چشم خود کنم خاک در سراسر تو میکشد از زین محن از روی تقای تو

فیض نگاه شاپین کرد اثر بین جنین گشتم اران طرب گرین چون نشوم کدانه

هستی ای شاه قمر دین هست مرا بدل یقین

هست غلام کترین فانی خاکیا س تو

باید دانست جناب حضرت قطب العصر قدوة الکاملین ارشاد السالکین سید

شاه قمر الدین حسین فرزند کلانی جداوری این خاکسار یعنی حضرت سید شاه شمس الدین

نواسه جناب حضرت سید شاه عبدالمنان قادری خواهر زاده حضرت سید شاه

غلام عبدالقادر قادری که مفقود بود بوجود این اکمل المتحققین بیدار و پسر

این فرزند عالی گهر دلادت با سعادت آنحضرت بسال یک هزار و دوهصد و سه هجری

مهور محرم چهاردهم ذیقعد روز دوشنبه بر دز عرس جداوری خود حضرت

سید شاه عبدالمنان قادری لاریب از ظهور حضرت نام آبا و اجداد روشن تر

مثل شمس و قمر

عین در صورت قمر دیکھا

سرب سرخه و لائق تعریف

بلوه حق جو بھر نظر دیکھا

ہی نہ ممکن جو ہو سکے توصیف

متور کردند جانب جداوری سجاده براه حق مستعد و فیض بخشی خلایق امداد معلوم

با آنحضرت در عمر هفت سالگی نمودند ختم قرآن از تعلیم قمر از زبان و مادرت

چهارده سالگی تحصیل علم ظاهر بہ کتاب فارسی و عربی و منطق صرف نحو کردند

تمام از درس اوستاد خود حضرت مولانا شعیب الحق عرف مسافر

مالی مقام کسی را تاب بحث و تقریر نبود از آنحضرت علاوه ازین ذی فنون و دل  
در علم موسیقی کمال بر قلب میوهید سر و جد و حال اگر چه کتاب حکمت و طب بخواند  
الآ علاج مریشان باستانه میگردد و بیچاره صحت میرسد در سن بیست و دو  
سالگی اول فیضیاب از جناب حضرت سید شاه یحیی علی انخی شدند بعد از نجات  
قدوه اشایخین جناب حضرت اسرار انجلی مخدوم شاه حسن علی قدس سره  
در تربیت صحبت یکماه چون در الوقت فائده مترتب نگشت زان بعد حاضر شده  
در خدمت بابرکت مظهر اسرار حضرت سید شاه خواجه ابوالبرکات قدس سره  
حاضر شده تربیت و تعلیم باطنه از ذکر و شغل مراقبه یافته فیض اندوز شدند در این  
بسبب غیبت آنحضرت خانه نشین غرت گزین گشتند حسب اتفاق شریف آرد  
جناب حضرت و اصل با سید حکیم شاه و رحمت الله الخا طرب حسن دوست  
از لطف و عنایات خود حضرت را همراه خود در قصبه چمپه بردند در اقامت شش ماه  
در اینجا در تربیت و صحبت ماندند نسبت طریقه بخودی و استغراق دست داد  
و فکر که درین طریقه شغل جانست تا آنوقت صورت نه بسته بود حصول گشت  
در آنفرصه انتقال آنحضرت هم گردید باز بر رابطه سابقه حاضر خدمت و صحبت  
حضرت سید خواجه ابوالبرکات قدس سره رسید از نکات این طریقه و اسرار  
آگاه شدند بسبب این طریقه علم و آگاهی ملک شد آخر صاحب ارشاد و حیان شدند  
و از نظر من اششس است حالات آنحضرت و فیض طریقه سهروردیه از دوز بزرگ

حصول شد یکی شاه عبدالرحمان که بخرقه بدل طریقہ سدا سہا گیہ کہ  
 می پیوند از حضرت موسی سہاگ کبر و بہ ہشاقی ان شغل شغال و ذکر از فیض  
 معمور گشتند کہ یاران را در وقت و جد حال طور رقصہ میشود قوی تر نسبت شد نہ کہ چلی  
 بعدہ از مرزا جان سہروردی بخرقہ بدل ذکر قمری گرفتند و آن بدگیرہ یاران تعلیم  
 نفرمودند بخیر مرزا الف بیگ مرحوم میفرمودند آنچہ کہ از مرزا صاحب گرفتہم بہر زادہ  
 علاوہ ازین اویسیہ بود بغیضان روحی از مرزا فیض آنا حضرت مخدوم  
 شہاب الدین سیرجکجوت قدس سرہ و فیض روحی حضرت نور الدین  
 عبدالرحمن جامی و حضرت مخدوم شیخ مصلح الدین سعدی و حضرت تاجیس  
 رحمہ اللہ علیہ بدان وسیلہ در تقنی بود کمال شدہ بدین فیضان بالا مال  
 گشتند اہل کمال بہر گاہ ہمہ فیضان بر قلب شد طاری فیضان ارشد و تشریف  
 شد جاری خلافت نیز ازہر جا شد حصول کہ در شہر عظیم آبا و شہر و فیضان رسید  
 دورد و اتفاق بیعت ما اندم نشدہ بود لہذا خیر و شہر الہ آبا و رفتہ از سیر و تکیہ  
 حضرت سید شاہ ابوالبرکات حصول نمودند و اجازت بیعت نیز یافتند  
 الا کہسہ را میرزا فساد خند خبر تربیت و تعلیم یاران و یاران را نیز لیاقت یافتند  
 بعض بعض را شرف بخلافت ساختند و در زمرہ عزیزان خود خلافت بخشیدند  
 یکی باخی الاعظم حضرت سید شاہ محمد قاسم بہادری عمہ زادین فقیر و ہم  
 شرف ساختند ازین نعمت عظمی باین فقیر حقیر بہر چند بہر اخذ بیعت خلقت

دامنگیر ندره نامو و ند مقوله خواجگان پیشین در شمی بندها و یاری کبشائی بعد  
 حصول سعیت چند ماه ماندند بقید حیات سبحان فتوح نزارانه کسی نکردند و  
 و نه ادای عرس ندره خاص نبود معمول الا بهر محاسن که تشریف می بردند مجلس  
 بودند نمایان و بغیر آنحضرت انصرام عرس نیز نمی سد عثمان نه ترک از معاش  
 پدر می گرفتند بوجه معاش میفرمودند من تاب ندارم این قماش بخیر توجه بسب  
 تجارت آنهم نه دوکان باراری یک مکان را دنیا نام کرده بودند تا دو پاس  
 اول وقت معاملات دنیاوی بود در خرید و فروخت ثالی و غیره و کیفیت غذای  
 آنحضرت چه نویسد کیوت دال خشکه و بوقت شب نان دست پزی بے روغن گاهی  
 بدرقه بترکاری و غیره هر چند ترک حیوانات در غذا نبود بران عادی نمی شدند  
 للبحر می فرمودند فقیر را هر دو چیز باید چیر باد غذا باد لباس لباس بر تکلف  
 می پوشیدند بطور بادشاهانه که بدانطور کسی را نمی شناسد و نه عادت بود  
 خوردن طعام رسمیه و غرت و یک وقت معمول بود بدین تدبیر غریزان  
 و از نصف روز تا شام وقت شبیه یک پاس سیاران در حلقه مراقبه بود و بریت  
 و تعلیم در زبان والدین مجوزی بسیار و اصرار اول شادی در قصیه بهار گردید  
 بمحل بلخی از مسماة فی بی ریاضا النساء و خرنجته اثر سید شاه ولی احمد  
 بلخی از بطن آنمخدومه تولد شد ندیک فرزند ارجمند تربیه بلند سپید شاه  
 مبارک حسین بعد یک سال آن زوجه کردند انتقال خود گذارشته نون



در دامن جده ماجده و عمه پرورش یافتند در آن بعد بجز حدیثی حسب اتفاق  
 وقت شادی ثانی کردند قبول از سماع بی بی بادشاه بیگم دختر خواجه محمد بن  
 رحمه الله علیه احرا ری از وطن آن بی بی نیز تولد یافتند یک فرزند سید  
 سلامت حسین نام شد بعد یک سال بصغر سن شد ارتحال بعد یک سال والد  
 ماجده نیز آن نونال کردند انتقال گویا عمر آنحضرت بمحاب بجزدی بگذشت  
 از یک فرزند شدند فرزندان که هنوز موجود اند بهر نام و نشان قره العین مایان  
 بسال بکینار و دود و صد و چهل هجری والد ماجده آنحضرت کردند انتقال بسال بکینار  
 و دود و صد و چهل و نه سال هجری با حضور کردند والد ماجده آنحضرت  
 انتقال اشعار تاریخ وصال آنحضرت از دستهای بلغ الشعر مولودی اگر علی  
 صاحب بنارسی یا دست نوشته می آید که ما و مانند ناظرین

قطعه

عالمی معمور شد از شور و شین	قطب عصر چون از نیلالم گذشت
شد بواهب شاه شمس الدین حسین	با تفسیر شوریده دل ارشاد کرد

و نیز این خاکسار گفت بزبان اردو و صوری و معنوی جسته حسب حال

قطعه

دوسری تاریخ تھی ماہ صفر	جب کیا نانا فی میرے انتقال
روز جمہا ورتھا وقت عصر	بارہ سو ہجرت پر تھا اونچاس سال

جب کیا فانی نے اس میں فکر و غور    مادہ تاریخ یوں لایا نکال  
 شمس دنیا دین جب ہوگی غروب    پائے ذات احدیت کا وہ وصال  
 انقض بعد ہفت سال انتقال حضرت صدیقی آنحضرت پیر و مرشد نیز یافتند  
 وصال بسال یکہزار و دوصد و پنجاہ و پنج ہجری بستم شہر شعبان المعظم وقت  
 صبح صادق روز چہار شنبہ تاریخ تالیف کہ از خواجہ حسین علیخان مرحوم برگزیدہ  
 از کلام سینما یدرین اوراق ارقام  
 قطع

شمس یاد در لباس ماتم ہست  
 قمر دین بنور حق پیوست

روز ہجرانست یا شب تاری  
 چرخ بیگوید از سر زاری

توصیف چند انکا کہ ہم زبانم از بیان و تقریر قاصر و از تحریر قلم ظہور محمد سال  
 ظہور آنحضرت و عمر شریف پنجاہ و دو سال از لفظ حمد مے بر آید لی اخت  
 سال رحلت تعمیہ است از سر حررت فرار فیض آثار در احاطہ مسجد  
 در جوار حضرت قطب العالم حضرت مخدوم شاہ محمد معتمد عالی تبار فیض  
 از بصیرت نماید بہار

عشر تمام

عین در صورت قمر نہ دیکھا  
 ایسا کوئی نہیں بشر دیکھا

جس لوہ حق جو جہر نظر دیکھا  
 مرتبہ فقر و شان شاہی بین

<p>بخشتے اذکو سیم وزر دیکھا          اذکو بد ہوش و بیخبر دیکھا          آپکو جب بچشم تر دیکھا          باعث عشق یہ اثر دیکھا          اونس منعہ نکوئی بشر دیکھا          اسکو ہر بار غور کر دیکھا</p>	<p>اونکے در کی کے گدائے جو          جسکے اوپر پڑی نگاہ فیض          فرحت افزا نہوئے کیونکر دل          اذیمیں برکات کی ہوں پاتا بو          شعلہ بنی تین ہین کہتے لوگ          وہ نہ آئینگے میری جائے تن</p>
---	--

جیسے دیکھا ہے آپکو فانی

غیر کو چھو نہ آنکھ بھر دیکھا

شجرہ طیبہ فرع سوم اصل اولی در ذکر و محامد حضرت سید شاہ  
 مبارک حسین خلف الریدرتبہ مجید حضرت قطب العصر مع  
 ذکر اولاد امجاد سان

انور باداخی فی الدارین ولی نعمت جناب حضرت مرشد زادہ سید شاہ  
 مبارک حسین قدس سرہ ولادت یافتند بسال یکہزار و دوصد و سی و دو  
 ہجری بروز پنجشنبہ شہر ذمی قعدہ چار دہم مادہ تاریخ ولد انجناب  
 منظور بدلی بخانہ فیض کاشانہ بعد ولادت خاکسار یک و نیم ماہ جاے  
 تولد و احدست الحاصل تحصیل کتاب عربی و فارسی کتاب منطق مقول  
 فقہ اصول از والد ماجد خود انچہ کہ نمودند حصول تربیت و تعلیم بذکر و

شغل و بیعت بود از حضرت جد امجد خود بطریقه عالیہ نقشبندیه یو سلمانیہ  
 یعنی از جناب حضرت سید شاه شمس الدین حسین قدس سره و خلافت  
 و جانشینی سجادہ از هر دو بزرگوار جدا جدا والد عالی تبار مزاج منکسر بود  
 و وفنون عمارت پسند اخلاق منزه تعلیم تربیت یاران مشغول یک وقت  
 حسب معمول برادر خال زاد و رضاعی بودند این خاکسار هم در دو هم عمر بنیوچه  
 زائد انس هو انست بود خوش رقم تحریر عمارت نیز بدرجه معقول و شاعر بنظیر  
 شادی اولی روی و حضرت پیر مرشد شده بود از دختر خاله یعنی از دختر عمی  
 سید شاه مراد علی نام آن زوجه بود بی بی هر یکم دو دختر شدند از آن بی  
 بعد چندی هر سه یافتند و قات زان بعد شادی ثانی از دختر مامون شان  
 کردند از سماء براتن النساء و دختر سید شاه حسین احمد این سید شاه ولی احمد  
 یک دختر از آن زوجه نیز شد هر دو بمردند شادی سوم گردید در خواجه زادگان  
 از دختر خواجه محمد اکبر علیه الرحمۃ اولاد شدند در عالم حیات یک بعد مات  
 به سفر سنی و دو فرزند وفات یافتند الا گذاشتند چهار هر یک ذی علم و هوشیار  
 یک سید منیر الدین حسین که از دختر صغیر این فقیر کتخدا شده بیعت بود  
 ایشان را از عم الا عظم سید شاه محمد قاسم رحمۃ اللہ سایه بطریقه عالیہ  
 ابو العلاء و تربیت و تعلیم بخیر مغویه الادراصل اویسیه بودند جد ما خود  
 دزین سن و سال در تحصیل عربی و فارسی بودند اهل کمال حافظ قرآن

شده در عمر بست و پنج سالگی نوجوان کردند انتقال بسال یک هزار و دصد  
 و هشتاد و هفت هجری جاے حسرت است و غم و الم و دمی سید شاه  
 عزیز الدین حسین که این نیز در علم عربی و فارسی حیثیت دارند و از بیعت  
 ایشانرا هست از عم الاصف سید شاه محمد سجاد مسند نشین ارشاد برادر  
 عمزاد هر دو این خاکسار و نیز تربیت و تعلیم بذات طریقہ ست سومی سید  
 شاه شرف الدین حسین این نیز ذی علم اند پر شعور و عربی و فارسی  
 مشاعر بیعت ایشان نیز از حضرت عم الاظم مروج شادی این هر دو برادر  
 کردند بمقام سیوان از دقان شیخ غلام محمدانی شیوخ عثمانی و قمر  
 دومی کردند انتقال فرزندان اند پسر چارمی سید رضی الدین حسن  
 که در و نا پور از دختر سید شاه علی حسین صاحب که خداست ذی اولاد  
 بیعت ایشان نیز و تربیت از عم الاصف بارتبه و منزلت برتر حضرت سید  
 شاه محمد سجاد و الله تعالی ذریعت ایشان را دارد و ایما شاد و مبارک باد بجزیره  
 بقیعہ شجره و کیفیت حال خود مینویسد خاکسار مسکین سید عطاء حسین

### ابن سید سلطان احمد

مخفی مبارک و عنده ولادت خاکسار در سال یک هزار و دصد و سی و دو شهر رمضان  
 شریفه روز پنجشنبه در فرموده یانچ جناب حضرت جد ماوری همیدا نوشته  
 طفل نیکو سیر عطار حسین بن مسانه سعید گشت ظهور

بودیوم انجیس وقت فطور	بست و سه بود از مه رمضان
چونکه گفتنش بدل متطور	سال تولید صاحب اقبال
بنظیر اولیا دلو داین پور	شدند ابرضمیر شمس الدین

فرستاده یکے از مشایخین عالی تبار بزرگے از مریدان آنجناب در عقربا یام  
ولادت تشریف آوردند و خبر ولادت این حقیر دادند و تولد نام عطا الله  
نهادند چون نام جمیع اخوان بود بدینطور فداحسین و علی حسین آخر کار  
عطا حسین شد مشهور بسبب تسمیه بنفط قاضی اینکه قاضی عطا الله  
یکے از اجداد بودند این خاکسار را نام نهادند حضرت جد مادری عبد الله  
بدین نام مخاطب نیز شد از در عالی حسب اتفاق واضح با و تا هفت سال  
عمر بعلالت بگذشت از عمر هفت سالگی تا سن چهارده تحصیل علم عربی و فارسی  
نمود از عمر محترم حضرت سید شاه مراد علی رحمة الله علیه که ده ساله  
عمر بود وقت انتقال والد ماجد در دامن شفقت مرا پروریدند از علم بهره اند  
ساختند و نیز دو سال کتاب عربی خواند از مولوی غزیر الدین حیدر لکهنو  
و کتاب طب از مختصرات خواند از جناب حکیم محمدی ساکن دسته علاقه حضرت بهار  
در عربیت چندان خل ندارد و تالسخه کافیه خوانده است فصل الی در کاست و تفسیر  
قرآن مجید تا پانزده پاره بکلام عربیت تکلم از سبب حاضری حرمین شریفین شجره بعبارت درو  
همین طرح تالیف است و نیز در و چند تالیف است مختصر و طویل و خط عیدین و یب و ده

خطبه نیز عید الفطر و عید الفصحی و خطبه هر جمعه تا سال تمام قریب پنجاه کتاب تصنیفاً  
 و از ده مجلس مولود آنحضرت سرور کائنات از لفظ تاریخ بنی سن تألیف می بردید و  
 مولود بهار نسیم نظم و مولود جدید و مولود مجید و مولود حمید و جز باشد و مولود قادر به بنام  
 کرامات غوثیه و مولود وحیده و انوار قطبیه و لمعات فریدیه فیض نظامیه اسرار نقشبندیه  
 و مولود شرفی و مولود علانیه هر یکی در احوال هر بزرگان نامی و چهار ملفوظ بزرگان  
 و چهار اثنوی سحر و گنجینه اولیا و افسانه دلپذیر و سرعطا یک دیوان فارسی و یک  
 دیوان اردو و اسرار اشغال معمولات اشرف و کتاب و قیقه السالکین سی جز و کتاب  
 کیفیت العافیه: پیل نیز تمام و کتاب و قیقه السالکین چهل جلد و کتاب  
 حقیقت العافین و چهار مولود و مدقیه و فاروقیه و عثمانیه و مولود و مقصودی تذکر الشهاب  
 و فوائد کبیریه و معالجات چندان نویسد البته لائق طبع است از کتب بافرا  
 عوام این بیان نمایش حیثیت و استعداد و خودمیت از معانیه دریافت  
 خواهد شد شعر فضل حق در کار هر در کار هر کیا بگری اندکی سرکار همه  
 القصه عمر شانزده سالگی بعیت بطریقه عالی چشتیه تحضر به منعمه از جناب  
 سید شاه غلام حسین سید الواعلمین جدا مجد خود نمود و پنج سال  
 حاضر الخدمت شده تربیت و تعلیم بطریقه ابوالعلایه از حضرت پیر مرشد  
 سید شاه قمر الدین حسین خال الاعظم اوستاد المحترم گردید از هر در و جا  
 بخلاف شرف یافته علاوه ازین فیضان اولییه درست و یک سالگی

تا هفت سال بروز گار ناپائند از برفاقت حاکم وقت بسر نمود و بمر بست و دو  
 سالگی ستایل شد شادی گردید در قصبه بهمار از دختر شاه امیر علی صاحب  
 فردوسی که از اولاد حضرت محمد و الملک قدس سره اند بمر بست هشت سالگی  
 ترک روزگار کرده سفر اختیار کرد پنج سال در سفر ماند و یار و یار تا ملک حجاز بهر  
 زیارت حرمین شیرعین مکّه معظمه و مدینه منوره و زیارات بزرگان بعد  
 پنج سال معاودت نمود و حاصل لبال یک هزار و دو صد شصت و پنج هجری بمر  
 سی و سه سالگی و درین قصبه صاحب گنج رسیده اقامت پذیر شد بمر تعلیم مریدان و مشرکان  
 هنوز بدان مشغول است زیاده کیفیت تحریر طول است حالا مع اهل عیال  
 اقامت گزین در قصبه شد آنرا سی و سه سال گذشت عمر نیز بانجام رسید  
 به شصت و شش مدعا چنانچه بالخیبر بدعا خیر از عزیزان دارد از اولاد انبفیه  
 حقیر یک پسر و دو دختر شدند نام فرزند سید عطا قطب الدین که از دختر  
 خال خود شاه وزیر علی مرحوم که خداست دو فرزند و بمر سنی فوت شدند حالا  
 یک پسر موسوم است سید عطا نظام الدین نوجوان به تحصیل علم  
 مشغول است و دختر کلانی از سید طهور الدین حسین که خاوری اولاد است  
 دو دختر و دو پسر موجود اند دختر کلانی شان عنایت فاطمه عرف محبّه النساء که خدا  
 از سید ظفر الدین ابن سید وحید الدین بهاری و ثانی خورد سال ست و یک کلانی  
 شان را نام نور الدین حسین و ثانی را نام عطا شمس الدین حسین باقی چهار



دو دختران و دو پسر بفرستی رحلت کردند و دختر ثانی این فقیر حقیر از سیه  
 شاه منیرالدین حسین که خدا بشده بود پیوه است اولاد ندارد و الله تعالی  
 آنمه را خورستند و از زیاده چهر بزرگوار و مریدان تابشتم بختی و اینجا درین دیار  
 بسیار چند برابر آلا اکثر و بر دوی این فقیر که زندگانه تمام باقی ماندگان مانده  
 مذکره در بیان حالات سیادت رضوی نسب که در موضع انجمنه موجود  
 واقع بود یکی از بزرگان از شایخان قدیم که آنرا بالا از دو صد سال گذشته باشد  
 از سیادات مشهدی تشریف آوردند درین دیار بدان موضع کردند سکونت  
 اختیار نمودند اولادشان در آن موضع هستند موجود سابقین بودند نامور ب  
 قضا و افتا حالا از پسر زاده ملکی اندر زمیندار قرابت از آنها بمصاهرت رافع  
 در شرفار اینجوار و نیز از خاکسار باید دانست نام آن بزرگ بود حضرت  
 مینا مشهدی رضوی نسب بچند نسب نسبت از حضرت امام علی موسی  
 علیه السلام می پیوند و اسامی بزرگان بالا دریافت شد پس حضرت  
 سید مینا مشهدی حضرت سید عارف مشهدی ابنه سید معروف  
 فرزندان شان سید بزرگ ابنه سید محمد اسحاق ابنه سید محمد صالح سه پسر  
 ایشان یکی سید منور علی پسر شان حکیم امجد علی ابنه حکیم احمد علی ابنه حکیم  
 محمد آفاق پسر شان حکیم محمد اسحاق که از دختر خورده سید احمد علی دیوردی  
 که خدا شدند اولاد از پنهان رفتند پس دومی سید محمد صالح سید کریم الله ابنه

سید اطیب الدانہ سید یوسف علی ابنہ ناظر سید احسان علی پسر ایشان سید  
 آل بی کہ موجود اند یک پسر ایشان سید اولاد حسین و چند دختران و پسر خواہر  
 سید احسان علی منشی اقبال علی ابن شیخ واجد علی برادر قاضی جواد علی  
 بمنشی اقبال علی صاحب دو پسر یکے قاضی فضل علی دومی شیخ عبدالوہاب  
 کلانے را دو پسر یکے را نام مقبول حسین و نام ثانی محمد لطیف و خواہر زاده  
 منشی اقبال علی سید فرحت حسین ابن سید احمد حسین موجود اند و نام پسر ثانی  
 سید احمد حسین سید محمد تقی از کیفیت ایشان معلوم نشد الا پسر سومی سید محمد صالح  
 کہ بودند از ہمہ برادر کلانی قاضی سید بڑے ثانی ایشان پرانج فرزند کی قاضی  
 سید احمد علی کہ ما فرزند ایشان منصب قضا باقی ماند و دومی سید امجد علی سومی  
 سید فرد علی چارمی سید اسد علی پنجمی مولوی سید اشہد علی قاضی سید  
 احمد علی را یک محل یک پسر و از محل ثانی سہ پسر شدند پسر کلانی قاضی امجد علی  
 مفتی سید ارشد علی یک پسر و یک دختر فرزند و یکی سید ریاض علی دومی  
 سید امیر حسین دو پسر ایشان از دختر اسد علی یکے مظہر حسین دومی اظہر حسین  
 و نام پسر سید ارشد علی سید شہاد علی عرف میر خید و دو شادی ایشان شد  
 از شادی اول دختر شد و ثانی شادی از دختر شاہ عبدالکریم بان پوری شد اولاد  
 اولاد نہاد و پسر ثانی قاضی سید احمد علی قاضی ارشد علی یک دختر ایشان زوجہ  
 میر غلام امام این سید گدا علی سہ پسر ایشان احمد امام و محمد امام و اصغر امام بہر

ذی ولد و پسر سومی قاضی سید احمد علی سید امجد علی چارمی سید بشارت علی  
 هر دو لا ولد و پسر اسند علی سید امجد حسین ذی ولد اند که خدائی ایشان در  
 پهلوانی از دختر سیر علی سجاد گردید پسرست بنام احمد حسین و سید امجد علی را  
 یک پسر و دو دختر و دختر کلانی زوجه شاه رحیم بخش یک پسر سه بهاری شاه  
 عبدالکریم نیر ایشان موجود دختر ثانی زوجه سیر مصاحب علی چند دختران دو  
 پسر سید الک بخش دومی سید عبدالسبحان ذی اولاد هستند و خلف سید امجد علی  
 میر ولایت حسین پسر ایشان سیر حمایت حسین سه خواهر ایشان یک زوجه شاه  
 رحیم بخش دومی زوجه سیر مصاحب سومی زوجه اولی شاه عبدالکریم شادی ایشان  
 در شیخ پوره گردید از خواهر سیر عباس علی یک دختر شد زوجه سید الک بخش بخشی  
 ذی اولاد اند و پسر سید افر علی سید اسد علی و سید خورشید امام سومی را نامند  
 یا دنام ذی اولاد هر یک اند و کیفیت اولاد مولوی اسد علی دریافت نشد الا  
 مولوی مسندی ابن مولانا احمد علی احمدی پهلوانی داماد انجناب اند باقی  
 یعنی از حالات این سیادت فرصت شد و نیز از مجبان این دیار مینویسد حال  
 ارشیوخ اکا جوری مشایخ خان عظام قصبه پهلوانی که معروف اند در بهار مصار  
 و دیار بعد از ذکر اولاد فرزندان مخدوم بدرالدین شهباز پوری

تمت کتاب بزرگ مشایخان قصبه پهلوانی جوارمی و آل حضرت

باید دانست در مقدمه کتاب هذا ذکر آمده است از اولاد حضرت جعفر طیار از آنجا  
 که بزرگان آمدند بزرگی سسی امیر عظامه العبد از اولاد بسیار حضرت جعفر طیار  
 درین و بیا تفصیل شان می نمایم در اولاد آن عالی تبار و قصبه بصلواری  
 بودند یکی از شایخین کبار شاه ظهیر الدین والد ماجد حضرت شاه مجیب الدین  
 قادری یکی از خاصان اهل الله در اینجا شدند غزل نشین ایشان از ابعیت  
 و تربیت معنوی بطریقه قادریه قلندریه شد از حضرت شاه عیسا والدین قلندر  
 که برادر بزرگ خسرا حضرت بودند و نیز استفاده باطنه و ارشاد از حضرت مولانا  
 محمد وارث رسول نما قادری درین قصبه شدند متوکلان غزلت گزین و نیز  
 خانقاه پیرجم بود درین قصبه و میگویند تا دوازده سال قریب تربیه پیر یاضت  
 مجاهده کردند زیر درخت تمر هندی رجوعات خلألق شد پدید آیفست و کرامات  
 شد هویدا آخر از دعام خلقت شد از مریدان خانقاه لبیا شد عمارات بلند القصه  
 از برادرزادی پیر انحضرت نیز تولد یافتند باحضرت یکدختر و دو پسر یکی زانام شاه  
 عبدالحق پسر ایشان شاه نورالحق و دختر ابرایشان پسر ایشان مولوی  
 شاه ظهیرالحق ابن شاه نورالحق ابن شاه ظهیرالحق نواسه شاه غلام نقشبند  
 ابن شاه عماد الدین قلندر اندلس حاصل مولوی شاه ظهیرالحق پانچ پسر و دختر  
 یکی از نسوب از مولوی مظفر نبی شاه بیاز پوری دومی که جدا از مولوی علی  
 ابن مولوی عبدالحق و نام فرزندان مولوی شاه نصیرالحق و مولوی شاه

ظهیر الحق داماد مولوی نواز ش علی ابن مولوی عبدالعلی سوم مولوی شاه  
 امیر الحق که هنوز سجاده ابائی خویش آند پسر ایشان شاه ارشد الحق چارمی  
 مولوی صفیر الحق داماد قاضی محمد دم عالم پنجمی مولوی فقیر الحق بقیس دختران  
 مولوی نصیر الحق رانیر فرزند نیست و دختر اینقدر دانست که نکاشت فرزند  
 دومی حضرت شاه مجید الدین شاه عبدالحی یک دختر ایشان زوجه مولوی علی  
 والد ماجد قاضی علی اشرف ذی اولاد شده از جهان لا ولد رفتند و پسر شاه  
 عبدالحق شاه شمس الدین چهار پسر ایشان یک مولوی محمد علی چهار پسر ایشان  
 یک مولوی قلندر الدین شاه غلام دستگیر دومی مولوی قطبی دورا نام یادند از  
 الا پسر دومی شاه شمس الدین را شاه ابو الفضل بودند یک دختر ایشان  
 زوجه اول مولوی محمد سجاد قادری این حضرت شاه نعمت الدین قادری سسر  
 یک دختر یک پسر شد با ایشان از آن محل شاه محمد مصطفی هم عمر بودند این حقیر این  
 کبیر مفسود و الخبر دنام پسران شاه ابو الفضل نام کلانے میان شاه حسین  
 و نام ثانی شاه احمد حسین که هم عمر و شفیق قطبی این خاکسار بودند بعد سفر حج  
 مشرف زیارت آستانه حضرت غوث پاک شده در بغداد بدینجاوار حلت کردند  
 و پسر سوم حضرت شاه شمس الدین ابن شاه عبدالحی شاه ابو القاسم بود  
 از دختر صفیر و حضرت شاه نعمت الدین قادری از پسر شاه شمس الدین که خدا شد ندید  
 یک پسر ایشان مولوی شاه محمد صبی که پریاقت و ذمی اخلاق بودند که خدا

ایشان از دختر غم خور شاه مجتبیٰ ابن شاه شمس الدین چارمی گردید آلا اولاد  
نشد اولاد دختر محل اولی حضرت شاه محیب الله قادری شاه نور ابو دندیک دختر  
ایشان زوجه مولوی محمد قادری ابن حضرت شاه نعمت الله رحمة الله علیه  
باد از شادی ثانی حضرت شاه محیب الله قادری دو دختر و یک پسر شدند پسر  
یک دختر شاه و عبد الله که حد صحیح و جدا از ایشان هر دو بمنزل بودند نام جد  
و پدر ایشان یاد نمایند شادی اول شاه و عبد الله در نو اباد شده از خواهر شاه  
مراد علی مرحوم از بطن ان عقیقه یک پسر و یک دختر متولد شدند نام پسر شاه  
محمد یوسف و دختر شاه و عبد الله زوجه مولوی ابوتراب رحمة الله علیه و از شادی  
ثانی که در جوار سبار شد نجوبی دریافت نیست الا یک صاحبزاده شاه محمد اصطفی  
که شادی ایشان از دختر جناب استاد مولوی محمد امام شریک دختر و سه پسر  
ایشان شاه نعمت محیب و شاه صفت الله و سوم شاه اشرف محیب و دختر  
شاه محمد اصطفی زوجه ثانی قاضی علی اشرف ابن مولوی علی اکبر باید دانست  
دختر دیگر حضرت شاه محیب الله قادری از مولوی شاه وحید الحق که خدا  
شدند و پسر ایشان و کیفیت دختر دریافت شد یعنی پسر کلانی نام نامی  
بمهر تبه عظامی مولانا احمدی رحمة الله علیه و ثانی مولوی علی اکبر رحمة الله علیه  
یاد دارم ایشان را بجز یک پسر مولوی علی اشرف دیگر بود و در ایام بغلو بیت  
رفته باشد الغرض شادی اول مولوی علی اشرف مرحوم از دختر عمه کنان حود

مولانا احمدی شکیک پسر تنوخله محمد مولوی احمد کبیر نوجوان بمال غفوان رحلت کردند  
 بعد مدت شادی دیگر از دختر شاه محمد اصطفی تزویج شد یک پسر شد از بصارت  
 معذورده ساله شده بجز و یک دختر هست بیوه بی اولاد شادی و قرابت شد  
 و بمولانا احمدی رحمة الله علیه از شادی اولی سه دختر و دو پسر دختر کلانی زوجه  
 مولوی محمد امام رحمة الله علیه و ثانی زوجه مولوی ابوالحیات رحمة الله علیه  
 و ثالث زوجه قاضی علی اشرف مذکور و خلف کلانی مولوی هادی علیه رحمة  
 که از دختر صغیره جناب حضرت شاه نعمت الله قادری قدس سره که خدا شنید  
 از مسماة بی بی شرفا از بطن آن بی بی دو پسر شدند یکی مولوی فضل الله ثانی  
 مولوی شرف الدین والد شاه بدر الدین الا دیگر شادی نمودند مولوی هادی  
 صاحب از آن نیز یک پسر شد شاه فضل حسین و فرزند ثانی مولانا حاجی محمد ابراهیم  
 مورد رضا و تسلیم ذی اولاد شدند الا از کیفیت مصاهرت و ذریت  
 ایشان مطلع نیست و از شادی ثانی مولانا محمد و یک دختر زوجه دوم  
 مولوی محمد قادری و پسر مولوی محمد مهدی شادی ایشان در شهر پلنه شد  
 از دختر مولوی اشهد علی یک پسر و یک دختر بود و آمدند و اما دو پسر و بر و  
 ایشان بملک بقا جیل بعد عرصه تر که مسماة جمیله دختر مولوی اسمعیل یافتند  
 و از شادی سوم مولانا محمد و یک پسر سبی مولوی محمد عارف و چند خواهران ایشان  
 بجا که خدا شنند ذی اولاد هستند و مولوی اسمعیل از محل ثانی پسر مولوی

شاه وحید الحق بودند و پسر ایشان مولوی محمد اسحاق و مولوی حسن و یک دختر  
 سماعه جمیله هرگاه از ذکر اولاد هر دو خواهران حضرت شاه نعمت الله قدس سره <sup>یافت</sup> وقت  
 احوال آنجناب مشیخت مآب مینویسد واضح باد شادی جناب حضرت شاه نعمت الله  
 رحمه الله علیه در قصبه چیمپه موضع گنگنه از قصبه حکیم باسوعلیه لرحمة یعنی آنحضرت  
 از بطن آن بی بی اولاد شدند غیر آن که بطولیت رفتند هفت پسر موجود و دو  
 دختر طلعت کلانی مولوی شاه ابوالحسن قدس سره متخلص به فردالاریب بهمه  
 کمالات بودند و فرزند شادی اولی ایشان از دختر مولوی عبدالغنی یعنی از خواهر  
 مولوی شاه عبدالغنی گردید یک پسر شدند مولوی شاه علی حسن عرت ابویان  
 جوان شده کمالات صوری و معنوی رسیده شادی شد از سماعه بی بی بتول دختر  
 کلانی مولوی محمد امام قادری نو جوان رحیل ملک بقا شدند اولاد نماند و شادی ثانی  
 مولوی فرد رحمه الله علیه از قصبه مولوی عبدالعلی گردید از بطن ابن زوجیه  
 اولاد شدند اکثر اولاد و پسر و یک دختر که خدا شده وفات یافتند کلانی مولوی  
 شاه نور العین که سجاده نشین بعد پدر بزرگوار شدند شادی ایشان از دختر  
 عم خور و مولوی محمد حسین صاحب شده بود وقت رحلت ایشان فرزند بی بود  
 خور و سال قضا کرد بعد ایشان سجاده نشین برادر ثانی شدند مولوی شاه علی  
 حبیب الله علیه و زوجه ایشان هر دو از دختران مولوی رحایت حسین  
 ابن مولوی ولایت حسین ابن مولوی عبدالعلی از هر دو بطن اولاد نماند و دختر



و پسر در اینجا مناسب افتاده که ذکر فریت مولوی عبدالعلی مرحوم نمایم باید دانست  
 بمولوی شاه عبدالغنی سه دختران یک زوجه مولوی محمد اشرف والد مولوی محمد و بهبه  
 و ثانی زوجه مولوی شاه ابوالحسن فرزند ثالث زوجه مولوی عبدالعلی یک دختر ایشان  
 زوجه ثانیه مولوی فرد مرحوم پنج پسر یک مولوی ولایت حسین پدر بزرگوار مولوی  
 رعایت حسین دومی مولوی نوازش علی یک دختر ایشان بود زوجه مولوی ظییر الحق  
 ابن مولانا ظیور الحق سومی پسر مولوی عیسی که از دختر مولانا ظیور الحق که خدا شانه  
 یک پسر ایشان و اما و جناب مولوی فرد مرحوم و چارمی مولوی کمال بنود و  
 بعد جلیله شد اما مال لا ولد کردند انتقال پنجمی مولوی محمد بیس نوجوان  
 بردند و مولوی عبدالغنی خلف الرشید مولوی عبدالغنی با وجود علم شریعت  
 و طریقت که داشتند بی بی حافظ قرآن نیز آنحضرت ذی شان ازین عالم  
 لا ولد رفتند جانشین شان پسر خواهر زاده شان شاه وحید الحق ابن مولوی  
 محمد و بهبه اندشادی ایشان نیز از دختر مولوی رعایت حسین شد خلف ثانی  
 جناب حضرت شاه نعمت الله قدس سره مولوی شاه ابوتراب رحمه الله علیه  
 آنجناب بے نظیر منشی در علم صوری و معنوی بودند شادی ایشان از دختر  
 شاه و عبد الله شده بود رحمه الله علیه یک پسر ایشان بودند ذی علم  
 و ارسته عالی صاحب سلیم مولوی عبدالکریم در سن نمور سیده رحلت کردند اولاد  
 و نه بانجناب دیگر اولاد شدند فرزند سوم بودند جناب اوستاد مولوی محمد امام

عالی مقام بر تبه شادت شدند اختتام از دختر کلانیه مولانا احمدی رحمه الله علیه  
 که خدا کردند و دو پسر و سه دختر تولد شدند دختر کلانی زوجه ابو میان ثانی  
 زوجه شاه مصطفی مذکور دختر خور دلا ولد عبد پسر کلانی مولوی آل احمدی ش  
 حدیث و حاجی عمر پسر بفر کردند متاهل نشدند فرزند ثانی مولوی نور احمد که از دختر  
 برادر عمزاد و خالاتی مولوی محمدتکلی که خدا شد ندیک پسر ایشان را نام معلوم  
 مولوی منظور احمد داماد کلانی شاه علی حبیب مرحوم باقی کیفیت اولادشان  
 دریافت نیست فرزند چهارم جناب معلی القاب و ستادی مولوی شاه  
 ابو الحیوة که از دختر ثانیه مولانا احمدی علیه الرحمة که خدا شدند و دو پسر  
 کلانی مولوی محمدیحیی که از دختر عمه که خدا شده می اولاد اند و پسر ثانی شاه محمد  
 بعارضه طحال اند جوانی رحلت کردند فرزند پنجم آنجناب شیخ مات حضرت  
 شاه نعمت الله قادری جناب معلی القاب مولوی محمد قادری که جمیع صفات  
 بودند موصوف از دختر شاه نور یک دختر شد پیدا که زوجه مولوی محمدیحیی شد  
 از بطن آن عقیقه دو پسر و یک دختر شدند کلانی مسمی غلام دستگیر اند جوانی  
 رقتند بملک بقاشانی مولوی عنایت رسول مقبول اهل قبول نوجوان فرستند  
 الا اولاد گذاشتند و خواهر ایشان زوجه مولوی نور احمد مرحوم زیاچه نامیم متوفی  
 فرزند ششم آنحضرت مولوی محمدحاج و یا مولوی علی سجاد که با وجود تحصیل  
 علم ظاهری بطریق فقر غلبه داشتند کلماتی اهل ایشان را در ذمه مولوی

ابو الفضل شده بود ثانی شادی از دختر خال خور و ایشان گردید یعنی  
از دختر حکیم مظفر پس اند موجود یک مولوی عمر در از نام دیگران  
ندارم یاد فرزند هفتم مولوی محمد حسین بودند شادی اول ایشان  
از دختر خال کلانی حکیم واعظ السد شده بود و فرزند آن موجودند ظف کلانی  
مولوی یه السد با مولوی مولائی شدند رحیل ملک بقا کیفیت اولاد  
در یافت نشد الا دختر مولوی صاحب زوجه شاه نور العین بودند با خمر  
عمر بهزیارت حرمین شریفین رفتیم حج ادا ساخته در اینجا گردیدند

### انتقال انا الله وانا الیه راجعون

ذکر اولاد حضرت مخدوم شاه بدر الدین شیار پوری قدس  
باید دانست این بزرگ از سیادات غظمی سلوی نسب بوده اند بطریق  
فردوسیه میداشتند چند واسطه خلف و خلفا حضرت مخدوم الملک  
قدس سره از آنجا که بودند حواری این خاک از ذکر ذریت نکاشت  
آنچه یافت که نسب نامه علی فتلس الا نیافت که می نکاشت  
باید شنید فرزند آن ایشان یک بهیخته آل اند و ثانی اولاد و فرزند  
آل آنجناب یک شاه منظر احمد پدر بزرگوار شاه اقبال حسین خمر  
شاه سیاه خان مکسوی بلکه سر دو برادر و فرزند ثانی مولوی  
مظفر نبی یک دختر ایشان زوج ثانی مولوی محمد کبی باقی کیفیت

قدرت ایشان نامعلوم الای آرنده بیره بنیه محمد دوم بر پشت  
 پنجم بودند میر محمد سید ابن سید محمد حبیب زائر در یافت میت  
 ذی اقبال که خدائی ایشان در قصبه دانا پور شد در فرامیت  
 ملکیان دانا پور کے شیخ زاده در انخانه چند زنان بودند بیوه  
 و فرزندان صغیرین چونکه صاحب شعور و تمیز بودند فرامین  
 با و شاهی در آنجا یافتند برگرفتند و رسوخیت صوبه یافته  
 حضوری در دربار با و شاهی گردید منصب جاگیر یافته بن خطاب  
 چو و هری شدند معروف چو و هری محمد سعید حسان  
 گردید صغیر زمین داری حصول و سکونت نیز گردید و قصبه  
 دانا پور که معروف محل چو و هری است الغرض یک پر  
 ایشان چو و هری عثمانی و ارث نام بایشان پسران  
 شدند چهار هر یک نامدار یک چو و هری غلام شرف و دومی  
 چو و هری غلام حسین سومی چو و هری غلام حیدر چارمی  
 چو و هری غلام امین هر دو برادر سوم و چهارم عمر یافته  
 لا ولد رفتند از نیاعلم الای پسر چو و هری غلام حسین  
 بودند چو و هری دوست علی اولاد ایشان شدند از محل ثانیه  
 الا از همه کلمات بود چو و هری غلام شرف

یک پسر ایشان چودهرمی غلام نجف و سه خواهر  
 ایشان دختران چودهرمی غلام شریف یکی جان بی بی  
 عرف بی بی جنود شادی ایشان در موضع کرائی بر سر ای آینه  
 حال اولاد ایشان در یافت نشد و دومی بی بی منون شادی  
 ایشان در قصبه چمپره بجله هیان وان بود از میر سلامت علی  
 گردید و دانا پور شدند مقیم یک پسر ایشان میر مقصود علی  
 و خواهر ایشان بی بی نمودن زوجه ادلی میر عساکر علی صاحب  
 لاولد بمروند مسماة مغفوره و دو پسر و یک دختر بودند بمیر  
 مقصود علی یکی سید فقیر علی دومی سید امیر علی که خدا شده لاولد  
 بمروند و خواهر ایشان نیز در ایام صغر سن فوت شد باید دانست  
 دختر چودهرمی غلام شریف از همه کلا فی مسماة زینب النساء  
 و دختر ایشان یکی بی بی زینب دومی بی بی رحمت زوجه چودهرمی  
 میر دوست علی ابن چودهرمی میر غلام حسین و بی بی زینت زوجه مفتی برکت الله  
 یک دختر ایشان مسماة قدیر النساء که مولوی سید منور علی صدراعلی ابن میر شوخی  
 ساکن موضع شیخ پوره که خدا شدند و پسر ایشان میر نور علی قاضی یک پسر ایشان  
 عمر دراز داماد مولوی سید شاه حسین ابن مولوی سید  
 واجد حسین ابن میر قانچش مرحوم و پسر دوم مولوی منور علی

سید اضر علی والد میر شمس المهدی شادی اولی ایشان بموضع  
کانه حه گردید از دختر میرا محمد علی ذمی اولاد اند و خواهر  
ایشان زوجه سید محمد کلیم ابن سید قمر علی برادر میر نور علی

### ذکر اولاد چو دهری غلام نجف

با یزید شادی چو دهری غلام نجف عرت چو دهری  
ژوما از دختر بنزلف شیخ عبد المجید پهلوانی گردید که شیخ  
عبد المجید بنزلف شیخ غلام حیدر ساکن موضع رودخانه  
بودند محصول چار سپرد یک دختر از بطن این عقیقه  
بچو دهری غلام نجف شد فرزند گلانی سید عابد علی  
که کمال عنده و شان صیغه زمین داری انجام کردند و نیز داوند  
روفق به تجارت شادی اولی ایشان از خواهر میر مقصود علی  
شده بود شادی ثانی از سماته و جماعت سماته و جو دختر  
شیخ غلام حیدر ساکن موضع رودخانه گردید یعنی از خواهر  
مفتی غلام قادر مرحوم اولاد این بی بی شد چنانچه میر  
عابد علی صاحب باین ثروت و اقبال ازین عالم لا و لند شدند  
المنه من پسرفانی چو دهری غلام نجف میر خورشید علی  
که مدام عمر بسلسله روزگار بسر کار حکام بسر اختند

شادی ایشان بموضع پهلوانی شد از مسماة سکران دختر مولوی بدیع الزمان  
 ابن شیخ عبد المجید و مولوی بدیع الزمان داماد بودند شیخ غلام حیدر از مسماة  
 حیاتبین که خدا محصول از بطن مسماة سکران یک دختر شد مسماة رحمن کوازیه  
 محمد عظیم ابن میر قمر علی که خدا شد ذی اولاد اند یک پسر ایشان سید نصر الدین  
 خواهر این زوج مولوی و حیدر الدین صدر اعلی و پسر سوم چودھری غلام نجف  
 سید احمد علی که از دختر شیخ قطب الدین ابن شیخ عبد المجید که خدا شدند اولاد شدند و پسر  
 چهارم سید دومی احمد عرف سید محمد ولی سه شادی ایشان کردند از بطن کسے  
 اولاد شدند بالکل مالک ترکہ زوجہ ثالث شدند و دختر چودھری غلام نجف مسماة  
 طاہرہ زوجہ میر قمر علی ابن میر روشن علی دو دختر ایشان و سه پسر یکی سید  
 محمد عظیم مذکور الصدر داماد میر خورشید علی مرحوم دومی سید محمد کلیم داماد سید ظہیر  
 ابن مولوی منور علی سوئی پسر محمد عظیم و خواہر کلانی ایشان زوجہ سید حاج حسین  
 مسماة حمیدہ یک پسر شدہ بود و پسر دواہر ثانی ایشان زوجہ سید نور الحسن خواہر  
 ناظر سید خدا علی در اینجا کیفیت ذریت چودھری محمد سعید خان انجام یافت  
 چیزی ذکر صاحبان موضع نیچورہ کہ قراہت بیان ایشان اند می نگار و دفعہ  
 باو یکی از سیادت نامی کہ نام یادند از اولاد حضرت حسین صغیر ابن حضرت امام  
 زین العابدین رضی اللہ عنہ کہ سلسلہ سلسلہ بالا دریافت شد چو نکہ اولادشان  
 ذی اقبال شدند و قرابت داری شد واقع حسب یادینو سید یعنی ان بزرگ

رئیس بود چهار پسر بود و مذویت دو پسر مولوی منور علی و سید قمر علی یعنی شادی میر  
 روشن علی از دو دختر هم اوسط شد از یک بطن مولوی سید منور علی و از دیگر  
 میر قمر علی که کیفیت اولاد بالا تخریر شد و از نیرگان پسر چهارم میر انور علی و نیز  
 فقیر بخش هر یک ذی اولاد اند و پسر کلانی برادر دو یک میر بهادر علی و دومی میر حیدر علی  
 ابنان میر نور علی پسر میر حیدر علی منشی سید عبدالعلی و نیز بهادر علی صاحب راسم پسر  
 شدند و سه دختر پسر کلانی میر سخاوت علی که از دو دختر سید محمد جعفر خان که خدا شدند  
 یک پسر ایشان سید ولایت حسین و یک دختر و پسران سید ولایت حسین سید  
 کمال الدین حسین و سید ظهیر الدین حسین و سید خیر الدین حسین در قرابت خواهر زاد  
 این خاکساران پسر دوم میر بهادر علی ناظر سید فدا علی یک دختر ایشان که از نوکو  
 علی حسن عرف حسنوا بن مولوی افضل علی که خدا شد از سید نور الحسن موجود اند و  
 پسر سوم میر مقصود علی که کیفیت ذیت شان دریافت نشد الا پسر یک خواهر هر سه  
 برادر سید حامد حسین و اما دکلانی میر قمر علی بودند و میر فرحت حسین ساکن تبه برادر  
 میر برکت حسین و میر اسد علی هر سه خال این هر سه برادر ذی اقبال بودند  
 و میر فرحت حسین راسم پسر میر سخاوت حسین و میر ولایت حسین و میر شجاع حسین  
 اولاد دختر می هر سه برادران موجود اند .

ذکر آبا اجداد سید حسین علی

یکی از اجاب منشی سید فضل الدین احمد که از سیادت رضوی اند کیفیت نسب ذیت



آنچه که معلوم هست بنویسد از آنجا که فرزند آنچند نشی مرحوم میر سید حسین علی که از  
یاران قدیم جناب حضرت انجی الاعظم ولی محترم جناب حضرت سید شاه محمد قاسم  
قدس سره اند و نیز کامیاب محبت جناب حضرت پیر مرشد قطب العصر سید شاه  
قمر الدین حسین قدس سره اند و نیز مشرف از زیارت جناب مظهر السرائر  
سید شاه خواجه ابوالبرکات قدس سره اند علت غائی تحریر بدین مختصر که یک خلاصه  
قدیم محبتیم این فقیر حقیر نیز اند و نیز بفضل اکثر برادران ایشان را حصول شرف  
بیعت از جناب حضرت انجی الاعظم قدس سره دهم و دیگر غنیان ایشان حقیقت  
سلسله بیعت از جناب انجی سرمنشسته اتحاد و طبع اند که ارشاد سید شاه محمد عباد  
دام فیضه و بهرگاه هست درین کتاب ذکر نسب و اولادشان ضرور واجب شد حالا  
تحریر بنماید

### در اینجا ذکر نسب میکند تحریر حسب سلسله توقیر

جد الجد میر سید حسین علی سید فیض الدین شیخی میان از سیادات رضوی مطهر  
مقام مالک رام نو دارد قصبه بجد و بی ضلع مرزا پور خلف الرشید ایشان سید باب  
خلف شان سید محمد زمان فرزند ایشان چهارم کی ذی بیات و اقتدار از ان بعد  
سکونت شان بقصبه داود نگر ضلع بهار گردید پس کفانی ناظر سید فضل محمد<sup>۳</sup>  
پسر ایشان یکی سید ارث علی که از خضر عم سید فضل احمد که خدا شده ذی اولاد  
شدند پسر ثانی ناظر فضل محمد مرحوم میر واصل علی که بطریق مذہب والد خود

مانند ثالث سید تفضل حسین و وپسر ایشان سید اکبر حسن و سید اکبر حسین و  
 امام پسر سید وارث علی سید وارث حسین خلف ثانی سید محمد زمان سید فضل الدین  
 پسر ایشان سید حسین علی مذکور الصدر و وپسر ایشان یکی سید محمد صدیق دومی  
 سید اکبر حسین و چند دختران پسر سوم سید محمد زمان سید فضل الدین پسر ایشان  
 سید طفیل علی و خواهر ایشان یکی منسوب از سید حسین علی دومی منسوب از سید  
 رکن الدین ابن سید فضل امام ذکر سید فضل امام ابن سید محمد زمان الحصول  
 شش پسر سید فضل امام شدند یکی سید رکن الدین مرحوم مذکور الصدر دومی  
 سید امیر الدین سه پسر ایشان سید حمیر الدین و سید حبیب الدین و سید ولایت حسین  
 پسر سوم سید فضل امام سید سراج الدین هنوز دومی اولاد نیستند چارمی سید  
 فتح الدین لا اولد پنجمی سید جلال الدین پسر ششم سید فضل امام سید میر الدین حیدر  
 انبه سید سجاد حسین نواسه سید حسین علی باقی پسر پنجم سید محمد زمان سید  
 فضل حسین که در عروج ماند بسیار پیش حاکم وقت در شهر بر علی الاشبیه نزدیک  
 در مذنب تعصب و برادر کلانی و خود را الحمد لله دریات این برادران خشی المذنب  
 و ابو العلامی مشرب شدند الغرض دو پسر شدند سید فضل حسین سید محمد حسین  
 پسران این دو یکی سید محمد تقی و سید تقی و نیز چند دختران بودند سید محمد زمان  
 از آنجمله فرزند یک دختر سید قربان حسین که بیعت ایشان را از بزرگی بطریق قادی  
 بود و ارسته حال وارده جذب کمال صاحب ذوق و شوق و فرزند دختر دیگر

شیخ ذوالفقار علی که مونس این فقیر بودند و فیضیاب ورین طریقه از حضرت  
پیر مرشد قطب العصر بودند و او را یک دختر سید محمد زمان زوجه شاه بند حولا هوری  
که از خلفا حضرت شاه رکن الدین عشق قدس سره بودند و ولد و ولد رحلت کردند حالا  
بتفصیل ذکر ذریت شان نمایم آنچه که معلوم و شادی ایشان اکثر در بنی اعمام است  
که تفصیلاً معلوم نیست سید احمد حسین و ولد سید طفیل علی و سید خبثت حسین و ولایت حسین  
و سید ضمیر الدین پسران سید امیر الدین حمید مرحوم موجود اند و سید علی بخش  
و ولد سید ضمیر الدین و پسران سید تفصل حسین سید اکبر حسین و سید اکبر حسن

### تمت

خاتمه الطبع اقامه شکسته رقم به چهلان کجج زبان شیخ امیر الدین احمد  
چشتی صاحب کجی خلف الاکبر شیخ نصیر الدین احمد چشتی ابن الاکبر  
شیخ خیر الدین حسین چشتی ساکن موضع پائنده پور گنه شاه جهان پور  
ضلع پٹنہ یکی از فرزندان جناب حضرت خواجہ معین الدین قدس سره الغرین  
بعد حمد و ثناء کون مکان و تحت پیغمبر آخر الزمان و منقبت ایام طهارت حیدر کرار  
و ثناء اصحاب کبار احمد مختار برجله حضرات گل گلشن سیادت گوهر آبدار  
دریای نجابت اختر تابنده بهرج شرافت عالی حسب و الانساب  
واضح باد که درین زمان حمید و وقت سعید نسخه نمایا بند کر انساب



قطعه تارخ طبع طبع غرض محمد کاظم صاحب کوکب ابن شیخ شجاعت علی  
صاحب کن قصد صاحب حج ضلع گیا تلمین رشید سید منیر الدین احمد  
صاحب کیفی و میر خوشید علی صاحب نفیس

چرخ خوش طبع شد کنز الانساب کز روی	بود تا قیامت نسب را تسلسل
بهر لفظ او جلوه گر روی معنی	بجام بلورین رخ شاد دل
سواد سطورش بصفح بیاضش	چو سنبل پسرین فروخته کاکل
چهارونق آب و نرگش برآمد	همانا تو گوئی که شد دست گل
زها تف چو پدید کوکب سن او	بگو شمع ند اگر دگشت تسلسل

ایضا

محمد اشد کوکب کنز الانساب	لباس طبع در بر کرد امروز
بسال اختتام الطباعش	رسم کرد مگل تر رونق افروز

ایضا

هوئی مطبوع جبیر کنز الانساب	بتالیفات فانی خوش اوقات
لکها کوکب فی سال از روی الجبل	چپا اب مخزن نسب سیادات

ایضا

زبرج طبع کوکب کنز الانساب	بزرگ شمس طالع گشت هرگاه
بتاریخ شیوع الطباعش	نو شتم قدوه سادات ذیجاه

قطعه تاریخ طبع از طبع نشینان سخن گفتار حسین علی میرزا

صد شکر حق جل و علا کاین سخن از فرد صفا  
 با طبع مطبوع آمده و کشف نخل صفا  
 طبع لیسال طبع او چون شد فکری سر فرو  
 یافت بمن گفتا بگو تاریخ حال او لیا

شمار

چونکه حاجی سید عطاء حسین

معروف بعبد الرزاق صاحب مصنف

کتاب هذا حق تصنیف را بر اقم بهبه فرموده اند

لنذا مید که کسی بدین اجازت راقم قصد طبع

این کتاب نکند و روزه از روی خنده

فانون بجرم از تکاب طبع کتاب

موهوب صورت نقصان بظهور آید

المستتر  
 نورالدین بن جیواخان

